مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

شاخص‌های تربیتی جهاد اقتصادی از منظر قرآن

محمدنا حسانی

بسم الله الرحمن الرحیم

شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی از منظر قرآن

نویسنده:

محمد احسانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی از منظر قرآن

مشخصات کتاب

سرشناسه : احسانی، محمد، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور : شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی از منظر قرآن/محمد احسانی.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۲۴۸ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۲۰۳-۰

یادداشت : کتابنامه .

موضوع : اسلام و اقتصاد -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۱۰۴ /الف۷ الف۳ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۷۴۶۲۸

ص:۱

فهرست مطالب

ص:۴

ص:۵

فصل چهارم: شاخصهای تربیتی در حیطه کنشی و رفتاری

فصل پنجم: راهکارهای تقویت شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی در رسانه ملی

دیباچه

ص:۷

دیباچه

بی گمان برای تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد رفاه عمومی، نیازمند سطح خاصی از توانایی اقتصادی هستیم برای رسیدن به این سطح از اقتدار مالی و استقلال و هویت یابی و عزت مندی، آهنگ سریعی از رشد اقتصادی را می طلبد؛ که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی با نام گذاری سال ۱۳۹۰ به سال «جهاد اقتصادی» بر این امر مهم تأکید نمودند. حال بر مدیران و سیاستگذاران برنامه های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی است که در بکار بست اهداف مورد نظر ایشان اهتمام ورزند. به راستی میان فعالیت ها و تلاش های اقتصادی و توسعه اقتصادی با جهاد اقتصادی فاصله زیادی وجود دارد. در جهاد اقتصادی علاوه بر جهاد عمومی و همه جانبه در پیشرفت تکنیکی و صنعتی یک نوع ایمان و اعتقاد معنوی هم نهفته است که توأم با مبارزه است.

حال بر فعالان اقتصادی است که با استفاده از تمام امکانات و تلاش های شبانه روزی خود در پیشبرد اهداف جهاد اقتصادی مورد نظر مقام معظم رهبری کوشا باشند و با برنامه ریزی صحیح، هماهنگ با مدیران برنامه ساز و سیاست گذاران به مبارزه جهادگرانه در اقتصاد بپردازند.

ص:۸

جامعه اسلامی که اقتصادش نیز اسلامی است باید بر مبنای اهداف و اصول و شاخص های اقتصادی گام بردارد از این رو تعیین شاخص های تربیتی در حوزه مطالعاتی و راهبردی اهمیت فراوانی دارد که تبیین این شاخص ها برای دستگاه های اجرایی و مدیران فرهنگی، به خصوص رسانه ملی بسیار سودمند می باشد تا با اطلاع رسانی و فرهنگ سازی، مدیران و برنامه سازان رسانه ملی به راحتی بتوانند برنامه سازی کنند.

بنابراین مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما بر آن شد تا بر اساس اصول و مبانی اسلامی جهت تکامل مادی و معنوی اداره زندگی جامعه اسلامی، شاخص های جهاد اقتصادی را از منظر تربیتی مورد ارزیابی قرار دهد و به جهادگران عرصه اقتصاد مطالبی را در سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری با استناد به آیات با رویکرد رسانه ای در اختیار اصحاب رسانه قرار دهد.

در پایان از پژوهشگران محترم جناب آقای محمد احسانی و جناب آقای محمدحسین درافشان که در فرصتی اندک به ارائه این پژوهش توفیق یافتند، تشکر و قدردانی می شود.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

ص:۹

پیش گفتار

بی گمـان، اقتصـاد از نظر تأمین معیشت و رفع نیازهای مادی و جسـمانی، مهم ترین عامل اثر گـذار در اداره امور زنـد گی بشـر است. ازاین رو، امور اقتصادی و برنامه های مالی، بخش عمده فعالیت های فرد، خانواده، جامعه و نهادهای سیاسی هر کشوری را تشـکیل و نیروهای فراوانی را به خود اختصاص می دهند. حوزه تولید، توزیع و بازار مصـرف، هم از نظر مدیریت و سیاست گـذاری و هـم از نظر فعـالیت فیزیکی، در عرصه کـار و صـنعت و پروژه هـای اجرایی، گسـتره وسـیعی دارد. بی تردیـد، رشـد اقتصادی جامعه نشان دهنده اقتدار ملی، اسـتقلال، هویت یابی، عزت مندی و در مجموع، عامل برتری آن جامعه در سـطح بین المللی است. اگر کشوری از نظر اقتصاد، فن آوری، صـنعت و تکنولوژی، به رشد و توسعه یافتگی رسیده باشد، در دیگر جنبه های سیاسـی و اجتماعی نیز برتر خواهد بود. امروزه، اهرم اقتصادی یکی از اهرم های مهم و اثرگذار در جهان است که قدرت هـای بزرگ دنیـا همچون امریکـا، چین و اروپـا بـا در اختیـار داشـتن آن، هر روز بر کشورهـای دیگر فشـار می آورنـد تـا آن کشورها به خواسته هایشان گردن نهند و سلطه آنها را بپذیرند.

مبـارزه اقتصادی با دشـمنان اسـلام و کشورهای قـدرت منـد جهان، تنها راه رهایی از این وضـعیت و رسـیدن به فضای مطلوب است؛ زیرا آنها هر روز برای تضعیف جوامع مسلمان برنامه ریزی می کنند تا از هر راهی که می توانند،

جوامع اسلامی را عقب افتاده نگه دارنـد و زمینه رشد علمی و اقتصادی مسـلمانان را از بین ببرند. طبیعی است در رویارویی با اسـتکبار اقتصادی، میان رسـیدن به رشد علمی و پیشـرفت تکنیکی و صـنعتی تا دست یابی به خودکفایی، فاصـله زیادی وجود دارد که جهـاد عمومی و همه جـانبه را می طلبـد. به همین منظور، جهـاد اقتصـادی به عنوان مبـارزه مـادی و معنوی با اسـتکبار جهـانی، طراحی و نـام گـذاری شـده است تا همه مردم به ویژه فعالان عرصه اقتصاد با اسـتفاده از تمام امکانات و تلاش شـبانه روزی، به مقابله با دشـمن برخیزنـد. به راستی، اگر مـدیران، برنامه ریزان، سـیاست گزاران، کارگران و هر کس که در میـدان تولیـد، توزیع و مصـرف فعـالیت دارد، بـا همـاهنگی کامـل به مبـارزه جهـادگرانه در زمینه اقتصـاد بپردازد، جامعه در زمانی نه چندان دور، به رشد مطلوب و خودکفایی خواهد رسید.

جهاد اقتصادی مطلوب باید مبتنی بر مبانی و اصول اسلامی باشد تا بر این اساس به تکامل مادی و معنوی برسد. به همین دلیل، تعیین شـاخص های این جهاد، از منظر تربیتی، لازم و ضـروری می نمایـد. شاخص ها در هر حوزه مطالعاتی و فرآینـدی همان نقشه راهی است که مسیر حرکت را نشان می دهند، و فعالیت ها و برنامه ریزی ها و کارهای انجام شده را ارزیابی می کنند و می سـنجند. در این تحقیق، شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی واکاوی شده است و به جهادگران عرضه می شود تا با توجه به آن شـاخص هـا، جهاد اقتصادی را به سامان برساننـد. شاخص های تربیتی، در سه حیطه شـناختی، عاطفی و رفتاری، بررسـی و شاخص های هر حوزه به استناد قرآن و روایات به علاقه مندان معرفی می شود.

این نوشـتار چهار فصل دارد: شاخص های شـناختی (بینشی)، شاخص های عاطفی (گرایشی)، شاخص های رفتاری (کنشی) و در فصل آخر نیز راه کارهای تقویت شاخص های به دست آمده به وسیله رسانه را بررسی

می کنـد. نکته قابـل توجه این است که شـاخص هـا، ناظر به سه مرحله تولیـد، توزیع و مصـرف خواهنـد بود که ارکان اصـلی اقتصاد را تشـکیل می دهند. اگر در بعضـی موردها، این سه حوزه به دلیل خاصـی تفکیک نشود، دقیقاً این نکته در نظر گرفته می شود و خود خواننده باید تشخیص دهد که کدام شاخص به کدام حیطه و حوزه مربوط است.

فصل اول: کلیات

اشاره

ص:۱۲

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. طرح مسئله

۱. طرح مسئله

«جهاد اقتصادی»، اصطلاحی جدید است که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در سال جاری، آن را مطرح کرد و به عنوان نام سال انتخاب شد. این کار و جعل این اصطلاح، بی ریشه نیست، بلکه با مطالعه دقیق علمی و اندوخته های دینی و قرآنی صورت گرفته است؛ زیرا جهاد اقتصادی، هم ناظر به فعالیت های فیزیکی در عرصه اقتصاد است و هم بیانگر جنبه معنوی و ارزشی فرآیند اقتصادی است. واژه «جهاد»، بار معنایی خاصی دارد و اصطلاح معروف قرآنی است که از مبارزه و مجاهده با کافران و دشمنان اسلام حکایت دارد. چه اینکه جهاد به عنوان یکی از فروع دین، مفهوم و الزامات ویژه ای دارد و از صدر اسلام تاکنون، جزو اصلی ترین برنامه های سیاسی و اجتماعی مسلمانان بوده است. بر این اساس، جنبه معنوی جهاد را باید در جهاد اقتصادی در نظر گرفت و جهادگران باید با اخلاص و جلب رضایت خدا به فعالیت اقتصادی بپردازند.

جهاد بر جنبه فیزیکی و سخت افزاری اقتصاد نیز دلالت دارد. ازاین رو، جهادگران باید در عرصه های اقتصاد اعم از تولید، توزیع و مصرف حضور

یابند و به کار و تلاش بپردازند؛ زیرا تنها نیت و قصد بدون عمل، کافی نیست، بلکه نیت درست همراه با عمل شایسته، باارزش است. به همین علت، در قرآن کریم، همیشه عمل صالح پس از ایمان آمده است و به این نکته اشاره دارد که فقط باور قلبی در سعادت بشر کفایت نمی کند، بلکه باید رفتار صحیح و درست به آن ضمیمه شود.(۱) به هر صورت، جهاد اقتصادی دارای دو جنبه است و باید هر دو جنبه را در نظر گرفت و در زمینه رشد مادی و معنوی کوشید.

مسئله ای که در باب اقتصاد وجود دارد، توجه مردم به جنبه مادی آن است که بیشتر درصدد کسب درآمد مالی هستند، نه رشد معنوی. ازاین رو، از هر وسیله ای، بدین منظور استفاده می کنند و به حلال و حرام بودن آن توجه ندارند. شاید این طیف، اکثریت فعالان اقتصادی در جهان و حتی جوامع مسلمان را تشکیل دهند. بر این اساس، تعیین شاخص های تربیتی از منظر قرآن و اسلام برای در امان ماندن از خطا و لغزش، در فرآیند جهاد اقتصادی، بیش از پیش ضرورت دارد. در این باره، به علت تازه بودن طرح، کار پژوهشی صورت نگرفته است و باید زمینه پژوهش در باب شاخص های تربیتی در حوزه اقتصاد و امور مالی به وجود آید. اکنون این نوشتار به این مهم پرداخته است تا زمینه پژوهش های بیشتر و عمیق تر درباره شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی فراهم شود.

۲. پیشینه پژوهش

ص:۱۴

۱- «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هادُوا وَ النَّصارى وَ الصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صالِحاً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که [به پیامبر اسلام] ایمان آورده اند، و کسانی که به آیین یهود گرویدند و نصاری و صابئان [پیروان یحیی] هرگاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند، و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است و هیچ گونه ترس و اندوهی برای آنها نیست. (هر کدام از پیروان ادیان الهی، که در عصر و زمان خود، بر طبق وظایف و فرمان دین عمل کرده اند، مأجور و رستگارند». (بقره:۶۲)

۲. پیشینه پژوهش

به صورت عام، بحث درباره «شاخص» و «شاخص سازی» در عرصه علم و پژوهش، سابقه ای طولانی دارد و از دیرباز در علوم قدیم و جدید، دینی و غیردینی، بررسی شده است. شاید از جمله کاربردهای اولیه واژه «شاخص» و استفاده از فرآیند «شاخص سازی»، در علم فقه و به ویژه حوزه عبادات بوده است؛ چون تعیین وقت نماز به ویژه وقت نماز ظهر در قدیم، بر اساس شاخص های طبیعی صورت می گرفت. مسلمانان از آغاز ظهور اسلام، با این مسئله روبه رو بودند و در منابع فقهی به آن توجه می شد. مسلمانان، صفحه ای را با تقسیم بندی خاصی از سنگ یا چوب درست می کردند که به ساعات مختلف شبانه روز مربوط بود. همچنین میله ای روی آن نصب می کردند، به گونه ای که سایه میله به صورت دَوَرانی و پی درپی، روی هر یک از آنها قرار می گرفت و در نقطه ای معیّن که می رسید، وقت نماز ظهر را نشان می داد.(۱) امروزه نیز در برخی مدارس دینی و مکان ها به ویژه در صحن حرم مطهر رضوی، در مشهد مقدس، شاخصی از سنگ نصب شده و برای تشخیص وقت نماز ظهر در معرض تماشا و استفاده عموم قرار گرفته است.

به مرور زمان، بر اثر توسعه دانش بشری به ویژه علوم انسانی، در کاربرد واژه «شاخص» نیز توسعه و تنوع ایجاد شد که هم از جهت مفهومی توسعه یافت و هم از جهت کاربرد در زمینه های مختلف علمی، در قلمرو این کلمه، تعمیمی پدید آمد. به همین دلیل، شاخص سازی در رشته های گوناگون علوم انسانی، مانند اقتصاد، سیاست، جامعه شناسی، روان شناسی، تعلیم و تربیت و

ص:۱۵

۱- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج۳۰، واژه «شاخص»، ص۴۸؛ جواد تبریزی، سیری کامل در خارج فقه معاصر، تهیه و تنظیم: محمد دادستان، کتاب الصلاه، ج۱، صص ۴۲۲ و ۴۳۴.

امثال آن در این اواخر، به سرعت گسترش یافته است. برای هر کدام از پدیده هایی چون توسعه و عدم توسعه و تورم و بی کاری در اقتصاد، رشد و کاهش جمعیت و مرگ و میر انسان در علوم اجتماعی، میزان شرکت مردم در انتخابات و امور سیاسی در علم سیاست، سواد و علم آموزی یا افت تحصیلی در تعلیم و تربیت، شاخص هایی تعریف شده است. گذشته از این، هر مرکز آموزشی، سیاسی، اقتصادی و اداری، شاخص هایی در مورد فعالیت های مورد نظر خود ساخته اند که بر اساس آن عمل می کنند.

اقتصاد در همه مراحل شاخص هایی دارد و به ویژه اقتصاددانان برای رشد کمّی تولید، توزیع و میزان مصرف سرانه و امثال آن، شاخص هایی معرفی کرده اند. با این حال، چون جهاد اقتصادی، اصطلاح نسبتاً جدیدی است و با مفاهیم ارزشی و دینی، پیوند عمیقی دارد، تاکنون در این زمینه، شاخصی به ویژه از نظر کیفی تعریف نشده است. همچنین فرآیند جهاد اقتصادی و پیمودن مسیر درست آن، بدون داشتن شاخص های دینی و قرآنی مشکل به نظر می رسد؛ چون تلاش در امور اقتصادی، در هر مرحله از آن با آسیب هایی روبه رو است که ممکن است دامن گیر جهادگران شود، همان گونه که بسیاری در این وادی گرفتارند و نمی توانند خود را نجات دهند. ازاین رو، تلاش شده است در این تحقیق، به برخی از شاخص های مهم در عرصه جهاد اقتصادی دست یابیم و آنها را به مجاهدان اقتصاد و صنعت و فن آوری ارائه دهیم.

۳. هدف پژوهش

۳. هدف پژوهش

همان گونه که از عنوان اصلی طرح برمی آید، عمده ترین هدف تحقیق، تدوین شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی از منظر قرآن و حدیث است. طبیعی است که نخست، شاخص های تربیتی از متون دینی، یعنی قرآن و روایات و

سپس از سخنان بزرگانی همچون حضرت امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری استخراج شود. این کار به منظور بهبود فرآیند جهاد اقتصادی و رسیدن به رشد مادی و معنوی جامعه صورت می گیرد تا هم از انحراف های احتمالی پیش گیری کند و هم به رفع مشکلاتی که از نظر اقتصادی در جامعه وجود دارند، یاری رساند. آگاهی از شاخص های تربیتی، انگیزه هم دردی، همکاری، تعاون و امدادرسانی به تهی دستان و محرومان جامعه را در عموم مردم و به ویژه توانگران ایجاد می کند؛ زیرا بسیاری از شاخص های تربیتی در جهاد اقتصادی، با نیازمندان و تلاش برای فقرزدایی، انفاق و ایثار ارتباط دارد و راه را برای تأمین نیازهای آنان فراهم می سازد.

۴. روش پژوهش

۴. روش پژوهش

هر پژوهشی نیازمند به کارگیری روش خاصی در انجام فرآیند تحقیق است و پژوهشگر باید پروژه مورد نظر را با روشی متناسب با آن، به سامان برساند. چه بسا فرآیند تحقیق به دلیل گستره بحث و تنوع مطالب ممکن است پژوهشگر را به بهره گیری بیش از یک روش ناگزیر سازد. از آنجا که این موضوع، بیشتر بر جنبه کیفی و دینی شاخص ها تکیه دارد، لازم است از روش متناسب با آن استفاده کرد. بدین جهت، در روند شاخص سازی و تعیین شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی از مطالعه اسناد و مدارک با روش تحلیلی ــ توصیفی در فضای کتاب خانه استفاده شده است. نویسنده، اطلاعات مورد نیاز را از منابع مربوط به جهاد اقتصادی، تعلیم و تربیت و به ویژه تفاسیر قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام و نیز سخنان امام راحل رحمه الله و رهبری، جمع آوری کرده و با یافته های علوم تربیتی، به تجزیه و تحلیل، استنتاج و ارائه شاخص ها پرداخته است.

۵. قلمرو جهاد اقتصادی

ص:۱۷

۵. قلمرو جهاد اقتصادی

جهاد اقتصادی از دو واژه پر کاربرد یعنی «جهاد» و «اقتصاد» ترکیب شده است که هر کدام از این دو، دامنه ای وسیع دارند و حوزه های گوناگونی را دربرمی گیرند؛ زیرا هم جهاد عرصه گسترده ای دارد، مانند جهاد با دشمن درون و بیرون و هم اقتصاد حوزه های متعددی که شامل تولید، توزیع و مصرف می شود. هر یک از این عرصه ها و حوزه ها نیز دارای گستره ای متنوع هستند که خود، بحث مستقلی را می طلبند. طبیعی است اصطلاح «جهاد اقتصادی» به علت اینکه هم با جهاد و مبارزه با دشمن ارتباط دارد و هم با کار و تلاش در میدان اقتصاد، از قلمرو وسیعی برخوردار است؛ چه اینکه مجاهدت در دو جنبه مادی و معنوی مورد نظر است و این دو باید ترقی و پیشرفت داشته باشند. رشد مادی بدون معنویت، انسان را از خدا دور می کند و معنویت صرف بدون استفاده از نعمت های الهی، در عصر کنونی، ره به جایی نمی برد. اسلام و قرآن هم به تکامل مادی و معنوی سفارش کرده است، چنان که ابراهیم خلیل علیه السلام از خدا می خواهد تا حسن دنیا و آخرت را برایش عنایت کند.(۱)

بر این اساس، جهاد اقتصادی قلمرو وسیعی دارد و همه شئون زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و مراحل اقتصاد اعم از تولید، توزیع و مصرف و مانند آن را فرا می گیرد. همچنین همه اقشار مردم، مشمول طرح جهاد اقتصادی هستند؛ زیرا همگان به نظام خانواده و اجتماع وابسته اند و از فرآورده های اقتصادی بهره می برند. کسی را نمی توان یافت که به خانواده و

۱- «رَبَّنا آتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً؛ پروردگارا! به ما در دنیا (نیکی) عطا کن و در آخرت نیز (نیکی) مرحمت فرما». (بقره: ۲۰۱)

جامعه متعلق نباشد و از محصولات اقتصادی استفاده نکند. حتی اگر چنین آدمی وجود داشته باشد، در اداره امور شخصی، ناگزیر باید از حداقل امکانات استفاده کند. به هر صورت، جهاد اقتصادی، چنین دایره وسیعی دارد و بر این اساس، همه مردم باید در جهاد اقتصادی مشارکت داشته باشند و در رسیدن به خودکفایی بکوشند تا پیشرفت مادی و معنوی در جامعه به دست آید.

با وجود این، جهادگران و فعالان عرصه اقتصاد و کسانی که به طور مستقیم در فرآیند اقتصاد نقش دارند، وظیفه بیشتری دارند و باید با شناخت وظایف و استفاده از شاخص های تربیتی در حوزه تولید، توزیع و مصرف در مسیر دست یابی به هدف عالی نظام اسلامی، تلاش همه جانبه داشته باشند. کارآفرینی، نوآوری، صرفه جویی، بهره مندی از فرصت و فرصت سازی، فقرزدایی و ده ها ویژگی و فعالیت اثربخش، از جمله شاخص های تربیتی است که در نبرد اقتصادی با دشمنان اسلام باید در نظر گرفت. مجاهدان سنگرهای اقتصاد باید شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی را نقشه راه خود بپندارند و در زمینه تحقق عینی و واقعی آنها بکوشند.

۶. پرسش های پژوهش

اشاره

۶. پرسش های پژوهش

زیر فصل ها

الف) پرسش اصلی

ب) پرسش های فرعی

الف) پرسش اصلی

الف) پرسش اصلی

شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی از منظر اسلام کدامند؟

ب) پرسش های فرعی

ب) پرسش های فرعی

۱. از نظر شناختی، چه شاخص های تربیتی در زمینه جهاد اقتصادی وجود دارد؟

۲. جهاد اقتصادی از نظر عاطفی و گرایشی و رفتاری دارای چه شاخص هایی است؟

۳. راه کارهای تقویت این شاخص ها از طریق رسانه کدامند؟

۷. تعریف واژگان کلیدی

اشاره

ص:۱۹

۷. تعریف واژگان کلیدی

یکی از کارهای لازم در هر تحقیق، تعریف کلمات کلیدی و اصطلاحاتی است که در سامان دهی فرآیند پژوهش به کار می روند. شناخت واژگان اصلی تحقیق به پژوهش گر امکان می دهد تا با دید روشن و احاطه کامل بر جنبه های گوناگون موضوع، وارد فرآیند پژوهش شود و با آمادگی کامل، به بررسی آن بپردازد؛ چراکه تعریف مفاهیم، بسیاری از ابهام ها را برطرف می کند و راه روشنی را در برابر محقق می گشاید. ازاین رو، در این بخش از سخن، به شناسایی و تبیین مهم ترین واژگان به کار رفته در این پژوهش می پردازیم.

الف) تربیت

الف) تربیت

واژه «تربیت» از نظر لغت، مصدر باب تفعیل، از ریشه «رَبَبَ» یا «رَبَوَ»، به معنای رشد، نمو، زیاد شدن، افزایش یافتن و اصلاح چیزی است. ابن منظور در لسان العرب می نویسد: «تربیت از ربو، به معنای زیادتی، رشد، نمو و نگه داری است.»(۱) راغب اصفهانی، تربیت را تغییر تدریجی امری می داند که آن چیز به گونه ای به حدّ تمام برسد.(۲) صاحب کتاب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم با تجزیه و تحلیل آرای اهل لغت به این نتیجه رسیده است: «اکثر اهل لغت، واژه تربیت را از ریشه «رَبَبَ» و یا «رَبَوَ» می دانند.»(۳) وی می نویسد:

تربیت از ریشه ربب (ربَّ) عبارت است از: «سوق دادن شیء مورد تربیت به سوی کمال مطلوب و رفع نقایص و کاستی های آن. ابتدا با

۱- «الزیاده و النشاء و التغذیه و المحافظه و النماء.» محمد بن مکرم بن منظور، لسان العرب، ماده «ربو».
۲- «انشاء الشیء حالاً فحالاً الی حد التمام.» حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ماده «رب».
۳- حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۱۸، ماده «ربّ».

تخلیه یعنی رفع ناخالصی ها و زدودن موانع و پاک کردن همه آنچه مانع کمال است و سپس تحلیه به معنای گنجاندن هر آنچه که به استکمال متربی کمک می کند.(۱)

تربیت از ماده «ربو» به معنای رشد تدریجی و تغییر کمّی و کیفی متربی است. به نظر او، فرآیند تربیت در ابعاد مختلف اعتقادی، اخلاقی، آداب فردی و اجتماعی، علوم رایج و امثال آن کاربرد دارد. همچنین انسان، حیوان یا حتی گیاهان، به اقتضای طبیعت خود می تواند تحت تربیت و پرورش قرار گیرند.(۲)

تربیت در اصطلاح، تعریف واحدی ندارد، بلکه هر کدام از دانشمندان، بر اساس دیدگاه خود در باب هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی و به طور کلی، فلسفه تربیتی خویش، تعریفی از تربیت ارائه داده اند. مرتضی مطهری، تربیت را پرورش استعدادهای درونی بالقوه و به فعلیت رسانیدن آن دانسته است.(۳) برخی دیگر، تربیت را پرورش استعدادهای مادی و معنوی و هدایت آن به سوی کمالاتی تعریف کرده اند که خداوند در وجود آدمی قرار داده است.(۴) در کتاب فقه تربیتی این تعریف نسبتاً جامع و کامل درباره تربیت آمده است:

فرآیند کمک و یاری رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری اوست که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دست یابی وی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای اوست.(۵)

۱- همان، «سوق الشیء الی جهه الکمال و رفع النقص بالتخلیه و التحلیه». ج ۴، ص۱۸، ماده «ربّ».

۲- همان.

۳- محمدباقر حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، ص۶.

۴- مهدی صانعی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص۱۱.

۵- علی رضا اعرافی، فقه تربیتی، ج۱، ص۲۸.

این تعریف از تربیت، نسبت به دو تعریف پیشین، جامع تر بوده و به جنبه های گوناگون تربیت توجه کرده است. با این حال، چون به اراده و تصمیم متربی تصریح نشده و همچنین فرآیند تربیت را در مقام اجرا به یکی از ساحت های آن وابسته کرده است؛ درصدد هستیم تعریف دیگری، متناسب با اهداف این پژوهش ارائه دهیم که پرورش هم زمان متربی در همه ساحت ها را فرا گیرد، نه تنها در یکی از جنبه های تربیت. با نظر به آیات و یافته های اندیشمندان مسلمان، می توان گفت تربیت عبارت است از:

فرآیند منظم و هدف مند که به منظور فراهم ساختن زمینه رشد همه جانبه متربی در ساحت های مختلف انجام می گیرد؛ به گونه ای که خود وی با اراده و اختیار خویش در مسیر تکامل مادی و معنوی گام بردارد و به هدف نهایی که همان تقرب به خداست، نایل گردد.

ب) شاخص

ب) شاخص

واژه شاخص(۱) در لغت به معنای میله، برآمده، تیر، تیرک، نمودار، فرد ممتاز، نماینده، علامت و مشخص کننده وقت نماز ظهر است.(۲) برخی واژه شناسان، معانی دیگری چون پایه، رئیس، منتخب جامعه، شاخص هزینه زندگی، راهنمای جاده و میله مدرجی از فلز یا چوب که در نقشه برداری کاربرد دارد و برای تعیین جهت، تراز را به سمت آن متوجه می سازند، برای واژه «شاخص» بیان کرده اند.(۳) در فرهنگ توصیفی علوم تربیتی آمده است:

«شاخص»، علامت یا مقیاسی است که روابط موجود میان دو یا چند متغیر (کمّی ـ کیفی) را در زمانی مشخص به صورت ارزش های

۱- Indicator-Index.۱.

۲- آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر (عربی ـ فارسی)، واژه «شخص»، ص۳۲۲؛ محمد معین، فرهنگ فارسی، ج۲، واژه «شاخص»، ص۱۹۹۳.

۳- فرهنگ فارسی، ج۲، واژه «شاخص»، ص۱۹۹۳.

عددی (میانگین، نسبت و واریانس) به طوری که معنی و مفهوم لازم را برساند، بیان می کند.(۱)

ارل بَبی،(۲) شاخص را به «سنجه ترکیبی متغیرها» تعریف کرده که از ترکیب گویه های جزئی و هم طراز تشکیل شده است و متغیرهای مورد نظر را می سنجد.(۳) مثلاً «دین داری» به عنوان شاخصی از گویه هایی مانند پای بندی به اعتقادات دینی، رفتن به مسجد و خواندن نماز تشکیل شده است که بر اساس آن، میزان دین داری افراد را می سنجد.(۴) بر این اساس، شاخص، نشانه و نمودی قابل اندازه گیری یا مقیاسی برای ارزیابی فعالیت های انجام شده است که تعیین میزان موفقیت افراد، نشان دادن مشکلات، پیش بینی روند کار و تعیین خط مشی کلی برای رسیدن به هدف است.

بر این اساس، اصطلاح شاخص در زبان فارسی و عرف دانشمندان، دارای مفهومی گسترده تر از اصطلاح ایندکس(۵) در زبان لاتین است؛ چراکه این اصطلاح، به شاخص های کمّی دلالت دارد و شاخص در مفهوم متداول به شاخص های کیفی نیز گفته می شود. چه بسا امروزه کاربرد شاخص در شاخص های کیفی، بیش تر از شاخص کمّی مشاهده می شود. شاخص های کیفی، ماهیت غیرشمارشی دارد و به صورت عبارت و گزاره و با مفاهیمی چون عالی، خوب، متوسط، ضعیف و خیلی ضعیف، بیان و اندازه گیری می شود.(۶)

ج) شاخص تربیتی

۱- محسن فرمهینی فراهانی، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، ص۲۷۷.

۲- ۵.Erl Babbie.

۳- ارل ببی، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: رضا فاضل، ج۱، صص ۳۴۶ _ ۳۵۰.

۴- همان، ص۳۵۳.

۵- ۸.Index.

۶- شهربانو پاپی نژاد و سیده فاطمه محبی، شاخص های سنجش وضعیت زنان و خانواده، ص۲۵.

ج) شاخص تربیتی

شاخص تربیتی، معیارهایی برای سنجش میزان رشد تربیت در جنبه های مختلف، در صورت مقایسه افراد با یکدیگر، در هر یک از این ابعاد است. مثلاً ـ اُفت نمرات دانش آموزان در درس خاص، با وجود صلاحیت و تلاش معلم می تواند شاخصی برای مشکل بودن مطالب آن درس باشد.(۱) منظور از شاخص تربیتی در این پژوهش، معیارها و نشانه هایی است که مسیر جهاد اقتصادی را مشخص و راه رسیدن به اهداف تربیتی در باب اقتصاد را هموار می سازند. شاخص های تربیتی نسبت به سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری، مربوط به حوزه تولید، توزیع و مصرف، در مجموع الگوی مناسبی را در عرصه اقتصاد در اختیار جهادگران قرار می دهد تا بر اساس آن بتوانند بدون انحراف و آسیب پذیری، به اهداف از پیش تعیین شده دست یابند.

د) جهاد

د) جهاد

واژه «جهاد» از ریشه «جَهَدَ» در زبان فارسی، به معنای کوشیدن، کوشش کردن، جهد کردن، زحمت طاقت فرسا و زحمت فراوان تحمل کردن(۲) آمده است. در کتاب العین آمده است:

جهد (به ضم یا کسر اول) سختی، مشقت یا زحمتی است که از مرض یا امر مشکل عاید انسان می شود. منظور از این سخن که می گویند: فلانی جهاد کرد، آن است که قدرت خود را به کار انداخت، متحمل مشقت گردید، تلاشی توأم با رنج از خود نشان داد.(۳)

ابن منظور در لسان العرب، معانی دیگری همچون مبالغه و زیاده روی، غایت، نیرو و انرژی را به مفهوم «جهد» افزوده است. وی در تفاوت جَهد و

ص:۲۴

۱- فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، ص۲۷۷.

۲- فرهنگ معاصر (عربی ـ فارسی)، ص ۹۷، واژه «جهد».

۳- خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۳، ص ۳۸۶.

جُهـد گفته است: «جَهـد به معنـای مشـقت، مبالغه، غایت و جُهـد به معنی وسع و نیرو به کار می رود.»(۱) صاحب التحقیق فی کلمات القرآن در یک جمع بندی به این نتیجه رسیده است:

ریشه جهد در اصل به معنای بذل نیرو و سعی نهایی در رسیدن به هدف است؛ به نحوی که آخرین سعی را در نیل به هدف انجام دهد و بالاتر از آن تلاشی ممکن نباشد. منتهی این تلاش انواعی زیاد دارد. بـذل مال، جهاد با جسم و اعضای بدن و جهاد با فکر را شامل می شود. این تلاش ها ممکن است در راه خدا باشد یا هدف های دنیایی و شخصی.(۲)

کلمه «جِهاد»، مصدر و در اصطلاح قرآن به معنای تلاش و فعالیت خاصی است که فرد از خود نشان می دهد. معنای اسمی آن در زبان فارسی، جنگ و مبارزه است، چنان که در قرآن کریم آمده است: «وَ جِهادٍ فی سَبیلِهِ؛ و جهاد در راه خدا.» (توبه: ۲۴) یعنی به همین معنای مصدری به کار رفته است. این کلمه در جای دیگر نیز به معنای کوشش در راه خدا به کار رفته است: «إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهادًا فی سَبیلی؛ اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودی ام هجرت کرده اید، پیوند دوستی با کفار برقرار نسازید.» (ممتحنه: ۱) در آیه «وَ جاهِدْهُمْ بِهِ جِهادًا كَبیرًا؛ و به وسیله آن [قرآن] با آنان [کافران] جهاد بزرگی کن» (فرقان: ۵۲) و «حَقّ جِهادِهِ؛ حق جهادش را ادا کنید» (حج: ۷۸) نیز به معنای اصطلاحی به کار رفته است.

ه) ویژگی های جهاد مقدس

ه) ویژگی های جهاد مقدس

در مجموع، از معانی لغوی و کاربردهای جهاد و مشتقات آن در قرآن به این نکات رهنمون می شویم:

ص:۲۵

۱- لسان العرب، ج ۳، ص ۱۳۳.

۲- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۲۷.

نوعی تلاش و جدیت خارج از حد معمول در مفهوم «جهاد» نهفته است. بنابراین، به هر کاری نمی توان جهاد گفت.

جهاد، تلاشی همراه با قداست و معنویت است و بر تلاش های غیرمقدس، جهاد صدق نمی کند.

جهاد مستلزم نیت و قصد الهی است و باید برای کسب رضایت خدا انجام گیرد.

نوعی رقابت و مبارزه نیز از معنا و کاربرد جهاد استفاده می شود و گویی همواره جهاد با مخالفان و دشمنان قابل تصور است.

جهاد انواع مختلف دارد و همه آنها از منظر قرآن دارای قداست و ارزش معنوی است.(۱) اگر بر جهاد با نفس در آیات و روایات تأکید شده، به دلیل دشمنی نفس با سعادت انسان است.(۲)

کوشش، با صرف همه امکانات جسمی، مالی و نیرو و انرژی در راه رسیدن به هدف مقدس همراه است.(۳)

جهاد هیچ گاه تعطیل بردار نیست و همیشه باید در حال مبارزه با دشمن بود و توان آمادگی برای دفاع را افزایش داد.(۴)

و) اقتصاد

و) اقتصاد

این کلمه در زبان واژه شناسان، از ماده «قَصِدَ» در معنای رفتن، روان شدن، قصد چیزی یا کسی را کردن، خواستن، نیت کردن، در اندیشه کاری بودن(۵) و

ص:۲۶

۱- نک: مرتضی مطهری، جهاد، صص ۲۰ _ ۶۰.

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله: «اعدی عدوِّک نفسک التی بین جنبیک؛ نفست که بین دو پهلویت قرار دارد، سرسخت ترین دشمن توست.» (نهج الفصاحه، ترجمه: ابراهیم احمدیان، ص ۶۶).

۳- حسین نوری، جهاد، ص۱۴.

۴- قاسم شبانیا، آثار جهاد در روابط بین الملل.

۵- فرهنگ معاصر (عربی _ فارسی)، ص ۵۴۴، واژه «قصد».

امثال آن به کار رفته است. همچنین اقتصاد(۱) به معنای اعتدال و میانه روی نیز آمده است. در مجمع البحرین، ذیل آیه «وَ اقْصِدْ فی مَشْیِکَ؛ [پسرم!] در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن.» (لقمان: ۱۹) آمده است:

کلمه «إقصد»، صیغه امر به معنای دستور به عدالت و میانه روی است؛ چراکه لقمان به عنوان یک مربی نمونه به فرزندش می گوید: اعتدال را در راه رفتن حفظ کن.(۲)

خلیل بن احمد فراهیدی در کتاب العین در بیان مفهوم «اقتصاد» گفته است:

قصد به معنای استقامه الطریق، یعنی پایداری در راه است. میانه روی در زندگی اقتصادی آن است که نه اسراف کند و نه «تقتیر» و سخت گیری.(۳)

راغب در مفردات می گوید: «اقتصاد به معنای اعتدال در امور است بدون افراط و تفریط به تناسب هر موضوع. در اقتصاد اعتدال به پرهیز از اسراف و بخل ورزی است.»(۴) همچنین در لسان العرب، عمده معنای «اقتصاد» همان اعتدال و میانه روی ذکر شده است: «هرگاه توصیه می شود «علیکم بالقصد» یعنی بر شما باد ملازمت حد وسط بین افراط و تفریط در همه امور، اعم قول و فعل و فکر و عقیده و چیزهایی مانند آن.»(۵) مصطفوی در نتیجه گیری از اقوال لغت شناسان می گوید:

۱- اقتصاد در زبان لاتین Economy از دو کلمه یونانی oikos (خانه) و Nomos (قانون) گرفته شده که در زبان فارسی به «تدبیر منزل» ترجمه شده است. نک: جواد ایروانی، اخلاق اقتصادی، ص۲۴.

۲- فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص۱۲۷.

۳- کتاب العین، ج ۵، ص ۵۴.

۴- المفردات فی غریب القرآن، ص۶۷۲، واژه «قصد».

۵- لسان العرب، ج ۳، ص ۳۵۳.

اصل در معنای قصـد، توجه کردن به کار و اقـدام عملی بر انجام آن است. دیگر معانی ماننـد اعتدال از قراین حالی و مقالی یا مقامی استفاده می شود یا از لوازم معنای اصلی به شمار می روند.(۱)

اقتصاد در اصـطلاح علم اقتصاد(۲) به عنوان دانش بررسـی رویـدادهای اقتصـادی در زمینه تولیـد، توزیع و مصـرف به کار می رود.(۳) به عبارت دیگر، دانش اقتصاد به بررسـی روش های به کارگیری منابع کمیاب به منظور تولیـد کالاها و خدمات برای توزیع میان افراد نیازمند و گروه های اجتماعی برای مصـرف می پردازد.(۴) بنابراین، علم اقتصاد، دانشی است که به تخصیص بهینه کالاهـا و فرآورده هـا می پردازد؛ علمی که به تشـریح حیـات اقتصادی و پدیـده های آن و ارتباطشان با عوامل کلی آنها توجه دارد.

مسئله اقتصاد به عنوان یکی از مهم ترین مسائل زندگی بشـری مطرح است و اسلام نیز نگرش خاصی به آن دارد. نظام اقتصاد اسـلامی عبـارت اسـت از مجمـوعه قواعـد کلی ارائـه شـده در اسـلام در زمینه روش تنظیم حیـات اقتصـادی و حـل مشـکلات اقتصادی در راسـتای تأمین عدالت اجتماعی. اقتصاد اسلامی بر خلاف اقتصاد غربی، بر قناعت و پرهیز از مصرف گرایی تأکید دارد. اقتصاد غربی نیازهای انسان را نامحـدود، و منابع و امکانات جهان را محـدود می داند. این در حالی است که در اسـلام، منابع و امکانات، نامحدود معرفی شده اند.

نگاه اسـلام به مسـئله اقتصاد، نگاه خـدامحورانه برای اصـلاح و سـعادت انسان است و امور اقتصادی بشـر را جزئی از مجموعه قوانین خود می داند که

۱- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۲۶۸.

۲- ۸.Economics.

۳- حسن آقا نظری، نظریه پردازی اقتصاد اسلامی، ص۳۹.

۴- جواد ایروانی، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص۲۴.

تنها می تواند قسمتی از حیات انسانی را تنظیم کند و حل مشکلات اقتصادی را در اصلاح مبانی عقیدتی و اخلاقی مردم مؤثر می شمارد. این نوشتار با استفاده از داده های علم اقتصاد و با رویکرد دینی، می خواهد چگونگی رفتار فرد، گروه یا جامعه را در ارتباط با اموال و منابع اقتصادی در سه حوزه یادشده یعنی تولید، توزیع و مصرف بر اساس آموزه های اسلامی بررسی کند.(۱)

ز) جهاد اقتصادی

ز) جهاد اقتصادی

عبارت «جهاد اقتصادی»، ترکیبی از دو کلمه «جهاد» و «اقتصاد» به اضافه «یای» نسبت است که به آخر آن افزوده شده است. بنابراین، معنای آن عبارت با نظر به دو واژه یادشده معلوم می شود. بر این اساس، جهاد اقتصادی دارای نکات و خصوصیاتی است که در تک واژگان آن وجود دارد. برای شناخت بهتر مفهوم جهاد اقتصادی، پیش از هر چیز، سراغ سخنان مقام معظم رهبری برویم که این نام را به عنوان شناس نامه سال ۱۳۹۰ انتخاب فرمود؛ چراکه با دقت و تیزنگری ایشان، افزون بر نکات و خصوصیات نهفته در تک واژگان، ویژگی های دیگری نیز در این اصطلاح در نظر گرفته شده است که باید به آن توجه شود. ایشان بارها درباره جهاد اقتصادی سخن گفته و هر بار، شاخص هایی را برای اجرای فرآیند جهاد اقتصادی در سال جاری بیان کرده است. «رشد پرشتاب»، «ارتقای سهم بهره وری» و «روحیه جهادی، استحکام معنویت و روح ایمان و تدین در جامعه» از جمله نشانه هایی هستند که در سخنان مقام معظم رهبری در نوروز سال ۱۳۹۰ در حرم مطهر رضوی بیان شده است.(۲)

ص:۲۹

۱- سید حسین میرمعزی، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، ص۲۱.

۲- سخنرانی در حرم رضوی، ۱/۱/۱۳۹۰.

همچنین در بازدید ایشان از منطقه صنعتی عسلویه و سخنرانی در جمع مسئولان و کارکنان پالایشگاه های صنعت نفت، ویژگی های دیگری برای جهاد اقتصادی، بیان و جهاد اقتصادی به معنای «مبارزه اقتصادی» در برابر استکبار جهانی معنا شده است. به فرموده ایشان، «جهاد اقتصادی، یعنی مبارزه اقتصادی همه مسئولین»(۱) در برابر جهان غرب با تمام نیرو. ایشان تصریح فرموده است:

جهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست، [بلکه] جهاد، یک بار معنایی ویژه ای دارد. هر تلاشی را نمی شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن، مفروض است.(۲)

بدین معنا که جهادگران عرصه اقتصاد، همواره خود را در حال مبارزه با دشمنان اقتصادی جبهه استکبار ببینند و راهی را که در پیش دارند، با عزت و سربلندی ادامه دهند.

در مجموع، از سخنان معظم له و معانی لغوی جهاد، به این نتیجه می رسیم که جهاد اقتصادی، فعالیتی بادوام و مستمر، همراه با سرعت و شتاب و تحول آفرین بوده و فرآیندی است مبتنی بر ارزش های دینی و اسلامی که فقط بر محور دین و قرآن قابل تحقق است. قصد و نیت خدایی، رو یارویی با دشمن، استفاده از همه امکانات و توانایی ها و ایستادگی تا آخرین لحظه، از جمله شاخص های جهاد اقتصادی است. این شاخص ها باید در سال جاری در همه فعالیت های صنعتی، اقتصادی و امور مالی در سراسر کشور دقیقاً رعایت شود.

۸. شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی

۱- سخنرانی در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، ۸/۱/۱۳۹۰.

۲- همان.

۸. شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی

بـا توجه به تعریف واژگـان ذکر شـده می توان گفت شـاخص های تربیتی در حوزه جهاد اقتصادی عبارت است از نشانه هایی که در سه حیطه شـناختی، عاطفی و رفتاری بایـد وجود داشـته باشـند و مورد نظر برنامه ریزان و مجریان فرآیند جهاد اقتصادی قرار گیرد. این شاخص ها، سـمت و سو و جهت حرکت اقتصادی را معین می کنند و راه درست پیشرفت و توسعه را در اختیار مسـئولان و دست اندرکاران امور مالی و صـنعتی قرار می دهند. اگر مجموع این شاخص ها استخراج شود و در عمل نیز محور رفتار اقتصادی قرار گیرند، فرآیند فعالیت اقتصادی جهادگرانه را در نظام جمهوری اسـلامی، از دیگر نظام های شـرق و غرب، متمایز می سازند.

همان گونه که از عنوان این عبارت ترکیبی برمی آید، در این نوشتار، منظور از بیان شاخص ها، شاخص های تربیتی و اخلاقی جهاد اقتصادی است که از متون دینی، مانند قرآن و حدیث و سـیره معصومین علیهم السلام استخراج می شود؛ نه شاخص های اقتصادی و آماری که در منابع علم اقتصاد به تفصـیل بیان شده است. بر این اساس، شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی در سـه فصل، به ترتیب حیطه بینشی، گرایشی و رفتاری و ناظر به سه بخش تولید، توزیع و مصرف ارائه می شود.

۹. رابطه متقابل مؤلفه های اقتصاد

۹. رابطه متقابل مؤلفه های اقتصاد

اقتصاد دارای سه مؤلفه اساسـی است که هر کدام با زیرمجموعه هایی که دارند، فرآیند اقتصاد را تشـکیل می دهند. آن مؤلفه ها عبارتند از تولید، توزیع و مصـرف که در جای خود تبیین خواهند شد. در اینجا فقط به ارتباط آنها اشاره می کنیم تا سلسـله مراتب هر یک از تولید و توزیع و مصرف و تأثیر متقابل آنها روشن شود. آن گونه که در چرخه اقتصاد پیداست و در

بررسی های علمی و فنی به آن پرداخته اند، تولید در درجه اول، توزیع در مرتبه دوم و مصرف در آخرین مرحله از فرآیند اقتصاد قرار دارد. این عناصر از هم جدا نیستند و هر کدام بر دیگری ــ در عین حال که رتبه وجودی آن متأخر است ــ بر مؤلفه پیش از خود تأثیر دارد. برای نمونه، مصرف، هدف نهایی فرآیند اقتصاد است و در واقع، تولید و توزیع برای مصرف انجام می گیرد و اگر بر فرض، بازار مصرفی نباشد، تولید و توزیع معنا ندارد. با این حال، مصرف، هم بر تولید و هم بر توزیع اثرگذار است و این گونه نیست که مصرف فقط تابعی از تولید و توزیع باشد، بلکه چگونگی مصرف بر تولید و توزیع اثر می گذارد. البته همان طور که مصرف بر دو عنصر تولید و توزیع اثر دارد، آثار دیگری نیز بر زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی و به طور کلی، بر رشد مادی و معنوی انسان اثر می گذارد که جای بحث آن در این نوشتار نیست.(۱)

همچنین توزیع بر تولید و نیز بر مصرف و همچنین تولید بر توزیع و مصرف، اثر متقابل دارد. به همین علت، اختلال در هر یک از مؤلفه های تولید به کل فرآیند اقتصاد آسیب می رساند و در نتیجه، کل چرخه اقتصاد دچار مشکل می شود. در نهایت، به این نتیجه می رسیم که میان سه مؤلفه تولید، توزیع و مصرف، رابطه متقابل برقرار است و هر کدام با اینکه در سلسله مراتب وجودی معینی قرار دارند، تأثیراتی نیز بر مؤلفه قبل از خود دارند و باید فرآیند اقتصاد را با همه عناصر آن به صورت یک واحد در نظر گرفت و برنامه ریزی کرد.

فصل دوم: شاخص های تربیتی در حیطه بینشی

اشاره

ص:۳۲

۱- نک: محمد محمدی ری شهری، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و سنت، صص۲۳۳ و ۲۳۴.

فصل دوم: شاخص های تربیتی در حیطه بینشی

شاخص های تربیتی در حیطه بینشی، شاخص هایی هستند که در حوزه شناختی و بینشی امور اقتصادی قرار دارند و از نظر تربیتی، بااهمیت هستند. اگر اقتصاددانان، برنامه ریزان، مدیران و به طور کلی، دست اندرکاران جهاد اقتصادی، واجد این شاخص های اعتقادی باشند، به پیشرفت متعادل و متوازن در عرصه اقتصاد و صنعت، دست خواهند یافت؛ چراکه تقویت بینش و بصیرت دینی بر رفتار و عملکرد انسان اثر می گذارد و در پی اصلاح عقیده، رفتار نیز درست می شود. شاخص های تربیتی در بُعد شناخت و بینش بسیارند، ولی اکنون تنها به مهم ترین شاخص های شناختی اشاره می کنیم که از نظر تربیتی در رفتار جهادگران اقتصادی در عرصه های مختلف تأثیر چشم گیری دارند. در ضمن سعی می شود شاخص ها، ناظر به یکی از سه رکن فرآیند اقتصاد یعنی تولید، توزیع و مصرف باشند.

۱. شاخص های تربیتی بینشی ناظر به تولید

اشاره

۱. شاخص های تربیتی بینشی ناظر به تولید

تولید، فرآیندی است منظم و هدف مند و مؤلفه های متعددی دارد که مجموع اجزای آن با تأثیر و تأثر متقابل، نوعی ساختار و شبکه تولیدی را تشکیل

می دهند. کار، سرمایه، منابع طبیعی و نیروی انسانی، از جمله عناصری هستند که در فرآیند تولید نقش کلیدی دارند و نتیجه فعالیت آنها، به ایجاد کالا و خدمات می انجامد.(۱) مدیریت و فن آوری نیز در فعالیت تولیدی سهیمند و از عوامل تولید شمرده می شوند.(۲)

به هر صورت، نخستین بخش از شاخص های تربیتی که باید به جهادگران عرصه اقتصاد ارائه شود، شاخص های شناختی در ارتباط با تولید فرآوردهای صنعتی و مصرفی یا خدماتی است. در این قسمت، بر اساس باورهای دینی و قرآنی، نسبت به تولید و منابع تولیدی، گزاره های اعتقادی متعددی وجود دارند که باور به آنها، انگیزه تولیدگران را از اندیشه مادیت محض به تفکر خدایی و معنوی افزایش می دهد. ایمان به این گزاره ها و پای بندی به آن، فعالان جهاد اقتصادی را از ماده گرایی و چسبیدن به امور مادی صرف، به اوج عظمت و شکوه روحی و معنوی می رساند. با این وصف، هم میزان کارآیی آنان افزایش می یابد و هم فضای معنوی در کارگا ه ها و مراکز صنعتی، ایجاد و تقویت می شود.

الف) توحیدباوری در امور اقتصادی

الف) توحیدباوری در امور اقتصادی

توحید در اندیشه اسلامی به عنوان اساسی ترین مبانی فکری و معرفتی حوزه اعتقادی، محور همه نظام هستی است. از این نظر، هرچه در این جهان مشاهده می شود، بر محور توحید در حرکت و فعالیت است؛ چراکه همه پدیده های عالم، از سوی خدا آمده اند و به سوی او در سیر و حرکتند: «إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَیْهِ راجِعُونَ؛ ما از آنِ خداییم و به سوی او باز می گردیم.» (بقره: ۱۵۴) خداوند

ص:۳۴

۱- نک: مهدی مجتبوی نایینی، فرهنگ اصطلاحات کار و تأمین اجتماعی، ص۱۱۸؛ یدالله دادگر و تیمور رحمانی، مبانی و اصول علم اقتصاد، ص۱۴۲.
۲- اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص۵۹.

در آیه دیگری می فرماید: «کُلّ إِلَیْنا راجِعُونَ؛ (سرانجام) همگی به سوی ما باز می گردند.» (انبیا: ۹۳) این آیه افزون بر آدمیان، مقصد همه پدیده های هستی را بازگشت به خدای متعال معرفی می کند، بدین معنا که سرانجام، موجودات اعم از مجرد و مادی به سوی خدا باز می گردند.

علامه طباطبایی درباره توحیدباوری می گوید:

اگر انسان با نهادی پاک و دلی آرام، نگاهی به جهان هستی نماید، در هر گوشه و کنار آن، آثار و دلایل وجود پاک آفریدگار را مشاهده خواهد کرد. از هر در و دیواری به ثبوت این حقیقت گواهی خواهد شنید. چه انسان در این جهان با هرچه روبه رو می شود، یا پدیده ای است که خدا آن را آفریده یا خاصیتی است که خدا در آن نهاده یا نظامی است که به امر الهی در همه چیز جاری و حکم فرما گشته است. آدمی نیز خود یکی از همان هاست و سراپایش به این حقیقت گواهی می دهد.(۱)

اگر در امور اقتصادی، چنین اندیشه ای در قلب انسان وجود داشت، بی تردید، همه فعالیت هایش، رنگ و بوی خدایی می یافت. به ویژه در صحنه جهاد اقتصادی، به عنوان کاری مقدس و با ارزش باید با ایمان به یگانگی خدا به فعالیت بپردازد تا هم سود دنیایی و هم سود اخروی نصیبش شود. خداوند در این باره می فرماید: «وَ لَوْ أَنّ أَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السّماءِ وَ ٱلْأَرْضِ؛ و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم». (اعراف: ۹۶)

از این آیه، نقش باورهای دینی و به ویژه توحیدباوری در امور اقتصادی به خوبی، روشن و چنین استفاده می شود که ایمان به عقاید اسلامی افزون بر آنکه پاداش اخروی کار را افزایش می دهد، در دنیا نیز سبب افزایش رزق و

۱- سید محمدحسین طباطبایی، خلاصه تعالیم اسلام، ص ۵۰.

روزی می شود. خداوند به صراحت بیان می دارد که اگر اهل کشورها، شهرها و روستاها، همه به خدا ایمان آورند و تقوای عملی پیشه سازند، از زمین و آسمان، خیر و برکت بر آنها سرازیر می شود. این مطلب، وعده ای واقعی است. در تاریخ نیز به اثبات رسیده است که بسیاری از اقوام و ملل گذشته، غرق در ناز و نعمت بودند، ولی با نافرمانی و انحراف از مسیر توحید نابود شدند.(۱) به هر صورت، توحیدباوری در جهاد اقتصادی، نقش اساسی دارد و جهادگران این عرصه باید با اعتقاد کامل به مبانی دینی و اسلامی و پای بندی به ارزش های اخلاقی، به فعالیت فنی و حرفه ای در زمینه تولید بپردازند.

رهبر معظم انقلاب در زمینه حرکت صحیح اقتصادی می فرماید:

خب، اگر ما بخواهیم این حرکت عظیم اقتصادی در کشور در سال ۹۰ انجام بگیرد، یک الزاماتی هم دارد. این الزامات را هم من فهرست وار عرض بکنم. اولاً ـ روحیه جهادی لازم است. ملت ما از اول انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ این را ما در دفاع مقدس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده می کنیم. اگر ما در بخش های گوناگون، روحیه جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدّیت و به صورت خستگی ناپذیر انجام دهیم ـ نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف ـ بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت. دوم، استحکام معنویت و روح ایمان و تدین در جامعه است. عزیزان من! این را همه بدانند؛ تدین جامعه، تدین جوانان ما، در امور دنیایی هم به ملت و به جامعه کمک می کند. خیال نکنند که متدین شدن جوانان، اثرش فقط در روزهای اعتکاف در مساجد یا در شب های جمعه در

۱- قوم سبأ که قصه شان در قرآن آمده است، با وجود برخورداری از فراوانی نعمت، بر اثر نافرمانی از خداوند، دچار چنین سرنوشتی شدند. (سوره سبأ)

دعای کمیل است. اگر یک ملت جوانانش متدین باشند، از هرزگی دور خواهند شد؛ از اعتیاد دور خواهند شد؛ از چیزهایی که جوان را زمین گیر می کنند، دور خواهند شد؛ استعداد آنها به کار می افتد، کار می کنند، تلاش می کنند؛ در زمینه علم، در زمینه فعالیت های اجتماعی، در زمینه فعالیت های سیاسی، کشور پیشرفت می کنند. در اقتصاد هم همین جور است. روحیه معنویت و تدین، نقش بسیار مهمی دارد.(۱)

ب) ایمان به مالکیت مطلقه خدا

ب) ایمان به مالکیت مطلقه خدا

پس از ایمان به توحید، باور به مالکیت مطلقه خداوند بر پدیده های هستی در فعالیت های اقتصادی نقش بسزایی دارد، به این معنا که مالک حقیقی همه مادیات و آنچه در جهان مشاهده می شود، خدای متعال است(۲) و انسان نسبت به دارایی خود، مالکیت اعتباری دارد. حتی آدمی بر نفس خود هم مالکیت حقیقی ندارد و حق هرگونه تصرف را در خودش ندارد. به همین دلیل، از نظر شرع اسلام، اضرار به نفس، حرام است و هیچ کس حق ندارد به بدنش آسیب برساند. تنها انسان از طرف خداوند اجازه دارد در پدیده هایی که در اختیار دارد، تصرف کند. همچنین در فعالیت های اقتصادی آزادی کامل ندارد، بلکه محدود به اجازه شارع است و هر تصرفی را که اجازه دهد، می تواند به انجام رساند.(۳) ایمان به مالکیت مطلقه خداوند در نظام هستی، آثار تربیتی فراوانی در امور اقتصادی دارد و سبب می شود انسان از رفتارهای نامشروع و حرام در امور مالی در امان بماند؛ چرا که ایمان نوعی مصونیت درونی پدید می آورد و انسان را از باطن به صورت خودکار کنترل می کند.

۱- سخنرانی در حرم رضوی، ۱/۱/۱۳۹۰.
۲- «وَ لِلَّهِ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ إِلَی اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ؛ آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، مال اوست و همه کارها، به سوی او باز می گردد». (آل عمران: ۱۰۹)
۳- اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۴۰.

علامه طباطبایی در این باره می گوید:

اگر آدمی متوجه حقیقت ملک خدای تعالی بشود و آن ملکیت را نسبت به خود حساب کند، می بیند که خودش، ملک مطلق پروردگارش است و نیز متوجه می شود که این ملک ظاهری و اعتباری که میان انسان هاست، دست به دست می شود و از آن جمله ملک انسان نسبت به خودش و مالش و فرزندانش و هر چیز دیگر به زودی باطل خواهد شد و به سوی پروردگارش رجوع خواهد کرد و بالاخره متوجه می شود که خود او اصلاً مالک هیچ چیز نیست، نه مالک حقیقی و نه مجازی. خداوند در روز قیامت می فرماید: «لِمَنِ الْمُلْکُ الْیَوْمَ لِلّهِ الْواحِدِ الْقَهّارِ؛ ملک امروز از آن کیست؟ از آن خداست، واحد و قهار». (غافر: ۱۶)(۱)

ایشان در جایی دیگر می گوید:

اگر انسان ایمان به مالکیت و ربوبیت مطلقه خداوند داشته باشد و ملک عالم و زمین و آسمان را از خدا بداند، چنین کسی اراده نمی کند و طلب نمی نماید، مگر وجه حق باقی را؛ چون هرچه غیرخداست، فانی و باطل است.(۲)

اثر تربیتی اندیشه مالکیت حقیقی و مطلق خداوند، در امور اقتصادی تجلی می کند و صاحب چنین بینش و بصیرتی هرگز دچار انحراف رفتاری و سوء استفاده های مالی نمی شود؛ چراکه همه انحرافات اقتصادی، مانند ثروت اندوزی، تضییع حقوق الناس، معاملات حرام، احتکار و امثال آن بر اثر استقلال خواهی مالی و پندار نادرست به دنیا و مادیات دنیاست. اگر باور دینی نسبت به منابع طبیعی و امور مالی درست شود، بسیاری از مشکلات

۱- تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۵۳۵.

۲- همان، ص ۵۴۰.

اقتصادی موجود در جوامع اسلامی، خود به خود حل خواهد شد. رسانه ها وظیفه دارند در پرورش باورهای دینی مردم بکوشند و اندیشه مالکیت حقیقی و مطلق خدا را در میان جامعه نهادینه سازند. رهبر انقلاب می فرماید:

آن کسی که به خدا، قیامت، حضور در برابر پروردگار، زندگی پس از مرگ، شهادت و توکل معتقد است، در دنیا به گونه ای عمل می کند و کسی که فاقد این جهان بینی است، طور دیگر رفتار می کند.(۱)

معرفی نمادهایی از زندگی معصومین علیهم السلام و سیره بزرگان دین و بی اعتنایی آنان به دنیا، زهد و تقوای مالی و انفاق و ایثار آن بزرگواران از طریق رسانه به مردم، نوعی الگودهی به آنهاست و یقیناً انسان های مؤمن و اهل تقوا از ایشان پیروی می کنند.

ج) معادباوری در امور اقتصادی

ج) معادباوری در امور اقتصادی

عقیده به معاد و روز رستاخیز، از پایه های اساسی و اثرگذار در فعالیت های اقتصادی جامعه است. باور به اینکه روزی باید انسان به پرسش هایی مربوط به مال و دارایی و تمام اعمال و کردارش در سراسر زندگی پاسخ بدهد، سبب می شود عملکردش با رفتار کسانی که چنین باوری ندارند، متفاوت باشد. علامه طباطبایی در این باره می فرماید:

بدان، قیامت روزی است که هیچ سببی از اسباب و هیچ کار و شغلی از خدای سبحان پوشیده نیست؛ روزی که تمامی اوهام از بین می رود و آیات خدا در کمال ظهور ظاهر می شود؛ روزی که مردم در برابر ربّ العالمین به پا خیزند؛ روزی که همه اسرارشان آشکار می شود. چیزی از ایشان بر خدا پوشیده نمی ماند و به همین جهت است که گاهی از مرگ به روز قیامت تعبیر می شود.(۲)

رابطه ایمان با رفتار، بسیار عمیق و ناگسستنی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱- تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص۵۷.

۲- تفسیر المیزان، ج۲، ص۱۶۲.

من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلایؤذ جاره، و من یؤمن بالله و الیوم الآخر فلیقل خیراً او لیصمت، و لایؤمن احدکم حتی یحب لأخیه ما یحب لنفسه.(۱)

هرکس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، به همسایه اش آزار نمی رساند. هرکه به خدا و روز معاد عقیده دارد، از نیکی سخن می گوید یا سکوت اختیار می کند. هیچ کس از شما ایمان ندارد، مگر اینکه آنچه برای خود می خواهد، برای برادرش نیز همان را بخواهد.

از این روایت، نقش باور در رفتار و عملکرد انسان فهمیده می شود که ایمان چه قدر در برخورد او با دیگران اثرگذار است. به ویژه باور به روز قیامت، پرسش و پاسخ و پاداش و کیفر الهی که هر کس در روز قیامت در برابر اعمالش مسئولیت دارد و بر اساس آن، پاداش یا کیفر می بیند.

خداوند در قرآن می فرماید: «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعیمِ؛ سپس در آن روز [همه شما] از نعمت هایی که داشته اید، بازپرسی خواهید شد.» (تکاثر: ۸) انسان ها در روز واپسین درباره مال و ثروتی که به وسیله آن بر دیگران فخرفروشی می کردند و کمترین توجهی به نیازمندان نداشتند، باید پاسخ گو باشند. در حقیقت، هر کاری که آدمی انجام دهد، به سود یا زیان اوست و در قیامت، ثواب یا عقابش به او باز می گردد.

علامه طباطبایی می گوید:

بر هر کسی که گناهی مرتکب می شود، واجب است متوجه این معنا بشود که هر گناهی بکند، علیه خودش می کند و دود گناه به چشم

۱- محمدسعید مرسی، فن تربیه الاولاد فی الاسلام، ج ۲، ص۳۷.

خودش می رود، نه به چشم دیگران؛ هر چند گناه خود را به گردن دیگران بیندازد. چون خدا می داند که گناه را چه کسی مرتکب شده و آن کسی که انجام داده، مجرم است، نه کسی دیگر.(۱)

این گونه فکر و عقیده در رفتار اقتصادی فرد تأثیر بسزایی دارد و می تواند خط مشی او را به کلی تغییر دهد. ممکن است بر اثر اصلاح عقیده، به والدین، ذوی الارحام، همسایگان، فقیران و نیازمندان جامعه، رسیدگی و از ثروت و دارایی اش در راه خدا انفاق کند و به عنوان باقیات و صالحات، به یادگار گذارد. اگر انسان چنین باوری داشت و رفتاری مطابق آن انجام داد، مشکلی در عالم پس از مرگ و روز رستاخیر نخواهد داشت.

د) باور به ربوبیت مطلقه خداوند

د) باور به ربوبیت مطلقه خداوند

پس از اعتقاد به توحید و معاد و مالکیت حقیقی خداوند، باور به ربوبیت مطلقه خدای متعال و اینکه تدبیر نظام عالم در اختیار اوست و هرگونه دخل و تصرفی بخواهد، بدون مانعی انجام می دهد، در رفتار اقتصادی آدمی نقش اساسی دارد.(۲) ربوبیت از کلمه «رب» گرفته شده که به معنای صاحب، مالک، مربی، سرپرستی و پرورش دهنده چیزی یا کسی است.(۳) به نوشته برخی واژه شناسان، تربیت هم به همین ریشه برمی گردد، چنان که مصطفوی می گوید: «تربیت از ریشه ربب (ربَّ) عبارت است از سوق دادن شیء مورد تربیت به سوی کمال مطلوب و رفع نقایص و کاستی های آن.»(۴) به هر

ص:۴۱

۱- تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۱۲۰.

۲- «إِنَّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَیْئاً أَنْ یَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ؛ فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی درنگ موجود می شود!» (یس: ۸۲)

۳- اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص۳۹.

۴- «سوق الشیء الی جهه الکمال و رفع النقص بالتخلیه و التحلیه.» التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۱۸، ماده «ربّ».

صورت، ربوبیت و تربیت از یک خانواده هستند و هر دو به مـدیریت، سـرپرستی و اداره امور اشاره دارند؛ اداره و مدیریت در قلمرو محـدود یـا وسـیع و گسترده. در قرآن کریم، بارهـا کلمه «رب» به کـار رفته است و بیشتر کاربردهای آن درباره ربوبیت جهان هستی دیده می شود.

در نخستین سوره قرآن، خداونـد این گونه وصف شده است: «الْحَمْدُ لِلّهِ رَبّ ِ الْعالَمینَ؛ سـتایش مخصوص خداوندی است که پروردگـار جهانیان است». (فاتحه: ۲) ذکر صـفت ربـوبیت، پیش از رحمت، مـالکیت روز قیـامت و دیگر صـفات الهی، نشـان دهنـده عظمت آن است، هم از نظر جـامعیت و هم از نظر عمومیت، که جـامع صـفات و شامـل همه پدیـده هـاست. البته عموم مردم، این نوع ربوبیت الهی را در دنیـا درک نمی تواننـد، ولی در قیـامت که روز کشف حقایق و اسـرار است، همه می فهمند که جز خدا، کسی مدبّر عالم نبوده است.(۱)

علامه طباطبایی می گوید:

بـه یـاد آر روزی را که بـا مردم بر پروردگـار خـود وارد می شـوی و حقیقت امر را دریـافته، می فهمی که او فقـط مـدبّر امـور زنـدگی تو بوده و جز خـدای تعالی کسـی زندگی ات را اداره نمی کرده و هرچه را که خیال می کردی در تدبیر امرت، مؤثر بـوده، چه اموالی که وسـیله زنـدگی خویش می پنـداشتی و چه اولاـدی که یـار و مـددکارت تصور می کردی و چه همسـر و خویشاوندانت که پشت و پناه خود می دانستی؛ هیچ کدام در تدبیر زندگی تو اثر نداشـته و پندار و خرافه ای بیش نبوده است. روز قیامت، روز کشف بطلان پندارهایی است که در دنیا، آدمی را به خود سرگرم می کنند.(۲)

ص:۴۲

۱- «ثُمَّ إِلی رَبِّکُمْ مَرْجِعُکُمْ فَیُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ فِیهِ تَخْتَلِفُونَ ؛ سـپس بـازگشت همه شـما به سوی پروردگارتان است و شـما را از آنچه در آن اختلاف داشتید، خبر خواهد داد». (انعام: ۱۶۴)

۲- تفسیر المیزان، ج ۷، ص۳۹۶.

اعتقـاد به ربوبیت مطلقه خداونـد، در رفتـار اقتصـادی و فعـالیت های مربوط به آن، نقش عمـده ای دارد و انسان را از انحراف های مالی و افراط و تفریط در این زمینه باز می دارد؛ زیرا باور به ربوبیت خدا، از یک سو، آدمی را از زیاده روی یا تفریط در امور اقتصـادی بـاز می دارد و از سوی دیگر، او را به آینـده امیـدوار می سـازد؛ چراکه انسـان با ایمان به ربوبیت الهی، از یک حامی مطلق و پشـتوانه قوی برخوردار است که اداره امور فردی و اجتماعی او را به عهده دارد. اگر کسی با جدّیت کار کند و بـا برنـامه ریزی دقیق و حسـاب شـده، به فعالیت در عرصه جهاد اقتصادی بپردازد، خداونـد، زحمات او را به نتیجه می رسانـد؛ چون خدا وعده قطعی داده است که اعمال آدمی را بی نتیجه نمی گذارد.

خداونـد در قرآن می فرمایـد: «إِنّ الّـذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحـاتِ إِنّـا لا نُضـیعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلاً؛ مسـلماً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسـته انجام دادند، ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد». (کهف:۳۰) ایمان و عمل شایسته در این آیه با هم آمده است که خداوند به هر دو عنایت دارد. ازاین رو، خداوند هیچ کار نیکویی را بدون پاداش نمی گذارد.

به هر صورت عمل، چه خوب باشـد و چه بـد، نتیجه آن به خود انسان باز می گردد. خداوند می فرماید: «إِنْ أَحْسَـنْتُمْ أَحْسَـنْتُمْ لِأَنْفُسِـكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَها؛ اگر نیکی کنیـد، به خودتان نیکی می کنیـد و اگر بدی کنید، باز هم به خود می کنید.» (اسـراء: ۷) یعنی هر کاری که انسان انجام دهـد، نتیجه اش را می بینـد. اگر کار خوبی کرد، نتیجه خوب و اگر کار بدی کرد، نتیجه بد به او می رسد.(۱) بنابراین، هر کس باید در هر زمینه تلاش کند، کار مثبت و ارزشمند انجام

ص:۴۳

۱- محمد سبزواری نجفی، إرشاد الأذهان إلی تفسیر القرآن، ص ۲۸۸.

دهـد تا علاوه بر سود دنیایی، از ثواب اخروی آن نیز بهره منـد شود. خداوند چنین تدبیر کرده است که هر کس مسئول رفتار خـودش باشـد و ایـن بر اسـاس نظـام احسـن الهی اسـت. جهـادگران اقتصـادی بهره منـدی از این نگرش دچـار افراط و تفریط نخواهنـد شد؛ زیرا همه منابع و فرآورده های اقتصادی را نعمت خدا می دانند و هرگونه تصرف بی مورد در این زمینه را ناروا می شمارند و از آن دوری می کنند.

ه) باور به خلافت انسان در زمین

ه) باور به خلافت انسان در زمین

از دیگر شاخص های تربیتی در حیطه شـناختی و بینشـی که در امور اقتصادی اثر مثبت می گـذارد، باور به خلافت الهی انسان در زمین است. تردیـدی نیست که نوع شـناخت از انسـان و جایگـاه او در نظـام هسـتی، نقش تعیین کننـده ای در شـکل گیری اندیشه ها، تحلیل ها، برنامه ریزی ها و فعالیت های اقتصادی دارد. اگر نگاه ابزاری به انسان داشته باشیم، او را ابزار تولید تلقی می کنیم که فقط در جمع آوری ثروت اثرگذار است، چنان که مکتب مادی گرایی به ویژه رفتارگرایی غرب چنین اندیشه ای درباره انسان دارد.(۱) در این نگرش، قطعاً انسان بریـده از خـدا و آخرت، تنها ابزاری برای کسب درآمـد است و ارزشـی جز انبوه سـازی ثروت وجود نـدارد. طبعاً افراد قوی و سـرمایه دار، مردم عادی و ضـعیف را برای دست یابی به پول و امکانات، به بردگی می گیرند و هیچ حق و حقوقی به آنها اختصاص نمی دهند. بنابراین، هدف اصـلی رسـیدن به سرمایه مادی است و هر اندازه ثروت افزایش یافت، به همان درجه بر قدرت و ارزش و موقعیت اجتماعی افراد نیز افزوده می شود.

اگر نگـاه مـا به انسـان، نگـاه دینی و اسـلامی بود و او را بر اسـاس قرآن کریم، خلیفه خـدا در زمین دانستیم، یقینـاً برنـامه های اقتصادی در همه

۱- سید سعید حسینی، آینده بشریت در اندیشه شهید مطهری، ص۷۲.

عرصه ها تغییر می کند و نگرش ما به ثروت، هدف گذاری اقتصادی، شیوه برخورد با منابع و درآمدهای مالی و شیوه رفتار با دیگران به کلی دگرگون می شود. ارزش انسان از یک وسیله و ابزار کسب درآمد که در غرب مطرح است، به مراتب فراتر می رود و به موجودی ارزشمند و ارزش آفرین بدل می شود. دیدگاه قرآنی، در انسان، جانشین خدا در زمین است(۱) و خدا در حقیقت همه چیز را برای او آفریده(۲) و به او اجازه داده است که از منابع طبیعی، بدون افراط و تفریط و در حد نیاز استفاده کند.(۳)

اعتقاد به جانشینی انسان در زمین به عنوان نماینده خدا در این کره خاکی، ارزش آدمی را روشن می سازد و اینکه نباید با دید تحقیرآمیز به او نگاه کرد، بلکه همیشه باید کرامت او را پاس داشت و نباید کاری بر خلاف کرامت انسانی انجام داد؛ چراکه باید برخی خصوصیات خلیفه نشئت گرفته از صفات کسی باشد که جانشین اوست. ازاین رو، صفات الهی مانند رحمت، مهربانی، صداقت، عدالت در انسان نیز باید تجلی داشته باشد. اگر چنین بود، در فعالیت های اقتصادی نیز آثار عملی آن ظاهر می شود؛ چراکه هر نماینده ای به جلب رضایت شخص اصلی توجه دارد و هماهنگ با دستورهای او رفتار می کند. ازاین رو، جهادگران اقتصادی با این باور در تولید و توزیع و مصرف، رضایت خدا را در نظر دارند و برای دست یابی به آن تلاش می کنند. خداوند در قرآن می فرماید: «آمِنُوا بِاللّهِ وَ رَسُولِهِ وَ أَنْفِقُوا مِمّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفينَ فيهِ فَالّذينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ

۱- «وَ إِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَهِ إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَهً؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی [نماینده ای] قرار خواهم داد.» (بقره: ۳۰)
۲- «هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَکُمْ ما فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً؛ او خدایی است که همه آنچه را (از نعمت ها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید». (بقره: ۲۹)
۳- «وَ أَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَکُمْ مُسْتَخْلَفِینَ فِیهِ؛ و از آنچه شما را جانشین و نماینده [خود] در آن قرار داده انفاق کنید». (حدید :۷)

أَنْفِقُوا لَهُمْ أَجْرٌ کَبِیرٌ؛ به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده [خود] در آن قرار داده است، انفاق کنید؛ [زیرا] کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی دارند». (حدید: ۷)

و) فطرت نگری در سرمایه های طبیعی

و) فطرت نگری در سرمایه های طبیعی

نگرش فطری و الهی به سرمایه های طبیعی، از دیگر شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی است که به کارگیری آن در فعالیت های اقتصادی اعم از تولید، توزیع و مصرف، نتایج مطلوبی در پی دارد. فطرت در لغت از «فَطَرَ» به معنای آفرینش، گشودن، ابتکار، چاک زدن و شکافتن چیزی است. فطور از همین ریشه به معنای افطار کردن و خوردن روزه است. «منفطرٌ به» به معنای شکافتن به کار می رود.(۱) فطرت بر وزن و هیئت «فعلت و جلست»، به نوع خاصی از خلقت و آفرینش دلالت دارد که مخصوص انسان است؛ چیزی که در نهاد هر انسانی به صورت مادرزادی قرار داده شده و زمینه ساز بسیاری از کارهای نیک است.

فطرت در متون دینی، نزدیک به همین مفهوم لغوی به کار رفته و به این معناست که خداوند چیزی را چنان بیافریند که خواه ناخواه فعلی از افعال را انجام دهد یا اثر مخصوصی از خود نشان دهد. منظور از «فطرت الله» که اصطلاحی قرآنی است، بدین معناست که خداوند، مردم را به گونه ای آفریده است که طبعاً و ارتکازاً، خدا را بشناسند. به عبارت دیگر، فطرت الله یعنی قدرت فطری و ذاتی برشناخت و ایمانی که با خمیره وجود آدمی سرشته شده است و به آموختن و یادگیری نیازی ندارد.(۲)

۱- تفسیر المیزان، ج ۷، ص۲۶۷.

۲- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۴۵۵.

فطریـات انسان بسـیارند و امور فطری از یک نظر، به دو دسـته کلی، یعنی شـناختی (فطرت عقل) و گرایشـی (فطرت دل) قابل تقسـیم است. آدمی ذاتاً دارای فطرت خداشناسـی است و هر کس ذاتاً خالق و آفریـدگار خود را می شـناسد؛ چون رابطه قلبی انسان با خـدا برقرار است و او از درون، نوعی شـناخت، هر چند کم رنگ از آفریدگار خود دارد. همچنین انسان دارای فطرت خداخواهی و خداجویی است و سرشت از اویی و به سوی اویی دارد.(1)

منظور از فطرت، هم ادراک و آگـاهی فطری و هم گرایش و میـل ذاتی در امور اقتصـادی است. فطرت به این معنـا در فعالیت های اقتصادی و برنامه ریزی های مربوط به آن کاربرد فراوان دارد. اگر جهادگران اقتصادی، نگرش فطری به منابع، مواد اولیه و پدیده های طبیعی داشته باشند، برخوردشان بسیار متفاوت تر از کسانی خواهد بود که صرفاً با دید مادی به قضایا می نگرند. جهـادگر در بخش آگـاهی فطری بایـد بدانـد که منـابع طبیعی، آفریـده خـدای متعال است و او زمین و آسـمان و آنچه در آن وجود دارنـد، برای رفاه و آسایش بشـر آفریده است. خداوند در این باره می فرماید: «هُوَ الّذی خَلَقَ لَکُمْ ما فِی اْلأَرْضِ جَمیعًا؛ او خدایی است که همه آنچه را [از نعمت ها] در زمین وجود دارد، برای شما آفرید». (بقره: ۲۹)

با این نگرش، طبیعی است که استفاده از منابع خدادادی، همراه با حفظ اعتدال و رعایت احتیاط، بدون اسراف و تبذیر خواهد بود. در مقابل، هدف اصلی افرادی که چنین نگرشی ندارند، رسیدن به سود مادی خواهد بود، با هر وسیله ای که به آن دست یابند.

ص:۴۷

۱- همان، صص ۴۸۶ _ ۴۹۵.

منظور از گرایش و خواست فطری نیز میل ذاتی به مالکیت است که در نهاد هر انسانی قرار دارد و هر کس، خود را مالک و صاحب چیزی می پندارد. پس از احراز مالکیت نسبت به مال و ثروت، نوعی لذت برای فرد حاصل می شود و بر اثر این لذت، آن عطش مال دوستی تا حدودی اشباع می شود.(۱) روشن است که گرایش فطری به جمع آوری مال و ثروت، هیچ گاه به ظلم و بی عدالتی در امور مالی دیگران نمی انجامد تا فعالان اقتصادی به بهانه آن به حقوق مردم تعدی کنند، بلکه عدالت و میانه روی، اقتضای فطری آدمی است و اینکه نباید فردی به دیگران ستم کند. بر این اساس، یکی از شاخص های مهم تربیتی جهاد اقتصادی، نگرش فطری به سرمایه های طبیعی است که در تولید و توزیع و مصرف، مفید است. جهادگران اقتصادی باید این شاخص را در خود ایجاد و تثبیت کنند. آن گاه به مبارزه در عرصه های صنعت، بازار، کار و تولید بپردازند.

ز) باور به فراوانی منابع طبیعی

ز) باور به فراوانی منابع طبیعی

خداوند منابع بی نهایت در درون و بیرون طبیعت قرار داده که همه برای سامان دهی به زندگی بشر پدید آمده است. فراوانی مواد طبیعی انکارشدنی نیست و چندان به تبیین و استدلال هم نیاز ندارد. با این حال، خداوند در این زمینه سخنان متعددی بیان فرموده است. از آن جمله می فرماید: «أَلَمْ تَرَوْا أَنّ اللّهَ سَخّرَ لَكُمْ ما فِي السّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَةً وَ باطِنَةً؛ آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان ها و زمین است، مسخّر شما کرده و نعمت های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است». (لقمان: ۲۰)

نکات متعددی در آیه مبارکه نسبت به فراوانی منابع طبیعی وجود دارد که توجه به آنها، ما را در فهم و درک بهتر موضوع یاری می رسانند. خطاب آیه،

۱- همان، ص ۴۸۴.

لحن توبیخ و سرزنش دارد که گویی به مخاطبان هشدار می دهد چرا به این همه پدیده های موجود در طبیعت نگاه نمی کنید و از آن درس نمی گیرید. هر آنچه در عالم طبیعت، اعم از زمین و آسـمان مشاهده می شود، برای اسـتفاده بشر قرار داده شده است تا برای رفع نیازمنـدی های خود بهره گیرد. نعمت های خداونـد از آشـکار و نهان در خـدمت آدمیان است و هیچ مانعی در مسـیر بهره گیری از آنهـا وجود نـدارد و هر کس، در هر زمـان و مکانی می توانـد اسـتفاده کنـد. در مجموع، فراوانی منابع طبیعی، چه منابع ظاهری و چه منابع زیرزمینی، چیزی است که به روشنی از این آیه به دست می آید.(۱)

به نظر می رسـد آنچه در بـاب منـابع طبیعی به عنوان شـاخص تربیتی جهـاد اقتصـادی اهمیت دارد، باور به فراوانی مواد طبیعی است. افراد بسـیاری هسـتند که تنوع و کثرت منابع طبیعی را می بیننـد، ولی به فراوانی آن ایمان ندارنـد و همواره این دلهره را دارنـد که ممکن است این منابع روزی به پایان برسـد. این دیـدگاه نسبت به منابع، پی آمدهای نامطلوب به همراه دارد، از آن جمله اینکه انسان را از انفاق و ایثار و رسـیدگی به نیازمندان باز می دارد. شیطان همیشه این وسوسه را در دل آدمی ایجاد می کنـد و به آدمیان وعـده فقر می دهـد. قرآن از این موضوع خبر می دهـد و می فرماید: «الشَّیْطانُ یَعِدُکُمُ الْفَقْرَ؛ شـیطان به شـما [هنگام انفاق،] وعده فقر و تهی دستی می دهد.» (بقره:۲۶۸) شیطان به عنوان دشمن درجه یک و آشتی ناپذیر انسان در مسائل اقتصـادی، همواره او را از فقر آینـده بیم می دهـد تـا بخـل و حرص و طمع ورزد، حقوق مالی را نپردازد، به نیازمنـدان کمک نکند، باقیات و صالحات به جا نگذارد و سرانجام مدیون از دنیا برود.(۲)

۱- احمد بن المصطفی مراغی، تفسیر المراغی، ج ۲۱، ص ۸۸.

۲- همان، ج ۳، ص ۴۲.

خداوند متعال در برابر شیطان، آدمی را به آینده خوش و فراوانی نعمت بشارت می دهد و انگیزه انفاق و مساعدت مالی را در دل آنها ایجاد می کند. در ذیل آیه یادشده آمده است: «وَ اللّهُ یَعِدُکُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلاً؛ ولی خداوند وعده «آمرزش» و «فزونی» به شما می دهد.» (بقره: ۲۶۸) این وعده برای آن است که روحیه تعاون و انفاق در جامعه پدید آید و جهادگران اقتصاد را به منزله ابزار و پلی برای رسیدن به اهداف عالی و در نهایت، تقرب به خدای متعال در نظر بگیرند. بنابراین، باور به فراوانی منابع، آثار تربیتی بسیاری دارد و باید در قلب جهادگران، همیشه زنده و بالنده باشد تا از انحراف و کج روی در امان بمانند.

ح) نگرش عقلی در امور اقتصادی

ح) نگرش عقلی در امور اقتصادی

عقل، نیرویی حساب گر در باطن انسان است که فرد می تواند به وسیله آن آگاهانه بسنجد و همه جنبه های کار را بررسی کند که چه تأثیری نسبت به آینده و سرنوشت او دارد. سپس به تناسب آن، تصمیم بگیرد و به گونه ای رفتار کند که برایش نتیجه مطلوبی داشته باشد.(۱) به عبارت دیگر، عقل، نیروی ویژه ای در آدمی است که نیک و بد را تمییز می دهد و راه را از چاه باز می شناسد.(۲) با این وصف، عقل، معیار فضیلت و برتری انسان است(۳) و در قرآن کریم، بر بهره گیری از آن تأکید فراوانی شده است.

از یک دیدگاه، عقل به دو حوزه نظری و عملی تقسیم می شود. عقل نظری آن بخش از عقل است که با آن واقعیت ها فهمیده و جهان ادراک می شود. عقل نظری، اهل درایت و معرفت و ادراک است و کار آن صرفاً

۱- محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۲، صص ۲۰۷ _ ۲۰۹.

۲- حسن یوسفیان و احمد حسین شریفی، عقل و وحی، ص۲۱.

۳- علی۷: «العقل فضیله الانسان»؛ (عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم).

ادراک است و هیچ مولویت و آمریتی ندارد.(۱) بنابراین، عنصر اصلی در عقل نظری، شناختِ بود و نبود است؛ چون در جهان بینی بـدون علم نمی توان به حق و باطل بودن چیزی معتقـد شد.(۲) مثلاً مبـدأ و معاد را عقل نظری درک می کنـد و با برهان یقینی می فهمـد که فاعـل هر موجودِ ممکن، خـدا و مرجع و بـازگشت همه چیز نیز به سوی اوست: «هُوَ ٱلْأَوّلُ وَ ٱلْآخِرُ؛ اوسـت اول و آخر». (حدید: ۳)

عقل عملی، بخش دیگری از عقل است که بایـدها و نبایـدها را مشـخص می کند.(۳) از نظر ارسـطو، اخلاق، سیاست و تدبیر منزل در قلمرو عقل عملی قرار دارند. در عقل عملی، عنصـر اساسی فتوای محققانه، به باید و نباید کاری است؛ زیرا بدون علم یـا دلیل علمی، پیروی از امری خرافه است.(۴) کار عقل عملی، سـیاست و تدبیر و فرماندهی امور شخصـی است. به کسـی که عقـل عملی اش مسـلط بر قوا و شـئون مملکت وجودی اوست، در حیطه رفتـار، عاقـل گفت؛(۵) نه کسـی که تـابع هوای نفس است و ولایـت بر مملکت وجود خویش را به غیر عقـل سـپرده است. (۶)از این رو، عقـل نظری، منشأ جزم و عقل عملی منشأ عزم است. این معنا در سوره حشـر، به صورت روشن بیان شده است: «تَحْسَبُهُمْ جَميعًا وَ قُلُوبُهُمْ شَتّى ذلِكَ بِأَنّهُمْ قَوْمٌ لا يَعْقِلُونَ؛ آنان (یهودیان) را متحد می پنداری، و[لی] دل هایشان پراکنده است؛ زیرا آنان مردمانی هسـتند که نمی اندیشند.» (حشر: ۱۴) یهودی ها بر اثر اختلاف و پراکندگی نمی توانند بیندیشند

ص:۵۱

۱- عبدالله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، تحقیق: احمد واعظی، صص۴۲ _ ۴۴.

۲- همان، ص۷۹.

۳- به نظر ملاصـدرا عقـل عملی که در اخلاـق کاربرد دارد، دارای چهار مرتبه است: ۱. پاک کردن ظاهر به وسـیله عبادات و دوری از محرمات؛ ۲. پـاک کردن باطن از زشتی ها؛ ۳. شـهود، بدین معنا که همه یا بخشـی از معلومات را مشاهده نماید؛ ۴. فانی فی الله و هرچه می بیند در وجود خدا بیند. (محمد صدرالدین شیرازی، شرح اصول کافی، ج۱، ص۱۶۵)

۴- منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ص۷۹.

۵- همان، صص۴۲ _ ۴۴.

۶- «أفرایت من اتخذ الهه هواه؛ پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده است». (جاثیه: ۲۳)

و خواسته های خود را مهار کنند. ازاین رو، عاقل نیستند. این شیوه تعقل به عقل عملی مربوط است، نه عقل نظری که کار فهم و ادراک را بر عهده دارد.(۱)

همچنین خداوند در جای دیگر می فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتابَ أَفَلا تَعْقِلُونَ؛ آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را فراموش می کنید، با اینکه شما کتاب [خدا] را می خوانید! آیا هیچ نمی اندیشید؟» (بقره:۴۴) مخاطب این آیه، واعظان غیرمتعظ است که عقل عملی ضعیفی دارند و قادر نیستند هواهای خویش را کنترل کنند و به آنچه عقل نظری ایشان از حقایق ارائه کرده و کتاب الهی بر آنان نمایان ساخته است، عمل کنند.(۲)

کاربرد عقل اعم از نظری و عملی در فرآیند جهاد اقتصادی، فراوان است و در مراحل مختلفی چون شناخت امور اقتصادی، تصمیم گیری، برنامه ریزی و فعالیت در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف منشأ آثار مهمی است. انسان باید پروژه های اقتصادی را با خردورزی بسنجد و جنبه های گوناگون موضوع مانند سود و زیان، راه های درآمد حلال و مشروع، نیروی مادی و انسان و امثال آن را به خوبی بررسی و تجزیه و تحلیل کند. آن گاه به اقدام عملی دست بزند. در غیر این صورت، با اقدام نسنجیده و بدون برنامه ریزی دقیق و علمی، ممکن است به راهی برود که به شدت متضرر شود یا سود حرام به دست آورد که هر دو کار، ناپسند است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «إنّما یدرَکُ الخَیرُ کُلُّهُ بالعَقلِ؛ خیر و خوبی، تماماً با خرد به دست می آید».(۳)

ضعف و کمبود عقل مایه همه رفتارهای ناروا و ضد اخلاقی در امور اقتصادی و غیراقتصادی است. امام علی علیه السلام در این باره در سخن کوتاهی فرموده است: «تَزکِیه الرَّجُلِ عقلُهُ؛ رشد آدمی به خرد اوست».(۴)

ص:۵۲

۱- منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ص۶۹.

۲- همان.

۳- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، ج ۷، ص ۵۰۱.

۴- محمد محمدی ری شهری، خردگرایی در قرآن و حدیث، ترجمه: محمد مهریزی، ص ۶۸.

در جایی دیگر نیز فرموده است: «کَمالُ الانسانِ العَقلُ؛ کمال آدمی به خرد است.»(۱) این گونه روایات بسیار است و در مجموع، آدمی را به خردورزی در زندگی دعوت می کند که به ویژه در امور مالی و فعالیت اقتصادی اهمیت فراوانی دارد.

ط) تخصص و کاردانی در امور تولید

ط) تخصص و کاردانی در امور تولید

افزون بر باورهای دینی و اندیشه های اسلامی در باب اقتصاد، تخصص و دانستن فنون کار در زمینه صنعت و تولید نیز لازم است؛ چراکه باورهای دینی لازم است، ولی در کار اقتصادی کافی نیست و باید فرد، کارشناس باشد تا بر اساس فنون علمی به تولید و توزیع فرآورده های اقتصادی بپردازند. ازاین رو، تخصص و کاردانی در امور اقتصادی از شاخص های اثرگذار در جهاد اقتصادی است. بدون بهره گیری از فنون و تکنولوژی جدید نمی توان در شرایط امروز جهان، بر دشمنان اقتصادی غلبه کرد که همه دارای تخصص های پیشرفته علمی هستند. امام خمینی رحمه الله ضمن تأکید بر ایمان و تعهد اسلامی، به موضوع تخصص و کاردانی اشاره کرده است و می فرماید: «شما سعی کنید از متخصصین متدین و متعهد استفاده کنید. ما بارها گفته ایم که ما متخصص می خواهیم، ولی متخصص متعهد».(۲) امام در این فراز از سخنان، به ضرورت اصل تخصص تصریح کرده و اینکه بهره مندی از دانش روز و تکنولوژی جدید در رشد اقتصادی لازم است، ولی به تنهایی کافی نیست و در کشور اسلامی باید همراه با تعهد و باورهای دینی باشد تا از آسیب های مالی در امان بماند.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) هم، بر تخصص همراه با تعهد تکیه می کند و در سفارشی عام به همه مسئولان می فرماید:

ص:۵۳

۱- همان، ص۷۶.

۲- وزارت بازرگانی، رهنمودهای اقتصادی امام خمینی=، ج ۳، ص۳۶.

عمده تکیه خود را بر روی افراد معتقد، مؤمن و متخصص قرار دهید و در گزینش همکاران، دقت کافی داشته باشید و اطمینان کنید که اگر در انتخاب همکاران صحیح عمل کردید، در رسیدگی به امور مردم موفق خواهید بود.(۱)

بر این اساس، تخصص از شاخص های جهاد اقتصادی است و باید برای پرورش نیروهای متخصص مؤمن و متعهد به اسلام و قرآن تلاش کرد. در حقیقت، ایمان و تخصص، دو بالی هستند که چرخه اقتصاد را به حرکت درآورده است و به جلو می برد و اگر یکی نباشد، این حرکت به کندی می گراید.

مقام معظم رهبری در سخن دیگری می فرماید:

از چند سال پیش، یک حرکت علمی برجسته ای در بخش های مختلف آغاز شده است که خوش بختانه روزبه روز بر شتاب این حرکت افزوده شده است. من یک وقتی این روایت را که از معصوم است، عرض کردم که فرمود: «العلم سلطان»؛ یعنی علم و دانش برای یک ملت و برای یک فرد مایه اقتدار است. «من وجده صال و من لم یجده صیل علیه؛ کسی که این قدرت را پیدا کند، دست برتر را دارد و آن کسی که نتواند قدرت علمی را به دست بیاورد، زیردست باقی می ماند و دیگران بر او دست برتر را خواهند داشت. علم و فن آوری یک چنین خصوصیتی دارد. امروز حرکت کشور در جهت به دست آوردن دانش و فن آوری در بسیاری از رشته ها، به خصوص در رشته های بسیار نو و برترِ کشور مشهود است. در بخش های گوناگون؛ در بخش زیست فن آوری، در بخش هوافضا، در بخش نانوفن آوری، در بخش سلول های بنیادی، در تولید داروهای بسیار مهم، در تولید

۱- اخلاق کارگزاران در بیانات مقام معظم رهبری، ص ۳۵.

داروهای ضد سرطان، در تولید موتور توربین های بادی که وابستگی انرژی کشور را از نفت تا حدود زیادی از بین می برد، در تولید ابررایانه ها که برای کشور بسیار مهم است، در فن آوری انرژی های نو _ که همه اینها از دانش های سطح بالای دنیا هستند _ خوش بختانه انسان مشاهده می کند که دانشمندان ما و جوانان ما به نحو فزآینده و شتابنده مشغول پیشروی هستند؛ به طوری که [من در پیام نوروزی هم دیشب عرض کردم] آدرس ها و گزارش های مراکز معتبر بین المللی نشان می دهد که در این قسمت، کشور شما از بسیاری از کشورهای عالم پیشتر دارد حرکت می کند و شتاب کشور چندین برابر متوسط شتاب جهانی است.(۱)

ایشان در ادامه می فرماید:

[اما] دو سه نکته مهم در این قضیه پیشرفت علم و فن آوری وجود دارد که من مناسب می دانم عرض کنم. نکته اول این است که بیشتر این دانشمندانی که این کارها را دارند انجام می دهند، دانشمندان جوانند. عمر متوسط دانشمندانی که در این کارها مشغول فعالیت هستند، سی و پنج سال است _ یعنی غالباً جوان _ که حتماً بایستی به این جوان ها اعتماد بشود. البته اساتید کارکشته و مؤمن هم در این کار نیز مشغول هستند، که بسیار مغتنم است.(۲) نکته بعد این است که مجموعه ای که این کارهای عظیم و گسترده را انجام می دهد، دارای روحیه قوی، دارای اعتماد به نفس بالا، دارای خودباوری است که سرمایه اصلی این است. سرمایه اصلی، نیروی انسانی است. آنچه که کشور ما دارد، این است. جوان های ما با روحیه قوی در حال پیشروی در این می دانند و باور دارند که همه کارهایی که زیرساخت های آن در کشور آماده باشد، از دست آنها ساخته است.(۳)

ی) تخصص در استخراج منابع طبیعی

ص:۵۵

۱- سخنرانی در حرم رضوی، ۱/۱/۱۳۹۰.

۲- همان.

۳- همان.

ی) تخصص در استخراج منابع طبیعی

استخراج منابع تولید از دل طبیعت، موضوع مهمی در صنعت و تولید است و اصولاً فرآیند تولید مبتنی بر مواد خام و دسترسی به آن است. اگر مواد اولیه در اختیار نباشد، تولید کالاهای مورد نیاز جامعه امکان پذیر نخواهد بود. خداوند منابع گوناگون طبیعی را در اختیار بشر قرار داده است تا از آنها در رفع نیازهای زندگی خود استفاده کند. آیات مختلف قرآن به این موضوع اشاره دارد و انسان را به بهره برداری از طبیعت فرا می خوانند. خداوند در این زمینه می فرماید: «اللّهُ الّذی سَخّرَ لَکُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِیَ الْفُلْکُ فیهِ بِأَمْرِهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلّکُمْ تَشْکُرُونَ؛ خداوند همان کسی است که دریا را مسخّر شما کرد تا کشتی ها به فرمانش در آن حرکت کنند و بتوانید از فضل او بهره گیرید و شاید شکر نعمت هایش را به جا آورید.» (جاثیه: ۱۲) خداوند در آیه دیگری می فرماید: «وَ سَخّرَ لَکُمْ ما فِی السّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ جَمیعًا مِنْهُ إِنّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکّرُونَ؛ او آنچه در آسمان ها و آن چه در زمین هست، همه را از سوی خودش مسخّر شما ساخته است. در این کار، نشانه های [مهمی] است برای کسانی که اندیشه می کنند». (جاثیه: ۱۳)

این گونه آیات درباره منابع طبیعی و فراوانی آن بسیارند و همه به این نکته دلالت دارند که موجودات عالم، همه برای استفاده انسان رام شده است. انسان از نعمت های الهی، برای هر هدفی که دارد، می تواند استفاده کند و آن را به خدمت خود درآورد، منتهی به این نکته تربیتی باید توجه داشته باشد که همه این منابع و سرمایه های طبیعی از آنِ خدای متعال است و او از فضل و احسان خود به بشر ارزانی داشته است. ازاین رو، فرمود: «جَمِیعاً مِنْهُ»؛ یعنی همه از آنِ حق تعالی است. بشر باید با هنرمندی و هوشمندی خود، روش های استخراج منابع را فرا گیرد و بر اساس فن آوری های علمی، سراغ طبیعت برود. چنان که خداوند به این امر نیز تصریح فرموده است: «وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ» تا مردم بتوانند از پدیده های

طبیعی و نعمت های خداوندی با استفاده از شیوه های مناسب علمی به خوبی بهره گیرند. بدین معنا که به صورت درست از منابع و پدیده های طبیعی استفاده کنند.

بارها در روایات، به کار و استخراج منابع طبیعی و تصرف در طبیعت برای رفع نیاز دعوت شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی می فرماید: «من کان له ارضٌ فلیزرعها و الا فلیؤدها اخاه و لایؤد اجرها ایاه؛ هرکه زمینی دارد، آن را به کار گیرد، وگرنه به برادرش بدهد و از او اجاره نگیرد.»(1) بر اساس این حدیث نبوی، هر کس موظف است در زمینی که در اختیار دارد، کار، و محصولی از آن برداشت کند. اگر این عرضه را نداشت و به دلایلی نتوانست از ملک خود بهره گیرد، باید آن را به صورت رایگان در اختیار کسی قرار دهد که اهل کار و فعالیت اقتصادی است و چیزی هم به عنوان اجاره بها از او نگیرد؛ شاید به این دلیل که زمین معطل و بلااستفاده نماند.

کارشناسی در استخراج منابع طبیعی بسیار مهم است؛ یعنی باید با فنون و تکنولوژی روز به سراغ طبیعت رفت و بهترین روش علمی را برای بهره گیری از سرمایه های طبیعی به کار بست. بر این اساس، تخصص در استخراج مواد طبیعی از شاخص های مهم جهاد اقتصادی است که از نظر تربیتی نیز درخور توجه است و باید نیروهایی را بدین منظور پرورش داد تا مواد مورد نیاز جامعه را از طبیعت به دست آورند.

مقام معظم رهبری درباره بهره مندی از تخصص در استخراج منابع طبیعی و مدیریت آن می فرماید:

یک هدف دیگر، مدیریت مصرف منابع عمومی کشور است؛ از جمله آب، از جمله انرژی. در دو سال قبل از این، ما شعار سال را «اصلاح الگوی

۱- علاءالدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۵، ح ۴۲۰۵۳.

مصـرف» قرار دادیم؛ صـرفه جـویی، دوری از اسـراف. این، یکی از راه هـایی است که می توانـد الگـوی مصـرف را به معنـای واقعی کلمه اصـلاح کنـد؛ کما اینکه تاکنون هم آثاری از آن دیـده شـده است. از جمله کارهایی که باز همت مضاعف را در زمینه اقتصـاد نشان می داد، افزایش صادرات غیرنفتی است. من سال ها پیش، این را گفتم که یکی از آرزوهای من این اسـت که یـک روزی مـا بتـوانیم کشور را جوری اداره کنیم که حتی اگر لازم بود، یـک قطره نفت هم صـادر نکنیم و کشور اداره شود. این چیزی است که تـا امروز پیش نیامـده است. البته کـار آسـانی هم نیست، کـار بسـیار مشـکلی است. افزایش صادرات غیرنفتی موجب می شود که ما به این هدف نزدیک شویم و این کار دارد انجام می گیرد.(۱)

ک) دانش بهینه سازی فرآیند تولید

ک) دانش بهینه سازی فرآیند تولید

تولیـد به عنوان مهم ترین رکن اقتصـاد یـک جـامعه، مراحـل گونـاگونی دارد که هر مرحله نیازمنـد هزینه، امکانات، اسباب و ابزار، نیروی انسانی ماهر و کارآزموده و صـدها مؤلفه دیگر است که مجموع آنها چرخه تولیـد را به راه می اندازند. اگر یکی از این مؤلفه ها نباشـد و نقصـی وجود داشـته باشد، فرآیند تولید دست خوش آسـیب می گردد و در نهایت، کار تولید متوقف می شود. آنچه به نظر می رسـد، فرآینـد تولیـد را به سامـان می رسانـد و کالاهای مورد نیاز را در اختیار جامعه قرار می دهـد، دانش تولیـد اسـت؛ چراکه دانش تولیـد، چرخه اقتصـاد را به حرکت درمی آورد و اسـتفاده بهینه از منـابع طـبیعی صـورت می پـذیرد. به همین علت، امروزه کارهـا تخصصـی شـده است و هر فعـالیتی در امور اقتصـادی و غیر آن، دانش خاص خود را می طلبـد. در حوزه اقتصاد نیز این امر لازم است که مورد توجه تولیدکننـدگان جهاد اقتصادی باشد تا بهینه سازی در فرآیند تولید به خوبی صورت گیرد.

ص:۵۸

۱- سخنرانی در حرم رضوی، ۱/۱/۱۳۹۰.

بر این اساس، بزرگان دین بر تقویت و غنی سازی هرچه بهتر مراکز علمی اعم از علوم دینی و دانش های طبیعی تأکید کرده و به مسئولان، دستور حمایت مادی و معنوی از این مراکز را داده اند. امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرماید:

مهم ترین عامل کسب خودکفایی و بازسازی، توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به درآمده و نشان داده اند که می توانند کشور را روی پای خود نگه دارند.(۱)

اساسی ترین راه در رسیدن به خودکفایی، دست یابی به دانش جدید اقتصادی و ابتکار و نوآوری است. این کار از دانشگاه ها و مراکز علوم طبیعی و تکنولوژی باید شروع شود تا در نتیجه، به بهینه سازی فرآیند تولید بینجامد. بنابراین، دانش بهینه سازی فرآیند تولید از شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی است که باید جهادگران عرصه اقتصاد به آن توجه کنند. مقام معظم رهبری نیز در این باره می فرماید:

من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه ها و ذخیره های عظیم الهی و به این گل های معطر و نوشکفته جهان اسلام سفارش می کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید و من به همه مسئولین و دست اندرکاران سفارش می کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش ها و نوآوری ها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید.(۲)

ل) اولویت سازی در امور اقتصادی

۱- رهنمودهای اقتصادی در بیانات حضرت امام خمینی=، ج ۴، ص۹۳.

۲- همان، ص ۸۵.

ل) اولویت سازی در امور اقتصادی

از امور مهم در فرآیند اقتصاد و به ویژه در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف، اولویت سازی و عمل به اولویت های اقتصادی است. اولویت بندی یا همان رعایت اهم و مهم در همه شئون زندگی به ویژه امور اقتصادی، دارای آثار فراوانی است؛ چراکه بی توجهی به اولویت ها، هدر دادن سرمایه، از بین بردن منابع و به گونه ای اسراف است که مشکلاتی را در تولید، توزیع و مصرف در پی خواهد داشت. امام علی علیه السلام درباره رعایت اهم و مهم می فرماید: «من اشتغل بغیر المهمِّ ضَیعَ الاهمَّ؛ هر کس به چیزی که مهم نیست، بپردازد، آنچه را اهمیت بیشتری دارد، از دست داده است».(۱)

این روایت، عام است و رعایت اهم، همه شئون زندگی را فرا می گیرد. از آنجا که زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی با مال و دارایی ارتباط مستقیم دارد، رعایت اولویت در امور اقتصادی به ویژه در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف اهمیت ویژه ای پیدا می کند.

اولویت سازی، نیازمند برنامه ریزی دقیق و حساب شده است که باید با دقت و ژرف نگری کافی انجام گیرد. در باب اولویت بندی امور اقتصادی در حیطه تولید و توزیع، معیارهایی را باید در نظر گرفت و بر اساس آن معیارها، طبقه بندی کرد. در این باره، دیدگاه ها متفاوت است. شاید برخی، سود مادی را معیار اولویت قرار دهند که طبعاً رفتاری متناسب با این ملاک انجام خواهند داد. برخی دیگر ممکن است معیارهای دینی و اسلامی را ملاک عمل قرار دهند و طبق آن برنامه ریزی کنند. از هر نظر، یکی از معیارهای مهم در تنظیم فرآیند اقتصاد، توجه به نیازهای مردم است. هر کالاـ و محصولی که بیشتر مورد نیاز جامعه بود، باید تولید گردد و به چرخه توزیع وارد شود.

ص:۶۰

۱- میزان الحکمه، ج۸، ص۱۲۹.

امام خمینی رحمه الله در باب رعایت اهم و مهم و اولویت سازی امور اداری و اجتماعی، تقوا را معیار اصلی می داند و می فرماید:

به همه مسئولان کشورمان تذکر می دهم که در تقدم ملاک ها، هیچ ارزش و ملاکی مهم تر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی و الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده از امکانات و تصدی مسئولیت ها و اداره کشور و بالاخره جای گزین همه سنت ها و امتیازات مادی و نفسانی بشود؛ چه در زمان جنگ و چه در حالت صلح، چه امروز و چه فردا.(۱)

ایشان معیار دینی و معنوی را در درجه نخست اولویت دانسته و آن را ملاک طبقه بندی مسائل سیاسی _ اجتماعی و به ویژه امور اقتصادی قرار داده است. بر این اساس، اولویت سازی و رتبه بندی امور اقتصادی بر اساس ملاک های معنوی و ارزشی یکی از شاخص های مهم در فرآیند تولید، توزیع و مصرف است که جهادگران اقتصادی باید به آن توجه کنند.

مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

در مورد شعار امسال و کاری که امسال [۱۳۹۰] باید انجام بگیرد، البته سرفصل های مهمی وجود دارد که همه دارای اولویتند. مثلاً تحول نظام اداری یک کار لازم است که باید انجام بگیرد؛ تحول آموزش و پرورش، یک کار بنیانی است؛ جایگاه علوم انسانی در دانشگاه ها و در مراکز آموزش و تحقیق، یک کار اساسی است؛ مسائل مربوط به فرهنگ عمومی، مسائل مربوط به اخلاق جامعه، این کارها همه اش کارهای مهمی است؛ لیکن به نظر صاحب نظران، امروز در این برهه از زمان، مسئله اقتصادی از همه مسائل کشور فوریت و اولویت بیشتری دارد. اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه مسائل اقتصادی، یک حرکت جهادگونه ای انجام بدهد، این گام بلندی را که برداشته است، با

۱- رهنمودهای اقتصادی در بیانات حضرت امام خمینی=، ج ۴، ص ۶۴.

گام های بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت. ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه حل مشکلات اقتصادی به همه دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملت ها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه اسلام و با تعالیم اسلام چگونه می تواند پیشرفت کند.(۱)

م) نگاه دینی و ارزشی به کار

م) نگاه دینی و ارزشی به کار

کار، یکی از مؤلفه های مهم و اثرگذار در فرآیند تولید است؛ به گونه ای که بدون نیروی کار، چرخه تولید به سامان نمی رسد. در حقیقت، کار، موتور محرّک چرخ تولید است و هر محصولی که از کارخانه ها و کارگاه ها بیرون می آید، فرآورده کار است. کار در فرآیند تولید با نگاه دینی عبارت است از هرگونه فعالیتی که برای تولید کالا و خدمات مورد نیاز یا بالا بردن سطح اقتدار جامعه و رفاه عمومی یا توزیع و مصرف کالا در چارچوب قوانین و ارزش های دینی انجام می پذیرد.(۲) با این تعریف، کار گستره وسیعی دارد و شامل همه فعالیت های اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف می شود. کار یکی از عناصر اساسی تولید به شمار می آید، ولی در فرآیند توزیع و مصرف که به نوعی نیازمند فعالیت در جابه جایی کالاها و خدمات رسانی است، نیروی کار ضرورت دارد. ازاین رو، نگاه دینی و ارزشی به کار ناظر به سه حوزه است و همان گونه که در تعریف اشاره شد، کار هر نوع فعالیت را دربرمی گیرد. فعالیت ممکن است فعالیت فیزیکی و انرژی بر یا فعالیت فکری و نظری باشد که به اندیشمندی و خردورزی نیاز دارد.

کار در متون دینی از ارزش خاصی برخوردار است و اگر انگیزه و هدف آن خدایی باشد، عامل تقرب انسان به خدا شمرده می شود. قرآن کریم، هرجا

۱- سخنرانی در حرم رضوی، ۱/۱/۱۳۹۰.

۲- اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۶۱.

سخن از کار به میان آورده، از شایستگی نیز یاد کرده است. ایمان، سبب انگیزه خدایی می شود و صلاحیت داشتن، هدف الهی را پدید می آید. خداوند در این زمینه می فرماید: «مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ؛ هرگاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلّم است و هیچ گونه ترس و اندوهی برای آنها نیست». (بقره: ۶۲)

واژه «عمل» به هر فعالیتی اشاره دارد که از انسان سر می زند، خواه کار فیزیکی یا فکری باشد و در هر حوزه ای، مانند اقتصاد، سیاست و امثال آن انجام گیرد. اگر آن فعالیت با نیت خدایی و هدف الهی بود، ارزشمند است. نتیجه چنین کاری، رفاه و آسایش در دنیا و آخرت است و خوف و اندوهی برای انجام دهنده آن وجود ندارد.

روایات در زمینه ارزشمند بودن کار، بسیار است و بر فضیلت تلاش برای تأمین نفقه عائله دلالت دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من أکل من کدِّ یده حلالاً فتح له ابواب الجنه، یدخل من أیها شاء؛ هرکه از دست رنج حلال خویش بخورد، درهای بهشت برایش گشوده شود تا از هر یک که می خواهد، درآید.»(۱)و(۲) همچنین آن حضرت فرمود: «ما من مسلمٍ یغرس غرساً او یزرع زرعاً، فیأکل منه انسان او طیر او بهیمه إلا کانت له به صدقه؛(۳) هر مسلمانی که درختی بنشاند یا زراعتی کشت کند و انسانی، پرنده ای یا چارپایی از آن بهره ببرد، برایش صدقه [پاداش] دارد».(۴)

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از جنگ تبوک برگشت، سعد انصاری به استقبال آن حضرت رفت و پیامبر با او مصافحه کرد. سپس فرمود: چه چیز

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰.

۲- اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۶۹.

۳- میرزا نوری، مستدرک الوسائل، ج۱۳، ص ۴۶۰.

۴- اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۶۸.

دست هـایت را سـفت کرده است؟ عرض کرد: ای پیـامبر! من برای تـأمین نیاز خانواده ام، با بیل و طناب کار می کنم. آن گاه رسول خدا صـلی الله علیه و آله دسـتش را بوسید و فرمود: «هذه یدٌ لا تَمَسُّها النّار؛ این دستی است که آتش [جهنم] به آن نمی رسد». (۱)

امام صادق علیه السـلام فرموده است: «لا تکسـلوا فی طلب معایشـکم فإن آبائَنا قـد کانوا یرکُضون فیها و یطلُبونها؛ در به دست آوردن معیشت زندگی تان سستی نکنید، همانا پدران ما در پی آن می دویدند و آن را به دست می آوردند.» (۲) همچنین امام صادق علیه السـلام نقل می کند که امیرالمؤمنین، علی علیه السلام از خانه اش خارج شد، در حالی که دانه هایی از هسته خرما را بـا خود داشت. شخصـی از امام پرسـید: چه چیز همراه داری؟ فرمود: «نخلٌ إن شاء الله؛ به خواست خـدا، درخت خرماست.» امام صادق علیه السلام می افزاید: «حضرت علی علیه السلام همه آن دانه ها را کاشت و هیچ یک فاسد نشد». (۳)

از این سـخنان به دست می آیـد که نگـاه دینی به پدیـده کـار، از شاخص های مهم تربیتی در عرصه جهاد اقتصادی است. این نگرش به کـار از یـک سو، انگیزه نیروی کار را افزایش می دهـد و از سوی دیگر، ثواب و پاداش اخروی را در پی دارد. افراد مؤمن و اهل تقوا که هدف اصـلی شان، رسـیدن به کمالات معنوی است، هم با انگیزه خدایی به زندگی سر و سامان می دهند و هم به پـاداش الهی می رسـند. جهادگران عرصه اقتصاد بایـد همواره با دیـد دینی و ارزشـی به کار بنگرنـد و به فعالیت های اقتصادی، رنگ خدایی بدهند.

۲. شاخص های تربیتی بینشی ناظر به توزیع

اشاره

۱- علی بن محمد ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۲، ص ۲۶۹.

۲- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۹۵.

۳- بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۵۸.

۲. شاخص های تربیتی بینشی ناظر به توزیع

همـان گونه که حوزه تولیـد از نظر شـناختی و اعتقـادی دارای شـاخص هـای تربیتی بود و به آنهـا اشـاره شـد، حوزه توزیع نیز شـاخص های تربیتی دارد که در اینجا لازم است بررسـی شود. واژه «توزیع»، کلمه ای عربی است که در زبان فارسـی نیز رایج است و به معنای تقسـیم اشـیا و در علم اقتصاد، به عنوان تقسـیم درآمـد تولیـدی بر عوامل تولیـد به کار می رود؛(۱) یعنی اگر شرکتی تولیدی دارای چهار عامل تولید به صورت مساوی است، درآمد تولیدی به همان نسبت بالسویه بین شـرکا تقسـیم می شود. توزیع مراحل قبل و بعـد از تولیـد، یعنی تقسیم منابع و فرآوردهای تولیدی را شامل می شود؛ بدین معنا که توزیع ممکن است پیش از تولیـد باشـد؛ زمانی که مواد اولیه را میان شـرکت های تولیـدی تقسـیم می کنند یا پس از مرحله تولید؛ وقتی که محصولات تولیدی را وارد بازار مصرف می سازند.(۲)

در این نوشـتار، منظور از توزیع، بخش دوم و پس از تولید است که توزیع محصولات و کالاهای تولیدشده در بازار و رساندن آنهـا در دست مصـرف کننـدگان است؛ چراکه این مرحله از توزیع در اقتصاد جامعه مهم است و بایـد بر اساس قانون عرضه و تقاضا، انجام گیرد. زمانی که کالا از کارخانه بیرون می آیـد، بایـد نیازسـنجی شود و هرجا که تقاضا وجود داشت یا متقاضـی مصـرف بیشتر بود، به همـان انـدازه، کالاـ به آنجـا منتقـل شود. بحث شـاخص هـای تربیتی، مربوط به توزیع نیز نـاظر به همین مرحله، یعنی توزیع ثروت و تقسـیم کالا بعد از تولید میان مصـرف کنندگان است که باید بر اساس شاخص های معیّن صورت گیرد. در اینجا به مهم ترین شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی در مرحله توزیع، به اختصار اشاره می شود.

الف) باور به رزاق بودن خدای متعال

۱- محمدحسین ابراهیمی، اقتصاد در قرآن، صص ۸۱ و ۸۲.

۲- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، در آمدی بر اقتصاد اسلامی، ص ۳۲۷.

الف) باور به رزاق بودن خدای متعال

شاخص های بسیاری در زمینه توزیع ثروت و کالا وجود دارد که با در نظر داشتن آنها، فرآیند توزیع به آسانی انجام می گیرد و جلوی بسیاری از انحراف های اخلاقی در باب تقسیم مایحتاج زندگی خانواده ها گرفته می شود. ایمان به رزاق بودن خداوند، در زمینه توزیع ثروت و خدمات، تأثیر بسزایی در بهبود کیفیت آن دارد؛ چراکه بدون ایمان به آن ممکن است متصدیان توزیع بر اثر وسوسه های شیطانی، در تقسیم کالا دچار انحراف شوند و در نتیجه، فساد اقتصادی در اجتماع پدید آید. برای نمونه، احتکار، یکی از انحراف های اقتصادی است که در حوزه توزیع قابل تحقق است و صاحبان کالا و سرمایه، به دلیل ترس از آینده خود و بستگان یا برای دست یابی به سود بیشتر، از پخش اموال عمومی خودداری می کنند، به ویژه در شرایط بحرانی، مانند جنگ و ناامنی. چنان که در دوره انقلاب اسلامی، شاهد نمونه های بسیاری در این زمینه بوده ایم.

اگر انسان رازق بودن خدای متعال را باور داشت و بر این عقیده بود که در هر شرایط، خداوند رزق و روزی انسان و خانواده او را می رساند، دیگر از آینده نمی ترسد. در این صورت، احتکار نمی کند و مرتکب فساد اقتصادی نمی شود و هرچه دارد، به بازار عرضه می دارد و در اختیار عموم قرار می دهد. در روایتی آمده است که در زمان امام صادق علیه السلام ، قیمت ها بالا رفت و مواد خوراکی کمیاب شد، در حالی که آن حضرت، مقداری آرد و گندم و خوراکی ذخیره داشت. حضرت به خدمت کارش دستور داد آنچه در انبار دارد، به بازار عرضه کند و مانند دیگران، روزانه مواد خوراکی را تهیه کند. ایشان فرمود: «ای معتب! خوراک عایله مرا نصفی

جو و نصفی گندم قرار بده. خدا می داند که من توانایی دارم همه طعام آنان را گندم قرار دهم، ولی دوست می دارم خداوند ببیند مرا که به خوبی، تقدیر معیشت می کنم».(۱)

خداوند می فرماید: «وَ ما مِنْ دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ إِلاّ عَلَی اللّهِ رِزْقُها؛ هیچ جنبنده ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او بر خداست». (هود: ۶) علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می گوید:

خداوند رزق و روزی همه جنبنده ها را تضمین کرده که به روز آن را برای هر جنبنده ای اعم از انسان و حیوان و حشرات در هرجایی که هستند، می رساند؛ چون او از حال همه آفریدگان باخبر است: «وَ یَعْلَمُ مُسْتَقَرَّها وَ مُسْتَوْدَعَها؛ او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می داند.» بنابراین، جای نگرانی از آینده زن و بچه نیست تا برای نفقه آنها اقدام به احتکار کند.(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز درباره نفی احتکار می فرماید: «کل حکرةٍ تضرّ بالنّاس و تغلی السعر علیهم فلاخیر فیها؛ هرگونه احتکاری که به مردم زیان رساند و قیمت [کالا] را به ضرر آنان گران کند، خیری در آن نیست». (۳)

به هر صورت، باور به رزاق بودن خدای متعال، از شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی است و ایمان به آن، جهادگران عرصه اقتصاد را از بسیاری آسیب ها، مانند احتکار و کم فروشی یا گران فروشی در امان می دارد. ازاین رو، این شاخص باید در رفتار همه دست اندرکاران جهاد اقتصادی، در حوزه

۱- محمد حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ابواب التجاره، باب ۳۲، ص ۳۲۲؛ به نقل از: درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ص۴۰۶.

۲- تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۲۲۱.

۳- نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۵؛ به نقل از: درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ص۲۲۴.

تولیـد، توزیع و مصـرف محقق شود، به ویژه در بخش توزیع که با آسـیب های بیشتری روبه روست. رسانه ملی هم باید به این شاخص توجه کند و برنامه هایی برای تقویت اعتقاد به رزاق بودن خداوند بسازد.

ب) شناخت عوامل معنوی روزی رسان

ب) شناخت عوامل معنوی روزی رسان

افزون بر ایمـان به اصل رزاق بودن خداونـد، باور به عوامل معنوی رزق و روزی نیز در رفتار اقتصادی مؤثر است تا جهادگران از آن عوامل بهره گیرنـد و فقط بر عوامل مادی تکیه نکننـد. قرآن کریم، مطلقاً رزق و روزی را اعطای خـدایی می داند و می فرمایـد: «وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ؛ و به هر کس بخـواهی، بـدون حسـاب، روزی می بخشـی.» (آل عمران: ۲۷) در جای دیگری، خداونـد را بهـترین روزی دهنـده معرفی می کنـد: «وَ اللّـهُ خَیْرُ الرّازِقیـنَ؛ و خداونـد، بهـترین روزی دهنـدگان است». (جمعه: ۱۱)

مهم ترین عامـل رزق و روزی در قرآن کریم، ایمـان و تقوا معرفی شـده است و به تصـریح قرآن، اگر مردم، مؤمن و پرهیزکار باشـند، خداونـد برکت زمین و آسـمان را بر آنهـا فرو می ریزد. خداونـد در این زمینه می فرمایـد: «وَ لَوْ أَنّ أَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السّـماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لکِنْ کَذّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما کانُوا یَکْسِبُونَ؛ و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردنـد و تقوا پیشه می کردنـد، برکات آسـمان و زمین را بر آنها می گشودیم، ولی [آنها حق را] تکـذیب کردنـد. ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم». (اعراف: ۹۶)

دو نکته از این آیه به دست می آیـد؛ اول اینکه ایمـان و تقـوا، عامـل ریزش برکـات زمین و آسـمان است؛ دوم اینکه تکـذیب آیات و نافرمانی خداوند، سبب مجازات می شود که قحطی و گرسنگی از جمله آنهاست. بر این

اساس، اگر جهادگران اقتصادی، مؤمن و پارسا باشند، تلاش و زحمت آنها، نتیجه ای چند برابر خواهد داشت. بدین طریق، رزق و روزی فراوان می شود و همه مردم از نعمت های وافر خداوند بهره مند می شوند.

از جمله عوامل توسعه رزق، استغفار و توبه است که در آیات و روایات به آن اشاره شده است. خداوند می فرماید: «وَ أَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتاعًا حَسَنًا إِلى أَجَلٍ مُسَمّى وَ يُؤْتِ كُلَّ ذى فَضْلٍ فَضْلَهُ؛ و اینکه از پروردگار خویش آمرزش بطلبید، سپس به سوی او باز گردید تا شما را تا مدت معینی، [از مواهب زندگی این جهان] به خوبی بهره مند سازد و به هر صاحب فضیلتی، به مقدار فضیلتش ببخشد.» (هود: ۳۹) امام علی علیه السلام نیز می فرماید: «أکثروا الاستغفارَ، فإنّه یجلِبُ الرِّزقَ؛ آمرزش بسیار خواهید که مایه جلب رزق و روزی است.»(۱) همچنین آن حضرت فرمود: «قد جعل الله الاستغفار سبباً لدرور الرزق و رحمه الخلق؛ خداوند، آمرزش خواهی را وسیله فراوانی روزی و ریزش رحمت بر آفریدگان قرار داده است».(۲)

شکر نعمت هم عامل فراوانی رزق شمرده شده است. آنجا که خداوند می فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزيدَنَّكُمْ؛ اگر در برابر نعمت های من سپاس گزار باشید، بر نعمت های شما می افزایم.» (ابراهیم: ۷) امام علی علیه السلام در این زمینه فرمود: «شکر المنعم یزید فی الرزق؛ سپاس گزاری از نعمت دهنده، روزی را می افزاید».(۳) همچنین علامه طباطبایی در سفارشی اخلاقی به همه مردم می گوید:

از خدا بترسید و در راه به دست آوردن رزق منحرف نشوید. راه صواب به دست گیرید و دیر رسیدن بهره ای از رزق شما را به نافرمانی خدا وا ندارد. برای اینکه خدای تعالی رزق حلال را بین خلقش تقسیم کرده و آن را به طور حرام تقسیم ننموده و خلاصه آنچه را خدا تقسیم

۱- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ترجمه: احمد جنتی، ص ۹۹.

۲- نهج البلاغه، خ ۱۴۳.

۳- حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص۳۸.

کرده، رزق حلال است، نه حرام. پس هر کس از خدا پروا کند و خویشتن داری نماید، رزقش از راه حلال خواهد رسید و هر کس پرده حرمت خدا را پاره نموده و رزقش را از غیر راه حلال بگیرد، رزق حلالش را به عنوان قصاص از او خواهند گرفت. در نتیجه، همان مقداری که باید از حلال می خورد، از حرام خورده و نه بیشتر با این تفاوت که حساب آن را باید پس بدهد.(۱)

در نتیجه، باور به عوامل معنوی رزق و روزی، توجه انسان را از راه های صرفاً مادی کسب روزی، به اسباب و وسایل غیرمادی جلب می کند و سبب می شود به سراغ آن وسایل برود. بنابراین، عقیده به عوامل معنوی روزی به عنوان شاخص تربیتی جهاد اقتصادی برای جهت دهی به فرآیند اقتصاد و پیش گیری از آسیب های احتمالی، به ویژه در توزیع، بسیار مفید و کارساز است.

ج) باور به اخوت اسلامی

ج) باور به اخوت اسلامی

اسلام، برترین دینی است که بیش از همه ادیان بر وحدت و هماهنگی هرچه بیشتر جوامع اسلامی تأکید کرده و راه های عملی سازی آن را نیز ارائه داده است. قرآن کریم، محور وحدت مسلمانان را در برادری قرار داده و مؤمنان را برادر دینی همدیگر خوانده است. اخوت اسلامی، کارآمدترین طرح برای انسجام و بهره مند ساختن جامعه از عدالت اجتماعی است و نابرابری اقتصادی را نیز از بین می برد. خداوند در قرآن کریم، در این باره می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ مؤمنان برادر یکدیگرند». (حجرات: ۱۰)

در شأن نزول این آیه آمده است که پیامبراکرم صلی الله علیه و آله بلافاصله در مدینه، بین دو نفر از مهاجر و انصار، عقد اخوت بست و همه را برادر دینی قرار داد.(۲) این کار

ص:۷۰

۱- تفسیر المیزان، ج۳، ص۲۲۵.

۲- رضی الدین طبرسی، تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، گروه مترجمان، ج ۲۳، ص ۲۰۳.

پیامبر در ایجاد یک پارچگی میان مسلمانان، اثر بسزایی داشت. ازاین رو، هرچه از مال و دارایی داشتند، با برادرشان تقسیم کردند. هر یک از دو برادرخوانده، به جنگ می رفت، دیگری مسئولیت خانواده او را بر دوش می گرفت.

اگر این حس برادری، در جوامع اسلامی زنده شود و هر مسلمانی با دید برادری به دیگران نگاه کند، قطعاً اختلاف و نزاع و جنجال از بین می رود. با این احساس، توانگران به کمک نیازمندان می شتابند و فقر و کمبودهای اقتصادی، به تدریج ریشه کن می شود. در روایات اسلامی نیز بر این موضوع تأکید شده است تا همواره حس تعاون و هم دردی با برادران دینی، در مردم زنده بماند. امام صادق علیه السلام درباره وحدت اسلامی می فرماید: «المؤمن أخو المؤمن کالجسد الواحد، إن تشکی شیئاً منه وجد الم ذلک فی سائر جسده؛ مؤمن، برادر مؤمن است، همانند پیکری واحد که چون عضوی از آن، به درد درآید، درد آن را در دیگر [اعضای] پیکرش می یابد».(۱)

از این گونه آیات و روایات، پی می بریم که وحدت و برادری در فرهنگ اسلامی، صرفاً شعاری لفظی و زبانی نیست، بلکه واقعیت است و باید در زندگی مسلمانان تجلی کند و آثار آن در عدالت اجتماعی مشاهده شود، چنان که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه، به واقعیت رسید و مایه انسجام و هماهنگی مسلمانان شد.(۲)

امام خمینی رحمه الله درباره لزوم وحدت مسلمانان می فرماید: «دوستان من! عزیزان من! همه با هم باشید، برادر باشید، از تفرقه پرهیز کنید، همه برای اسلام، همه برای خدا، همه نیروی الهی هستید.»(۳) این نگرش امام، در حقیقت برگرفته از همین آیات و روایات است که همه جوامع اسلامی را به وحدت

۱- شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۶.

۲- نک: مبانی اقتصاد توحیدی بر اساس اقوال ائمه طاهرین:، ص ۱۲۹.

۳- سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۵۵.

دعوت می کند؛ چراکه ایشان سعادت دنیا و آخرت امت مسلمان را در سایه وحدت و اخوت دینی می داند. اگر همه مسلمانان بر محور قرآن متحد باشند، به رشد مادی و معنوی دست می یابند. ازاین رو، باور به اخوت اسلامی، از مهم ترین شاخص تربیت در میدان جهاد اقتصادی است و بر جهادگران لازم است به این شاخص حیاتی و اثرگذار، توجه کنند.

مقام معظم رهبری می فرماید:

یک شرط دیگر، حفظ اتحاد و انسجام ملی است. این اتحادی که امروز در میان مردم و در بین مردم و مسئولین وجود دارد، مردم به مسئولینِ خودشان علاقه مندند، به آنها اعتماد دارند، به آنها کمک می کنند، با آنها همراهی می کنند، بین خود مردم اتحاد و وحدت وجود دارد، بایستی باقی بماند و روزبه روز تقویت شود.(۱)

اگر انسجام ملی خدشه دار شود، تمام برنامه های سیاسی و اقتصادی کشور دست خوش تزلزل می شود. اخوت اسلامی در همه زمینه ها از یک سو سبب رشد اقتصادی و رفع محرومیت از جامعه می شود و از سوی دیگر، روحیه تعاون را در میان اقشار مختلف اجتماع تثبیت می کند.

د) باور به کرامت انسانی

د) باور به کرامت انسانی

واژه «کرامت» از ریشه «کرم» به معنای شرافت، اصالت، بزرگ منشی و نیک سیرتی است(۲) که حاصل بهره مندی فطری و ذاتی یک موجود است. انسان به عنوان سرآمد آفریدگان، از بهره مندی های درونی ویژه ای برخوردار است که خداوند در نهاد او قرار داده است. عقل و اراده و اختیار از جمله توانایی های ذاتی هستند که سبب کرامت آدمی شده اند. این کرامت به اصل انسان بودن انسان باز می گردد و به گروه معینی از آدمیان اختصاص ندارد.

ص:۷۲

۱- سخنرانی در حرم رضوی، ۱/۱/۱۳۹۰.

۲- فرهنگ معاصر (عربی ـ فارسی)، ص ۵۸۵، واژه «کرم».

ازاین رو، آدمیان، همه از یک گوهر شریفند و از این جهت، هیچ کس بر دیگری فضیلت ندارد.(۱) چنین کرامتی که میان همه انسان ها مشترک است، به ذات و فطرت آنها برمی گردد، نه به عوامل بیرونی و اکتسابی.

خداوند می فرماید: «وَ لَقَدْ کَرَّمْنا بَنی آدَمَ؛ و به راستی فرزندان آدم را بزرگوار داشتیم.» (اسرا: ۷۰) نکته تربیتی تصریح قرآن به کرامت ذاتی انسان آن است که هر کس با شناخت چنین امتیازی در خود، به آسانی آن را از دست نمی دهد، بلکه در حفظ و پرورش آن کرامت تلاش می کند. راز سخن در این است که بشر به این شرافت ممتاز و بی نظیر خود توجه و آن را حفظ کند و خود را به گناه آلوده نسازد. بر این اساس، امروزه یکی از روش های اثرگذار در فرآیند تربیت، شخصیت دادن و تکریم متربی است و این روش به اندازه ای مهم است که در همه متربیان و در مقام برخورد با آنها باید رعایت شود. این امر نه تنها به عنوان روش، بلکه در مقام یکی از اصول مهم در تربیت اسلامی هیچ گاه در متون دینی، نادیده انگاشته نشده است. اگر فردی ضمن پاس داشت کرامت ذاتی، به کرامت های اکتسابی نیز دست یافت، ارزش او بیشتر و پیوندش با خدا هم تقویت می شود. خداوند در این باره می فرماید: «إِنّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللّهِ أَتْقاکُمْ؛ به درستی، گرامی ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست». (حجرات: ۱۳)

بنابراین، انسان دو نوع کرامت دارد: ذاتی و اکتسابی. کرامت ذاتی او اساس ارزش های اکتسابی را تشکیل می دهد. روایت شده است که مردی از حضرت عیسی بن مریم علیه السلام پرسید: کدامین انسان برتر است؟ حضرت از روی زمین دو کف خاک برگرفت و فرمود: «کدام یک از این دو کف خاک برتر است؟ مردم از خاک آفریده شده اند، هر کدام که باتقواتر باشند، برتر خواهند بود».(۲)

۱- خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۳۸.

۲- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۳، ص ۲۲۴.

باور به کرامت انسان و ارزشمندی او در حوزه های علوم رفتاری، نظیر تربیتی، سیاسی ـ اجتماعی و اقتصادی آثار بسیاری دارد. به ویژه از نظر تربیتی، هرگاه فرد با عزت و شخصیت رشد یابد، به حالتی دست می یابد که در برابر گناه و نافرمانی خدا، همواره پاسداری از خود نشان می دهد. برعکس، تحقیر، توهین و تکریم نکردن به شدت به شخصیت او آسیب می زند. اگر این روش ادامه یابد، در همه رفتارهای فرد سرایت می کند و آثار ذلت و خواری در چهره او مشاهده می شود و در زمینه اقتصاد نیز اثرگذار است، ولی کرامت انسانی، فرد را از انحراف باز می دارد. بنابراین، باور به کرامت انسانی در نهاد جهادگر اقتصادی، از دو جنبه دارای اثر مثبت است: اول در وجود خود آن شخص سبب می شود که به معاملات حرام و محرمات مالی تن ندهد. دوم اینکه کرامت دیگران را حفظ می کند و به دلیل امور مالی، به حیثیت و آبروی مسلمانان آسیب نمی زند. مهم تر از همه اینکه حقوق مالی اعم از واجبات مانند خمس و زکات و مالیات دولت را به موقع می پردازد. در نتیجه، باور به کرامت انسانی را می توان به عنوان شاخص تربیتی جهاد اقتصادی در نظر داشت و آن را در جهادگران ایجاد و تقویت کرد.

ه) نیازسنجی در امر توزیع

ه) نیازسنجی در امر توزیع

تردیدی نیست که توزیع کالاـ و خدمات در هر جامعه، بر اساس نیاز صورت می گیرد. به عبارت دیگر، عرضه مبتنی بر تقاضاست و تا تقاضایی نباشد، عرضه کالا بی فایده است و جز زیان، سودی به همراه ندارد. ازاین رو، نیازسنجی از میزان احتیاج مردم به کالای خاصی لازم است تا تولیدکنندگان برآوردی نسبی از تقاضای جامعه نسبت به آن فرآورده معین داشته باشند. نیازسنجی در مصرف کالاـ را از راه های مختلف می توان انجام داد: بازار و فروشندگان کالا؛ واسطه های خرید؛ دلالانی که واسطه انتقال کالا به مردم

هستند؛ مراجعه مستقیم به مصرف کنندگان و رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی. به هر صورت، شناخت میزان نیاز مردم به مصرف کالا در زمینه توزیع لازم است تا از خسارت های احتمالی پیش گیری شود.

عمدتاً مشکل اساسی در امور اقتصادی در مرحله توزیع ثروت و کالا پدید می آید؛ زیرا در منابع طبیعی، مشکلی وجود ندارد و خداوند به اندازه نیاز بشر، پدیده هایی را در زمین و برکاتی را در آسمان قرار داده است تا به موقع، نیازهای مردم را برطرف کنند. قرآن در این زمینه می فرماید: «وَ آتاکُمْ مِنْ کُلّ ِ ما سَأَلْتُمُوهُ وَ إِنْ تَعُدّوا نِعْمَتَ اللّهِ لا تُحْصُوها إِنّ اْلإِنْسانَ لَظَلُومٌ کَفّارٌ؛ و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد و اگر نعمت های خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد. انسان، ستمگر و ناسپاس است». (ابراهیم: ۳۴)

علامه طباطبایی می فرماید:

خداوند بر اساس رحمت و عنایتش هر آنچه را مورد نیاز انسان است به او عطا کرده و در دل طبیعت قرار داده است. هم آن چیزهایی که احساس نیاز کند و به زبان بیارد و هم آن چیزهایی که به زبان نیارد، ولی خدا می داند که نیازهای بشر چیست، همه را در معرض استفاده آدمیان نهاده است.(۱)

بی عدالتی، حق کشی و نابسامانی ها، از توزیع ناعادلانه منابع و ثروت ناشی می شود. شاید جمله ذیل آیه «إِنَّ الْإِنْسانَ لَظَلُومٌ کَفَّارٌ»، به ناسپاسی انسان در مرحله توزیع اشاره داشته باشد که با ناروایی به همدیگر حقوق دیگران را تضییع می کنند. امام صادق علیه السلام درباره توزیع ثروت و درآمد فرمود:

إن الله تبارک و تعالی، نظر فی اموال الاغنیاء ثم نظر فی الفقراء فجعل فی اموال الاغنیاء ما یکتفون به و لولم یکفهم لزادهم، بل یعطیه ما یأکل و یشرب و یکتسی و یتزوَّج و یتصدَّق و یحجّ.(۲)

۱- تفسیر المیزان، ج۱۲، ص۸۵.

۲- محمد کلینی، فروع کافی، ج ۳، ص ۵۵۶.

به راستی، خداوند متعال، به اموال توانگران و فقیران نگریست و در ثروت توانگران، [حقوقی] قرار داد که برای [تأمین زندگی] تهی دستان کافی باشد و اگر کافی نبود، بر ثروت توانگران آن قدر می افزود که به فقیر بدهند تا بخورد و بنوشد و بپوشد و ازدواج کند و صدقه دهد و حج گزارد.(۱)

بر اساس این روایت، فقرا، شریک اغنیا در اموال آنها هستند و توانگران باید به رفع نیازمندی های فقیران بپردازند تا آنجا که افزون بر تأمین ضروریات زندگی، حج بروند و صدقه دهند. در مجموع، دید اسلام به توزیع ثروت و کالا، بر محور نیاز است و هرجا نیاز بود، باید تأمین شود؛ نه اینکه سرمایه در اختیار افراد محدود بی استفاده بماند. اصولاً انفاق به عنوان ارزشی اسلامی و قرآنی، مبتنی بر نیاز است و بر توانگران لازم است به مستمندان رسیدگی کنند و بخشی از دارایی خود اعم از حقوق واجب مالی را به آنها بپردازند. خداوند در این باره می فرماید: «وَ آتُوهُمْ مِنْ مالِ اللّهِ الّذی آتاکُمْ؛ از مال خداوند که به شما عطا فرموده است به آنان [نیازمندان و زیردستان] بدهید». (نور: ۳۲)

بنابراین، نیازسنجی به عنوان شاخص مهم تربیتی، از نظر شناخت برای جهادگران اقتصادی لازم است و باید بر اساس موجود در جامعه به نیازمندان کمک کنند. نیازسنجی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف، قابل اجراست. در تخصیص منابع، توزیع ثروت، کالا و خدمات و مصرف باید نیازها را در نظر گرفت و بر اساس آن برنامه ریزی کرد. اگر جهادگران در یکی از این موارد به ویژه در توزیع، برآوردی از نیازهای موجود نداشته باشند، پی آمدهای نامطلوب اقتصادی به دنبال خواهد داشت که جبران آن، دشوار است.

و) شناخت راه کارهای تسهیل توزیع

و) شناخت راه کارهای تسهیل توزیع

هدف از توزیع با نگرش اسلامی، رسیدن به عدالت اقتصادی و به تبع آن، عدالت اجتماعی است تا حاصل تلاش و فعالیت هر کس به خود او برگردد؛

ص:۷۶

۱- اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۱۹۴.

به گونه ای که هیچ ظلم اقتصادی به وجود نیاید و رفاه عمومی در جامعه برقرار شود. رسیدن به چنین جامعه ای، تنها در سایه نظام اقتصاد اسلامی و تبعیت از قوانین برآمده از قرآن و سنت امکان پذیر است؛(۱) چراکه هیچ کدام از نظام های اقتصادی جهان، تاکنون نتوانستند بر مشکلات اقتصادی جامعه شان فایق آینـد. مکتب اسلام به عنوان تنها مکتب رهایی بخش و انسان ساز، می تواند نظام اقتصادی عادلانه ای را طراحی و اجرا کند که فقر و نیازمندی را ریشه کن سازد.(۲)

توزیع دارای مراحل گوناگون و نیازمند امکانات و وسایل انتقال کالا و ثروت از تولید به بازار مصرف است تا آن اقلام را در برابر دید خریداران قرار دهند. این کار مستلزم هزینه جابه جایی کالا و خدمات از محل تولید به مکان های مصرف است. گاه مشاهده می شود که هزینه انتقال کالا سبب افزایش قیمت آن می شود و چه بسا به دو برابر افزایش می دهد. اگر برنامه ریزی درست و حساب شده صورت گیرد و افراد کارشناس، متصدی توزیع و انتقال کالا ـ در سطح کشور باشند، هزینه توزیع به شدت کاهش خواهد یافت. این امر هم به تولید کمک می کند تا رونق بیشتری پیدا کند و هم به توزیع گران که فرآیند انتقال کالا را با هزینه کمتر به سامان برسانند و هم به مصرف کنندگان که هزینه کمی بپردازند. در این صورت، عدالت اقتصادی به تدریج در جامعه پدید می آید و مشکلات سوء توزیع برطرف می شود. آنچه مهم است، شناخت راه های تسهیل توزیع کالا در کشور است که این امر با مدیریت درست و قوی، قابل حل است.

البته شناخت راه های تسهیل توزیع با کمترین هزینه و کوتاه ترین زمان، به مطالعه موردی نیاز دارد و یک قانون کلی نمی توان ارائه داد؛ زیرا انتقال کالا

۱- درآمدی بر اقتصاد اسلامی، صص ۳۲۷ و ۳۲۸.

۲- اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، صص۳۴ _ ۴۰.

باید با توجه به نیازهای مردم و راه های ارتباطی از قبیل جاده و راه آهن و خط هوایی هر کشور و شهری برنامه ریزی شود. آب و هوا، دوری و نزدیکی به محل تولید، موقعیت سیاسی ــ جغرافیایی و حتی خصوصیات ساکنان شهر و روستا در امر توزیع دخالت دارند. شناخت آسان سازی راه های توزیع ثروت، کالا و خدمات از شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی است. به این دلیل که اگر در شهری، نیازمندان زیاد باشند، با مطالعه کارشناسی می توان زودتر به رفع نیاز آنها اقدام و هزینه کمتری از آنان در برابر توزیع دریافت کرد. اگر به این موضوع توجه نشود، ممکن است مشکلات متعدد و آسیب های تربیتی زیادی پدید آید.

ز) آسیب شناسی فرآیند توزیع

ز) آسیب شناسی فرآیند توزیع

توزیع، مهم ترین مرحله فرآیند اقتصادی است که متصدیان امر باید کالاـ و ثروت و خدمات را به موقع و با استفاده از کم هزینه ترین راه و مناسب ترین روش، در کوتاه ترین زمان، به بازار مصرف و دست مشتریان برسانند. طبیعی است چنین امری در مقام اجرا با مشکلات و موانعی مواجه خواهد بود. اگر موانع، شناسایی و در جهت رفع آن اقدام شود، کار توزیع بهتر انجام می گیرد. ازاین رو، در این فراز از نوشتار، به بررسی اجمالی آسیب های توزیع می پردازیم تا کمکی به همه جهادگران اقتصادی باشد.

آسیب شناسی،(۱) اصطلاحی است که ابتدا در عرصه زیست شناختی و علوم پزشکی پدید آمد که به بررسی علل و عوامل بیماری می پرداخت. سپس کاربرد آن توسعه یافت و در دیگر رشته های علمی، مانند علوم تربیتی، روان شناختی، اجتماعی، اقتصاد و امثال آن نیز به کار ر فت،(۲) به این تناسب که

۱- ۱.Pathology.

۲- رحمت الله صدیق سروستانی، آسیب شناسی اجتماعی، ص ۱۰.

کالبـد انسـان بـا کالبـد نهادهـای اجتمـاعی شـباهت دارد و می توان آسـیب شناسـی را مطـالعه ناهنجـاری هـا و نابسامانی های اجتماعی، اقتصادی یا تربیتی دانست.(۱) امروزه با اینکه کاربرد آسـیب شناسی گسترش یافته، مفهوم این اصطلاح تغییر نکرده است، بلکه به همان معنای زیست شـناختی، یعنی شـناخت علل و عوامل آسـیب زا به کار می رود که در رونـد اجرای موضوع مورد مطـالعه مـانع ایجـاد می کننـد. در اینجـا، منظور از آسـیب شناسـی، فرآینـد توزیع، مطـالعه موقعیت هـا و اوضـاع نابهنجار اقتصادی است که به بررسی و شناسایی موانع موجود در مسیر جریان توزیع می پردازد.(۲) شناخت موانع و آسیب های موجود در مسیر توزیع کالا و خدمات، این امکان را فراهم می سازد که با معرفی آنها به جهادگران اقتصادی، مشکلات توزیع برطرف شود و فرآیند تقسیم و انتقال اشیای مورد نیاز جامعه به آسانی صورت می پذیرد.

بـار تربیتی آسـیب شناسـی در حوزه اقتصـاد، به طور کلی و درباره توزیع به طور خاص، این است که مفهوم عام آن را در نظر بگیریم و آسـیب های اخلاقی و فقهی را بازشناسـی کنیم. برای نمونه، ربا در فرآیند اقتصاد از آسیب های فقهی و کاری حرام است که ممکن است در امور اقتصـادی پیش آیـد و بایـد موارد آن را شـناخت و از ربـا خودداری کرد؛ چراکه خداونـد ربا را حرام کرده و به مرتکبان آن وعـده عذاب داده است. خداوند در این زمینه می فرماید: «وَ أَحَلَّ اللّهُ الْبَیْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبا؛ خدا بیع را حلال و ربا را حرام کرده است». (بقره: ۲۷۵) یعنی خداونـد، معامله ای را که در آن ربا نباشد، حلال و معامله ای را که در آن ربـا باشـد، حرام کرده است. امام صادق علیه السـلام درباره عـذاب اخروی ربا در حـدیثی فرمود: «درهم رباً اعظم عنـد اللّه من سبعین زنیه بذات محرم فی بیت

ص:۷۹

۱- هدایت الله ستوده، آسیب شناسی انحرافات اجتماعی، ص۲۰.

۲- مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، ص ۴۹۹.

اللّه الحرام؛ گناه یک درهم ربا نزد خدا، بزرگ تر از هفتاد بار زنا با محارم در خانه خداست».(۱) این نوع حرمت های معاملاتی و اقتصادی را از طریق آسیب شناسی می توان شناخت و از وقوع آن پیش گیری کرد.

آسیب شناسی فرآیند توزیع در مقام اجرا، به روش های متعددی، قابل تحقق است و باید با مطالعه دقیق اوضاع سیاسی ـ اجتماعی و تحولات اقتصادی، مناسب ترین روش به کار گرفته شود. به نظر می رسد روش قابل اطمینان این است که گروهی از کارشناسان اقتصادی و اجتماعی، آسیب های چرخه اقتصادی را در سه مرحله، تولید و مصرف به ویژه توزیع، به صورت علمی بررسی کنند و به دست اندرکاران اقتصادی گزارش دهند. گزارش های کارگروه علمی در زمینه آسیب شناسی فرآیند تولید، هم علمی و دقیق و راه گشا و هم مورد اعتماد و اطمینان بخش خواهد بود. اگر این کارگروه از درون جهادگران اقتصادی تشکیل شود، به دلیل آشنایی کامل با فرآیند تولید و توزیع و نیازهای جامعه، مفیدتر و کارسازتر خواهد بود. به هر حال، آسیب شناسی توزیع به عنوان شاخص تربیتی جهاد اقتصادی که جنبه شناختی دارد، در بهبود و کارآیی فرآیند اقتصاد، تأثیر بسزایی دارد.

۳. شاخص های تربیتی بینشی ناظر به مصرف

اشاره

۳. شاخص های تربیتی بینشی ناظر به مصرف

مصرف در دانش اقتصاد، تابع تولید و توزیع است؛ یعنی هر اندازه درآمد بیشتر بود، مصرف افزایش می یابد. تقریباً نوعی رابطه مستقیم صعودی، میان آنها برقرار است. این رابطه تا حدودی، درباره درآمد ملی درست است، ولی بحث بیشتر، ناظر به مصرف شخصی است که خانواده های مؤمن و معتقد به اسلام و قرآن، با توجه به درآمدهایی که دارند، چگونه مصرف کنند.(۲)

بدون

۱- عبدالحسین طیب، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۳.

۲- اقتصاد در قرآن، ص ۱۱۵.

تردید، هدف اصلی از تولید و توزیع، تأمین نیاز مصرف کنندگان است. هر کس می کوشد درآمدی کسب کند و در نتیجه، زندگی مطمئن و آرامی برای خود و خانواده اش فراهم آورد.(۱)

همه مکتب های اقتصادی برای تأمین رفاه عمومی مردم برنامه ریزی می کنند. مکتب اقتصادی اسلام نیز برنامه های مفید و کارسازی برای ملت مسلمان دارد که باید آنها را از لابه لای منابع دینی استخراج کرد و در اختیار برنامه ریزان و مجریان فرآیند اقتصاد قرار داد. درباره مرحله مصرف فرآورده های مادی که پس از تولید و توزیع در اختیار مردم و خانواده ها قرار می گیرد، بایدها و نبایدهای بسیاری در قرآن کریم وجود دارد که شناخت آنها انسان را به مصرف درست هدایت می کند. ازاین رو، در این بخش از بحث، به بررسی شاخص های تربیتی مصرف در حوزه شناخت کمّی و کیفی آن می پردازیم. با شناسایی این شاخص ها می توانیم راه درست مصرف کردن را بیاموزیم و به دیگران ارائه دهیم.

الف) شناخت نیازهای واقعی مصرف

الف) شناخت نیازهای واقعی مصرف

انسان در زندگی نیازهای گوناگونی دارد و در نگاهی کلی، آنها را به نیازهای مادی و معنوی می توان تقسیم کرد. هر یک از این نیازها، انواع متعددی دارد و آنچه مهم به نظر می رسد، آن است که نیازهای مادی و معنوی در ارتباط با هدف نهایی از زندگی باید تعیین شود تا انسان را به آن هدف اصلی برسانند که از منظر قرآن، قرب الهی است.(۲) نیاز آدمی دارای جنبه های مختلفی همچون عینی، ذهنی و احساسی است که نیازهای غیرواقعی، بیشتر، جنبه ذهنی و احساسی دارند، نه عینی و واقعی. برای مثال، فرد از امکانات مناسبی برخوردار است و پول و ثروت فراوانی در اختیار دارد و در عین حال

۱- درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ص ۳۷۰.
۲- اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۲۶۹.

احساس نیاز می کند و خود را نیازمند جلوه می دهد.(۱) اینجاست که چنین احساسی او را وادار می کند تا آنچه را هوس کرده است، به دست آورد، ولی از نظر قرآن و اقتصاد اسلامی، تأمین این گونه نیازها لزومی ندارد. در اسلام، تلاش برای رفع نیازهای تخیلی و احساسی نهی شده است؛ چراکه انسان را در شمار مترفین، مسرفین و نظیر آن قرار می دهد.

تردیدی نیست که عامل اصلی مصرف کالا، نیازهای فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان است که او را به تهیه مواد مصرفی وادار می سازد. این نیازها باید واقعی باشد، نه تخیلی و ساختگی یا احساسی، وگرنه حد و مرزی برای مصرف نخواهد بود؛ چرا که نیاز اقتصادی باید ناظر به نیازی واقعی، ناشی از ضرورت فیزیولوژیکی یا فرهنگی و اجتماعی باشد. توجه نکردن به این ضرورت ممکن است به فعالیت جسمانی یا موقعیت خانوادگی و اجتماعی فرد آسیب بزند. ازاین رو، فرد ناگزیر است تا آن ضرورت بدنی یا خانوادگی را با مصرف مواد خوراکی یا پوشاکی مناسب و امثال آن برطرف سازد. به عبارت بهتر، مصرف هایی که برای ادامه حیات و حفظ نفس از ابتلا به بیماری، از دست ندادن موقعیت فرهنگی و اجتماعی یا رهایی از ناراحتی های روحی لازم است، به نیازهای واقعی اقتصادی معطوف هستند.(۲)

نیازهای غیرواقعی، گونه های مختلف دارد؛ گاه ناشی از تخیل ذهنی است و فرد در عین برخورداری از امکانات رفاهی، خود را محتاج احساس می کند و دنبال جمع آوری پول و ثروت می رود. گاهی هم ناشی از هوای نفس است؛ چرا که نفس همواره به سقوط اخلاقی فرمان می دهد: «وَ ما أُبَرِّئُ نَفْسی إِنّ النّفْسَ لَأَمّارَةٌ بِالسّوءِ؛ من هرگز خودم را تبرئه نمی کنم؛ که نفس [سرکش] به

۱- همان.

۲- درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ص۳۷۷.

بـدی ها بسـیار امر می کند.» (یوسف: ۵۳) در بـاب مصـرف اقتصـادی نیز این خواسـته نفس وجود دارد و از آدمی می خواهد هرچه بیشتر به جمع آوری مادیـات و ذخیره سـازی آن بپردازد. اینجـاست که بحث مصـرف کاذب و غیرواقعی پیش می آیـد. البته انسان مؤمن به این نوع خواهش های نفسانی توجه نمی کند.

گاهی اوقات، احساس نیاز ناشـی از تبلیغات است که از طریق رسانه ها، مطبوعات، خویشاوندان و همسایه ها صورت می گیرد و خانواده ها را تحت تأثیر قرار می دهـد و به خرید کالاهای غیرضـروری وادار می کند. به هر حال، عوامل بسـیاری در ترویج نیازهای غیرواقعی نقش دارند که نباید تحت تأثیر آنها قرار گرفت، وگرنه آثار نامطلوبی در جامعه خواهد داشت.

خداونـد در قرآن کریم، آدمی را به تأمین نیازهای واقعی دعوت می کنـد، نه نیازهای احساسـی و تخیلی و غیرواقعی. خـداوند ضمن دعوت به اسـتفاده از نعمت ها، از افساد و افراط در بهره گیری از مادیات منع می کنـد. خداوند در این زمینه می فرماید: «کُلُوا وَ اشْـرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللّهِ وَ لا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِـدینَ؛ از روزی های الهی بخوریـد و بیاشامیـد و در زمین فساد نکنیـد.» (بقره: ۶۰) خوردن و آشامیـدن در این آیه، به صورت مطلق آمـده است و شامل هر نوع تصـرف مالی می شود. همچنین به آن افسـاد در زمین نیز می گوینـد که به هر نـوع زیـاده روی در امور اقتصـادی و به ویژه افراط در مصـرف گفته می شود.(۱) امام سجـاد علیه السـلام نیز در دعـایی از خداونـد درخواست می کنـد که او را از اسـراف و ورود در وادی نیازهای کاذب در امان دارد: «واحجُبنی عن السَّرفِ و الازدیاد؛ خدایا! مرا از اسراف و زیاده روی در مصرف باز دار».(۲)

این گونه آیات و روایات، ناظر به نیازهای واقعی است و ما را به این نکته رهنمون می سازند که در هزینه اقتصادی باید به رفع ضرورت های زندگی

۱- محمد سبزواری نجفی، ارشاد الاذهان الی تفسیر لارنس، ص۱۵.

۲- صحیفه سجادیه، دعای ۳۰.

توجه کرد و از زیاده روی که ناشی از نیازهای کاذب است، خودداری کرد، وگرنه انسان مرتکب اسراف و تجمل گرایی و تضییع نعمت های الهی خواهد شد.

بر این اساس، شناخت نیازهای واقعی و تشخیص آن از نیازهای کاذب و هواهای نفسانی، از شاخص های مهم تربیتی در امور اقتصادی است. در این زمینه رسانه ها هم می توانند برنامه ریزی کنند و مردم را از نیازسازی و افتادن در دام نیازهای کاذب اقتصادی که انتهایی ندارد، بر حذر دارند. اگر جامعه با این نگرش، به اقتصاد بنگرد و به نیازشناسی و تنها به ضرورت های زندگی در حد اعتدال توجه داشته باشد، بسیاری از مشکلات و کمبودهای اقتصادی برطرف می شود. این امر به عزم دینی و ملی نیاز دارد که همه مردم به صورت جهادگرایانه با برنامه شخصی و خانوادگی، به تعیین نیازهای واقعی بپردازند.

ب) خردمندی در مصرف

ب) خردمندی در مصرف

عقل و خرد در اصطلاح صاحب نظران مسلمان،(۱) قوه ای در باطن انسان است که خیر و صلاح دنیا و آخرت را تشخیص می دهد و او را از تمایل به خلاف آن باز می دارد.(۲) به این معنا، عقل، قوی ترین ابزار در تحصیل سعادت و کمال حقیقی است و بدون آن نمی توان به سعادت ابدی دست یافت. علامه طباطبایی در این باره می فرماید: «عقل را بر قوه ای که در انسان است و در

۱- ملاصدرا در شرح اصول کافی شش معنا برای عقل ذکر کرده است: ۱. غریزه، مشترک در انسان و حیوان است و عامل حرکت و ادراک می باشد؛ ۲. عقل به اصطلاح متکلمین که مدرک بدیهیات است، مانند ادراک دو ضرب دو برابر چهار؛ ۳. عقل در اصطلاح علمای اخلاق که بخشی از نفس است و به تدریج رشد می کند؛ ۴. عقل عرفی به معنای زیرکی و دانایی که در امور دنیایی کاربرد وسیع دارد، مانند عقلی که در پادشاهان نظیر معاویه وجود دارد؛ ۵. عقل فلسفی که در کتاب نفس از آن بحث می شود و دارای چهار مرتبه بالقوه، بالملکه، بالفعل و بالمستفاد است؛ ۶. عقل مجرد که تعقل به ماده ندارد و به موضوعی وابسته نیست. (صدرالدین محمد شیرازی، شرح اصول کافی، ترجمه: محمد خواجوی، ج ۱، صص ۱۵۹ ــ ۱۶۷).

۲- علی عبدالحمید محمود، التربیه العقلیه، ص ۳۱.

سایه آن خیر و شر و حق و باطل را تشخیص می دهد، اطلاق می کند.»(۱) امام خمینی رحمه الله نیز می فرماید: «عقل، قوه عاقله و روحانیه ای است در انسان که به حسب ذات، مجرد و به حسب فطرت، تمایل به خیرات و کمالات دارد و داعی به عدل و احسان می باشد».(۲)

بر این اساس، خرد، نوعی نیروی حساب گر در باطن آدمی است که فرد می تواند به وسیله آن آگاهانه بسنجد و دقیقاً همه جنبه ها را بررسی کند که بر آینده و سرنوشت او چه تأثیری دارد. سپس به تناسب آن، تصمیم بگیرد و به گونه ای رفتار کند که برایش نتیجه مطلوبی داشته باشد.(۳) به عبارت دیگر، عقل، نیروی ویژه ای در نهاد انسان است که نیک و بد را تمییز می دهد و راه را از چاه، باز می شناسد.(۴) عقل با این وصف، معیار فضیلت و برتری انسان بر دیگر آفریدگان است(۵) و در قرآن کریم، به بهره گیری از آن فراوان تأکید شده است.

در حوزه اقتصاد، نقش خردورزی در هزینه سازی و دخل و خرج مالی روشن است؛ چراکه با خردمندی و به کارگیری نیروی حساب گر عقل می توان از آسیب های اقتصادی جلوگیری کرد و به ضرورت های زندگی اهتمام ورزید. اگر تصمیم گیری های انسان بر اساس خردمندی و آینده نگری باشد، فعالیت های اقتصادی به بار می نشیند و از زیان های احتمالی پیش گیری می شود؛ زیرا یکی از کاربردهای خرد، قدرت تجزیه و تحلیل امور زندگی به ویژه مسائل اقتصادی است. هر کس دارای صفت خردورزی بود و خردمندانه زندگی کرد، کارهای مالی را تجزیه و تحلیل و سبک و سنگین

۱- سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، ج۲، ص ۳۷۱.

۲- سید روح الله موسوی خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص۲۱.

۳- اخلاق در قرآن، ج ۲، صص ۲۰۷ _ ۲۰۹.

۴- حسن یوسفیان و احمد حسین شریفی، عقل و وحی، ص ۲۱.

۵- علی۷: «العقل فضیله الانسان.» (غررالحکم و دررالکلم).

می کند و در نهایت، سودمندترین را در مسیر حق و کمال نهایی برمی گزیند و روی آن سرمایه گذاری می کند. قرآن بارها آدمی را به استفاده از نیروی خرد در زندگی فرا خوانده است. خداوند در زمینه مقایسه زندگی دنیا و آخرت، عقل را حاکم قرار داده است که خود انسان با تجزیه و تحلیل به داوری بپردازد تا بفهمد که کدام برتری دارد: «وَ ما أُوتیتُمْ مِنْ شَیْ ءٍ فَمَتاعُ الْحَیاهِ الدّنْیا وَ زینَتُها وَ ما عِنْدَ اللّهِ خَیْرٌ وَ أَبْقی أَفَلا تَعْقِلُونَ؛ آنچه به شما داده شده، متاع زندگی دنیا و زینت آن است و آنچه نزد خداست، بهتر و پایدارتر است؛ آیا اندیشه نمی کنید؟» (قصص: ۶۰) امام علی علیه السلام نیز در روایتی می فرماید: «العقلُ أنَّکَ تَقتَصِدُ فلاتُسرِفُ و تَعِدُ فلاتُخلِفُ و إذا غَضِبتَ حَلُمتَ؛(۱) خردمندی این است که میانه روی کنی و اسراف نکنی، وعده بدهی و خلف وعده نکنی و چون خشمگین شدی، بردبار باشی».(۲)

از این گونه آیات و روایات به خوبی برمی آید که به کارگیری خرد در امور مالی و شیوه مصرف کالا و خدمات، بسیار کارساز و اثربخش است. اگر مردم از نیروی باطنی در تعیین مصارف خانواده و جامعه بهره گیرند و با اولویت بندی نیازها، برنامه ریزی درستی داشته باشند، بسیاری از مشکلات اقتصادی، مانند تورم، کمبودها و امثال آن به زودی از بین می رود. بر اثر پیروی از راهنمای عقل، سعادت دنیا و آخرت قابل دست یابی است و می توان هم زندگی مناسب در دنیا فراهم کرد و هم در آخرت روسفید بود.

امام حسن مجتبی علیه السلام در این زمینه می فرماید: «بالعَقلِ تُدرَکُ الدّارانِ جَمِیعاً و مَن حُرِمَ مِن العقلِ حُرِمَهُما جَمِیعاً؛ با خرد است که هر دو سرا به دست می آید و هرکه از خرد محروم باشد، از هر دو سرا محروم شود»؛(۳) زیرا عقل، مرکز شناخت و

۱- غررالحکم و دررالکلم، ح ۲۱۳۰.

۲- محمد محمدی ری شهری، الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث، ص ۶۰.

۳- میزان الحکمه، ج۷، ص۵۰۲.

تشخیص خیر و شر و اموری است که در زندگی مادی و معنوی انسان اثرگذارند و هر کس با عمل به راهنمایی های خرد، به سعادت دنیا و آخرت دست می یابد. بنابراین، خردمندی در مصرف از شاخص های مهم جهاد اقتصادی است و با استفاده از نیروی عقل در مسیر اعتدال قرار خواهد گرفت؛ چون افراط و تفریط، هر دو برخلاف خردمندی است.

ج) شناخت چگونگی مصرف

ج) شناخت چگونگی مصرف

مصرف در یک نگاه کلی، دارای دو جنبه کمّی و کیفی است که شناخت هر یک از آن دو، به بهینه سازی مصرف از نظر مادی و معنوی کمک می کند. جنبه کمّی مصرف همان است که مردم، روزانه با آن سر و کار دارند و هر شبانه روز، مقداری از فرآورده های تولیدی را مصرف می کنند. میزان مصرف از نظر کمیّت، عمدتاً بر اساس تعداد عایله و حجم خانواده تعیین می شود که هر خانوار، هر روز، هفته یا ماه، چه اندازه به مواد خوراکی و پوشاکی نیاز دارد. هر خانواده بر حسب نیاز خود کالاهای ضروری را تهیه و برای رفع نیاز خویش مصرف می کند. هرچند همه خانواده ها با کمیّت مصرف شبانه روز آشنا هستند و هر وقت، طبق میل افراد، غذایی برای صرف صبحانه و شام و ناهار به اندازه کافی آماده می سازند، ولی آن طور که مشاهده می شود، بیشتر آنها از روش های بهینه سازی مصرف، حتی از نظر کمّی و مادی چندان شناختی ندارند. معمولاً خانواده ها با زیاده روی در مصرف روبه رو هستند و بیش از اندازه، هزینه می کنند. همچنین به تنوع در وعده های غذایی توجه لازم ندارند و تقریباً خوراکی های مشابه و یکسان آماده می سازند که این گونه رفتار هم به اشتهای افراد آسیب می زند و هم تضییع نعمت الهی را افزایش می دهد.

ازاین رو، شناخت راه های درست مصرف کردن در خانواده بسیار مهم است و اگر زنان خانه دار که عمدتاً پخت وپز را به عهده دارند، با شیوه های

بهینه سازی مصرف در دو بعد کمّی و کیفی آشنا بودند، این همه نعمت های خدا در طول سال های متمادی، ضایع نمی شد. برای نمونه، درباره آرد و نان، این مسئله برای عموم مردم روشن شده است که قبل از هدف مندسازی یارانه ها، ضایعات نان زیاد بود. همین طور درباره انرژی و همه موارد دیگر در حوزه تولید، توزیع و مصرف، میزان ضایعات بسیار بالا بود.

مهم تر از شناخت چگونگی کمّی مصرف، درک و فهم چگونگی کیفی مصرف است که بیشتر رنگ اخلاقی و تربیتی دارد. کیفیت شناسی مصرف می تواند دو گونه باشد؛ شناخت کیفیت ظاهری استفاده از مواد مصرفی در تنوع و لذت آفرینی و ارضای میل فیزیولوژیکی و شناخت کیفیت معنوی آن. منظور از کیفیت معنوی این است که کالا ـ و مواد مصرفی، از نظر شرعی و قانونی پاک باشد، نه شبهه ناک یا آلوده به حرام یا غصبی. حلیت و حرمت اشیا به کیفیت معنوی آنها مربوط است که از راه حلال یا حرام تهیه شده است. این امر به شناخت چگونگی مصرف بستگی دارد و مصرف کننده باید به آن توجه کامل داشته باشد. ظاهر آیه شریفه، یادآور این نکته است، آنجا که خداوند می فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسانُ إِلى طَعامِهِ؛ انسان باید به غذای خویش بنگرد.» (عبس: ۲۴) دستور توجه به خوراکی، مطلق است که شامل حلیت هم می شود و اینکه غذای مصرفی باید حلال و پول آن از راه مشروع به دست آمده باشد، نه حرام. همان گونه که تفسیر نمونه درباره آیه چنین تأکید می کند: «بر انسان لازم است در کسب لقمه حلال تلاش کند تا به فرزندان حلال تغذیه کند؛ چون تغذیه آثار مثبت و منفی فراوان دارد».(۱)

بر این اساس، شناخت چگونگی مصرف کردن از جهت ظاهری و باطنی و کمّی و کیفی به ویژه کیفیت معنوی از شاخص های مهم تربیت در

۱- ناصر مکارم شیرازی، الامثل فی تفسیر الکتاب المنزل، ص ۴۶۱.

فرآیند جهاد اقتصادی است. این شاخص شامل همه مراحل مصرف، از استخراج منابع، تولید و توزیع می شود و باید همه این موارد بهینه سازی شود، ولی آیات و روایات، در باب مصرف، اغلب ناظر به مصارف کالا و خدمات در فضای خانواده و جامعه است که در این زمینه باید شیوه های بهتر مصرف کردن را دانست. آگاهی از راه های چگونه مصرف کردن، از اسراف جلوگیری می کند، امیال طبیعی را ارضا می سازد، انسان را از افراط و تفریط باز می دارد و به اعتدال و میانه روی هدایت می کند. در نتیجه، حلال مصرف کردن را نیز به خانواده ها و سرپرست آنان می آموزد. جهادگران اقتصادی در تولید، توزیع و مصرف باید این آگاهی را به دست آورند و در فرآیند تولید به کار گیرند.

مقام معظم رهبری درباره چگونگی مصرف، به ویژه مصرف آب می فرماید:

صرفه جویی در مواد اساسی، از جمله صرفه جویی در مصرف آب. امروز نود درصد آبی که ما در کشور مصرف می کنیم، در بخش کشاورزی مصرف می شود. اگر دولت به توفیق الهی بتواند شیوه های آبیاری کشاورزی را اصلاح کند، اگر از این نود درصد، ده درصد کم بشود، شما ببینید چه اتفاقی می افتد. غیر از بخش کشاورزی، در همه بخش های دیگر _ بخش خانگی، بخش صنعتی و بخش هایی که احتیاج به آب دارد _ ما فقط از ده درصد آب کشور داریم استفاده می کنیم. اگر ما بتوانیم در بخش کشاورزی، ده درصد صرفه جویی کنیم، ببینید چه اتفاقی می افتد. در واقع، امکانات بهره برداری از آب در بخش غیرکشاورزی دو برابر می شود که این بسیار چیز مهم و باارزشی است. مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم است. این نیازمند توان مند شدن است، نیازمند اطلاعات لازم است که اینها را باید مسئولین در اختیار مردم بگذارند و امیدواریم ان شاءاللّه این روند

روزبه روز توسعه پیدا کند. البته رسانه ها نقش دارند، رادیو و تلویزیون نقش دارند، می توانند مردم را آگاه کنند؛ دولت هم باید فعال برخورد کند و بتوانند ان شاءاللّه مسئله اقتصادی را پیش ببرند.(۱)

د) نگرش صحیح به مال و ثروت

د) نگرش صحیح به مال و ثروت

مال و ثروت چیزی است که انسان می تواند نیازهای خود را به وسیله آن تأمین کند و بدین جهت، مطلوب انسان است. مال و ثروت به این معنا به هر چیزی گفته می شود که به صورت مستقیم، مانند آب و غذا یا غیرمستقیم، نظیر طلا و نقره و پول نقد، نیاز جسمی یا روحی انسان را برطرف کند. میل به مال و ثروت، نوعی گرایش فرعی و ثانوی است، نه اصیل و اولی؛ زیرا علاقه انسان اصالتاً و ذاتاً به نیازها و تأمین آنها تعلق می گیرد و به مال و ثروت به عنوان اینکه وسیله تأمین نیاز است، رغبت دارد.(۲) بر این اساس، مال و دارایی ابتدا و بالذات مورد علاقه انسان نیست، بلکه جنبه ابزاری برای رفع نیاز دارد، ولی در بسیاری از مردم، بر اثر انحراف از مسیر فطری، علاقه به مال و ثروت اصالت پیدا می کند و حیثیت وسیله بودن آن فراموش می شود.(۳) اینجاست که نگرش غلط به دنیا و مادیات پدید می آید و اگر این نگرش رشد کند، به تدریج، زمینه سقوط معنوی آدمی فراهم می شود. خداوند در قرآن کریم به انسان هشدار می دهد و می فرماید: «فَلا تَغُرَّنَّکُمُ الْحَیاهُ الدُّنْیا؛ پس مبادا زندگانی دنیا شما را بفریبد». (لقمان: ۳۳)

قرآن کریم هم به این امر توجه دارد و گرایش آدمی به مال و ثروت را تأیید کرده است. خداوند در این باره می فرماید: «وَ تُحِبّونَ الْمالَ حُبّا جَمّا؛ و مال و ثروت را بسیار دوست دارید [و به خاطر آن گناهان زیادی مرتکب می شوید]». (فجر: ۲۰)

ص:۹۰

۱- سخنرانی در حرم رضوی، ۱/۱/۱۳۹۰.

۲- محمدتقی مصباح یزدی، مشکات (مجموعه آثار)، ج ۲، صص۲۶۴ و ۲۶۵.

۳- همان، ص ۲۶۵.

این آیه، گرایش به مال را به صورت مطلق بیان می کند و شامل همه انسان ها در همه شرایط می شود. صریح تر از این، خدا در جای دیگری می فرماید:

زُيِّنَ لِلنّاسِ حُبّ الشّهَواتِ مِنَ النِّساءِ وَ الْبَنينَ وَ الْقَناطيرِ الْمُقَنْطَرَهِ مِنَ الذّهَبِ وَ الْفِضّهِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوّمَهِ وَ الْأَنْعامِ وَ الْحَرْثِ ذلِكَ مَتاعُ الْحَياهِ الدّنْيا وَ اللّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَ آبِ. (آل عمران: ۱۴)

محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب های ممتاز و چارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است [تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند،] ولی اینها [در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند،] سرمایه زندگی پست [مادی] است و سرانجام نیک [و زندگی والا و جاویدان]، نزد خداست.

به نوشته تفسیرنگاران، انسان دارای گرایش های فطری و ثانوی گوناگونی است که مصادیق مهم آنها در آیه کریمه بیان شده است.(۱) آوردن زنان به عنوان نخستین متعلق میل و رغبت، به دلیل جذابیت و لذت بخش بودن آنها در زندگی است که مردان به آن علاقه شدید دارند.(۲)

آنچه در باب گرایش به مال و ثروت، مهم به نظر می رسد، تعدیل آن با نگرش درست به دارایی است. نگرش درست را باید از قرآن و سنت به دست آورد که دنیا و مادیات موجود در آن را وسیله تأمین نیازها و ابزار رسیدن به کمال، معرفی می کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «الدنیا مزرعه الآخره؛ دنیا، کشت زار آخرت است».(۳) امام علی علیه السلام نیز در این زمینه می فرماید: «بالدنیا تحرز الآخره؛ به وسیله دنیا، آخرت تثبیت می شود».(۴) این روایات بر وسیله بودن دنیا برای دست یابی به زندگی آخرت دلالت دارند و اینکه دنیا، هدف

۱- محمدجواد مغنیه، ج ۱، ص ۶۴.

۲- ملامحسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۲۲.

۳- محمد محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۱۸۷، واژه «دنیا».

۴- همان.

اصلی نیست و ابزاری برای رسیدن به هدف است. نباید به پول و دارایی، به عنوان هدف نگریست؛ چراکه نگرش هدف گرایانه به ثروت، انسان را از هدف اصلی باز می دارد و گرفتار مشکلات فکری و رفتاری می سازد.

علامه طباطبایی در سفارشی اخلاقی به همه جهادگران عرصه اقتصاد می گوید:

در ابتدای سلوک باید سالک الی الله به وسیله اختیار مقام زهد و تأمل و دقت و تفکر در بی اعتباری دنیا و عدم فایده دل بستگی به آن، رشته عُلقه به عالم کثرات را قطع کند؛ چه اینکه نتیجه زهادت، بی میلی و بی رغبتی به امور مادی است و در نتیجه، از رویدادهایی که موجب نفع مادی و صوری اوست، خوشحال نمی شود و از وقایعی که موجب ضررهای مادی اوست،متأثر و محزون نمی گردد.(۱)

بنابراین، نگرش صحیح به مال و ثروت از شاخص های تربیتی در حوزه جهاد اقتصادی است و با این نگرش باید وارد مبارزه اقتصادی شد؛ چراکه این دید به دنیا و مادیات از آسیب های دنیاگرایی که عامل اصلی فساد و سقوط روحی آدمی هستند، مصون می دارد.

ه) نعمت نگری به مواد مصرفی

ه) نعمت نگری به مواد مصرفی

در تکمیل نگرش صحیح به پول و ثروت، نعمت نگری به امکانات طبیعی است و اینکه هر چیزی را می خواهد مصرف کند، بر این باور باشد که آن نعمت الهی است؛ نعمتی که خدا برای رفع نیاز و تأمین رفاه و آسایش بندگان آفریده است. خداوند در قرآن کریم، بارها به آدم یادآوری می کند که همواره به یاد نعمت های الهی باشد و از هرچه استفاده می کند، بداند که

۱- محمدحسین حسینی تهرانی، رساله لب اللباب، ص ۴۸.

نعمت خداست. خداوند در این باره می فرماید: «اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتی أَنْعَمْتُ عَلَیْکَمْ؛ نعمت هایی را که به شما ارزانی داشتم به یاد آورید.» (بقره: ۴۰) درباره کثرت نعمت و فراوانی آن می فرماید: «إِنْ تَعُدّوا نِعْمَتَ اللّهِ لا تُحْصُوها؛ و اگر نعمت های خدا را بشمارید، هرگز نمی توانید آنها را احصا کنید.» (نحل: ۱۸) بر اساس آیات قرآن، نعمت های الهی قابل شمارش نیست و هیچ کس نمی تواند نعمت هایی را برشمارد که از آنها بهره مند است.

آنچه مهم است، درک نعمت است و اینکه انسان با نگرش نعمت به پدیده ها به ویژه کالا و خدمات مصرفی نگاه کند. این نگرش، رنگ معنوی به مصرف می دهد و التزاماتی را برای انسان پدید می آورد. ملا احمد نراقی در زمینه ادراک نعمت با ذکر مثال می فرماید:

اگر کسی به چیزی (مانند افتادن در چاه) مبتلا شود و سپس نجات یابد، چه بسا قدر آن نعمت را بداند و خدا را شکر کند یا اگر شخصی نابینا شود، سپس بینایی خود را باز یابد، آن را نعمت می شمارد و در مقام شکر برمی آید، ولی اگر به کوری گرفتار نشود، از شکرگزاری نعمت چشم غافل می ماند و این، از غایت نادانی است؛ زیرا نعمتی که همیشه است، به شکرگزاری سزاوارتر است. هر بنده ای که تأمل کند و در حال خویش به دقت بنگرد، درمی یابد که او را از جانب خداوند نعمت هایی بسیار است که مخصوص اوست و هیچ کس با او در آنها شریک نیست.(۱)

از سخن نراقی برمی آید که هر کسی نمی تواند نعمت خدا را درک کند. ازاین رو، در حال غفلت و بی اعتنایی از آن عبور می کند. تنها کسی نعمت را درک می کند که روزی نعمتی را از دست بدهد و دوباره باز یابد یا هرگز به آن

۱- ملا مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۶۵.

نعمت دست نیابد. این مطلب با واقعیت زندگی آدمیان تطابق دارد؛ چراکه همواره انسان در غفلت به سر می برد و موقعی بیدار می شود که مشکلی برایش پدید می آید و به یاد آنچه از دست داده است، می افتد و برایش افسوس می خورد. خداوند هم این نکته را یادآوری می کند و می فرماید: «وَ ما بِکُمْ مِنْ نِعْمَهٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذا مَسَّکُمُ الضُّرُّ فَإِلَیْهِ تَجْئَرُونَ؛ آنچه از نعمت ها دارید، همه از سوی خداست و هنگامی که ناراحتی به شما رسد، فقط او را می خوانید.» (نحل:۵۳) این امر نشان دهنده جهل و غفلت آدمی است که فقط هنگام درماندگی به یاد خدا می ا فتد و در غیر آن، به خدا و نعمت های او توجهی ندارد. اگر همیشه انسان به یاد خدا باشد و هر چیزی را نشانه وجود و نعمتی از ناحیه او بداند و از آن استفاده کند، زندگی او رنگ معنوی به خود می گیرد و با چنین حالتی، نافرمانی نمی کند.

بنابراین، بیان نگرش بر مبنای نعمت به فرآورده های طبیعی، از شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی است و بدون آن نمی توان در این مبارزه به پیروزی رسید. همه مردم، از هر طیف و صنفی و در هر نهادی که هستند، باید این نگرش را داشته باشند و با دید خدایی به کالاهای اساسی بنگرند و در رفع نیازمندی های خود از آنها بهره برداری کنند؛ چراکه این نگرش، انسان را به شکرگزاری در برابر نعمت های الهی وادار می کند و از اسراف و تبذیر که عملی حرام است، در امان نگه می دارد. جهاد اقتصادی، همان گونه که در تبیین قلمرو بیان شد، به حوزه خاصی اختصاص ندارد، بلکه شامل همه نهادها، مانند خانواده و جامعه می شود و همگان باید این شاخص را به دست آورند.

و) شناخت اسراف و پی آمدهای آن

و) شناخت اسراف و پی آمدهای آن

یکی از شناخت های لازم در جهاد اقتصادی که می توان به عنوان شاخص تربیتی در نظر گرفت، شناخت اسراف و پی آمدهای آن است؛ زیرا آگاهی از

پدیـده اسـراف و ضـررهای آن، مـانع بی توجهی به امور اقتصـادی می شود. واژه «اسـراف» در لغت از ریشه «سَرَفَ» به معانی چون کِرم، کِرم ابریشم که برگ درخت را می خورد و نیز به معنای خطا و اشـتباه، زیاده روی، ریخت وپاش مال و دارایی،(۱) افراط ورزیـدن، حیف و میـل کردن، به هـدر دادن و ول خرجی(۲) آمـده است. تجاوز از حـدّ در هر کاری به معنای اسـراف است که در قرآن به موارد گوناگونی اطلاق شـده است.(۳) «سـرفَتِ الامُّ ولـدَها»؛ به مادری گفته می شود که به بچه اش زیاد شیر دهد و او را بیمار کند. همچنین «أسرفَ المالَ»؛ در صورتی گفته می شود که مال را ریخت وپاش کرده باشد.(۴)

وجه مشترک این معـانی، زیـاده روی، هـدر دادن چیزی و بی جـا مصـرف کردن آن است که در اصـطلاح فقهی، اقتصـادی و اخلاقی نیز همین معنا از کلمه «اسـراف» منظور است. اسراف کار به کسی گفته می شود که مال و ثروتش را بیهوده هزینه کند و بهره درستی از آن نبرد. بنابراین، اسـراف معنای وسـیعی به خود می گیرد؛ زیرا از نظر مصـداق به هر نوع تصـرف افراط آمیز در مال و دارایی، چه کم و چه زیاد، اسـراف می گوینـد و از نظر شـرعی، گناه شـمرده می شود. حتی دور ریختن چیز اندکی،ماننـد زیـادی آب، تَه مانـده غـذا و امثال آن، داخل در مفهوم اسـراف و عمل حرام است. از نظر مورد و مصـداق نیز عمومیت دارد و شامل تمام سـرمایه های زندگی، اعم از عمر، دارایی، دانش، گفتار و رفتار و دیگر جنبه های زندگی می شود. در همه این موردها باید توجه کرد تا انسان چیزی را بیهوده مصرف نکند، وگرنه گناه است و عقوبت سخت اخروی در پی دارد.

۱- محمد بندر ریگی، المنجد (عربی ـ فارسی)، ص۷۳۴، واژه «سرف».

۲- فرهنگ معاصر (عربی ـ فارسی)، ص ۲۸۵، واژه «سرف».

۳- سید مرتضی حسینی اصفهانی، اسلام و راه کار فاصله طبقاتی، ص۱۰۳.

۴- المنجد (عربی ـ فارسی)، ص ۷۳۴، واژه «سرف».

اسـراف در آیات و روایات، رفتار انسان را توصـیف می کنـد و همه رفتارهای آدمی را فرا می گیرد؛ یعنی هرگونه زیاده روی در رفتارهای اخلاقی، فرهنگی، سیاسـی، اعتقادی و اقتصادی، اعم از فردی و اجتماعی در قلمرو اسـراف قرار دارنـد.(۱) در هر یک از این موارد، اگر انسان از حد اعتدال و مقدار لازم تجاوز کند، اسراف خواهد بود.

اسراف به معنای زیاده روی در مصرف و ریخت وپاش های بی جهت، عملی ناپسند است که پی آمدهای منفی فراوانی از نظر اقتصادی و تربیتی و اجتماعی دارد. شـناخت ماهیت اسراف و زیان های ناشی از آن در خانواده و جامعه اسلامی، از منظر قرآن و حـدیث سـبب می شود مردم در مصـرف میانه روی کننـد. رایـج ترین کاربرد اسـراف در قرآن و حـدیث و نیز عرف جامعه، زیاده روی در امور مالی است که استفاده بیش از حد و بی مورد از ثروت و نیز مصرف های حرام، مصداق اسراف هستند.

هر کس اگر در زنـدگی خود بیندیشـد و درباره هزینه هایی که در روز و ماه و سال به مصـرف می رسانـد، تأمل کنـد، درمی یابـد که اسـراف و تبذیر در امور معیشتی او فراوان است. ریخت وپاش هایی که در مراسم عروسـی، ترحیم بسـتگان، سال روز تولد فرزندان، سال مرگ رفتگان، بازگشت از سـفرهای حج و زیارت و امثال آن صورت می گیرد، بیش از چیزی است که به ذهن انسـان خطـور می کنـد. اگر از این گـونه زیـاده روی هـا، جلوگیری و ریز و درشت آن، در یـک جـا جمع شود، سـرمایه عظیمی تشکیل می شود و بسیاری از نیازهای نیازمندان را برطرف می کند.

امـام صادق علیه السـلام در روایتی می فرمایـد: «أدنی الإسـراف هراقه فضل الماء و ابتـذال ثوب الصّون و القاء النّوی؛ کم ترین میزان اسراف آن است که باقی آب را دور بریزی

۱- محمدعلی شاه آبادی، تجمل و اسراف، ص ۳۱.

و لباس پاکیزه و نگه دارنده حرمت را در مکان مبتذل بر تن کنی و هسته را دور بیندازی.»(۱) در این حدیث، به سه مورد اسراف اشاره شده است که یکی دور ریختن آب است. اگر کسی آب بنوشد و باقی آب را در باغچه یا گلدان نریزد؛ اسراف و هدر دادن آب است. دوم، پوشیدن لباس پاکیزه در مکان های پست و نامناسب است که باید از لباس های خاص استفاده کرد. مثلاً در محیط هایی نظیر دام داری، کوره پزی یا آشپزی، لباس های نو بپوشند. این کار نیز اسراف است؛ چراکه در بهره گیری از امکانات، زیاده روی شده است. سوم، دور انداختن هسته میوه ای مانند خرما و زردآلو نیز اسراف است و باید هسته را برای بذرافشانی در مزارع یا هدف دیگری استفاده کند.

در این روایت، توجه به مسئله اسراف و رعایت اعتدال و صرفه جویی در بهره گیری از منابع طبیعی، به خوبی دیده می شد. دقت امام در تبیین معنای اسراف و ارائه نمونه های عینی در این زمینه، انسان را وامی دارد که در تصرفات روزانه اش، برنامه ریزی درست داشته باشد تا مبادا در استفاده از مواد مصرفی، زیاده روی کند. به ویژه خانواده ها در زمینه اسراف، مسئولیت افزون تری دارند. آنها باید نسبت به عملکرد فرزندان و زیردستانشان نظارت و مراقبت کامل داشته باشند و آنها را از هرگونه اسراف بر حذر دارند.

آیات متعددی مبنی بر هشدار به اسراف کاران و پی آمدهای اسراف وجود دارد. خدا در این باره می فرماید: «وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد.» (انعام: ۱۴۱) خداوند در جای دیگری می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ؛ خداوند کسی را که اسراف کار و بسیار دروغ گو است هدایت نمی کند.» (غافر: ۲۸) درباره عذاب اخروی اسراف کاران نیز می فرماید: «وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحابُ النَّارِ؛ و مسرفان (قطعاً) اهل آتشند». (غافر: ۴۳)

ص:۹۷

۱- منتخب میزان الحکمه، ص ۲۵۰.

این آیات به بخشی از پی آمدهای الهی و اخروی اسراف اشاره دارند و سرانجام مسرفان را آتش جهنم دانسته اند که بی بازگشت است. افزون بر اینکه مهر و محبت خدا از مسرفان گرفته می شود و از نظر قرآن، کذاب هستند، زیان های فراوان دنیایی مانند تورم و تضییع نعمت های خدا دارد. بر این اساس، شناخت حقیقت اسراف و پی آمدهای آن، که وعده عذاب قطعی به آن داده شده است، در رفتار اقتصادی افراد مؤمن، نقش بسزایی دارد و از شاخص های مهم تربیتی در فضای جهاد اقتصادی به شمار می آید.

ز) عبرت آموزی از سرگذشت مترفین

ز) عبرت آموزی از سرگذشت مترفین

واژه «تَرَفْ» از نظر لغت به معنای تجمل، ثروت و در ناز و نعمت بودن است و مُتْرَفْ به کسی گفته می شود که در ناز و نعمت بسیار و تجمل زندگی کند.(۱) راغب در این باره گفته است: «ترف به معنای فراخی نعمت و زیاده روی در بهره گیری از آن است که مکرر به این معنی در قرآن به کار رفته است.»(۲) در تفسیر روشن آمده است: «ترف عبارت است از تنعم به نعمت های دنیوی و وسعت عیش در زندگی مادی. إتراف به معنی وسعت دادن در زندگی و معیشت و خوش دادن در جهت تمتّعات و لذایذ دنیوی است. مترَف به صیغه اسم مفعول، کسی است که مشمول تنعّم و تمتع و تلذذ زیاد باشد».(۳)

علامه طباطبایی در بیان معنای این کلمه می گوید:

ترفه به معنای توسعه دادن در نعمت است. وقتی گفته می شود: اترف فلان، فلانی مترف است، معنایش این است که فلانی نعمتش از حد

۱- فرهنگ معاصر (عربی ـ فارسی)، ص ۶۲، واژه «ترف».

۲- حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۱۶۶، واژه «ترف».

۳- حسن مصطفوی، تفسیر روشن، ج ۱۱، ص ۳۳۱.

گذشته است. مراد از «مترفین» در جمله «أَمَرْنا مُتْرَفِيها»(۱) همان کسانی هستند که در آیه زیر توصیف شده است: «فَأَمَّا الْإِنْسانُ إِذا مَا ابْتَلاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ؛ انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش، اکرام می کنـد و نعمت می بخشـد.» (فجر: ۱۵) کلمه إتراف مصـدر مترفین، به معنـای مستی و طغیـان در اثر نعمت است؛ یعنی سـر گرمی به نعمت آن چنان او را مشـغول کرده که از ماورای نعمت غافل گشته است.(۲)

بنـابراین، معنـای ترف و اتراف روشـن شـده که نزدیـک به اسـراف، به معنـای در نـاز و نعمت بـودن فراوان، عیاشـی و خـوش گذرانی است و به همین معنا در قرآن به کار رفته است.

قرآن کریم دربـاره مترفین بسـیار سـخن گفته و آدمیـان را از پیروی و هم سـازی بـا آنان برحـذر داشـته است. خداونـد درباره ظالمـان می فرمایـد: «وَ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا ما أُتْرِفُوا فِيهِ وَ كانُوا مُجْرِمِينَ؛ و آنان که سـتم می کردنـد، از تنعم و کام جویی پیروی کردند و گناه کار بودند». (هود: ۱۱۶)

این آیه، سه خصوصـیت را برای مترفین بیان کرده که هر کـدام از آنها، در دوری انسان از صـراط مسـتقیم و انحراف از حق و معنویت، کـافی است. یکی از خصوصـیات مترفین، سـتم به مردم است که بر اثر بی تقوایی انسان پدیـد می آیـد. ویژگی دوم، هوس رانی و شـهوت نفسـانی است که انسـان هـا بـا عیش و نوش و خوش گـذرانی، از توجه به حقـایق و معارف الهی باز می مانند و به مادیات فرو می روند. خصلت سوم، ارتکاب جرم و جنایت است که بر اثر

۱- «وَ إِذا أَرَدْنا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنا مُتْرَفِيها فَفَسَقُوا فِيها فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْناها تَدْمِيراً؛ و هنگامی که بخواهیم شـهر و دیاری را هلاـک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین» [و ثروتمنـدان مست شـهوت] آنجـا، بیـان می داریم، سـپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آنها را به شدت در هم می کوبیم». (اسرا: ۱۶)؛ تفسیر روشن، ج ۱۳، ص ۱۶۹.

۲- تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۲۱۴.

دو صفت پیشین و قطع رابطه با خدا، از الطاف و عنایات و رحمت الهی محروم گشته اند و به جرم و جنایت دست می زنند.(۱)

قرآن در روز قیامت، از این رفتار مترفان چنین خبر می دهد: «إِنَّهُمْ کانُوا قَبْلَ ذلِکَ مُتْرَفِینَ؛ آنها پیش از این [در عالم دنیا]، مست و مغرور نعمت بودند.» (واقعه: ۴۵) این آیه علت استقرار اصحاب شمال را در عذاب قیامت بیان و عامل اصلی گرفتاری در عذاب را اتراف و خوش گذرانی آنان در دنیا معرفی می کند.

واژه ترف و مترف در روایات نیز به کار رفته که صفت ثروتمندان است. در روایتی منسوب به رسول خدا صلی الله علیه و آله ، از امام صادق علیه السلام آمده است که چهار چیز عامل مرگ قلب انسان است که یکی از آنها هم نشینی با مردگان است. از پیامبر سؤال شد که مردگان کیانند؟ فرمود: «کُلُّ غنی مُترَف؛ هر ثروتمندی که به اتراف و تجمل و خوش گذرانی بگذراند».(۲)

دقت رسول خدا صلی الله علیه و آله در پرهیز از خوراکی و آشامیدنی های مترفین در حدیثی از سیره عملی آن حضرت نقل شده است. برای پیامبر، مقداری نوشیدنی گوارایی در ظرفی آوردند، ولی حضرت نپذیرفت و فرمود: «أخّروه عنّی، هذا شراب المترفین؛ آن را از من دور سازید که این، نوشیدنی مترفان است».(۳)

شناخت مترفین و رفتارهای آنان در طول تاریخ و اینکه همه آنها با انبیا مخالفت کردند و چنین به خشم خدای متعال دچار شدند، در شرایط کنونی، ضروری است. قرآن در گزارشی درباره سیره عملی مترفان می فرماید: «وَ ما أَرْسَلْنا فِی قَرْیَهٍ مِنْ نَذِیرٍ إِلَّا قالَ مُتْرَفُوها إِنَّا بِما أُرْسِلْتُمْ بِهِ کافِرُونَ؛ و ما در هیچ شهر و

۱- همان، ج ۱۱، ص ۳۳۱.

۲- بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۲۸.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۱۳؛ به نقل از: اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۲۶۸.

دیاری، پیامبری بیم دهنده نفرستادیم مگر اینکه مترفین آنها [که مست ناز و نعمت بودند] گفتند: ما به آنچه فرستاده شده اید، کافریم». (سبا: ۳۴)

بنابراین، کار مترفین در گذشته، مخالفت با حق و هادیان به حقیقت بوده است که امروزه نیز این خطر وجود دارد و اگر استکبار جهانی با مسلمانان و رهبران دینی به ستیزه جویی برخاسته است، به این دلیل است که آنها را مانع خوش گذرانی خود می بینند. برای آنکه جهادگران اقتصادی از این آسیب در امان بمانند و خطر اسراف و اتراف گرایی، آنها را تهدید نکند، عبرت آموزی از سرنوشت دنیا و آخرت مترفان، ضروری است.

جمع بندی و نتیجه گیری

جمع بندی و نتیجه گیری

نظر به آنچه در این فصل بیان شد، به نتایجی رهنمون می شویم که به شرح زیر خلاصه می شود:

۱. به سؤال مربوط به این بخش که در طرح سؤال های اصلی و فرعی مطرح شد، پاسخ دادیم. پرسش این بود که از نظر شناختی، شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی کدام هستند؟

با توجه به محتوای فصل، پی بردیم که از نظر شناختی در حوزه تولید، توزیع و مصرف، شاخص هایی وجود دارد که عموم مردم به ویژه فعالان اقتصادی باید آن شاخص ها را بشناسند و بر اساس آنها رفتار کنند. البته این شاخص ها در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف، از نظر تعداد، متفاوت هستند. سیزده شاخص مربوط به تولید، هفت شاخص درباره توزیع و هفت شاخص در زمینه مصرف بیان شدند. وجه مشترک این شاخص ها، در شناختی بودن آنهاست که به مجاهدان اقتصادی بینشی اعطا می کند و از نظر باور، سطح آگاهی و تعهد آنان را به عقاید دینی در حوزه اقتصاد افزایش می دهند. قطعاً رشد باورها در رفتار نیز تأثیر دارد و اگر این شناخت ها در

جهادگران نهادینه شود، رفتار مطلوبی برای رفع نیازهای مادی و معنوی جامعه خواهند داشت.

۲. فراوانی شاخص های شناختی در حوزه تولید، نسبت به شاخص های توزیع و مصرف، به دلیل نقش کلیدی و زیربنایی بودن تولید است؛ چراکه اگر مسئله تولید درست شود و کاستی نداشته باشد، توزیع و مصرف هم به خوبی انجام می گیرد. بسیاری از مشکلات، در مرحله توزیع و مصرف، ناشی از نابسامانی در زمینه تولید کالا و خدمات است. افزون بر این، آیات و روایات هم در باب تولید بسیارند که خود شامل مراحل متعددی است و بر تصحیح باور آدمیان نسبت به آن تأکید دارند.

۳. اعطای بینش و تصحیح باور در زمینه اقتصاد و جهاد اقتصادی، کاری اساسی و اثرگذار در روند فرآیند اقتصاد است و اگر این مرحله درست شود، بسیاری از مشکلات موجود در حوزه اقتصاد از بین می رود یا کاهش می یابد؛ چراکه توحیدمحوری، باور به مالکیت و ربوبیت خدا و امثال آن ــ که در شاخص های مربوط به تولید ذکر شد ــ رنگ خدایی به فعالیت های اقتصادی می بخشند. تفاوت اصلی اقتصاد اسلامی با اقتصاد غرب در این نکته نهفته است که اقتصاد اسلامی، مبتنی بر باورهای دینی و اقتصاد غرب بر محور انسان مداری و لذت گرایی است و طبیعی است که نتیجه این دو نظام اقتصادی، در عمل قابل جمع نخواهد بود.

۴. در مقایسه اقتصاد اسلامی با اقتصاد غربی می توان گفت اقتصاد اسلامی برخلاف اقتصاد غربی، بر قناعت و پرهیز از مصرف گرایی تأکید دارد. اقتصاد غربی، نیازهای انسان را نامحدود و منابع و امکانات جهان را محدود می داند، در حالی که در اسلام، منابع و امکانات، نامحدود معرفی شده اند. نگاه اسلام به مسئله اقتصاد، نگاه خدامحورانه و اصلاح و

سعادت انسان است و حل مشکلات اقتصادی را در اصلاح مبانی عقیدتی و اخلاقی مردم مؤثر می داند.

۵. صدا و سیما باید به تقویت این شاخص ها از هر راه ممکن بپردازد و بینش، گرایش و کنش اقتصاد دانان، برنامه ریزان اقتصادی و فعالان عرصه اقتصاد را اسلامی و توحیدی سازد. از راه کارهای تقویت شاخص ها به وسیله رسانه، به صورت مستقل بحث خواهد شد، ولی اینجا صرفاً برای تأکید بر موضوع توصیه می شود که برنامه سازان، مدیران، مجریان و دست اندرکاران صدا و سیما باید اول خود به این شاخص ها که برآمده از آیات و روایات است، باور داشته باشند. آن گاه با روش های مناسب، آن را پرورش دهند.

فصل سوم: شاخص های تربیتی در حیطه گرایشی

اشاره

فصل سوم: شاخص های تربیتی در حیطه گرایشی

منظور از حیطه گرایشی، جنبه عـاطفی و احساسـی انسان نسـبت به دنیا و پول و ثروت است که بخش مهمی از وجود آدمی را تشـکیل می دهـد. هر کس خواه نـاخواه، به صورت اولی یـا ثـانوی، به مـال دنیـا گرایش دارد و می خواهـد صـاحب دارایی و امکانات مادی باشـد. این گرایش بایـد تنظیم شود و آزاد و رها نباشـد، وگرنه انتهایی نـدارد و انسان را به بدبختی می کشاند. در این بخش از سـخن، درصـدد هستیم بر اساس قرآن و حـدیث، شاخص هایی را از نظر تربیتی درباره گرایش مالی و دنیایی افراد جـامعه به ویژه جهـادگران اقتصـادی معرفی کنیم تـا آنـان هنگـام تولیـد، توزیع و مصـرف، از آسـیب های دل باختگی به مادیات در امان بمانند.

در این بخش از نوشـتار، برای رعـایت اختصار و نیز به دلیل تمایز کلی مؤلفه های اقتصاد از منظر عاطفی، مطالب مورد نظر در زمینه گرایش به امـور اقتصـادی و عواطـف مربـوط به آن، بـدون تقسـیم به سه حوزه تولیـد، توزیع و مصـرف، به صورت یک پارچه و یک جا ارائه می شود و شاخص ها به گونه ای

ص:۱۰۵

عرضه می شود که هر شاخص حوزه سه گانه اقتصاد، یعنی تولید، توزیع و مصرف را پوشش دهد. هر چند ممکن است شاخص ها بیشتر، ناظر به جنبه مصرف باشد که همه اقشار جامعه به ویژه خانواده ها را شامل می شود.

۱. انگیزه خدایی

۱. انگیزه خدایی

انگیزه، نیرویی درونی است که بر اثر نیاز و کمبود یکی از مواد لازم در زندگی، در فرد به وجود می آید و او را وادار به حرکت می کند تا نیاز و کمبودش را تأمین کند. محرک در بیرون انسان قرار دارد و در راستای نیاز فرد است که از آن به هدف نیز تعبیر می شود و فرد درصدد رسیدن به آن است.(۱) هر کاری که انسان انجام دهد، ناشی از انگیزه های درونی اوست؛ چون هر عمل موجود مختار، بر اساس اراده و اختیار وی صادر می شود و در صدور چنین عملی، «انگیزه» نقش اساسی دارد. در تعریف انگیزه(۲) آمده است: «عامل و نیروی درونی که رفتار فرد را موجب می شود و در جهت معین سوق می دهد و او را به طور آشکار به فعالیت خاصی وا می دارد».(۳)

انگیزه های درونی، ویژگی هایی دارد که مهم ترین آنها عبارتند از فردی و غیرقابل مشاهده بودن؛ بدین معنا که خواسته های درونی فرد چیزی مربوط به خود اوست و کسی نمی تواند آن را ببیند، ولی آثار آن در رفتار و عملکرد بیرونی وی قابل رؤیت است. به هر صورت، انگیزه در چگونگی رفتار، نقش

۱- سید محمد میرکمالی، رهبری و مدیریت آموزشی، ص۲۵۳.

۲- انگیزه اسم و انگیزش اسم مصدر از مصدر انگیختن است. انگیختن یعنی به حرکت درآوردن. انگیزه یعنی سبب، علت و آنچه کسی را به کاری وادار کند. انگیزش یعنی تحریک و ترغیب. بنابراین، انگیزه یک عامل درونی است که انسان را به حرکت وا می دارد و انگیزش حالتی است که در اثر دخالت انگیزه به انسان دست می دهد و به رفتار منتهی می گردد. بدین معنا که انگیزه محرک و انگیزش تحریک حاصل از آن است و می تواند محرک های بیرونی هم داشته باشد. (محمدصادق شجاعی، دیدگاه های روان شناختی مصباح یزدی، ص ۶۰)

۳- دیدگا ه های روان شناختی مصباح یزدی، ص ۵۹.

اساسی دارد و افعال بشر در نتیجه نیات و انگیزه های باطنی او شکل می گیرد.

انگیزش با مفاهیمی چون نیاز، میل، علاقه، رغبت، سایق و محرک، ارتباط دارد و افراد برحسب علاقه، فرهنگ یا موقعیت خود از همه آنها استفاده می کنند. از نظر علمی، مفاهیم نیاز، انگیزه و محرک، کاربرد بیشتری دارند. همه روان شناسان بر این امر توافق نظر دارند که انگیزه، عاملی درونی است و بر رفتار فرد تأثیر دارد و آن را در جهت خاصی هدایت می کند. بر این اساس، یکی از عوامل مهم در تعلیم و تربیت فراگیران، ایجاد انگیزه در آنان است تا با گرایش بیشتر به تحصیل بپردازند.(۱)

انگیزش، ایجاد میل، اشتیاق و علاقه به انجام دادن کار، تشویق، جلب رضایت و خشنودی کارکنان از طریق ارضای نیازهای منطقی، مادی، اجتماعی و روانی است.(۲) در تعریف واژه «انگیزه» و «انگیزش»، همانند بسیاری از واژگان علمی، اتفاق نظری وجود ندارد، ولی همه روان شناسان در این نکته توافق نظر دارند که انگیزه عاملی درونی است و این عامل رفتار شخص را برمی انگیزد، جهت می دهد و آن را با شرایط فیزیکی و طبیعی هماهنگ می سازد. به گفته آنان، انگیزه دارای دو عنصر اصلی «سایق»(۳) و «هدف» است که فرد را به عمل وادار می سازد و هرگاه هدف محقق شد، پایان می یابد.(۴)

انگیزه از نظر قرآن و حدیث، روح عمل را تشکیل می دهد و هر اندازه انگیزه، پاک و خالص تر باشد، میزان ارزش معنوی عمل بالا می رود. امام علی علیه السلام درباره ارزشمندی قصد و انگیزه فرمود: «النیه اساسُ

۱- عباس خورشیدی، روش ها و فنون تدریس، ص۵۷.

۲- رهبری و مدیریت آموزشی، ص۲۵۷.

۳- فرآیندهای درونی به خصوصی که فرد را به عمل برمی انگیزد.

۴- رمضان حسن زاده، انگیزش و هیجان، ص۸.

العمل؛ قصد و انگیزه پایه عمل است.»(۱) به طور کلی، هر عملی بر اساس درجات نیت ارزش یابی می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله هم در این زمینه فرمود: «یا ایها النّاس، إنَّما الاعمالُ بالنِّیاتِ و إنَّما لکُلِّ امرٍ مانوی؛ ای مردم! کارها فقط بر اساس نیت و انگیزه سنجیده می شود و برای هرکس، آن چیزی است که قصد انجامش را داشته است». (۲)

در باب عبادات و پرستش خدای متعال، خلوص انگیزه، مؤثر است و در این زمینه، آیات و روایات فراوانی وجود دارد. از منظر اسلام و قرآن، ارزش عبادت به انگیزه باطنی انسان، وابسته است و اگر نیت خالص نباشد، از نظر کمی، عبادت هر قدر زیاد باشد، اثری ندارد. خداوند در قرآن می فرماید: «وَ ما أُمِرُوا إِلاَّ لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ؛ و فرمان نیافته بودند، جز اینکه خدا را بپرستند و در حالی که به توحید گراییده اند، دین خود را برای او خالص گردانند». (بینه: ۵)

انگیزه در امور مالی نیز از جایگاه خاصی در نظام اقتصاد اسلامی برخوردار است و به فعالیت های اقتصادی جهت می دهد و ارزش معنوی آنها را معیّن می کند؛ چون از منظر قرآن، فعالیتی ارزشمند است و نزد خدا پاداش دارد که از نیت پاک و انگیزه خدایی برخاسته باشد، نه از مال دوستی و انگیزه های صرفاً مادی. امام زین العابدین علیه السلام در این باره می فرماید: «لاعمل إلا بالنِّیهِ؛ هیچ عملی ارزشمند نیست، مگر با نیت.»(۳) منظور از نیت، انگیزه خالص در باب اقتصاد است و اینکه انسان فقط برای انجام فرمان خدا و کسب رضایت او و کاری در عرصه تولید و کسب و معیشت انجام دهد. اگر هرگونه فعالیت اقتصادی با نیت و انگیزه الهی صورت گیرد، از نظر ارزشی و اخلاقی، ثواب

۱- منتخب میزان الحکمه، ص ۵۱۹، واژه «النیه».

۲- همان.

۳- همان.

و پاداش دارد و خداوند به فعالان اقتصادی، با قصد خدایی درجات معنوی بالایی عنایت می کند؛ چراکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من بات کالّاً من طلب الحلال بات مغفوراً له؛ هر کس شب را در حال خستگی از طلب حلال به سر آورد، شب را آمرزیده سپری کرده است».(۱)

امام علی علیه السلام نیز می فرماید: «الکادُّ علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله؛(۲) تلاش کننده برای تأمین نفقه خانواده خود همچون مجاهد در راه خداست.»(۳) همچنین آن حضرت در جایی دیگر فرمود: «من أکل من کدِّه یکون یوم القیامه فی عداد الانبیاء و یأخذ ثواب الانبیاء؛ هر کس در دنیا از دست رنج خود بخورد، روز قیامت در شمار انبیاست و پاداش آنها را دریافت می کند.»(۴) امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «إنَّ الله یحشُرُ النّاسَ علی نیاتهم یوم القیامه؛ خداوند مردم را بر اساس مراتب ارزشی انگیزه آنها، روز قیامت محشور می کند».(۵)

به هر حال، انگیزه و نیت خدایی در کیفیت بخشی به کار و کسب، اثرگذار است و معیار ارزش عمل به شمار می آید. چنان که امام علی علیه السلام فرمود: «النیه الصالحه احد العملین؛ نیت شایسته، یک رکن عمل و فعالیت است.»(۶) اگر انگیزه، خدایی بود، گویی نصف راه را پیموده است و نصف دیگر را باید با انجام عمل به سامان رساند. همه مردم از هر قشری باید این انگیزه را در فعالیت های اقتصادی خویش اعمال کنند و به کارهای خود رنگ خدایی بدهند. در این صورت، همه کارها رنگ اخلاقی و دینی به خود می گیرد و

۱- وسائل الشیعه، ج۱۲، کتاب التجاره، ابواب مقدماتها، باب۴، ص۱۳، ح۱۶.

۲- فروع کافی، ج۵، باب من کدَّ علی عیاله، ص۸۸، ح۱.

۳- درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ص۲۹۹.

۴- مستدرک الوسائل، ج۲، کتاب التجاره، ابواب مقدماتها، باب۸، ح۸.

۵- منتخب میزان الحکمه، ص۵۱۹، واژه «النیه».

۶- همان.

جلوی انحرافات فکری و رفتاری گرفته می شود. در نتیجه، انگیزه خدایی داشتن از شاخص های مهم جهاد اقتصادی است و برای عموم مردم هم ضروری است که این نیت را در خود داشته باشند.

۲. بلندهمتی

۲. بلندهمتی

بلندهمتی به معنای قدرت تصمیم گیری و طراحی و برنامه ریزی های اقتصادی بلندمدت و مؤثر در رفع نیاز جامعه، از شاخص های تربیتی فعالان اقتصادی است که در طول تاریخ در رشد و ترقی جوامع بشری، نقش بسزایی ایفا کرده است. خداوند در قرآن در این باره به مسلمانان یادآوری می کند: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید.» (انفال: ۶۰) در واقع، این آیه، مؤمنان را به بلندهمتی دعوت می کند که برای دفاع از مرز عقیده و جغرافیا باید از هر توانی که دارند، بهره ببرند و مهم اینکه برنامه های بلندمدت و استراتژی برای آینده طرح ریزی کنند.

بلندهمتی به انسان و جامعه کمک می کند تا کارهای بزرگی را بر عهده بگیرند و زیر بار مسئولیت های سنگین بروند. در واقع، بلندهمتی نوعی جهاد اقتصادی است که با اندیشه و تصمیم گیری های درست به نتیجه می رسد؛ زیرا جهاد، یعنی جدّ و جهد در راه رسیدن به هدف. باید جدّ و جهد و تلاش بسیار داشت تا به هدف بلند دست یافت. در سیره عملی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام می بینیم که این بزرگواران، به طور جدّی به کار دنیا می پرداختند، همچنان که به طور جدی، به کار آخرت مشغول بودند. ازاین رو، کار برایشان امری مبارک به شمار می آمد و تنبلی و بی کاری را سرزنش می کردند.

بلندهمتی از صفات پسندیده ای است که در روایات اسلامی،

ص:۱۱۰

فراوان بدان اشاره گشته و به عنوان یکی از ارزش های دینی معرفی شده است. بلندهمتی سبب رشد و ترقی جامعه انسانی می شود، ولی این خصلت از نسل جوان بیشتر انتظار می رود؛ چراکه آنان در شرایطی هستند که بهتر می توانند نقش آفرین باشند و کارهای بزرگی را به سامان برسانند. امام علی علیه السلام ، ارزش انسان را به اندازه همتش می داند و می فرماید: «قدرُ الرَّجُلِ علی قَدرِ هِمّته؛ ارج انسان به میزان همت اوست.» (۱) آن حضرت در کلام دیگری می فرماید: «من شَرُفَت هِمَّتُهُ عَظُمَت قِیمَتُهُ؛ آن که همتش بلند باشد، ارزشش افزون می شود».(۲)

روایات درباره علو همت فراوان است که ارزش و نقش بلندهمتی را در پیشرفت فردی و اجتماعی انسان به روشنی بیان می کند. امام علی علیه السلام می فرماید: «الفعلُ الجَمِیلُ ینبِیءُ عن عُلُوِّ الهِمَه؛ کارهای خوب و زیبا از بلندهمتی ریشه می گیرد.»(۳) افق همت انسان باید فراتر از امور شخصی و بیشتر متوجه منافع اجتماعی باشد؛ زیرا ترقی و پیشرفت حاصل نمی شود، مگر با اجرای طرح های بزرگ عام المنفعه ای که جوانان بیش از دیگران، شایسته انجام دادن آن هستند. نسل جوان، نیروی فعال جامعه را تشکیل می دهند و بهتر می توانند از نظر فکری و عملی، افق آینده بشر را مطالعه و برنامه ریزی کنند. ازاین رو، یکی از ویژگی های جوان، بلندهمتی اوست که اگر این ویژگی در مسیر درست قرار بگیرد، به ترقی جامعه کمک می کند، وگرنه کار نیکی از او انتظار نمی رود. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «ما ابعدَ الخیرَ مِمَّن هِمَّتُهُ بَطنُهُ و فرجُهُ؛ چقدر خیر و نیکی دور است از کسی که همتش، شکم و شهوتش

۱- منتخب میزان الحکمه، ص۵۲۶، واژه «همت».

۲- محمد محمدی ری شهری، حکمت نامه جوان، ترجمه: مهدی مهریزی، ص ۹۰.

۳- منتخب میزان الحکمه، ص۵۲۶، واژه «همت».

باشد»؛(۱) زیرا چنین آدمی تمام انرژی و توانش را صرف لذت خواهی، خوش گذرانی و هوس رانی می کند و اصلاً امور مهم دیگر به فکرش نمی رسد یا با بی اعتنایی از کنار آن عبور می کند.

بلندهمتی از شاخص های تربیتی در عرصه جهاد اقتصادی است و بدین وسیله جامعه اسلامی به رشد و تکامل مادی و معنوی دست می یابد. امام علی علیه السلام فرمود: «من رقی درجات الهمم عظّمته الامم؛ آن که پله های همت را بپیماید، امت ها او را گرامی می دارند.»(۲) طبق این سخن امام علی علیه السلام ، بلندهمتی و دوراندیشی عامل محبوبیت انسان نزد مردم است. در سخن دیگری از آن حضرت آمده است: «کن بعید الهمم إذا طلبَت؛ هرگاه چیزی خواستی، بلندهمت باش.»(۳) بلندهمتی در فعالیت های اقتصادی آثار سازنده و تربیتی فراوانی دارد و لازم است جهادگران عرصه اقتصاد با بهره مندی از این صفت به کار اقتصادی بپردازند.

۳. نشاط و شادابی

۳. نشاط و شادابی

نشاط و شادابی به معنای سرزنده، سرحال، پرکار و خوش بودن و تحرک داشتن،(۴) حالتی برخاسته از عواطف و احساسات آدمی است که آثار آن در چهره انسان قابل مشاهده است و رفتار، گفتار و شیوه برخورد افراد با یکدیگر نشان دهنده میزان نشاط و شور و ذوق عاطفی آنهاست. افراد در این جهت متفاوتند. برخی با خوش رویی و پیشانی باز و گفتار خوش با دیگران برخورد می کنند؛ بعضی دیگر با چهره عبوس و درهم کشیده و سخنان تلخ و آزاردهنده با مردم رفتار می کنند. همچنین افرادی بانشاط و سرزنده، فعال و امیدوار هستند و کسانی پژمرده بی حال

۱- همان.

۲- حکمت نامه جوان، ص۹۲.

۳- همان.

۴- فرهنگ معاصر (عربی ـ فارسی)، ص ۶۹۰، واژه «نشاط».

و همیشه کسل هستند و تحرکی ندارند. اینها گروه های اندکی هستند که با حالت های مختلف در جامعه حضور دارند و زندگی می کنند. نشاط و شادابی در دوره های زندگی انسان، متفاوت است و معمولاً این صفت در دوره جوانی، بیشتر و پررنگ تر است؛ زیرا جوان، نماد نشاط، بالندگی، شادابی و مظهر تجلی صفات جمالیه حق تعالی است. شور و هیجان، عشق و امید، وجد و نشاط، طراوت و لطافت، تناسب اندام، صورت شکفته، موهای زیبا، همه و همه از آثار زیبایی جوانی است که خداوند به انسان عطا کرده است.(۱) وضعیت ظاهری انسان بر وضعیت باطنی او هم اثرگذار است و این امر در برخی متون به عنوان اصل تربیتی بیان شده است.(۲)

شاید به همین دلیل، خداوند در آغاز بعثت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمان دا د که وضع ظاهری اش را تغییر دهد: «یا أَیُّهَا الْمُـدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْـذِرْ وَ رَبَّکَ فَکَبِّرْ وَ ثِیابَکَ فَطَهِّرْ وَ الرُّجْزَ فَاهْجُرْ؛ ای جامه خواب به خود پیچیده [و در بستر آرمیده]! برخیز و انذار کن [و عالمیان را بیم ده] و پروردگارت را بزرگ بشمار و لباست را پاک کن و از پلیدی دوری کن.» (مدثر: ۱ـ ۵) پیامبر بر اساس این دستور، همواره نظیف، پاک و با بدن و لباس معطر و ظاهر آراسته زندگی می کرد و در جمع حاضر می شد. آن حضرت افزون بر آنکه خود به آرایش و پیرایش ظاهر و باطن اهتمام داشت، دیگران را نیز بدان سفارش می کرد تا زندگی مردم، بالذت، باطراوت و بانشاط باشد.

خداوند در زمینه ورود به مسجد به عنوان مکانی مقدس می فرماید: «یا بَنِی آدَمَ خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ؛ ای فرزندان آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید.» (اعراف: ۳۱) زینت و آرایش ظاهری هنگام رفتن به

۱- محمدتقی فلسفی، گفتار فلسفی جوان، ج۱، ص۴۰.
۲- نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج۱، ص۶۶.

مسجد، برای ایجاد نشاط روحی و دوری از کسالت و بی حالی است تا حال عبادت و اندیشه در انسان پدید آید؛ چون زینت های جسمانی مانند پوشیدن لباس های مرتب و پاک و تمیز، شانه زدن موها، به کار بردن عطر و مانند آن زمینه ساز نشاط و شادابی است. البته زینت به آرایش ظاهری اختصاص ندارد، بلکه زینت های معنوی نظیر تصفیه افکار از شبهه ها و آراستگی به اخلاقی از قبیل پاکی نیت و اخلاص را نیز دربرمی گیرد.(۱)

روایات اسلامی بر ایجاد حالت نشاط و شادابی در مؤمنان، بسیار سفارش کرده است و اینکه انسان باید با دیگران با خوش رویی و گشاده رویی برخورد کند. در روایات از این حالت به عباراتی چون «طلاقه الوجه»، «وجهٌ منبسط» «بشرٌ حسن»، «بشاشه الوجه» و مانند آن تعبیر شده است که همه بر پیراستن چهره از گرفتگی و خشم دلالت دارند.(۲) گشاده رویی و خوش رویی، ناشی از نشاط و شادابی است. امام علی علیه السلام در پاسخ به پیشنهاد غلامش، قنبر که گفت: شما بیشتر از من سزاوار پوشیدن پیراهن گران قیمت هستید، فرمود: «انتَ شابٌّ و لَکَ شِرَّه الشَّبابِ و أنا أستَحِیی مِن ربّی أن أتَفَضَلَّ عَلَیکَ؛ تو جوانی و دارای نشاط جوانی هستی و من از خدا حیا می کنم که در این زمینه بر تو برتری جویم».(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به سؤالی فرمود: «ألقِ اَخاکَ بِوَجهٍ مَنبَسِطٍ؛ با برادر خود با گشاده رویی برخورد کن.»(۴) یعنی در تعامل با دیگران باید طراوت ظاهر را رعایت کرد؛ چراکه این کار آثار تربیتی بسیاری به همراه دارد. امام باقر علیه السلام

۱- تفسیر المیزان، ج۸، ص۸۴.

۲- علی حسین زاده، همسران سازگار، صص۱۶۳ و ۱۶۴.

۳- محمدعلی خادمی کوشا، جوان در پرتو اهل بیت:، ص۶۸، به نقل از: بحارالانوار، ج۴۰، ص۳۲۴؛ المناقب، ج۲، ص۹۷.

۴- همان.

نیز در این باره فرمود: «البِشرُ الحَسَنِ و طلاقَةُ الوَجهِ مَکسَبَهً لِلمَحَبَّهِ؛ خوش رویی و گشاده رویی و نشاط، عامل ایجاد محبت است».(۱)

نشاط و شادابی در فعالیت های اقتصادی، اهمیت ویژه ای دارد و انسان با این روحیه، ضمن برخورد مناسب با همکاران می تواند طرح های اقتصادی خویش را به خوبی پیش ببرد و به سامان برساند. ازاین رو، روحیه نشاط و شادابی از شاخص های تربیتی در جهاد اقتصادی است و هر کس با این روحیه وارد عرصه کار و فعالیت تولیدی، توزیع و بازار مصرف شود، تأثیر آن را بر روند کار خود درخواهد یافت. افراد کسل و بی حال در هیچ عرصه ای نمی توانند اثرگذار باشند، به ویژه فضای اقتصادی و کار و امور مالی که با مشکلات فراوانی روبه روست. افراد خشن و عصبی، نه تنها گره ها را نمی گشایند، بلکه بر مشکلات موجود می افزایند. بر این اساس، به دلیل اثربخشی شادابی در فضای اقتصادی، یکی از شاخص های تربیتی درباره جهاد اقتصادی، داشتن این روحیه است که نتیجه آن، سازگاری نیروهای همکار، وحدت آنها در اندیشه و عمل و بازدهی بهتر فعالیت اقتصادی است.

۴. روحیه عزت مندی

۴. روحیه عزت مندی

عزت مندی مفهومی انتزاعی است که مؤلفه های بسیاری در انتزاع آن دخیل هستند، ولی عنصر اصلی عزت مندی را عزت نفس تشکیل می دهد. برای عزت نفس، همانند بسیاری از واژگان و اصطلاحات دیگر تعریف واحد و دقیقی که همه صاحب نظران در آن اتفاق نظر داشته باشند، ارائه نشده است. برخی گفته اند: عزت نفس عبارت است از احساس ارزشمندی که از افکار، احساسات، عواطف و تجربیات زندگی ناشی می شود.(۲) برخی دیگر، عزت

۱- اصول کافی، ج۲، ص۱۰۳.

۲- هریس کلمز، امنه کلارک و رینولد بین، روش های تقویت عزت نفس در نوجوانان، ترجمه: پروین علی پور، ص۱۱.

نفس را دارای دو رکن دانسته اند که عبارتند از: باور به خود توان مندی و اطمینان از توانستن در بُعد علمی و عملی و حرمت نفس و احترام و ارزش دادن به خود.(۱) به نوشته روان شناسان دیگر، اندیشه های انسان، عامل عمده شکل دهی عزت نفس است.(۲) همان گونه که روشن است، تنها تعریفی که برای عزت نفس ارائه شده، احساس ارزشمندی است و دیگران بدون تعریف کردن، فقط به مؤلفه های آن اشاره کرده اند. آنچه از متون روان شناختی در باب عزت نفس به دست می آید و با ادراک شخصی هم مطابقت دارد، آن است که عزت نفس در برابر احساس ذلت و خواری، صفتی درونی است که بر اثر عوامل مختلف در آدمی پدید می آید. این حالت درونی در زندگی، سلامت روانی، هویت یابی، رشد و تعالی مادی و معنوی نقش اساسی دارد.(۳)

به نظر می رسد عزت مندی، فراتر از عزت نفس به معنای روان شناختی، دایره وسیع تری دارد؛ زیرا افزون بر مؤلفه های یادشده، باورها و ارزش های دینی نیز در شکل دهی روحیه عزت مندی نقش تعیین کننده ای دارند. شاید عناصر معنوی، بیشتر در مفهوم عزت مندی، دخیل باشند تا عناصر دیگر. چنان که عزت مندی در قرآن با ایمان به خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرین گشته و از صفات برجسته مؤمنان شمرده شده است. خداوند در قرآن می فرماید: «وللهِ العِزَّه و لِرَسُولِهِ و لِلمُؤمِنِین؛ عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است»؛ (منافقون: ۸) چراکه ایمان به خداوند، نیرویی فراوان در درون آدمی پدید می آورد و چنان او را در برابر لغزش ها، مقاوم و شکست ناپذیر می سازد که حوادث روزگار و فراز و نشیب زندگی، کوچک ترین تزلزلی در او ایجاد

ص:۱۱۶

۱- ناتانیل براندن، روان شناسی عزت نفس، ترجمه: مهدی قراچه داغی، ص۲۳.

۲- ماتیو مک کی و پاتریک فنینک، رشد و افزایش عزت نفس، ترجمه: مهرناز شهرآرای، ص۹.

۳- همان، ص۱.

نمی کند. عزت نفس، یعنی مناعت طبع و بزرگواری[1] که در فطرت بشر ریشه دارد و گمشده انسان معاصر است. عزت نفس بدین معنا عامل مهمی است که نمی گذارد شخص در فراز و نشیب های زندگی احساس شکست کند یا مغلوب هوا و هوس شود. بنابراین، منظور از عزت نفس، شناخت حقیقت نفس خویش و قرار دادن آن در مقام و منزلت واقعی خود است.[2]

بی شک، زندگی عزت مندانه، خواسته همه آدمیان بوده و هست و هر کس می خواهد با عزت و سربلندی در جامعه زندگی کند. زندگی آبرومندانه با عزت نفس ارتباط عمیق دارد. انسانی می تواند به زندگی باعزت دست یابد که قبل از همه خود دارای عزت نفس باشد. عزت در برابر ذلت و خواری قرار دارد و معلول عواملی است که مهم ترین آنها، ایمان به خدای متعال است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «المؤمن اصلب من الجبل، الجبل یستَقَلُّ منه و المُؤمِنُ لا یستَقَلُّ من دینه شیءٌ؛ شخص مؤمن، سخت تر از کوه است؛ زیرا از کوه چیزی جدا می شود، ولی از دین مؤمن چیزی کم نمی شود.»[3] جوان باایمان چنین حالتی دارد و در پایداری از کوه محکم تر است؛ زیرا در برابر فساد اخلاقی می ایستد و تحت تأثیر آن قرار نمی گیرد، بلکه با نابسامانی ها مبارزه می کند و از کرامت و عزت خود و جامعه دفاع می کند. از صدر اسلام تاکنون، نمونه های فراوانی از جوانان مؤمن و فداکار وجود داشته و دارد که در شرایط دشوار، از دین و معارف اهل بیت علیهم السلام دفاع کردند. بر این اساس، از دیدگاه اسلام، عزت یعنی شکست ناپذیری و قدرت و صلابت، ویژگی کسانی است که نور ایمان در قلوبشان تابیده است و در برابر تحولات و حوادث، کوچک ترین تزلزلی از خود نشان نمی دهند؛ زیرا انسان بر اثر ایمان به خدا و پیامبر، از عزت مندی

۱- فرهنگ معاصر (عربی ــ فارسی)، واژه «عزت».

۲- سید مصطفی حسینی، معارف معاریف، واژه «تربیت».

۳- منتخب میزان الحکمه، ص۶۱.

واقعی بهره مند می شود و در سایه ایمان و تقوا، با کمال آرامش و اطمینان خاطر زندگی می کند.

علامه طباطبایی درباره عزت مندی می فرماید:

دستگاه آفرینش به گونه ای انسان را مجهز کرده که بتواند بدون اتکا به دیگران زندگی خود را اداره کند. ازاین رو، او باید نیروهای خدادادی خویش را در راه نیل به مقاصد به کار گیرد و به نیروی دیگران متکی نباشد. اگر چنین کرد، به تدریج آن حالت عزت و استقلال در او پدید می آید و به زندگی آبرومندانه روی می آورد. هرگز به ذلت و خواری و کردار زشت تن نمی دهد. در این صورت است که هم زندگی دنیایی او به خوبی پیش می رود و هم در آخرت به سعادت ابدی می رسد. بسیاری از ظلم و جنایت ها در عالم ناشی از ضعف نفس و تن دادن به پستی است که انسان حاضر می شود برای رسیدن به منافع مادی به هر جنایتی دست یازد. اگر جوانی تاج افتخار عزت نفس را بر سر داشت، در برابر هیچ عظمتی جز عظمت پروردگار سر فرود نمی آورد و در مقابل هیچ خواسته ای زانو نمی زند تا کار خلافی مرتکب گردد.(۱)

عزت مندی در امور اقتصادی، نمود ویژه ای دارد و به انسان مصونیت می بخشد و به عنوان عاملی قوی، او را از ذلت خواهش های مادی از دیگران و تن دادن به رفتارهای ناپسند برای رسیدن به پول و ثروت باز می دارد. قرآن کریم به نمونه های بسیاری اشاره کرده است که افراد به ظاهر مؤمن و حتی مستجاب الدعوه چون از عزت نفس بی بهره بودند، خود را در برابر مادیات باختند. قرآن کریم، عامل اصلی ذلت نفس را پیروی از هوای نفس و

۱- سید محمدحسین طباطبایی، خلاصه تعالیم اسلام، ص۱۸۸.

شهوت های حیوانی معرفی می کند: «أفَرَأیتَ مَن إتَّخَذَ الهَهُ هَواهُ و أضَلَّهُ اللهُ عَلی عِلمٍ؛ آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند، او را با آگاهی [بر اینکه شایسته هدایت نیست] گمراه ساخته است.» (جاثیه: ۲۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می فرماید: «ایاکُم و غَلبَةَ الشَّهواتِ علی قلوبِکُم؛ فإنَّ بِدایتَها ملَکةٌ و نهایتَها هَلَکَةٌ؛ از غلبه کردن بر شهوت بر دل هایتان بپرهیزید؛ چراکه آغازش، پادشاهی و پایانش، تباهی است».(۱)

بر این اساس، عزت مندی از شاخص های تربیت در افق جهاد اقتصادی است و مجاهدان عرصه اقتصاد با این ویژگی می توانند به رشد فنی و حرفه ای جامعه کمک کنند. عزت نفس ضمن اینکه آدمی را به رشد و بالندگی می رساند، از آسیب ها نیز در امان نگه می دارد. علامه طباطبایی در این باره می گوید:

عزت نفس سدّی است که انسان را از زندگی پست و بسیاری از کارهای ناروا و کردارهای زشت حفظ می کند. کسی که عزت نفس ندارد و چشم به دست این و آن بدوزد، به آسانی، اراده و شخصیت خود را به دیگران می فروشد و به طمع نوایی ناچیز، هرچه بگویند، آن کند و هرچه از او بخواهند، انجام دهد و هرچه آزادی فطری و عزت و آبرو و شرافت باشد، نثار کند.(۲)

۵. روحیه شکرگزاری

۵. روحیه شکرگزاری

شکرگزاری به معنای سپاس از نعمت های خدای متعال، امری ضروری است. هر کسی باید در زندگی خود روحیه قدردانی از نعمت های الهی را داشته

۱- حکمت نامه جوان، ص۲۲۶.

۲- خلاصه تعالیم اسلام، ص۱۸۸.

باشـد؛ چراکه هرگـونه اسـتمرار و فزونی نعمت، به شـکرگزاری وابسـته است. قرآن کریم در این زمینه می فرمایـد: «وَ إِذْ تَـأَذَّنَ رَبُّکُمْ لَئِنْ شَـکَرْتُمْ لَأَزِیـدَنَّکُمْ وَ لَئِنْ کَفَرْتُمْ إِنَّ عَـذابِی لَشَدِیـدٌ؛ و [همچنین به خاطر بیاوریـد] هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شـکرگزاری کنید، [نعمت خود را] بر شـما خواهم افزود و اگر ناسپاسـی کنید، مجازاتم شدید است.» (ابراهیم: ۷) رسول خـدا صـلی الله علیه و آله هم فرمود: «أن لله علی نعمه حقاً وهو شـکره، فمن ادّاه زاده؛ همانا حق خداوند متعال در نعمت هـایش، شـکر آنهاست. هرکه شـکر نعمت را به جای آورد، خداونـد بر نعمتش بیفزایـد.»(۱) امـام علی علیه السـلام نیز فرمود: «شکر المنعم یزید فی الرزق؛ سپاس گزاری از نعمت دهنده، روزی را زیاد می کند».

بر اسـاس آیـات و روایـات، میان شـکر نعمت و فزونی آن رابطه مسـتقیمی وجود دارد و هر کس در مقام قـدردانی از عطاهای الهی باشـد، رزق و روزی اش افزون می شود. شایـد به این دلیل که به وسـیله شـکر، رابطه دهنـده و گیرنـده نعمت تقویت می شود و بـدین طریق، شایسـتگی بنده افزایش می یابد و سـبب می شود بیشتر از لطف و رحمت منعم برخوردار گردد. ازاین رو، روحیه شـکر نعمت در هر کس باشد، همواره قرین عطایای خدا خواهد بود. امام علی علیه السـلام در این باره می فرماید: «این گونه نیست که خداوند درِ شکر و سپاس را بر بنده بگشاید و درِ فزونی نعمت را بر وی ببندد».(۲)

شکرگزاری در همه حوزه های اقتصاد به ویژه حوزه مصـرف، اهمیت بیشتری دارد و همه مردم در هر زمان و مکان و تحت هر شرایطی باید قدردان نعمت های خدا باشـند. اگر همه مردم این روحیه را داشـته باشند، فراوانی نعمت در جامعه پدید می آید. برعکس، کفر نعمت و ناسپاسی خدا

۱- حسن دیلمی، ارشاد القلوب، ج۱، ص۳۸.

۲- «ماکـان الله لیفتـح علی عبـدٍ بـاب الشـکر و یغلق عنه بـاب الزیـاده.» (محمـد بن بـابویه قمی (شـیخ صـدوق)، الخصال، ج۳، ص۵۰۴).

با از دست دادن نعمت ها همراه خواهد بود. خواجه نصیرالدین طوسی در باب لزوم شکرگزاری می گوید: «از میان صفات سعدا و ره یافتگان بارگاه حق، هیچ خصلتی به درجه شکر نمی رسد؛ چون ثبات و زیادی نعمت مبتنی بر آن است.»(۱) «سپاس گزاری از نعمت پشتوانه عقلی هم دارد و عقل سلیم هر کس به تسلیم شدن و قدردانی از نعمت دهنده فرمان می دهد.»(۲) به هر حال، شکرگزاری، از شاخص های مهم تربیتی جهاد اقتصادی است و همه کسانی که در امور اقتصادی فعالیت دارند، در تولید، توزیع و مصرف باید روحیه سپاس[گزاری] داشته باشند تا هم برکات آسمانی و زمینی فزونی یابد و هم رشد اقتصادی فراهم شود.

به همین دلیل، خداوند هم به شکرگزاری در برابر صاحبان نعمت فراوان دعوت کرده است و می فرماید: «أَنِ اشْکُرْ لِی وَ لِوالِدَیْکَ؛ [آری به او توصیه کردم] که برای من و برای پدر و مادرت شکر به جا آور.» (لقمان:۱۴) درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن قدر عبادت و گریه می کرد تا بی هوش می شد؛ به ایشان می گفتند: مگر خداوند گناهان گذشته و آینده شما را نبخشیده است؟ چرا این قدر خود را به زحمت می اندازید؟ در پاسخ می فرمود: «أفلا أکون عبداً شکوراً؟ آیا بنده شاکر خدا نباشم، حالت بی هوشی های امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، وصی آن حضرت نیز این گونه بود». (۳)

۶. روحیه دعا و مناجات در توسعه روزی

۶. روحیه دعا و مناجات در توسعه روزی

همه انسان ها خواهان گشایش روزی و همواره در پی فراهم ساختن امکانات بیشتر و ابزار و وسایل بهتر هستند. اگر به زندگی مردم در هر جامعه و

۱- خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، ص ۲۸۱.

۲- حسن بن یوسف حلی، باب حادی عشر، ص۲۱۶.

۳- سید محمدحسین طباطبایی، سنن النبی، ترجمه: لطیف راشدی، ص۸۶.

کشوری نگاه کنیم و مطالعات میدانی انجام دهیم، خواهیم دید که همه مردم، شبانه روز درصدد افزودن بر مال و ثروت و بهره برداری بهتر و بیشتر از مادیات و منابع طبیعی اند. همه برنامه ریزی ها، تصمیم گیری ها، فعالیت ها و به طور کلی، همه معاملات و تعاملات و ارتباطات دنیا، برای توسعه ارزاق و تأمین رفاه و آسایش زندگی انجام می گیرد؛ چه در سطح کلان و کل جهان و کشور و چه در سطح خرد و حوزه خانواده. این کار از نظر دینی، امری پسندیده است. امام رضا علیه السلام در این زمینه می فرماید: «ینبغی للرّجل أن یُوَسِّعَ علی عیاله لئلاـ یتمنَّوا موتَه؛ برای مرد سزاوار است که بر عایله اش در هزینه زندگی توسعه بخشد تا آرزوی مرگ او را نکنند».(۱)

نکته مهم و قابل توجه در توسعه روزی این است که انسان خواسته های بسیاری دارد و هیچ گاه به همه خواسته های خود نرسیده است و نخواهد رسید. تجربه بشری نشان داده است که انسان های پیشین به ویژه سلاطین و حاکمان دنیا در زمان خود آرزوهای فراوان در دل داشتند و شب و روز برای تحقق آنها تلاش کردند، ولی سرانجام به آن آرزوها نرسیدند. جنگ ها و نبردهای کوچک و بزرگی که در تاریخ روی داده است، نشان می دهند که خواسته های آدمیان، بی نهایت و دست یابی به آن خارج از اختیارشان است؛ زیرا اگر این خواسته ها نبود، بشر در صلح و آرامش زندگی می کرد و به جنگ و خون ریزی نیازی نبود.

در امور اقتصادی نیز چنین است که هر کس در پی توسعه روزی و تأمین آسایش بیشتر است، ولی رسیدن به آن مشکل، چه بسا ناممکن می نماید. ازاین رو، لازم است انسان افزون بر تلاش و فعالیتی که انجام می دهد، به امور معنوی نیز توجه داشته باشد و امر توسل و دعا و مناجات را نباید نادیده

۱- وسائل الشیعه، ج۱۵، ابواب النفقات، باب ۲۰، ص۲۴۹، ح۶.

انگـارد؛ چراکه تـأثیر معنـوی بر امـور زنـدگی و معیشـتی، انکارناپـذیر است. این نکته، هم ثـابت شـده است و هم در آیـات و روایات شواهد فراوانی دارد. خواجه نصیرالدین طوسی در زمینه طلب رزق و روزی حلال می گوید:

اقـامه نمازهـای یومیه به جهت تعظیم و خضوع و خشوع در برابر خـدای متعـال، قرائت سوره «واقعه»، خصوصـاً در شب، هنگام عشـا، خوانـدن سوره «فجر» تـا وقت نماز صـبح صـد مرتبه، خوانـدن «سـبحان الله العظیم اسـتغفر الله و اتوب الیه» و «لا اله الا الله الملک الحق المبین» هر روز صبح و شام صد مرتبه و بعد از نماز صبح هر روز گفتن «الحمدلله و سبحان الله و لا اله الا الله و الله اکبر» ۳۳ مرتبه و «الله اکبر» ۳۴ مرتبه و بعد از نماز مغرب، «استغفر الله» ۷۰ مرتبه و بعد از نماز صبح هرچه می تواند «لا حول و لا قوّه الا بالله العلیّ العظیم» بگوید، روزی انسان زیاد می شود.(۱)

همچنین می گوید:

سپـاس در مقابل نعمت های پروردگار و سـحرخیزی باعث برکت می شود و همه نعمت ها به ویژه روزی را افزایش می دهـد. خوش خط بودن و خوب سخن گفتن هم روزی را زیاد می کند.(۲)

وی در ادامه می افزاید:

مهم ترین عامل برای جلب روزی، برپا داشتن نماز با حال خشوع و ترس از خداوند متعال و بزرگ داشت مقام حضرتش است و خواندن سوره واقعه، به ویژه در شب و هنگام عشا و سوره یس، هنگام صـبح و قبل از اذان در مسـجد حاضـر شدن و همیشـه پـاک و بـا وضو بودن، نمـاز صـبح و نمـاز نافله وتر را در منزل خوانـدن و سـخن بیهوده نگفتن [از جمله عوامل افزایش رزق و روزی هستند].(۳)

۱- محمد مدرسی، سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیر الدین طوسی، ص۱۴۸.

۲- خواجه نصیرالدین طوسی، رساله آداب المتعلمین، ترجمه: باقر غیاثی، ص۱۲۵.

۳- همان.

این دستورها که در متن روایات نیز آمده اند، ما را به این نکته رهنمون می سازند که عوامل معنوی در توسعه روزی، مؤثر هستند و نباید از آنها غفلت کرد.

در مقابل، برخی رفتارهای عامل کاهش رزق و روزی سبب از دست دادن نعمت های الهی می شود که خواجه در این باره نیز می گوید:

گناهان باعث محروم ماندن از روزی می گردد، به خصوص دروغ گویی که فقر را به دنبال می آورد. خوابیدن در صبحگاه (از اذان تا طلوع آفتاب) از رزق و روزی جلوگیری می کند و همچنین زیاد خوابیدن و عریان خوابیدن، عریان دفع حاجت کردن، در حال جنابت خوردن و آشامیدن، سهل انگاری نسبت به خرده های غذا، آتش زدن پوست پیاز و سیر، جاروب کردن در شب، بیرون ریختن خاک روبه از منزل، راه رفتن جلوی بزرگان ـ به جای از پشت سر آنان آمدن ـ صدا زدن پدر و مادر به اسم، با هرچه دندان را خلال کردن، دست ها را با خاک و گل شستن، در جلوی درگاه نشستن، به یکی از دو لنگه در تکیه نمودن، در توالت وضو گرفتن، دوختن لباس در تن، صورت را با لباس خشک کردن، تارهای عنکبوت را در منزل رها کردن، سهل انگاری در نماز، سرعت در بیرون رفتن از مسجد، قبل از همه به بازار رفتن و دیر برگشتن، خرید تکه های نان از مردم فقیر و گدا، دعای بد برای پدر و مادر نمودن، نجوشانیدن ظرف های آب خوری و خاموش کردن چراغ با دم و نفس. همچنین فراموشی از دعا برای پدر و مادر، نشسته عمامه بستن و ایستاده لباس و پیراهن پوشیدن، بخل ورزیدن و خودخواهی و زیاده روی و گدایی و بی حالی و سهل انگاری

ص:۱۲۴

در امور.(۱)

در مجموع، می توان نتیجه گرفت که توجه به عوامل معنوی و روحیه دعا و مناجات در امور معیشتی، از شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی است و بدون معنویت نمی توان به هدف اصلی، دست یافت که رشد و پیشرفت مادی و معنوی جامعه است. بنابراین، همه کسانی که به نوعی در مسائل اقتصادی در حوزه تولید، توزیع و مصرف نقش دارند، باید به دعاها و مناجات رسیده از معصومین علیهم السلام در زمینه طلب رزق و روزی حلال و توسعه آن اهتمام ورزند. خداوند در دستوری عام، به همه مسلمانان و در همه زمینه ها که شامل امور معیشتی است، می فرماید: «وَ اسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاهِ وَ إِنَّها لَکَبِیرَهٌ إِلَّا عَلَی الْخاشِعِینَ؛ از صبر و نماز یاری جویید [و با استقامت و مهار هوس های درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید] و این کار، جز برای خاشعان، گران است». (بقره: ۴۵)

۷. روحیه توسل به اهل بیت علیهم السلام

۷. روحیه توسل به اهل بیت علیهم السلام

توسل به اهل بیت علیهم السلام ، کلید اصلی حل مشکلات فردی و اجتماعی مسلمانان به ویژه شیعیان امام علی علیه السلام است. بر اساس عقیده ایشان به امدادهای غیبی خدا و کمک های معصومان علیهم السلام با اذن خدای متعال به مؤمنان، استعانت جستن از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام در همه گرفتاری ها، بسیار کارساز و ره گشاست؛ چراکه قرآن کریم به توسل و وسیله قرار دادن آن بزرگواران دستور می دهد و می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیلَهَ وَ جاهِدُوا فِی سَبِیلِهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید و وسیله ای برای تقرب به او بجویید و در راه او جهاد کنید، باشد که

۱- همان، ص۱۳۴.

رستگار شوید». (بقره: ۳۵)

راغب اصفهانی در بیان معنای کلمه «وسیله» می گوید: «وسیله به معنای رساندن خود به چیزی است با رغبت و میل.»(۱) و اینکه به آن امر مادی یا معنوی مورد نظر دست یابی و در رسیدن به آن، ممکن است، نیاز به وسیله پیدا کنی. مثلاً برای تقرب معنوی به خدای متعال، شاید انسان به خاطر گناهان زیاد، شایستگی قرب بارگاه حق را نداشته باشد. پس لازم است که دست به دامان مقرّبان خدا شود و آنها را وسیله نزدیکی خویش به خدا قرار دهد. این کار، امری عقلایی و نزد خدای متعال، پسندیده است؛ چرا که خداوند، بندگان را به توسل هدایت می کند و می فرماید: «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ».(۲)

خداوند در جای دیگر فرمود: «وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً؛ اگر آنها هنگامی که به خویشتن ستم کردند [و مرتکب گناهی شدند] به سراغ تو می آمدند و از خداوند طلب بخشش می کردند و تو نیز برای آنها طلب عفو می کردی، خدا را توبه پذیر و رحیم می یافتند.» (نساء: ۶۴) از این آیات، به خوبی برمی آید که وسیله قرار دادن افراد شایسته و مأذون، به شفاعت از جانب خدا، از منظر قرآن پذیرفته شده است.(۳)

شایستگان توسل و وسیله قرار گرفتن نزد خدای متعال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام آن حضرت معین شده اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «انّما مثل اهل بیتی فی هذه الامه مثل سفینه نوح فی لجّه البحر من رکبها نجی و من تخلّف عنها غرق؛ اهل بیت علیهم السلام من در این امت چون کشتی نوحند و در توفان دریا، هر که بر

۱- حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، ص ۸۷۱، واژه «وسیله».

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۶۹.

۳- محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۳، ص ۸۰.

کشتی سوار شد، نجات یافت و هر که تخلف کرد، غرق شد».(۱)

در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

الائمه من ولد الحسین علیه السلام ، من أطاعهم فقد أطاع الله و من عصاهم فقد عصی الله، هم العروه الوثقی و هم الوسیله الی الله تعالی.(۲)

امامان از فرزندان حسین علیه السلام کسانی هستند که هر کس از آنها اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده و هر که از آنها نافرمانی کند، از خدا نافرمانی کرده است. آنان عروه الوثقی و وسیله تقرب به خدای متعال هستند.

در امور معیشتی نیز زبان توسل، کارساز و رافع مشکلات است؛ چراکه انس با اهل بیت علیهم السلام ، روح انسان را قوی و در برابر فراز و نشیب های زندگی مقاوم و شکست ناپذیر می سازد. چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: «إنّ المؤمن أشدُّ من زُبَرِ الحدید، إنّ زبر الحدید إذا دخل النّار تغیّر و إنّ المؤمن لو قُتل ثمَ نُشر ثمَّ قُتل لم یتغیّر قلبُه؛ به درستی، مؤمن محکم تر از پاره آهن است؛ زیرا پاره آهن، زمانی که در آتش انداخته شود، تغییر می کند، ولی مؤمن اگر کشته شود، سپس زنده شود و دوباره کشته شود، تغییری در عقیده اش ایجاد نمی شود.»(۳) چنین انسان مؤمن و استواری، بر اثر انس با خدا و اهل بیت علیهم السلام ساخته و پرداخته می شود و در برابر جزر و مد زندگی، ثابت و پایدار می ماند. به ویژه در عرصه اقتصاد و جهاد اقتصادی، بر افراد مؤمن و مقاوم لازم است تا در برابر سختی ها، تزلزلی در آنها پدید نیاید و در سنگرهای رشد و پیشرفت تکنولوژی و فن آوری با دشمنان اسلام به مبارزه بی امان خویش ادامه دهند. علامه طباطبایی در بهره گیری از فیوضات معصومان علیهم السلام می گوید: «ما

۱- بحارالانوار، ج۲۲، ص۴۰۸.

۲- عبد علی عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۲۶، به نقل از: عیون اخبار الرضا، باب ماجاء عن الرضا.

۳- منتخب میزان الحکمه، ص۶۲، واژه «ایمان».

هرچه داریم، از اهـل بیت پیـامبر علیهم السـلام داریم. ما همه آبروی خود را از محمـد صـلی الله علیه و آله و آل محمـد علیهم السلام کسب کرده ایم.»(۱) بر این اساس، «مسلمانان باید اهل بیت پیغمبر علیهم السلام را پیشوایان خود قرار دهند و دین خود را از ایشان اخذ کنند»(۲) و همواره با آنها انس و ارتباط داشته باشند.

۸. روحیه انس با قرآن

۸. روحیه انس با قرآن

قرآن کریم به عنوان سخن مستقیم خدای متعال، جامع معارف الهی و نشان دهنده راه های هدایت و رسیدن به مقام قرب باری تعالی است. ارتباط با این معجزه جاوید رسول خدا صلی الله علیه و آله ، انسان را از لغزش ها نگاه می دارد و به اوج سعادت و معنویت می رساند؛ چرا که هر کس به جایی رسیده، بر اثر ارتباط و توسل به قرآن کریم و ائمه اطهار علیهم السلام بوده است. انس با قرآن، فراتر از ارتباط معمولی، به معنای پیوند خاصی با قرآن است که مستلزم نوعی محبت قلبی و عشق ورزی به قرآن کریم است. علامه طباطبایی در توصیف قرآن می گوید:

بایـد دانست که قرآن، واعظی است شـفادهنده بیمـاری هـای درونی و راهنمـایی است هادی به سوی صـراط مسـتقیم و افاضـه کننـده رحمتی است که شـفا دادن و هـدایت و افـاضه رحمتش به اذن خـدای سـبحان است و بس. به این معنا که قرآن، خود، چنین آثار و برکاتی دارد، نه اینکه به وسـیله چیز دیگری این آثار را داشـته باشـد؛ چون قرآن، سـبب متصـلی است بین خـدا و خلق خدا. پس خود اوست که برای مؤمنین، شفا و رحمت و هدایت می باشد، قطع نظر از عوامل دیگر.(۳)

ص:۱۲۸

۱- غلام رضا گلی زواره، جرعه های جان بخش، ص۲۶۹.

۲- سید محمدحسین طباطبایی، مجموعه مقالات، به کوشش: هادی خسروشاهی، ج۲، ص۳۲۰.

۳- تفسیر المیزان، ج۱۰، ص۱۱۹.

خداوند در خطابی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان می دهد که قرآن را به عنوان شفادهنده دل های بیمار مردم معرفی کنـد تا اهل ایمان از آن یاری بگیرنـد: «قُلْ هُوَ لِلَّذِینَ آمَنُوا هُـدی وَ شِـفاءٌ؛ بگو: این (کتاب) برای کسانی که ایمان آورده اند، هـدایت و درمان است.» (فصـلت: ۴۴) در آیه دیگر می فرمایـد: «یـا أَیُّهَـا النَّاسُ قَـدْ جـاءَتْکُمْ مَوْعِظَهٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ شِـفاءٌ لِمـا فِی الصُّدُورِ وَ هُدی وَ رَحْمَهٌ لِلْمُؤْمِنِینَ؛ ای مردم برای شـما از جانب پروردگارتان موعظه ای آمد و شـفایی برای آن بیماری ای که در دل دارید و راهنمایی و رحمتی برای مؤمنان». (یونس: ۵۷)

علت نزول آیات متعدد درباره شفابخش بودن قرآن در بیماری های قلبی و روحی شاید این باشد که خداوند، آفریدگار انسان و قرآن، کلام خـداست. طبیعی است که آفریـده با آفریـدگار خویش پیونـد عمیق و ریشه داری دارد. این پیوند، از راه انس با سخن آفریـدگار که عبارت از قرآن مجیـد است، محکم تر و قوی تر می شود. بنابراین، هر اندازه این انس با قرآن بیشتر شود، رابطه فرد با خداوند افزایش می یابد و عمیق تر می شود.

انس بـا قرآن برای هر کس میسـر نیست و تنها برخی به آن صـفت دست می یابنـد. این کار آدابی دارد که ملااحمـد نراقی به بعضی از آنها اشاره می کند و می گوید:

هنگام تلاوت قرآن باید جای خلوتی به دست آورد و با خضوع دل، قرآن بخواند تا روح و دل او به خدای عزوجل انس گیرد و شیرینی خطاب های الهی به بندگان شایسته را دریابد.(۱)

همچنین حضور قلب و ترک سـخن و کنـار نهـادن وسوسه هـا و خـاطره هـای نفسـانی لازم است تـا انس بـا کلام خـدا محقق شود.(۲) تدبر در معانی قرآن نیز ضرورت دارد که تدبر علاوه بر حضور قلب است؛

۱- جامع السعادات، ج۳، ص۳۷.

۲- همان.

چراکه مقصود از تلاوت قرآن، تدبر باطنی در قرآن است.(۱) [انسان] باید در معانی قرآن که همان اسما و صفات الهی است، تأمل کند تا اسرار نهفته در آنها برایش آشکار شود.(۲) انیس قرآن باید تقلید و تعصب، جمود بر ظاهر قرآن، اهتمام به تحقیق در حروف، اصرار بر گناهان ظاهری و باطنی و پیروی از شهوات را ترک کند که اینها سبب تاریکی دل می شود.(۳) چنان بیندیشد که خود را مقصود هر خطابی ببیند که در قرآن آمده [است]، از امر و نهی و وعده و وعید و حتی قصه های پیشین؛ چون همه قرآن هدایت و شفا و رحمت و نور و موعظه است.(۴) دل انس گیرنده با قرآن باید به گونه ای باشد که از آثار آیات گوناگون متأثر شود و به حسب محتوای هر آیه حالی پیدا کند، نظیر خوف و حزن، بیم و شادی، بهجت و امید، دل تنگی و گشادگی.(۵) همیشه باید در حال ترقی باشد تا کلام را در حقیقت از خدای متعال بشنود، نه از نفس خویش. خود را چنان تصور کند که در حضور خدا ایستاده و قرآن می خواند و خداوند به او نظر دارد و سخن می گوید. از این بالاتر آنکه در کلام خدا، متکلم و در کلمات، صفات خدا را ببیند و به خود و تلاوت خود التفات نکند. اگر کسی به این درجه رسید، شکفتگی و بهجت او شدت یابد و شیرینی و لذت تلاوت او عظیم شود.(۶) در این حال، از قدرت و قوت خود بیزار شود و خود را به دیده رضا و پاکی ننگرد.(۷)

انس با قرآن با این آداب و شرایط، به تدریج در انسان شکل می گیرد و آدمی را از حضیض طبیعت به اوج معرفت و رشد معنوی و عبادی

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان.

۴- همان.

۵- همان.

۶- همان.

۷- همان، ص ۳۷۰.

می رساند. هر کس با قرآن مأنوس باشد، دل به خدا می بندد، از خدا می ترسد، به یاد خداست، به مرگ و معاد می اندیشد، از مادیات به اندازه استفاده می کند و روحیه انفاق و ایثار در او همیشه زنده است. اگر وارد فرآیند اقتصاد شود، اعم از تولید، توزیع و بازار مصرف یا مدیریت و برنامه ریزی و طراحی نقشه راه در امور اقتصادی، کوچک ترین خطا و اشتباهی در افکار و رفتار او مشاهده نمی شود. افراد اگر چنین حال و هوایی پیدا کنند و با قرآن انس داشته باشند، در همه زمینه های اقتصادی، رشد و بالندگی و پیشرفت و ترقی حاکم خواهد بود. بنابراین، انس با قرآن از شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی است و باید این شاخص فراگیر شود و باید به همه خانواده ها سرایت کند تا از آسیب های مالی در امان باشد.

۹. امیدواری به رحمت خدا

۹. امیدواری به رحمت خدا

از ویژگی های مهم انسان، امید به آینده است. این خصوصیت در فطرت آدمی نهفته است و در زندگی فردی و اجتماعی بشر نقش اساسی دارد. آینده ای که از کاستی های زمان، پیراسته و به کمال مادی و معنوی آراسته باشد، تأثیر بسزایی در رشد فکر و اندیشه و تحول رفتار آدمیان دارد. ازاین رو، کتاب های آسمانی که برای هدایت بشر و پاسخ گویی به نیازهای او نازل شده اند، از این امر غفلت نورزیده و اشاراتی هرچند مجمل بدان داشته اند؛ چراکه زندگی انسان بر محور امید و آرزو رقم می خورد و اگر امید را لحظه ای از حیات انسان بردارد، دیگر زندگی برایش مفهومی نخواهد داشت. برای نمونه، مادر برای امید به آینده، پستان به دهان کودک می گذارد و انتظار دارد که وی در آینده، عصای دست او باشد. کشاورز به منظور برداشت محصول، در زمین بذر می افشاند. باغبان به امید میوه، نخل می کارد

ص:۱۳۱

. اگر امیـد نباشـد، هیـچ کـدام این کارها را انجام نمی دهنـد. امید از نظر روحی و روانی، فرد را از کسالت، تنبلی و بی کاری دور می سازد و نشاط و شادابی در او ایجاد می کند و وی را به فعالیت وا می دارد.

ازاین رو، همواره قرآن کریم به انسان وعده می دهد و آینده بهتری برای او ترسیم می کند تا روحیه امید در قلب او زنده شود و او را به حرکت و فعالیت وا دارد. در واقع، وعده های قرآن همه بر همین اساس شکل گرفته است؛ وعده به آمرزش و پاداش بزرگ؛(۱) وعـده به بـاغ ها، نهرهای جاری و سـراهای پاکیزه در بهشت های جاویـدان؛(۲) وعـده خلافت در زمین(۳) و امثال آن. فلسـفه این گونه وعده ها در قرآن، ایجاد امید به آینده بهتر و رفع مشکلات زندگی بشر است. طبیعی است که وعده های قرآنی، از طرف صادق حکیم صادر می شود و انگیزه ایجاد می کنـد تا انسان به آن وعـده ها برسـد و هر کس تلاش کنـد، تا خود را شایسته بهره وری از نعمت های الهی سازد.

فلسـفه وعده های قرآن آن است که آدمی را به آینده نیک امیدوار می سازد و از کسالت و بی حالی بیرون می آورد و روحیه شـادابی و نشـاط را در زنـدگی او برقرار می کنـد؛ چراکه ناامیـدی، آدمی را از هرگونه تلاـش و فعـالیت بـاز می دارد و دچار افسـردگی، اضـطراب، نگرانی و بیمـاری هـای روحی و روانی می سـازد. این حـالت، در زنـدگی انسان به ویژه در برنامه های اقتصادی آسیب

۱- «وَعَـدَ اللّهُ الَّذِينَ آمَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ؛ خـدا کسـانی را که ایمان آورده و کارهای شایسـته کرده اند، به آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است». (مائده: ۹)

۲- «وَعَـدَ اللّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِی جَنَّاتِ عَـدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ خداونـد به مردان و زنـان باایمـان باغ هایی وعـده داده است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است. در آن جاودانه خواهنـد بود و [نیز] سـراهایی پاکیزه در بهشت های جاودان [به آنان وعـده داده است] و خشـنودی خـدا بزرگ تر است. این است همان کامیابی بزرگ». (توبه: ۷۲)

۳- «وَعَـدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُم فِی الْأَرْضِ؛ خـدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسـته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این زمین جانشین [خود] قرار دهد». (نور: ۵۵)

جدّی وارد می کند. بر این اساس، امید به رحمت خدا یکی از شاخص های مهم تربیتی است تا آدمی ضمن مصونیت از آسیب های روانی، به کوشش و فعالیت اقتصادی بپردازد؛ چراکه رحمت خداوند وسعت دارد و گستره آن به اندازه ای است که شامل همه آدمیان در شرایط و شئون زندگی انسان می شود.

امام علی علیه السلام در آغاز دعای کمیل عرض می کند: «اللّهُمَّ إنِّی أسئلُکَ بِرحمَتِکَ الَّتی وَسِعَت کُلَّ شَیءٍ؛ خدایا! من از تو می خواهم، به حق آن رحمتت که همه چیز را فرا گرفته است.»(۱) رحمت خداوند از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چراکه امام علی علیه السلام ، دعای مهم کمیل را که متضمن معارف بلند اسلامی است، با بیان رحمت و وسعت شروع کرده است. این سخن، نشانه محوریت رحمت خدا در میان صفات حق تعالی است؛ چون دیگر اوصاف الهی، به نوعی به رحمت خداوند باز می گردد، مانند خالقیت، رازقیت، رحمانیت، ستاریت، ربوبیت و غفاریت که بر اساس رحمت خداوند استوارند.

۱۰. روحیه مثبت نگری

۱۰. روحیه مثبت نگری

مثبت نگری، مفهومی روان شناختی است و بیشتر در متون روان شناسی به آن پرداخته می شود، به طوری که برخی روان شناسان، درباره موضوعی به نام «روان شناسی مثبت اندیشی» بحث کرده و درباره آن مفصل سخن گفته اند.(۲) امروزه روان شناسان از مثبت نگری به عنوان نوعی روش درمان بیماری های روانی یاد می کنند و آن را در سلامت روحی و روانی مؤثر می دانند. آنان مثبت نگری را از راه های درمان نارسایی هایی همچون ناامیدی، منفی نگری،

۱- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ترجمه: موسوی دامغانی، ص۱۰۱.

۲- نک: سلگمن مارتین، کودک خوش بین، ترجمه: فروزنده داورپناه، صص ۷۲_۸۰؛ مجله حدیث زندگی، ش۹، ص۳۱.

ضعف اراده، خیال پردازی، گوشه نشینی و امثال آن معرفی می کنند.(۱)

مثبت نگری به معنای خوش بینی، نیک اندیشی، مثبت اندیشی و گمان نیک بردن است که در زبان عربی به «حسن ظن» تعبیر می شود و جایگاه خاصی در تعلیم و تربیت اسلامی دارد و اندیشمندان مسلمان به آن توجه فراوان نشان داده اند. قرآن کریم به عنوان مهم ترین منبع تربیتی و راهنمای زندگی انسان در امور مادی و معنوی، از این روش، فراوان استفاده می کند و همواره به آدمیان روحیه مثبت اندیشی می دهد. خداوند در این زمینه می فرماید: «وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً؛ و به مردم نیک بگویید». (بقره: ۸۳)

هر کس بخواهد نیک بشنود، باید نیک بگوید؛ چراکه گفتار و رفتار انسان عکس العمل دارد و هرچه از فرد سرزند، شبیه آن را در مورد خودش می بیند و می شنود. در ذیل همین آیه، روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «قولوا للناس احسن ما تحبون ان یقال فیکم؛ آنچه دوست دارید به شما گفته شود، بهتر از آن را به مردم بگویید».(۲)

قرآن بدگمانی نسبت به دیگران را به شدت منع کرده و سوءظن به مردم را گناه شمرده است. خداوند در این زمینه می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا کَثِیراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان ها بپرهیزید؛ چراکه بعضی از گمان ها گناه است». (حجرات: ۱۳)

قرآن کریم، پیروی از ظن و گمان را عامل بسیاری از گناهان می شمارد و انسان را از آن برحذر می دارد و می فرماید: «وَما یَتَّبِعُ أَکْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لا یُغْنِی مِنَ الْحَقِّ شَیْئاً؛ و بیشتر آنها، جز از گمان (و پندارهای بی اساس)، پیروی نمی کنند (در حالی که) گمان، هرگز انسان را از حق بی نیاز نمی سازد (و به حق نمی رساند)». (یونس: ۳۶)

بدگمانی و پیروی از آن، به ویژه در روابط اجتماعی و برخورد با دیگران،

۱- الوود همپتن، نگرش مثبت، ترجمه: فهیمه نظری، ص۱۱.

۲- محمدجواد بلاغی نجفی، آلاء الرحمان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص۱۰۴.

زمینه ساز بسیاری از اختلاف ها، دروغ، تهمت، حسدورزی، کینه و عداوت و امثال آن است. گذشته از آسیب های اجتماعی، پی آمدهای نامطلوب فردی نیز بر سوءظن مترتب می شود که نارسایی های فکری و رفتاری در پی دارد. احساس خودکم بینی، حقارت، خودپسندی و نظایر آن، از جمله آثار نامطلوبی هستند که بر منفی نگری و بدگمانی که نقطه مقابل حسن ظن و مثبت نگری است، مترتب می شود. قرآن به دلیل پیش گیری از این گونه آسیب ها، به تقویت مثبت اندیشی توجه می کند و همواره انسان را از سوءظن برحذر می دارد.

روایات معصومین علیهم السلام نیز بر مثبت نگری تأکید کرده است و تا آنجا که ممکن است، استفاده از اندیشه مثبت را توصیه می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «اطلب لأخیک عذراً، فإن لم تجد له عذراً فالتمس له عذراً؛ برای گفتار و کردار نامناسبی که از برادرت می بینی، عذری بجوی و اگر نیافتی، عذری بتراش.»(۱) یعنی اگر سخن ناروا یا رفتار نادرست از کسی مشاهده شد، نباید فوری واکنش نشان داد و مقابله به مثل کرد، بلکه باید او را معذور دانست، شاید قصد و غرضی نداشته است. در نتیجه، رابطه ای که میان آنها وجود دارد، از بین نمی رود و پایدار می ماند. امام علی علیه السلام در این زمینه فرمود:

ضَع امرَ أخیکَ علی أحسنه حتّی یأتیک منه مایغلبک و لا تظنُن بکلمهٍ خرجت من اخیک سُوءاً و انت تجد لها فی الخیر محملاً.

رفتار برادرت را به بهترین وجه تفسیر کن تا زمانی که کاری از او سرزند که راه توجیه را بر تو ببندد، و هیچ گاه به سخنی که از دهان برادرت بیرون آید، تا وقتی برای آن توجیه خوبی می یابی، گمان بد مبر.(۲)

مثبت نگری در امور اقتصادی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و در

۱- حسن صفی علی شاه، تفسیر صفی، ص۱۳۷.
۲- بحارالانوار، ج۷۲، ص۱۹۹؛ تفسیر صفی، ص۵۶۷.

مقابل، منفی نگری، پی آمدهای نامطلوب جبران ناپذیر فراوانی به همراه دارد. بدین جهت که پول و ثروت و امکانات مادی، جذابیت ویژه ای برای آدمیان دارد و معمولاً ـ هر کس مجذوب فرآورده های طبیعی می شود. ازاین رو، خاستگاه بیشتر اختلاف ها و دعواها میان مردم، مسائل اقتصادی است. اگر این نزاع ها را ریشه یابی کنیم، بیشتر آنها به سوءظن باز می گردد و منفی نگری های مردم هم عامل بروز اختلاف می شود. اگر نیک اندیشی و نگرش مثبت در جامعه حاکم باشد و مردم با حسن ظن به دیگران بنگرند، مشکلی پیش نخواهد آمد، به ویژه در امور مربوط به تولید و توزیع و مصرف که سه بخش اساسی اقتصاد هستند. اگر نیروهای انسانی شاغل در این بخش ها با دید مثبت به هم بنگرند، ضمن پیش گیری از جنجال ها، رشد اقتصادی نیز حاصل می شود. به هر صورت، مثبت نگری از شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی است و باید همه جهادگران با این دید به دیگران نگاه کنند، نه با سوءظن و بدگمانی.

۱۱. امنیت اقتصادی

۱۱. امنیت اقتصادی

امنیت و استمرار آن از جمله آرزوها و خواسته های حیاتی بشر است. امنیت، هم به منزله هدف و هم به عنوان وسیله ای برای جوامع انسانی مطرح است. بدین معنا که یک رشته اقدامات و تلاش ها برای تحقق این مهم در راستای اهداف کلان مفهوم پیدا می کند و برقراری امنیت، پیش نیاز اصلی و شرط اساسی تحقق دیگر اهداف مهم همچون توسعه و عدالت است.(۱) درباره تعریف امنیت، اتفاق نظر وجود ندارد و تعریف های گوناگونی از آن ارائه شده است. نبود تهدید نسبت به ارزش های کسب شده و در معنای ذهنی آن، نبود ترس از

۱- حسن روحانی، امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران، ص۲۵.

به خطر افتادن ارزش های حیاتی، آزادی نسبی از تهدیدات زیان بخش، توانایی برای بهره برداری، ترویج ارزش ها و فرهنگ، توانایی یک ملت در برابر تهدیدات خارجی، برخی از تعاریفی هستند که از امنیت ارائه شده اند.(۱)

در مجموع می توان گفت امنیت، یعنی اطمینان خاطر از استمرار و تثبیت آرامش، نبود تهدیدهای داخلی و خارجی، تأمین رفاه و آسایش زندگی برای فرد، خانواده و جامعه در سطح خرد و کلان (روستایی، شهری، کشوری و جهانی). این وضعیت به گونه ای باید باشد که احساس ناامنی به صورت ذهنی و عینی برای فرد یا افراد و خانواده ای پیش نیاید. اگر چنین حالتی در جامعه و خانواده ها و گروه های موجود در اجتماع، حاکم بود، گفته می شود امنیت واقعی برقرار شده است؛ امنیتی که می توان با آرامش خاطر به فعالیت های علمی و اقتصادی پرداخت و تمام امکانات موجود را در جهت رشد جامعه به کار بست. ازاین رو، امنیت اجتماعی و اقتصادی از شاخص های تربیتی است و با وجود آن می توان با اطمینان قلبی به تلاش و فعالیت خویش ادامه داد.

امنیت، گونه های مختلفی مانند امنیت نظامی، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت ناموسی، امنیت خانوادگی، امنیت زیست محیطی و امنیت اقتصادی دارد و هر کدام در زندگی فردی و اجتماعی بشر، اثرگذارند.(۲) البته امنیت در هر زمینه ای وابسته به امنیت در حوزه های دیگر است و به طور کلی نمی توان آنها را از هم جدا کرد. مثلاً امنیت سیاسی با امنیت نظامی و دیگر حوزه ها گره خورده است و اگر نظام سیاسی مختل شود، به همه حوزه ها سرایت می کند. بر این اساس، امنیت به معنای عام آن، بزرگ ترین

ص:۱۳۷

۱- همان، صص ۲۷ و ۲۸.

۲- همان، ص ۳۰.

نعمتی است که انسان از آن برخوردار است. خداوند در قرآن، به آینده مطمئن و امن نوید می دهد تا نگرانی ها را از ذهن انسان برطرف سازد. خداوند می فرماید: «وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا؛ و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند.» (نور: ۵۵) همچنین با حکایت از زبان حضرت یوسف علیه السلام ، خطاب به پدر و مادر و برادرانش گفت: «فَلَمَّا دَخَلُوا عَلى يُوسُفَ آوى إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَ قالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شاءَ اللَّهُ آمِنِينَ؛ چون بر یوسف داخل شدند، پدر و مادر را نزد خود جای داد و گفت: به مصر درآیید؛ اگر خدا بخواهد، در امان خواهید بود.» (یوسف: ۹۹) خداوند نیز درباره بهشتیان در روز قیامت می گوید: «ادْخُلُوها بِسَلامٍ آمِنِينَ؛ به سلامت و ایمنی، داخل این باغ ها شوید». (حجر: ۴۵)

امنیت اقتصادی به معنای اطمینان از سرمایه گذاری، حفظ مال و دارایی از دستبرد سارقان و زورمندان و نیز امنیت نقل و انتقال فرآورده های تولیدی، عامل اصلی در جهاد اقتصادی است و بدون آن هیچ تضمینی برای فعالیت تولیدی و توزیع کالا و خدمات نخواهد بود؛ چراکه امنیت، نخستین شرط برای زندگی و سکونت انسان در یک منطقه است. تا قلب انسان از نگرانی و دغدغه های مالی، پاک نشود، نه سلامت و امنیت فراهم می شود و نه برنامه های اقتصادی رشد می کند. این امنیت را باید نظام سیاسی و نیروهای امنیتی فراهم سازند. حتی خداوند در توصیف از زندگی برخی ملت ها، به امنیت اقتصادی اشاره می کند و می فرماید: «وَ يَأْتِيها رِزْقُها رَغَداً مِنْ كُلِّ مَكانٍ؛ و آرام و مطمئن بود و همواره روزی اش از هر جا می رسید». (نحل: ۱۱۲)

۱۲. روحیه قناعت

۱۲. روحیه قناعت

واژه «قناعت» مفهومی اخلاقی است و از نظر لغت در منابع واژه شناسی، به معناهایی چون بسنده کردن به مقدار نیاز، رضایت نفس به آنچه از روزی و معاش

در اختیار دارد،(۱) اکتفا به مقدار اندکی از وسایل زندگی در حد ضرورت و نیاز(۲) و رضایت به سهم خویش آمده است. در مجموع می توان گفت قناعت از نظر معناشناسی لغوی، اکتفا کردن به کمترین مقدار مورد نیاز در حد کفایت زندگی و قطع طمع از زیاده خواهی است.(۳) قناعت از نظر عالمان اخلاق، ضد صفت حرص و طمع ورزی، حالت و ملکه ای نفسانی است که وجود آن در آدمی، عامل اکتفا کردن و رضایت دادن فرد به قدر نیاز و ضرورت از زندگی است. روحیه قناعت سبب می شود انسان در استفاده از دارایی و امکانات به حد رفع نیاز خویش بسنده کند و خود را برای تحصیل بیشتر مادیات به زحمت و مشقت نیندازد.(۴) برعکس، حرص و طمع، انسان را به جمع آوری مال و ثروت وادار می کند، به گونه ای که هرگز احساس بی نیازی ندارد و شب و روز در راه به دست آوردن پول و ثروت سر از پا نمی شناسد. چنین فردی همیشه در حال عطش و ولع مال دوستی قرار دارد و نسبت به افزون سازی مادیات در جایی متوقف نمی شود.

در قرآن کریم، کلمه اشتقاق یافته از ریشه «قنع» به همین معنا به کار رفته است. خداوند درباره خوردن گوشت قربانی دستور می دهد که از آن به مستمندان قانع بدهید: «وَ أَطْعِمُوا الْقانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ؛ مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن (گوشت قربانی) اطعام کنید.» (حج: ۳۶) در این آیه، قانع که اسم فاعل از قنع است، به معنای قناعت اخلاقی و اکتفا کردن به مقدار نیاز از مادیات است.

در روایات، به طور مفصل در زمینه قناعت سخن رفته و تعبیرهای گوناگونی از آن شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی کوتاه از قناعت، به مال و ثروت تعبیر کرده است و می فرماید: «القناعهُ مالٌ لایَنفَدُ؛ قناعت ثروتی

۱- لغت نامه دهخدا، واژه «قناعت».

۲- مفردات الفاظ القرآن، ص۶۸۵، واژه «قناعت».

۳- محمدرضا محمدی، قناعت و سلامت، ص۲۲.

۴- ملا احمد نراقی، معراج السعاده، ص۳۱۵.

تمام ناشدنی است.»(۱) بر این اساس، صفت قناعت، سرمایه بزرگی است؛ سرمایه ای که انسان را از هلاکت و بدبختی نجات می بخشد و به سرمنزل مقصود می رساند. شاید به همین علت، امام علی علیه السلام «حیات طیبه» را به قناعت تفسیر می کند و می فرماید: «لما سُئِلَ عن قوله تعالی: فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیاهً طَیِّبَهً؛ او را به حیاتی پاک زنده می داریم.» (نحل: ۹۷) وقتی از آن حضرت از معنای زندگی پاکیزه سؤال شد، فرمود: «هی القناعه؛ آن زندگی، قناعت است».(۲)

ملا مهدی نراقی درباره فضیلت قناعت می گوید:

قناعت، بزرگ ترین وسیله است برای تحصیل سعادت ابدی و فضیلتی است اکتسابی که باید با تلاش و همت به دست آورد، وگرنه فقدان آن آدمی را به رذایل اخلاقی می کشاند. هر کس بر خوراک و پوشاک به قدر ضرورت قناعت کرد و از حرص و طمع و آرزوهای بلند دوری کرد و دل را مشغول افزون خواهی نکرد، همیشه فارغ البال و آسوده خاطر است و اشتغال به امر دین و سلوک راه آخرت برای او آسان خواهد بود. برعکس، کسی که قناعت را از دست داد و به حرص و طمع و آرزوی دراز گرفتار شد و در گرداب های دنیا فرو رفت، دلش پریشان و خاطرش آشفته می گردد و در گرداب دنیا باقی خواهد ماند.(۳)

امام علی علیه السلام در این باره فرمود: «أشکُرُ النّاسِ أقنَعُهُم و أکفَرُهم لِلنِّعَمِ أجشَعُهُم؛ شاکرترین مردم، قانع ترین آنهاست و ناسپاس ترین آنان از نعمت ها، آزمندترین آنها.»(۴) قناعت در امور مالی و فعالیت های اقتصادی، از اهمیت خاصی برخوردار است و در روند کار و زندگی انسان تأثیر بسزایی دارد. اگر انسان با روحیه قناعت زندگی کند، به عزت دست می یابد و عمر بابرکتی خواهد داشت. امام

۱- منتخب میزان الحکمه، ص۴۳۴، واژه «قناعت».

۲- همان.

۳- جامع السعادات، ج۲، ص۱۰۰.

۴- منتخب میزان الحکمه، ص۴۳۴، واژه «قناعت».

علی علیه السلام می فرماید: «لاکَنزَ أغنی من القَناعهِ؛ هیچ توانگری، بی نیازکننده تر از قناعت نیست.»(۱) در مقابل، اگر قناعت نباشـد، هرچه انسـان ذخیره کنـد، فایـده نـدارد. امـام علی علیه السـلام در این بـاره فرموده است: «من لم یقنعه الیسـیر، لم ینفعه الکثیر؛ کسی که اندک قانعش نکند، مال زیاد سودش ندهد».(۲)

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «من رضی من الله بالیسیر من المعاش، رضی الله منه بالیسیر من العمل؛ کسی که به معاش (روزی) اندک خدا خرسـند باشد، خداوند به عمل اندک او خرسند شود.»(۳) امام باقر علیه السـلام ، قناعت را نوعی غنا و بی نیـازی می دانـد و می فرمایـد: «من قنع بمـارزقه الله فهو من اغنی النـاس؛ کسـی که به آنچه خداونـد روزی او کرده است، قانع باشد، جزو بی نیازترین هاست».(۴)

بـا این وصف، روحیه قنـاعت، شـاخص مهم تربیتی در زمینه جهاد اقتصادی است و بـدون قناعت پروژه اقتصادی به سامان نمی رسـد. ازاین رو، بر جهـادگران لازم است تـا روحیه قنـاعت را در خود ایجاد و با تمرین و ریاضت آن را در خود تثبیت کننـد. امام صادق علیه السـلام راه تحصیل قناعت را نشان می دهد و می فرماید: «اُنظُر الی من هو دونَک فی الْمِقدَرهِ و لاتنظُر الی من هو فوقَک فی المقـدره، فـأن ذلـک أقنع لـک بمـا قُسِمَ لکَ؛ به ناتوان تر از خودت بنگر و به توانگر از خویش منگر؛ زیرا این کار، تو را به آنچه قسمت تو شده است، قانع می سازد».(۵)

به راستی، اگر انسان این روش را در زندگی خود اجرا کند، در بررسـی ثروت و دارایی، همواره خود را با کسانی که پایین تر از او هستند، مقایسه

ص:۱۴۱

۱- همان

۲- همان.

۳- همان.

۴- بحارالانوار، ج۷۳، ص۱۷۸.

۵- منتخب میزان الحکمه، ص۴۳۴، واژه «قناعت».

کند، از زندگی خویش، راضی است و به آنچه دارد، قانع خواهد بود. این کار، روشی برای کسب روحیه قناعت و اکتفا کردن به قدر تأمین مایحتاج زندگی است. امام صادق علیه السلام با وجود بهره مندی از بیشترین امکانات، با روحیه قناعت به خوراکی های معمول مردم بسنده می کرد. ایشان می فرماید: «فإنّا نَكرهُ أن نأكُلَ جيداً و يأكُلَ النّاسُ رديّاً؛ ناخوشایند است برای ما از نان مرغوب بهره مند باشیم، در حالی که مردم از نان نامرغوب استفاده کنند». (۱)

بهره مندی از روحیه قناعت در تمام مراحل اقتصاد نظیر تولید، توزیع و مصرف، ضروری است و آثار مثبت فراوانی دارد و همه مردم به ویژه فعالان عرصه اقتصاد باید آن را به عنوان نوعی شاخص تربیتی محقق سازند.

۱۳. برقراری تعادل میان لذت های مادی و معنوی

۱۳. برقراری تعادل میان لذت های مادی و معنوی

لذت طلبی به عنوان یکی از غرایز اصلی انسان، با شعبه های متنوع، دایره ای وسیع دارد که بخشی مربوط به جسم و بخشی دیگر مربوط به روح و روان آدمی اند. بخش اول، نیازهای جسمانی انسان را تأمین می کند که از آنها به لذت های مادی تعبیر می شود و بیشتر جنبه بدنی و فیزیکی دارد؛ مانند خوردن، آشامیدن، مسکن، غریزه جنسی و امثال آن. بخش دوم، نیازهای روحی و روانی انسان را برآورده می سازد و معمولاً از آنها به عنوان لذت های معنوی و غیرمادی نام می برند. تفاوتی که میان این دو نوع لذت وجود دارد، این است که لذت های مادی مبتنی بر نیازهای فیزیکی و بدنی است و بر این اساس، برای هر کس قابل درک و احساس است. طبیعی است که با حس نیاز مادی درصدد رفع آن هستند و می خواهند از هر راهی آن نیاز را برطرف سازند. نیازهای روحی و روانی، به آسانی قابل درک و فهم نیستند و شاید برخی انسان ها اصلاً احساس نیاز نکنند و

۱- وسائل الشیعه، ج۱۳، ص ۳۲۱.

ازاین رو، در پی رفع آنها هم نخواهند بود. لذت های روحی که برخاسته از همین نیازهای غیرمادی هستند، روشن و آشکار نیستند و تنها افراد اندکی با احساس نیاز روحی، به لذت معنوی می رسند.(۱)

قرآن کریم، اصل لـذت خواهی انسان را پـذیرفته و در زمینه هـدایت آن سرمایه گـذاری کرده است. تعالیم تربیتی قرآن برای جهت دهی و پرورش صحیح گرایش هـای درونی و طبیعی بشر برنـامه ریزی کرده و در راستای تحقق آن راهکارهایی ارائه داده است. روش کلی قرآن آن است که بهره منـدی از لـذت مادی را همراه با لذت روحی و معنوی قرار داده است. ازاین رو، هم به بهره گیری از نعمت های دنیا دعوت می کنـد و هم به سرمایه گـذاری برای زنـدگی آخرت. خداونـد در این زمینه می فرماید: «وَ ابْتَغِ فِیما آتاکَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَهَ وَ لا تَنْسَ نَصِیبَکَ مِنَ الدُّنْیا؛ و در آنچه خدا به تو داده است، سرای آخرت را بطلب و بهره ات را از دنیا فراموش مکن.» (قصص: ۷۷) همچنین انبیا و اولیای خـدا، همواره حسن دنیا و آخرت را خواسته اند: «رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً؛ پروردگارا! به ما در دنیا (نیکی) عطا کن و در آخرت نیز (نیکی) مرحمت فرما». (بقره: ۲۰۱)

با این حال، قرآن همیشه ارزش را به لـذت معنوی و زنـدگی اخروی می دهـد و انسان را برای آمادگی و بهره برداری از لذت های آخرت تشویق می کنـد؛ چراکه آن لذت ها پایدار و جاویدان است و هرگز دست خوش تغییر و تزلزل نمی شود. خداوند در این زمینه می فرمایـد: «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَیاهَ الدُّنْیا وَ الْآخِرَهُ خَیْرٌ وَ أَبْقی ؛ ولی شما زندگی دنیا را مقدم می دارید، در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است». (اعلی: ۱۶ و ۱۷)

آنچه عاقلانه است و انسان را از نعمت های زندگی دنیا و آخرت بهره مند

۱- نک: اخلاق در قرآن، ج۲.

می سازد، تعادل بین لذت های مادی و معنوی است. مؤمن به خدای متعال و روز قیامت، کسی است که با بهره مندی از نعمت های دنیایی، زندگی اخروی را نیز به خوبی فراهم می کند، چنان که قرآن هم به هر دو جنبه دستور داده و خواسته انبیا هم در طول تاریخ، برخورداری از نیکی های دنیا و آخرت بوده است. برقراری تعادل میان لذت مادی و معنوی به این است که انسان در حد معقول از امکانات موجود، استفاده و به وظایف دینی و اسلامی خویش عمل کند. اسلام، هم فرو رفتن در مادیات را منع کرده و هم دست کشیدن از دنیا را که در اصطلاح فقهی به «رهبانیت» معروف است؛ چراکه هر کدام از این دو روش زندگی، نامتعادل و قرین افراط و تفریط است و آنچه راه درست معرفی شده، رعایت اعتدال است. ازاین رو، برقراری تعادل میان لذت های مادی و معنوی، مطلوب است و به عنوان شاخص تربیتی جهاد اقتصادی باید در نظر گرفت. اگر این شاخص در جهادگران اقتصادی نهادینه شود، از آسیب های لذت گرایی مادی و بی حالی و تنبلی در فعالیت اقتصادی مصون خواهند بود؛ چراکه رشد اقتصاد به ایجاد تعادل در گفتار، رفتار و انگیزش و همه عملکردهای فردی و اجتماعی وابسته است.

۱۴. برقراری روابط عاطفی با بستگان

۱۴. برقراری روابط عاطفی با بستگان

بستگان به عنوان بخشی از جامعه بزرگ به کسانی گفته می شود که رابطه نسبی یا سببی با انسان دارند؛ مانند برادران، خواهران، عمو، دایی، عمه و خاله و فرزندان آنان. این گروه به دلیل خویشاوندی با انسان، حق بسیاری بر گردن او دارند و باید حق و حقوق آنها را ادا کرد. صله رحم از جمله فضیلت های اخلاقی است که اسلام بر آن تأکید کرده و در ارتباط با بستگان قابل اجراست. ملااحمد نراقی بر این باور است که «صله رحم به اتفاق

علمای شیعه، واجب و قطع آن، حرام است.»(۱) به نظر ایشان، ارحامی که صله آنها واجب است، به بستگان نزدیک اختصاص ندارد، بلکه شامل هر کسی است که نسبتی با انسان داشته باشد، ولو نسبت دور و همین که منسوب به او بود، کافی است و باید صله رحم شود.

قرآن کریم نیز به ادای حقوق نزدیکان توجه کرده و دستور داده است که باید آن را ادا کرد. خداوند در این باره می فرماید: «وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ ؛ و حق نزدیکان را بپرداز.» (اسراء: ۲۶) همچنین در جای دیگر، پرداخت حق بستگان را در ردیف عدل و احسان قرار می دهد و می فرماید: «وَ إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِیتاءِ ذِی الْقُرْبی ؛ خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد.» (نحل: ۹۰) خداوند درباره صله رحم هم می فرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ إِنَّ اللَّهَ کانَ عَلَیْکُمْ رَقِیباً؛ و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می خواهید، نام او را می برید (و نیز) (از قطع رابطه با) خویشاوندان خود، پرهیز کنید؛ زیرا خداوند، مراقب شماست». (نساء: ۱)

بنابراین، برقراری روابط حسنه و پرداخت حقوق بستگان، مورد تأکید قرآن است و هر مسلمانی باید به آن توجه کند و به ادای حق نزدیکان خویش اهتمام ورزد. صله رحم و پیوند با ذوی القربی در گفتار و سیره عملی معصومین علیهم السلام جایگاه خاصی دارد و آن بزرگواران قبل از هر کس، خود بر این دستور الهی تأکید داشته و به آن عمل کرده اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «صِلوا أرحامَکُم ولو بالسَّلامِ؛ صله رحم کنید، گرچه با یک سلام.»(۲) همچنین آن حضرت فرمود: «لاتقطَع رحِمَک و إن قطعَک؛ از خویشاوند خود مبُر، گرچه او از تو

۱- ملااحمد نراقی، معراج السعاده، ص۴۲۳.

۲- منتخب میزان الحکمه، ص۲۱۴، واژه «رحم».

ببرد.»(۱) ایشـان در جای دیگری فرمود: «وَصِّلُوا الَّذی بینَکم و بینَهُ قرابهٌ بکَثرَه ذِکرِکُم إیاهُ؛ به خویشان نیکی کنیـد با بسـیار یاد کردن آنان.»(۲) امـام علی علیه السـلام نیز فرمود: «إذا قطعوا الارحـامَ جُعلت الامـوال فی ایـدی الاشـرار؛ هرگاه مردم قطع رحم کنند، ثروت ها در دست تبه کاران قرار گیرد».(۳)

از این روایـات، نکـاتی به دست می آیـد که توجه به آنهـا برای همگان به ویژه جهادگران اقتصادی ضـروری است؛ اول اینکه صله رحم، واجب است و بایـد به آن اهتمـام داشت. دوم، نبایـد صـله رحم را قطع کرد، ولو طرف مقابل قطع رحم کنـد؛ سوم، صله رحم لازم نیست هزینه بر باشـد، بلکه بـا سـلام دادن و احوال پرسـی می توان آن را انجام داد؛ چهارم، اگر به این دسـتور الهی عمل نشود، از قوم و طایفه، برکت از بین می برد و مال و ثروت در اختیار تبه کاران قرار می گیرد.

شاید به دلیل اهمیت صـله رحم است که قرآن کریم، نخستین فرمانی که به پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله می دهد، ارتباط با خویشاونـدان و دعوت از آنها به توحیـد و خـداپرستی است. در این زمینه خداونـد به پیامبر فرمود: «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ؛ خویشاونـدان نزدیکت را انذار کن و از شـرک و مخالفت فرمان پروردگار بترسان.» (شـعرا: ۲۱۴) طبق این دسـتور، رسول خدا صلی الله علیه و آله بستگان خود را گرد آورد و ضـمن پـذیرایی و برقراری رابطه عاطفی با آنها، آنان را به خداپرستی دعوت کرد. این جریان در سال سوم بعثت روی داد. بعضـی گفته انـد دعوت شـدگان، چهل نفر بودنـد که حضـرت، آنها را در خانه ابوطالب دعوت کرد. ابوطالب، حمزه و ابولهب و فرزندان ایشان، همگی در جلسه حضور

ص:۱۴۶

۱- همان.

۲- نهج الفصاحه، ص۳۹۴.

۳- منتخب میزان الحکمه، ص۲۱۵، واژه «رحم».

داشتند. پیامبر بعد از صرف غذا، پیام خدا را به خویشاوندان ابلاغ کرد و وظیفه خود را نسبت به دعوت نزدیکان انجام داد، اما جز علی بن ابی طالب علیه السلام ، کسی به آن حضرت جواب مثبت نداد.(۱)

در چگونگی رفتار امام علی علیه السلام با برادرش عقیل نیز آمده است که آن حضرت احترام خاصی به عقیل قایل بود و هرگاه بر ایشان وارد می شد، به خوبی از وی استقبال و پذیرایی می کرد. روزی عقیل بر امام علی علیه السلام وارد شد. آن حضرت احترام بسیاری به برادرش گذاشت و او را به خوبی تکریم کرد. امام علی علیه السلام به فرزندش، امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: عمویت را بپوشان. امام حسن مجتبی علیه السلام به دستور پدر، یک دست لباس همراه با ردایی به عقیل داد و هنگام شام، غذا آورد و از او پذیرایی کرد. طبق این نقل، امام علی علیه السلام از برادر و امام حسن علیه السلام از عمویش، عقیل پذیرایی کردند و به او احترام گذاشتند.(۲)

برخی تاریخ نگاران نوشته اند که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود. ناگهان پدر رضاعی اش آمد. حضرت گوشه ای از لباسش را زیر پای او انداخت و وی را روی آن نشاند. در آن حال، مادر رضاعی پیامبر نیز به سوی آنها آمد و گوشه دیگر لباس را برای او فرش کرد و نشست. سپس برادر رضاعی پیامبر آمد و حضرت ایستاد و او را روبه رویش نشاند.(۳) همچنین هرجا پیامبر، قوم و فامیلش را می دید، از آنها به گرمی استقبال و تکریم می کرد. ایشان میان بستگان فرق نمی گذاشت و برای کوچک و بزرگ، زن و مرد و هر کسی که با آن حضرت ارتباط داشتند، احترام خاصی قایل بود.

۱- نک: تفسیر نمونه، ج۱۵، ص۳۷۱ ؛ جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج۱، ص۲۵۴.

۲- «قدم علیه العقیل، فقال للحسن۷: اکس عمک، فکساه قمیصان من قمیصه و رداء من اردیته، فلما حضر العشاء فاذا هو خبز و ملح». (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج۲، ص۱۰۹)

۳- محمد ابوزهره، خاتم النبیین، ج۱، ص۲۷۱.

ابوجعفر خثعمی می گوید:

امام صادق علیه السلام کیسه پولی به من داد و فرمود: کیسه را به مردی (شخص معین) از بنی هاشم بده و به او نگو که من چیزی به تو داده ا م. من پول را به آن مرد دادم. گفت: خدا به او [صاحب پول] جزای خیر دهد که همواره هزینه زندگی ام را تأمین می کند.(۱)

برقراری روابط عاطفی با بستگان، با نام صله رحم، در امور مالی و مسائل اقتصادی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا دستگیری از نیازمندان قوم و فامیل و تأمین نیازهای مالی آنان، افزون بر اینکه نزد خدا، ثواب و پاداش بسیاری دارد، بر رزق و روزی و پول و ثروت انسان نیز می افزاید. امام باقر علیه السلام فرمود: «صلهُ الارحامِ تُزَکِّی الاعمالَ و تُنمِی الاموالَ و تَدفَعُ البَلوی و تُیَسِّرُ الحسابَ و تُنسِیئُ فی الاجلِ؛ صله رحم، خلق و خوی را نیکو، دست را بخشنده، جان را پاکیزه، روزی را زیاد می کند و اجل را به تأخیر می اندازد.»(۲) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم درباره آثار صله رحم می فرماید: «صله الرَّحِمِ تَزیدُ فی العُمرِ و تَدفَعُ میتهَ السُّوءِ؛ صله رحم، عمر آدمی را زیاد و مرگ بد را دور می کند».(۳)

بر این اساس، ارتباط عاطفی با بستگان، هم از نظر دینی، عمل به وظیفه خدایی است و هم از نظر اقتصادی، سودمند. در تولید، توزیع و مصرف، زمینه صله رحم و برقراری رابطه عاطفی با بستگان فراهم است. اگر در میان خویشاوندان، کسانی مستحق شرعی باشند، با دادن حقوق واجب مالی، می توان به آنها مدد رساند که هم حق واجب پرداخت و هم صله رحم شود. اگر مستحقی نباشد، با ارسال مختصر کادویی می توان صله رحم کرد یا به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله ، با سلام دادن به این وظیفه دینی و اسلامی عمل کرد.

ص:۱۴۸

۱- بحارالانوار، ج۴۷، ص۲۳.

۲- منتخب میزان الحکمه، ص۲۱۴، واژه «رحم».

۳- نهج الفصاحه، ص۳۹۴.

به هر صورت، از منظر قرآن و حدیث و سیره معصومین علیهم السلام ، ارتباط عاطفی با عموم دوستان و آشنایان به ویژه بستگان، شاخصی تربیتی است و باید جهادگران حوزه اقتصاد، این شاخص را در خود نهادینه کنند.

در مجموع بخش عاطفی و گرایشی، با تعیین هفت شاخص تربیتی برای جهاد اقتصادی، به پرسش مربوط به این بخش پاسخ داد و آن شاخص ها را به علاقه مندان معرفی کرد. پرسش این بود که جهاد اقتصادی، از نظر عاطفی و گرایشی، دارای کدام شاخص هاست؟ بر اساس مطالب یادشده، چهارده شاخص در حوزه گرایشی وجود دارد و وجه اشتراک آنها در نهایت به بعد عاطفی می رسد که دست اندرکاران جهاد اقتصادی باید در فعالیت اقتصادی خود انگیزه الهی، عزت نفس، قناعت، امید، روحیه دعا و توسل و انس با قرآن داشته باشند و با بستگان و نزدیکان رابطه عاطفی و میان لذت های مادی و معنوی، تعادل برقرار کنند.

فصل چهارم: شاخص های تربیتی در حیطه کنشی و رفتاری

اشاره

ص:۱۴۹

فصل چهارم: شاخص های تربیتی در حیطه کنشی و رفتاری

رفتار، برآیند اندیشه و گرایش درونی است که در میدان عمل و برخورد با دیگران، ظهور پیدا می کند و مهم ترین حیطه وجودی انسان شمرده می شود. به عبارت دیگر، رفتار، بازتاب افکار و تمایلات قلبی است. اگر اندیشه درست شکل گرفت، گرایش نیز درست است و به تبع آن دو، رفتار هم مناسب خواهد بود. پس از شاخص های تربیتی حوزه شناختی و عاطفی در امور اقتصادی، در این بخش از نوشتار، به بررسی شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی در حیطه رفتاری می پردازیم تا جهادگران در عرصه تولید، توزیع و مصرف، به این شاخص ها توجه کنند و آنها را به دست آورند.

۱. اخلاق مداری

۱. اخلاق مداری

اخلاق محوری، نخستین شاخصی است که به نظر می رسد توجه به آن در اقتصاد اسلامی لازم است. ازاین رو، انتظار می رود در همه فرآیند اقتصاد رعایت شود؛ چراکه اخلاق ضامن اجرای قوانین و مقررات

ص:۱۵۰

اقتصادی است و از درون انسان را وادار به رعایت قانون می کنـد. اگر این عامل درونی نباشـد، عوامل بیرونی چندان اثربخش نخواهد بود. عالمان اخلاق، در تعریف واژه «اخلاق» می گویند: «خُلق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می کند، بی آنکه نیاز به فکر و اندیشه داشته باشد».(۱)

فیض کاشانی نیز می گوید:

خُلق عبارت است از هیئت خاصی که در ما رسوخ می کند و به کمک آن، افعالی را به آسانی انجام می دهیم و نیاز به اندیشه و فکر نـداریم. هرگـاه هیئت مـذکور به طوری ظهور کنـد که افعـال پسـندیده از ما صادر شود، چنان که مورد رضایت عقل و شرع باشد، آن را خوی نیک گویند و اگر به گونه ای باشد که منشأ اعمال بد گردد، خوی زشت نامند.(۲)

بنابراین، اخلاق نزد عالمان علم اخلاق، به معنای صـفت یا ملکه ای در نفس انسان است که منشأ صدور افعال خیر و شر از وی می شود، بـدون تفکر و تدبر.(۳) بر این اسـاس، اخلاق عبارت از مجموعه خصـلت های روحی و نفسانی انسان است که منشـأ رفتار و کردار ظاهری او می شوند. این ملکه و صـفت، اگر در آدمی پدید آید و در دل او استقرار یابد، یقیناً مانع انحراف وی از صـراط مسـتقیم و جاده حق می شود؛ چراکه خلق و خوی و صفات باطنی، شکل دهنده اصلی رفتارهای بیرونی انسان هستند و هرچه می دانـد و به آن میل درونی دارد، به آن عمل می کند. ازاین رو، در قرآن از اخلاق کریمه رسول خدا صـلی الله علیه و آله تمجیـد به عمل آمده است و خداوند خطاب به آن حضـرت می فرماید: «وَ إِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظِیمٍ؛ و تو (ای پیامبر) دارای اخلاق عظیم و بزرگ

۱- احمد بن مسکویه، تهذیب الاخلاق، ص۳۶.

۲- ملا محسن فیض کاشانی، اخلاق حسنه، ترجمه: محمدباقر ساعدی، ص۹.

۳- ابراهیم انیس و دیگران، المعجم الوسیط، واژه «خلق».

هستی». (قلم: ۴)

اخلاق و ملکات فاضله نفسانی، آدمی را در همه شئون زندگی از آسیب ها نگه می دارد و او را در رسیدن به هدف نهایی که تقرب به خداست، یاری می رساند. در امور اقتصادی، به دلیل آسیب زا بودن مال و ثروت، تضمین اخلاقی ضرورت بیشتری دارد. اگر جهادگران اقتصادی، پشتوانه قوی اخلاقی نداشته باشند، در بسیاری از تنگناها و گذرگاه های مالی ممکن است دچار خطا و لغزش شوند. اینجاست که قرآن همواره آدمیان را به مراقبت نفسانی دعوت می کند. خداوند در این زمینه می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، به خودتان بپردازید و مراقب خود باشید.» (مائده: ۱۰۵) خداوند در جای دیگری، رستگاری را فقط مرهون تزکیه نفس می داند و می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَکَّاها؛ هر کس که نفس را پیراست، قطعاً رستگار شد». (شمس: ۹)

فلاح به معنای رسیدن به مطلوب و مقصود دنیوی و اخروی است و این زمانی است که زندگی دنیوی و اخروی، سرشار از لذت، سعادت و خوشی بدون رنج و درد باشد. چنین چیزی تنها با تزکیه نفس قابل دست یابی است، همان گونه که این معنا از کلمه «زکّا»، استفاده می شود؛ چراکه تزکیه به دو معنا به کار می رود؛ پاک و پیراسته ساختن و رشد و پرورش دادن. هر دو معنا یعنی زدودن رذایل و پرورش دادن فضایل اخلاقی در نفس نیز در تحصیل اخلاق اسلامی لازم است.(۱)

اخلاق مداری و اخلاق محوری به معنای تلاش در زدودن رذایل و شکوفاسازی فضیلت های اخلاقی در خود، شاخص مهم تربیتی در امور

ص:۱۵۲

۱- مفردات راغب، ص۳۸۵.

اقتصـادی است. در تولیـد کالا بایـد نسـبت به همکاران و کارگران نهایت احترام، تکریم و نیک رفتاری را از خود نشان داد تا هم کار و فعالیت اقتصادی در امر تولید از نظر کمّی و کیفی رشد و هم اخلاق اسـلامی را رعایت کند؛ چراکه در صورت نزاع و اختلاف که ناشـی از رعایت نکردن ارزش های اخلاقی است، روند تولید دچار مشـکل می شود. همچنین در حوزه توزیع و مهم تر از همه در زمینه مصـرف باید محور امور اخلاق و عمل به ارزش های اخلاقی باشد تا هیچ گونه ظلم و اجحافی نسـبت به دیگران وارد نشود. این مطلب حاصـل نمی شود، مگر بـا اخلاـق مـداری در همه فرآینـد اقتصـاد و جهاد اقتصادی. بنابراین، اخلاق مداری در حیطه کنشی و رفتاری جهاد اقتصادی از شاخص های مهم در همه حوزه های کاری است.

۲. تقوای مالی

۲. تقوای مالی

واژه «تقوا» از ریشه «وقایه» گرفته شده و به معنای نگه داشتن، صیانت نفس، خویشتن داری، اطاعت اوامر و نواهی الهی، دوری از گناه و نافرمانی خدا آمده است.(۱) کلمه «ورع» و «تزکیه» نیز در آیات و روایات به همین معنا به کار رفته اند. منظور از تقوا در فرهنـگ دینی و اسـلامی، یعنی پرهیزکـاری و ترس از خـدای متعال که دو جنبه مثبت و منفی دارد، یعنی انجام دسـتورها و ترک منهیات الهی.

خواجه نصـیرالدین طوسـی می گوید: «حقیقت تقوا مرکب از سه چیز است: یکی، خوف و دیگری، تحاشی از معاصی و سوم، طلب قربت.»(۲)

ص:۱۵۳

۱- محمدحسین رحیمیان و محمدتقی رهبر، آیین تزکیه، ص۲۰۱.

۲- خواجه نصیرالدین طوسی، اوصاف الاشراف، تصحیح: نجیب مایل هروی، ص۴۰.

تقوا دارای ابعـاد مختلفی است و همه شـئون زنـدگی آدمی را فرا می گیرد؛ یعنی در گفتار، رفتار و انـدیشه و به طور کلی، هر نوع فعالیت علمی و عملی کاربرد دارد. انسان متقی، حداقل در سه حوزه اصـلی یعنی بینش، گرایش و کنش باید ملکه تقوا را در خود داشـته باشـد. بـدین معنا که فکر و میل و کردارش حساب شـده و تحت کنترل باشـد و نبایـد بر خلاف خـدا و کسـب رضای او بیندیشد و به چیزی دل ببندد یا کاری انجام دهد. در حیطه رفتار باید تقوای مالی را به صورت دقیق در زندگی خود تجلی بخشـد و هیـچ خطـا و اشـتباهی در تصـرفات مـالی نداشـته باشـد. ایـن امر برای عمـوم مردم به ویژه کسـانی که در امـور اقتصادی دستی دارند، ضرورت بیشتری دارد.

اهمیت رعـایت تقوا در حوزه اقتصـاد از حوزه هـای دیگر بیشتر است؛ زیرا آسـیب هـای مـالی و اقتصادی افراد در این حوزه به علت جـذابیت و زرق و برق مادیـات و نیز وسوسه هـای شـیطان از هر جـای دیگری، زیادتر و میزان انحراف مردم بالاتر است؛ چراکه شـیطان به وسیله پول و ثروت، مردم را فریب می دهد و از صراط مستقیم خارج می سازد. قرآن، یکی از راه های فریب شیطـان را تزیین کرده و آرایش زنـدگی دنیا و مادیات بر شـمرده است که از این طریق، بسـیاری از مردم را منحرف می کنـد: «زُیِّنَ لِلَّذِینَ کَفَرُوا الْحَیـاهُ الـدُّنْیا؛ زنـدگی دنیـا برای کافران زینت داده شـده است.» (بقره: ۲۱۲) طبرسـی در تفسـیر این آیه می گویـد: «شـیطان، زنـدگی دنیـا را در نظر کـافران زینت می دهـد تـا آنهـا را سـرگرم کنـد و از درک حقیقت و راه درست بـاز دارد».(۱)

تقریباً تقوای مالی در متون دینی، برابر با زهد و پارسایی به کار می رود.

ص:۱۵۴

۱- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص۵۴۱.

زهد به معنای درست آن، یعنی بی اعتنایی به مال دنیا، همراه با بهره مندی مناسب از آن، یکی از صفات برجسته اسلامی است که عامل رشـد معنوی انسان است؛ چراکه به فرموده امام صادق علیه السـلام ، زهـد، کلیـد همه خوبی هاست: «جُعِلَ الْخَیْرُ کُلُّهُ فِی بَیْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدَ فِی الدُّنْیا؛ همه خوبی ها را در خانه ای نهاده و پارسایی در دنیا را کلید آن قرار داده اند».(۱)

علامه طباطبایی در راه تحصیل تقوا می گوید:

برای تحصیل تقوا بایـد توجه داشت که تقوای دینی تنها با ایمان به خـدا و تصدیق به حقانیت دین و عمل به یک یک احکام دین به دست می آید. بر هر کسـی که بخواهد برای آخرت خود توشه تقوا فراهم کند، واجب است ایمان به خدا آورد و عمل صالح انجام دهد.(۲)

بنـابراین، تقوای مـالی که همـان زهـد اسـلامی است، از شـاخص هـای مهم جهـاد اقتصـادی است و در انـدیشه، گفتار و رفتار جهادگران صـحنه اقتصاد باید به ظهور برسد. در این صورت، هم از آسـیب های اقتصادی کاسـته می شود و هم تولید و توزیع رونق پیدا می کند.

۳. عدالت محوری

۳. عدالت محوری

واژه «عَدْل»، مصدر و از ریشه «عَدَلَ»، ضد ظلم و جور است.(۳) در اصل به معنای حدِّ وسط و میانه دو چیز بودن، بدون افراط و تفریط آمـده است که این مفهوم در موارد مختلف، به تناسب مصادیق، متفاوت خواهد بود. در موردی، اعتدال و میانه روی، در جایی، مساوات و برابری و در مصداقی،

۱- اصول کافی، ج۲، ص۱۲۸.
۲- تفسیر المیزان، ج۶، ص ۱۹۰.
۳- المفردات فی غریب القرآن، ص۵۵۱.

قسط، استقامت و استوا، با در نظر گرفتن خصوصیت مقام متناسب خواهد بود.(۱) عدالت، اسم مصدر است و به آنچه از رفتارهای عادلانه حاصل شود، گفته می شود. در مقام حکم و داوری، قضاوت به حق را عدل گویند و به داور به عدالت، حاکم عادل گفته می شود؛ یعنی کسی که رفتار عادلانه دارد، به ناحق حکم نمی کند و به کسی ظلم روا نمی دارد.(۲) عدل به همین معنا در قرآن کریم به کار رفته است. خداوند در باب شهادت می فرماید: «وَ أَشْهِدُوا ذَوَیْ عَدْلٍ مِنْکُمْ ؛ و دو مرد عادل از خودتان را گواه گیرید». (طلاق: ۲)

عدالت در زبان عالمان اخلاق، صفتی از شئون قوّه عامله و از ملکات نفسانی است که قائم به نفس انسان است؛ چراکه از این نظر، نفس ناطقه دارای قوای ادراکی و عملی است و هر کدام از این دو قوا شامل چند قوه دیگرند. قوای انسانی که در صفات اخلاقی نقش دارند، به چهار قوه تقسیم می شوند: عاقله، عامله، غضبیه و شهویه. عدالت عبارت از انقیاد عقل عملی از عقل نظری در همه امور و تصرفات رفتاری است.(۳) چون تبعیت قوه عامله از قوه عاقله، مستلزم سلطه عقل عملی بر قوای دیگر، مانند غضب و شهوت و کنترل آنهاست، در این صورت، تعادل قوای نفسانی حفظ می شود و در مقام عمل، هیچ گونه انحرافی پیش نمی آید.(۴) ملا احمد نراقی می گوید:

عدالت ملکه ای است حاصل در نفس انسان که به سبب آن، بر تعدیل جمیع صفات و افعال و نگه داشتن در حدّ وسط و رفع مخالفت و نزاع

۱- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص۵۳.

۲- لسان العرب، ج ۱۱، ص۴۳۱.

۳- جامع السعادات، ج۱، ص۵۰؛ معراج السعاده، ص۵۱.

۴- معراج السعاده، ص۵۲.

فی مابین قوای مخالفه انسانیه قادر می شود، به نحوی که اتحاد و مناسبت و یگانگی و الفت میان همه قوا حاصل شود.(۱)

منظور از عدالت محوری آن است که انسان در همه فضاهای زندگی به ویژه در ارتباط با دیگران، رفتار عادلانه و به دور از افراط و تفریط داشته باشد و بر کسی ظلم و اجحاف روا ندارد. عدالت به این معنا، حوزه های مختلفی را دربرمی گیرد و مهم ترین آنها، عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی، یعنی رعایت حقوق افراد و دادن حق به صاحب حق، بدون تصرف و کاستی. اگر حقوق افراد و گروه ها در جامعه رعایت شود، بدون شک، عدالت اجتماعی برقرار خواهد شد.(۲) شاید این مفهوم از عدالت، برداشتی از کلام امام علی علیه السلام است که فرمود: «العدلُ وضعُ الامورِ مواضعها؛ عدالت هر چیزی را در جای خود می نهد».(۳)

بنابراین، عدالت اجتماعی، ارتباط نزدیکی با حقوق اسلامی دارد و در صورتی، عدالت واقعی تحقق می یابد که هر ذی حقی به حق خود برسد و هیچ حقی در جامعه پای مال نشود. عدالت اقتصادی، در حوزه عدالت اجتماعی قرار دارد و مصداق مهم آن است؛ چراکه عدالت اجتماعی بدون تحقق عدالت اقتصادی، دست یافتنی نیست. نمی توان در جامعه ای که از نظر اقتصادی به مردم ستم می شود و حق و حقوق آنها رعایت نمی شود و قشر محروم و آسیب پذیر به حقوق مالی خود نمی رسد، انتظار داشت که عدالت اجتماعی اجرا شود؛ چون ظلم و بی عدالتی، بیشتر در امور اقتصادی صورت می گیرد. اگر از نهاد خانواده تا نهاد اجرایی و دولت و حکومت، به هر

۱- جامع السعادات، ج ۱، ص ۵۵؛ معراج السعاده، ص ۵۲.

۲- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ص ۸۰.

۳- سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، حکمت ۴۳۷.

حوزه ای نگاه کنیم، بیشتر تخلفات و نابرابری ها در امور مالی مشاهده می شود. شوهر به حق و حقوق همسر نمی رسد؛ صاحب کار، حقوق مالی کارگران را به خوبی نمی پردازد؛ نهادهای دولتی و خصوصی، به حقوق شهروندان و افراد تابعه توجه ندارند. همه این موارد، نمونه هایی از بی عدالتی در امور اقتصادی است و اگر این موردها اصلاح شود، عدالت اجتماعی در جامعه محقق خواهد شد.

نظر به تأثیر عدالت و نقش آن در رفتار اقتصادی در مرحله تولید، توزیع و مصرف، عدالت محوری در فرآیند اقتصاد از شاخص های مهم تربیتی است؛ چراکه بدون روحیه عدالت و رفتار عادلانه، فرآیند اقتصاد و جهاد اقتصادی به سامان نمی رسد. در تولید باید براساس عدالت، رفتار و منابع طبیعی و مواد اولیه را به صورت عادلانه، میان کارخانه های تولیدی تقسیم کرد تا همه به امر تولید بپردازند. در مرحله توزیع نیز باید عدالت محور بود و هرجا نیاز بود، کالاها و خدمات و فرآوردهای تولیدی را برسانند و وارد بازار مصرف کنند، بدون واسطه گرایی و سودجویی. همچنین در حوزه مصرف، هر کس که به نوعی در تأمین نیازهای افراد تحت تکفل خود نقش دارد، بکوشد تا مشکلی برای آنان به وجود نیاید. به هر حال، عدالت محوری در مسائل اقتصادی، دامنه وسیعی دارد و همه عرصه های زندگی اعم از فردی، خانوادگی و اجتماعی را دربرمی گیرد.

عدالت در سطح کلان جامعه، بیشتر ناظر به حاکمان و سیاست مداران نظام سیاسی و حکومتی است که باید در اجتماع اجرا کنند؛ چون ایجاد ساختار اقتصادی عدالت محور در کشور، از عهده فرد یا افراد خاصی خارج است و تنها از نیروهای اجرایی رده بالای جامعه برمی آید. چنان که امام

خمینی رحمه الله در سخنانی همه مسئولان کشور را به اجرای عدالت اقتصادی در جامعه موظف می داند و می فرماید:

همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیان نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابرهنه ها، بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکنین و مرفهین، و در کنار مستمندان و پابرهنه ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است.(۱)

با محرومان بودن، یعنی توجه به نیازمندی های آنها و تأمین احتیاج های ایشان و این کار تنها با ایجاد فضای عادلانه به ویژه از نظر اقتصادی امکان پذیر خواهد بود. بنابراین، از هر جهت مطالعه کنیم و به موضوع عدالت در امور اقتصادی بنگریم، عدالت مداری در نظام اقتصادی از منظر اسلام و قرآن، شاخصی تربیتی است و باید مردم به ویژه جهادگران صحنه اقتصاد، بر اساس عدالت اسلامی رفتار کنند تا بتوانند به رشد مادی و معنوی دست یابند. اگر این گونه رفتار کنند، مشکلات اقتصادی، یکی پس از دیگری، برطرف و عدالت و فراوانی در جامعه برقرار خواهد شد.

۴. اعتدال و میانه روی

۴. اعتدال و میانه روی

اعتدال و میانه روی، نزدیک به مفهوم عدالت و عدالت محوری است و در حقیقت، هر دو از یک ریشه هستند، ولی به علت تفاوت چشم گیری که در بحث شاخص های تربیتی دارند، به صورت مستقل ارائه می شود. تفاوت عدالت و اعتدال در این است که عدالت همان گونه که بیان شد، بیشتر جنبه اجتماعی دارد و در قالب عدالت اجتماعی تبیین شد، ولی اعتدال در امور

۱- رسول سعادتمند، درس هایی از امام (عدالت خواهی)، صص ۵۹ و ۶۰.

اقتصادی، ناظر به رفتار فردی است که ممکن است بر اثر بی توجهی، دچار زیاده روی در مصرف شود. ازاین رو، میانه روی در مصرف، از شاخص های جهاد اقتصادی است و بدون آن هیچ جامعه ای به رشد مطلوب نخواهد رسید؛ زیرا جامعه اسراف کار و تجمل گرا، همیشه مصرف کننده و وابسته به استکبار اقتصادی خواهد بود و به دلیل نداشتن تولید و نوآوری، استقلال هم ندارد. بیشتر کشورهای منطقه، مانند دولت های عربی این گونه هستند و منابع طبیعی خود را می فروشند و کالاهای مصرفی وارد می کنند و به خوش گذرانی می پردازند.

منظور از اعتدال و میانه روی در اقتصاد، همان گونه که از معنای آن پیداست، استفاده بهینه و به اندازه نیاز از امکانات و منابع طبیعی است. این معنا در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف، قابل تطبیق است. در تولید باید از افراط و تفریط دوری کرد، نه بیش از حد نیاز و نه کمتر از آن تولید کرد، بلکه با مطالعات دقیق و نیازسنجی بازار مصرف، به اندازه ای باید تولید کرد که نیاز جامعه را برآورده سازد. اگر در مرحله تولید، اعتدال رعایت شود، تورم و رکود اقتصادی پیش نخواهد آمد. در غیر این صورت، تورم یا رکود اقتصادی اجتناب ناپذیر خواهد بود. همچنین در حوزه توزیع باید اعتدال را رعایت و از کاستی و فزونی در توزیع خودداری کرد تا مشکلی در بازار مصرف ایجاد نشود. گاهی بر اثر توزیع ناعادلانه کالا، بخشی از جامعه دچار کمبود کالا یا با افزایش قیمت روبه رو می شود که این گونه مشکلات، با توزیع معتدل کالاها قابل پیش گیری است. خداوند در قرآن کریم در باب عدالت می فرماید: «إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوی؛ به عدالت رفتار کنید که به پرهیزکاری نزدیک تر است.» (مائده: ۸) این امر به پرهیزکاری، مطلق است و همه فرآیند

ص:۱۶۰

اقتصاد را شامل می شود و همه جا اعتدال و میانه روی باید محور کار و فعالیت اقتصادی باشد.

مهم تر از این دو، رعایت اعتدال در مصرف است که به واکاوی این مقوله می پردازیم. همه مردم، اعم از کوچک و بزرگ، زن و مرد، از هر قوم و نژادی و در هر شغل و حرفه یا سمتی، در مصرف کالا و خدمات شریک هستند و کسی نیست که به صورت شبانه روز از امکانات موجود در جامعه بهره مند نباشد. همچنین همه فرآورده های تولیدی و صنعتی مانند مواد انرژی، از قبیل آب، برق و گاز و امثال آن، شبانه روز در دسترس مردم هست و بدون آنها لحظه ای نمی توان زندگی کرد. اگر مردم در هیچ یک از انرژی های مصرفی زیاده روی نکنند، با کاهش مصرف انرژی و ذخیره سازی آنها، نه تنها به خوبی مصرف داخلی تأمین می شود، بلکه مقدار زیادی از انرژی اضافی، صادر و ارز وارد کشور می شود. برعکس، ممکن است زیاده روی و اسراف در مصرف، کشور را فلج کند و مشکلاتی پدید آورد که به آسانی قابل حل نباشد. بر این اساس، اعتدال در امور اقتصادی از شاخص های مهم تربیتی است و باید مردم به آن پای بند باشند و میزان مصرف خود را بر اساس الگوهای تعیین شده تنظیم کنند.

جالب این است که میزان مصرف و زیاده روی در آن با بیان نمونه های عینی در روایات به روشنی بیان شده است. در این فراز، به مصادیقی از زیاده روی در موردهای مختلف اشاره می کنیم که شبانه روز با آنها سر و کار داریم. زیاده روی در مسکن، یکی از موارد اسراف و خروج از حد اعتدال است که در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن تصریح شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله

می فرمایـد: «کُـلّ بَنـاءٍ فوقَ الکفـایهِ وبالاً علی صـاحِبهِ یومَ القیامهِ؛ هر ساختمانی بیش از انـدازه نیاز، روز قیامت باری بر دوش صاحبش خواهد بود.»(۱) در این روایت ساخت و ساز بیش از مقدار ضـرورت، زیاده روی و اسـراف شمرده شده است. پیامبر در حدیث دیگری، وسـعت مسـکن را سـبب خوش بختی می داند و می فرماید: «مِن سَعَهِ المرءِ أن یتأسَّعَ منزلُه؛ یکی از اسباب سعـادت و خوش بختی انسان، داشـتن منزلی بزرگ است.»(۲) وسـعت مسـکن غیر از زیـاده روی است و اسـراف در منزل، در صورتی است که شخص به ساختمان نیازی ندارد.

در بسـیاری از آیـات و روایـات به زیـاده روی در پوشـاک و لباس از نظر کمیّت و کیفیت اشاره شـده است. خداونـد در قرآن ضمن دسـتور دادن به اسـتفاده از خوراکی ها و آشامیـدنی ها، از زیاده روی در خوردنی و آشامیدنی به شدت نهی می کند و می فرماید: «وَکُلُوا وَ اشْـرَبُوا وَ لا تُسْـرِفُوا إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُسْـرِفِینَ؛ و [از نعمت های الهی] بخورید و بیاشامید، ولی اسـراف نکنید که خداوند، مسرفان را دوست نمی دارد.» (اعراف: ۳۱) امام علی علیه السـلام در قانونی کلی نسبت به بیان مرز زیاده روی در مصـرف می فرمایـد: «کُـلُّ ما زادَ علی الاقتصادِ اسـرافٌ؛ هر آنچه از میانه روی بگـذرد، زیاده روی است.»(۳) امام صادق علیه السلام هم در این باره فرمود: «إعلم أنْ لکُلِّ شیءٍ حداً، فإن جاوزه کان سرفاً؛ بدان که هر چیزی، اندازه ای دارد که اگر از آن بگـذرد، زیاده روی است.»(۴) بنـابراین، هر چیزی که مسـتقیم یـا غیرمسـتقیم از آن اسـتفاده می شـود، از نظر عقلی، شـرعی یا عرفی، دارای حد و اندازه معیّن است و هر گاه از آن حد بگذرد، زیاده روی و حرام

۱- رضی الدین طبرسی، مکارم الاخلاق، ص۱۲۷.

۲- بحارالانوار، ج۷۶، ص۱۴۸.

۳- الگوی مصرف از دیدگاه قرآن و سنت، ص۳۰.

۴- همان.

خواهد بود.

ملا احمد نراقی درباره اعتدال در خوردن می گوید:

هر کس باید بداند اعتدال در خوردن این است که به اندازه بخورد، به نحوی که نه ثقل و سنگینی در معده احساس کند و نه درد گرسنگی، بلکه شکم را از یاد ببرد و از آن متأثر نشود، چون مقصود از خوردن، زنده ماندن و کسب نیرو برای عبادت است. سنگینی طعام، آدمی را کسل می کند و از عبادت باز می دارد و درد گرسنگی نیز دل را مشغول می کند. پس سزاوار است که به حد اعتدال بخورد، به طوری که اثری از خوردن در او نباشد. شایسته است که غرض از طعام خوردن، لذت نباشد، بلکه قوت یافتن برای کاری باشد که برای آن خلق شده، یعنی عبادت و پرستش خدای متعال یا هر کاری که موجب رضایت او باشد. از انواع طعام، به نان خالی، گاه از گندم و گاه از جو بسنده کند و اگر نان و خورش خواهد، به یک خورش اکتفا نماید.(۱)

امام صادق علیه السلام ، زیاده روی در خوردن را گناه می داند و می فرماید: «إنَّ اللهَ یبغِضُ کثرةَ الاکلِ؛ خداوند، پرخوری را دشمن می دارد.»(۲) آن حضرت در سخن دیگری می فرماید که اگر چیزی از خوراکی زیاد آمد، چرا به فقرا نمی دهید: «سبحان الله إن کنتم إستغنیتم، فإنَّ ناساً لم یستغنوا، اطعموه من یحتاج الیه؛ پاک و منزه است خداوند؛ اگر شما به آنها نیازی ندارید [با این گونه مصرف کردن، نعمت الهی را از بین نبرید]. برخی مردم محتاجند، آنها را جهت استفاده به کسانی بدهند که نیازمندند».(۳)

به هر صورت، بحث زیاده روی در مصرف، بحثی وسیع است و

۱- جامع السعادات، ج۲، ص۱۷.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۶، ص۴۹۸.

۳- همان، ج۱۶، ص۶۰۰، به نقل از: شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، ص۳۵۶.

همان گونه که در روایات نیز به آن تصریح شده، شامل همه شئون زندگی می شود و فراتر از اعتدال، در هر چیزی، مصداق اسراف و زیاده طلبی خواهد بود. بر این اساس، اعتدال و میانه روی در بهره برداری از امکانات و هر امری مورد نظر در زندگی، شاخص تربیتی به شمار می آید و باید دقت لازم کرد تا به دام اسراف نیفتاد. به ویژه جهادگران عرصه اقتصاد باید به این امر توجه کنند و آن را سرلوحه رفتار اقتصادی خویش قرار دهند.

۵. ساده زیستی

۵. ساده زیستی

از دیگر شاخص های تربیتی در امور اقتصادی، ساده زیستی و دوری از تجمل گرایی است که شیوه بزرگان دین بوده و هست. ساده زیستی، مفهومی فارسی، در مقابل تجمل گرایی به معنای زندگی ساده و بی آلایش و پیراسته از زرق و برق زیاد و اسباب و لوازم غیرضروری است. ساده زیستی چیزی خاص تر از اعتدال و میانه روی است و حتی انسان های بزرگ و پیشرو مردم، از سطح متوسط جامعه نیز پایین تر زندگی می کنند. بدین معنا که در عین بهره مند بودن از امکانات رفاهی و اسباب زینت و زیبایی، به کمتر از حد معمول جامعه بسنده می کنند. چنان که این مطلب در زندگی شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و دیگر امامان معصوم علیهم السلام و حتی پیروان آنها، مانند امام خمینی رحمه الله و بسیاری از بزرگان دین، به خوبی مشاهده می شود و رفتار آن بزرگواران در این زمینه، الگویی برای ادامه دهندگان مسیر آنان است.

امام صادق علیه السلام درباره ساده زیستی می فرماید: «المؤمنُ حَسَنُ المعُونهِ، خَفِیفُ المؤُنهِ، جَیِّدُ التَّدبیرِ لمّعِیشَتِهِ؛ مؤمن، یاری گری شایسته و کم خرج است و گذرانِ زندگی اش را خوب تدبیر می کند.»(۱) زندگی ساده و کم هزینه، با زرق و برق دنیا

ص:۱۶۴

۱- الگوی مصرف از دیدگاه قرآن و سنت، ص۲۷.

سازگاری ندارد و به فرموده امام صادق علیه السلام ، زندگی بی آلایش، شایسته اهل ایمان است؛ چراکه مؤمن با وجود اینکه از نعمت های الهی بهره مند است، کم خرج و سبک هزینه است و نگرش نعمت گرایانه به امکانات دارد و به خود اجازه نمی دهد تضییع نعمت کند. چنان که سیره علی علیه السلام و زهرا علیها السلام ، نمونه عینی ساده زیستی ائمه اطهار علیهم السلام را به ما نشان می دهد. حضرت زهرا علیها السلام با آن مقام و عظمتی که نزد خدا و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله داشت، همانند بانویی عادی، در سطح متوسط و حتی پایین تر از آن، همگام با فقرای مدینه زندگی می کرد. او نه تنها از انجام کارهای منزل شانه خالی نمی کرد، بلکه به عنوان زنی خانه دار، نقش های خانه داری، همسرداری و مادری را به خوبی ایفا می کرد. امام علی علیه السلام می فرماید:

آن قدر با مِشک آب کشید تا آنکه در سینه اش اثر گذاشت. آن قدر خانه را رفت ورو کرد تا آنکه پیراهنش غبارآلود گشت و آن قدر زیر دیگ، آتش روشن کرد که لباسش سیاه رنگ شد.(۱)

فاطمه زهرا علیها السلام کارهای سخت و طاقت فرسای خانه، مانند آسیاب کردن جو و گندم، تهیه غذا و تربیت اولاد را انجام می داد که هر کدام در نوع خود، کاری بس سخت و دشوار است.(۲)

نقطه مقابل ساده زیستی، تجمل گرایی و دنیاخواهی است که امام معصوم علیه السلام و بزرگان دین از آن دوری کرده اند. امام علی علیه السلام به نقل از رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إنَّ الدینار و الدرهم اهلکا من کان قبلکم و هما مهلکاکم؛ همانا، درهم و دینار، آنهایی را که پیش از شما بودند، هلاک کردند و شما را نیز

۱- بحارالانوار، ج۴۳، ص۸۲.

۲- همان، ص۸۱.

هلاک خواهد کرد.»(۱) همچنین آن حضرت در سخن دیگری فرمود: «إنَّ فی طلبِ الدُّنیا اضراراً بالآخرهِ و فی طلبِ الآخرهِ اضراراً بالدُّنیا فاضَرُّوا بالدُّنیا، فإنَّها اولی بالاضرارِ؛ دنیاطلبی، ضرر زدن به آخرت و آخرت جویی، ضرر زدن به دنیاست. پس شما به دنیا ضرر بزنید که ضرر زدن به آن سزاوارتر است».(۲)

از منظر رسول خدا صلی الله علیه و آله ، در مقایسه میان دنیا و آخرت باید سرمایه گذاری برای آخرت را ترجیح داد و آن را مقدّم داشت. ساده زیستی برای رهبران دینی لازم تر است تا مردم آنها را از خود بدانند و فاصله ای را احساس نکنند. امام علی علیه السلام در این زمینه فرمود: «أنَّ الله تعالی فرض علی ائمَّهُ الحق أن یقدِّروا أنفسَهم بضعفه النَّاس کیلا یتبیَّغ بالفقیر فقرُه؛ خداوند بر پیشوایان دین فرض کرده که ضعیف ترین طبقات ملت خود را مقیاس زندگی شخصی خویش قرار دهند و آن طور زندگی کنند که تهی دست ترین مردم زندگی می کنند تا سختی فقر و تهی دستی بر آنها اثر نکند.»(۳) بر این اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای هم رنگی با مردم به انفاق و ثواب آن می فرماید: «من أعطی درهماً فی سبیل الله کتب الله له سبعمأه حسنه؛ هر کس یک درهم در راه خدا بخشش کند، خداوند برای او ثواب هفت صد حسنه را در نامه اعمالش می نویسد».(۴)

«در حالات ملا مهدی نراقی آمده است که بر اثر فقر و تنگ دستی، حتی قادر به تهیه روغن چراغ برای مطالعه نبود و گاهی ناگزیر از روشنای چراغ وضوخانه مدرسه بدین منظور بهره می گرفت. همچنین نقل شده که به خاطر تنگ دستی، لباس بسیار کهنه ای بر تن داشت و در مسیر مدرسه، کاسبی هر روز شاهد این وضع ایشان بود و لباس های کهنه و مندرس او را می دید. ازاین رو، لباس مناسبی برایش آماده کرد و به وی داد. روز بعد بدون آنکه

۱- همان، ج۷۳، ص۲۳.

۲- کافی، ج۳، ص۱۹۸.

۳- نهج البلاغه، ترجمه: فیض کاشانی، ص۶۶۳.

۴- بحارالانوار، ج۹۶، ص۱۲۲.

مرحوم نراقی آن لباس را بر تن کند، آورد به کاسب داد و با مناعت طبع و عزت نفس، به درس و زندگی ادامه داد».(۱)

«[علامه طباطبایی] در قم در خانه محقر دو اتاقی زندگی می کرد که حتی امکان پذیرایی از مهمان را هم نداشت. لباس ساده، عمامه کوچک از پارچه های معمولی بر سر داشت. از سهم امام علیه السلام استفاده نمی کرد و از درآمد زمین موروثی، امرار معاش می نمود و بعدها از حق التألیف کتاب هایشان استفاده می کرد. هر وقت به تهران سفر می کرد، با اتوبوس می رفت و گاه مدت ها توقف می نمود تا سرنشینان اتوبوس تکمیل شوند».(۲)

یکی از کسانی که با امام خمینی رحمه الله ارتباط داشته است، درباره زندگی ساده ایشان می گوید:

روزی در نوفل لوشاتو در کشور فرانسه به علت ارزانی، دو کیلو پرتقال خریدم و چون هوا خنک بود، فکر کردم تا سه ــ چهار روز پرتقال خواهیم داشت. امام با دیدن پرتقال ها فرمودند: این همه پرتقال برای چیست؟ من برای اینکه کار خود را توجیه کنم، عرض کردم: پرتقال ارزان بود، برای چند روز این قدر خریدم. ایشان فرمودند: شما مرتکب دو گناه شدید. یک گناه برای اینکه ما نیاز به این همه پرتقال نداشتیم و دیگر اینکه شاید امروز در نوفل لوشاتو کسانی باشند که تا به حال به علت گران بودن پرتقال نتوانسته اند آن را تهیه کنند و شاید با ارزان شدن آن می توانستند تهیه کنند، در حالی که این مقدار پرتقال را برای سه ــ چهار روزی خریده اید. ببرید مقداری از آن را پس بدهید. گفتم: پس دادن آنها ممکن نیست. فرمودند: باید راهی پیدا کرد. عرض کردم: چه کاری می توانم بکنم؟ فرمودند: پرتقال ها را پوست بکنید و به افرادی بدهید که تا حالا پرتقال نخورده اند. شاید از این طریق

۱- محمدرضا مظفر، مقدمه جامع السعادات، ج۱، ص۸.
۲- رمز موفقیت، ص۳۲.

خداوند از سر گناه شما بگذرد.(۱)

در شرایط کنونی، همه مسلمانان و رهروان اهل بیت علیهم السلام باید با پیروی از این شاخص ساده زیستی به جهاد اقتصادی بپردازند و از اسراف، تجمل و زیاده روی، دوری و به زندگی ساده، قناعت کنند. بنابراین، ساده زیستی مهم ترین شاخص تربیتی جهاد اقتصادی است که با آن می توان به رشد مادی و معنوی رسید و بر دشمنان اسلام پیروز شد.

۶. فقرزدایی

۶. فقرزدایی

«با وجود روشن بودن مفهوم [فقر] و درک تقریباً یکسان مردم از این کلمه، اگر به منابع واژه شناسی مراجعه شود، [می بینیم که] معانی گوناگونی برای واژه فقر ذکر شده است.»(۲) فقر در یک تعریف، ضد غنا و به معنای نیازمندی آمده است و به کسی فقیر گفته می شود که مقدار نیاز زندگی خود و خانواده خود را نداشته باشد.(۳)

راغب در مفردات چند معنا برای فقر آورده است: «نیاز ضروری که شامل همه آفریدگان و به خصوص انسان می شود؛ نبود امکانات؛ نیاز جنسی و شهوت و نیاز ذاتی به خدای متعال.»(۴) مصطفوی در التحقیق فی کلمات القرآن، پس از ذکر معانی پیشین می گوید:

معنای اصلی فقر، ضعف است در مقابل غنا و بی نیازی که این ضعف موجب پیدایش نیازهای مختلف می شود... ضعف دارای مراتب کاستی و فزونی است و به لحاظ متعلق و مورد نیز تفاوت دارد. اگر ضعف در مال و

۱- رسول سعادتمند، درس هایی از قناعت و ساده زیستی امام خمینی=، ص۱۲۴.

۲- نک: بیت الله بیات زنجانی، فقرستیزی، صص۳۶ _ ۴۸.

۳- لسان العرب، ج ۵، ص۶۱.

۴- المفردات فی غریب القرآن، ص۶۴۱.

ثروت بود، به فقر مالی؛ اگر در اخلاق و فرهنگ بود، به فقر اخلاقی و فرهنگی و اگر در ذات و نهاد بود، به فقر ذاتی تعبیر می شود.(۱)

از سخنان لغت شناسان به دست می آید که رکن اصلی معنای فقر، احتیاج و نیاز است که این نیاز به تناسب مورد، متفاوت خواهد بود،(۲) مانند نیاز مالی، نیاز ذاتی و نیاز علمی، اخلاقی و فرهنگی. در قرآن کریم، نیاز مالی و ذاتی به کار رفته است. در آیه «مَنْ کانَ فَقِیراً فَلْیَأْکُلْ بِالْمَعْرُوفِ؛ و آن کس که نیازمند است، به طور شایسته از آن بخورد.» (نساء: ۶)، به فقر اقتصادی و در آیه «یا أَیُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَراءُ إِلَی اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ؛ ای مردم شما به خدا محتاج هستید و خداست بی نیاز و ستوده.» (فاطر: ۱۵)، به فقر ذاتی اشاره شده است. آیه دوم که ناظر به فقر ذاتی است، شامل حال همه مردم می شود. حتی کسانی که از نظر مالی، میلیاردها پول دارند؛ چون هر انسانی فقر وجودی دارد و به خدای متعال نیازمند است. در اینجا، معنای اول و فقر مالی منظور است. به طور کلی، فقر یعنی نبود چیزهایی که در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان مورد نیاز است.(۳) فقرزدایی نیز تلاش برای از بین بردن یا بهبود بخشیدن فقر اقتصادی در جوامع اسلامی است.

فقر مالی عوامل متعدد طبیعی و غیرطبیعی دارد که برخی به خود انسان و بعضی به غیر او برمی گردند. نقص جسمی، کم عقلی، حوادث طبیعی و مانند آن از جمله عوامل طبیعی و بی کاری، اسراف، ضعف مدیریت و بعضی گناهان عوامل اختیاری و خودساخته فقر محسوب می شود. همچنین بسیاری از عوامل فقر به اجتماع مربوط می شود که استکبار، جنگ و نظایر آن، جامعه ای را دچار فقر و ضعف اقتصادی می کنند.(۴) فقر اقتصادی، محصول

ص:۱۶۹

۱- التحقیق فی کلمات القرآن، ج۹، ص۱۱۷.
۲- کتاب العین، ج ۵، ص ۱۵۰؛ فرهنگ أبجدی (عربی ـ فارسی)، متن، ص۱۰۵؛ قاموس قرآن، ج ۵، ص۱۹۷.
۳- محجه البیضاء، ج۷، ص۳۱۴.
۴- فقرستیزی، صص ۵۰ ـ ۱۴۰.

هر چیزی باشد، زندگی آدمی را با بحران جدی روبه رو می سازد. آثار زیان بار فراوانی بر فقر و تنگ دستی مترتب است که به دین و دنیای انسان آسیب می رساند. ازاین رو، در روایات به مؤمنان نسبت به پی آمدهای فقر هشدار داده شده است تا در صورت قرار گرفتن در دام فقر، خود را در برابر خطرهای آن محافظت کنند. امام علی علیه السلام به نقل از وصایای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: «چند چیز برای انسان کمرشکن است؛ از جمله فقری که مستمند چاره ای برای درمان آن نیابد.»(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله ، فقر را شدیدتر از قتل می داند و می فرماید: «الفقرُ أشدُّ من القتلِ؛ (سختی) فقر از کشتن، شدیدتر است.»(۲) امام علی علیه السلام نیز فرمود: «الفقرُ، الموتُ الا کبرُ؛ نیازمندی، مرگ بزرگ تر است.»(۳) همچنین امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «کاد الفقرُ أن یکونَ کفراً؛ فقر نزدیک به کفر است.»(۴) فقر از جمله آسیب های خطرناکی است که شیطان از آن برای گمراهی انسان استفاده می کند. خداوند در این زمینه می فرماید: «الشَّیْطانُ یَعِدُکُمُ الْفَقْرَ وَ یَأْمُرُکُمْ بِالْفَحْشاءِ؛ شیطان، شما را [به هنگام انفاق] وعده فقر و تهی دستی می دهد و به فحشا [و زشتی ها] امر می کند». (بقره: ۲۶)

اگر با مطالعه ای میدانی، به انحرافات اخلاقی و اجتماعی جوامع اسلامی و غیراسلامی بنگریم، خواهیم دید که بیشتر نابسامانی های کنونی، به فقر و محرومیت خانواده ها به ویژه نسل جوان باز می گردد. به همین دلیل، میزان

۱- عن علی بن ابی طالب۷ قال: قال رسول الله۹: فی وصیه لی: یا علی اربعه من قواصم الظهر: امام یعصی الله و یطاع امره و زوجه یحفظها زوجها و هی تخونه و فقر لایجد صاحبه له مداویاً و جار سوء فی دار مقام؛ علی۷ فرمود: رسول خدا۹ در ضمن وصیتی که به من داشت فرمود: یا علی چهار چیز است که از چیزهای کمرشکن هستند: ۱. رهبری که خود نافرمانی خدا کند و دیگران از او فرمان برند؛ ۲. زنی که شوهرش او را حفاظت کند، ولی او به شوهر خیانت نماید؛ ۳. نیازی که مستمند برای برطرف کردن آن چاره نیابد. و ۴. همسایه بدی که در خانه ماندنی، همسایه بوده باشد. (خصال صدوق، ص۲۲۶، به نقل از: فقرستیزی، ص۲۴۲)

۲- بحارالانوار، ج۷۲، ص۴۷.

۳- همان، ص۴۵.

۴- همان، ص۲۹.

جرم و جنایت و بزهکاری در حواشی شهرها، بیشتر از مرکز شهرهاست. به نظر جامعه شناسان، حاشیه نشینی عامل عمده بروز جرم و جنایت و نابهنجاری اجتماعی مانند سرقت، زورگیری، اعتیاد، نزاع و چاقوکشی و امثال آن است.(۱) بنابراین، فقر و نیازمندی از منظر قرآن و حدیث، عرف و مطالعات میدانی، مهم ترین معضل و مشکل جامعه اسلامی است و باید برای درمان و رفع مشکلات اقتصادی مردم، چاره ای اندیشید و راهکاری ارائه داد.

بر این اساس، اسلام در جهت فقرزدایی و ریشه کنی محرومیت از جامعه، راه کارهای بسیاری طراحی کرده و به عموم مردم ارائه داده است تا با استفاده از آن راه کارها، در زمینه درمان فقر و نیاز از جوامع اسلامی تلاش کنند. تعیین بخشی از مال و دارایی به عنوان وجوه شرعی نظیر خمس و زکات، یکی از برنامه های اسلام در راستای فقرزدایی و برقراری عدالت اقتصادی در جامعه است. بر همه صاحبان سرمایه لازم است که یک پنجم یا یک دهم منافع خود را طبق شرایطی به نیازمندان جامعه بپردازند تا نیاز مالی آنها تأمین شود. در این نوشتار، به دلیل اهمیت موضوع، پرداخت وجوه را به عنوان شاخص مستقل تربیتی در نظر گرفته ایم. به هر صورت، فقرزدایی در مجموع از شاخص های مهم تربیت جهاد اقتصادی است و بدون اهتمام به رفع احتیاج نیازمندان، رسیدن به رشد و تعادل اقتصادی از منظر قرآن و اسلام، ناممکن است.

۷. پرداخت حقوق مالی

۷. پرداخت حقوق مالی

۱- چکیده تحقیقات و مطالعات اجتماعی، اداره کل مطالعات اجتماعی (وابسته به نیروی انتظامی)، ص۵۶، شماره طرح ۴۱.

از منظر قرآن و اسلام، حقوقی بر اموال و دارایی انسان تعلق می گیرد که بر صاحب مال واجب است که هر سال آن حقوق مالی را بپردازد. این بحث در جای خود به تفصیل بررسی شده است و نیازی به بیان جزئیات موضوع نیست؛ چون فرض بر این است که هر فرد مؤمن و پیرو اهل بیت علیهم السلام به وظایف دینی و شرعی خود آشناست و اگر احیاناً آگاهی کامل ندارد، می تواند از علما و مراجع تقلید ــ که با وسایل ارتباطی امروزی، در دسترس هستند ــ مسائل شرعی خود را بپرسد. مهم ترین حقوق مالی که مسلمان باید بپردازد، خمس و زکات است. خمس بر منفعت و سود سالانه تعلق می گیرد که باید هر سال و در روز معینی حساب رسی شود و هر اندازه نسبت به سال قبلی، اضافه بر خرج فرد و خانواده اش باشد، یک پنجم آن را به عنوان خمس به مرجع تقلید تحویل دهد.(1) زکات نیز به یک دهم برخی چیزها، مانند خرما، گندم، جو و کشمش تعلق می گیرد که هر کدام نصاب و شرایط خاص خود را دارد و در صورت دارا بودن شرایط باید به مستحق پرداخت شود.(2)

این طرح در اسلام برای فقرزدایی برنامه ریزی شده و خداوند حق فقرا را در اموال صاحبان ثروت قرار داده تا با پرداخت آن فقری در جامعه نماند. امام صادق علیه السلام فرمود: «إنَّما وُضِعَتُ الزَّکاةُ اختباراً للأغنیاءِ و معُونهً للفقراءِ ولو أنَّ النّاسَ أدُّوا زکاهَ اموالهم مابقی مسلمٌ فقیراً محتاجاً؛ زکات واجب شده است تا اینکه ثروتمندان مورد آزمایش قرار گیرند و نیاز مستمندان تأمین شود و اگر همه صاحبان ثروت زکات مالشان را پرداخت کنند، هیچ فقیر و محتاجی در دنیا نمی ماند».(3)

قرآن کریم برای هر خمس و زکات، دستور خاصی دارد. خداوند

۱- خمس دو تقسیم می شود، نصفی حق سادات و نصفی سهم امام۷ است. نک: رساله های عملیه مراجع تقلید باب خمس و زکات.

۲- نک: رساله عملیه، بحث زکات.

۳- وسائل الشیعه، ج۶، ص۴.

درباره خمس می فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْ ءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینِ وَ ابْنِ السَّبِیلِ؛ بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه [از آنها] است.» (انفال: ۴۱) واژه کلیدی در این آیه که به عنوان آیه خمس شهرت یافته، کلمه «غنیمت» است. به نوشته تفسیرنویسان، این واژه از نظر لغوی و اصطلاحی، به مطلق منفعت گفته می شود و به غنایم جنگی اختصاص ندارد.(۱) بر این اساس، هر درآمدی که انسان داشته باشد و سال خمسی بر آن بگذرد، باید یک پنجم آن را به عنوان خمس بپردازد. نکته جالب توجه در باب خمس، تعیین مستحقان خمس است که نصف آن به عنوان سهم خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که امروزه به سهم امام علیه السلام معروف است و در اختیار ولیّ امر مسلمین و مراجع تقلید قرار می گیرد و نصف دیگر، به نام سهم سادات به یتیمان، مساکین و راه ماندگان از سادات داده می شود و اگر زیاد آمد، به بیت المال مسلمین واریز می شود.(۲)

در مورد زکات هم خداوند فرمان صریح دریافت آن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می دهد و می فرماید: «وَخُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَکِّیهِمْ بِها؛ از اموال آنها صدقه ای [به عنوان زکات] بگیر، تا به وسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی.» (توبه: ۱۰۴) کلیدواژگان این آیه، دو کلمه «تطهیر» و «تزکیه» هستند که به عنوان اثر و فلسفه زکات ذکر شده اند؛ چراکه خداوند به رسولش فرمود: از اموال توانگران مقداری به عنوان زکات بگیر تا بدین وسیله آنها را پاکیزه سازی و پرورش دهی. در تفسیر المیزان آمده است:

ص:۱۷۳

۱- نک: تفسیر نمونه، ج۷، ص۱۷۷.

۲- نک: همان، صص ۱۷۷_ ۱۸۵.

تطهیر به معنـای برطرف کردن چرک و کثافات از چیزی و تزکیه به معنی رشـد دادن و شـکوفا سـاختن همان چیز است. یعنی پرداخت زکـات، هم عامـل پیرایش مال و حتی خود صاحب مال و جامعه از آلودگی های اخلاقی و روانی و اجتماعی است و هم موجب رشد و نمو و فزونی مال و دارایی.(۱)

«بنابراین، زکات عامل تربیت مال، شـخص و جامعه از حرام، بخل و دنیاپرستی و فقر و نیازمنـدی است.»(۲) مصرف زکات در کتب فقهی، بیان و مشخص شده است که فقط به فقیر با شرایط خاص داده شود.(۳)

پرداخت حقوق مـالی که مهم ترین آنهـا خمس و زکـات اعم از زکـات مال و زکات بـدن (فطره) است، برای همه کسانی که واجد شـرایط باشـند، واجب است. چنان که در طول تاریخ تشیع، شیعیان از هر کشور و نژادی، به این وظیفه دینی و اسلامی به خوبی، عمـل و بـا نیت خـالص، آن را به مراجع بزرگوار یـا وکلای ایشان پرداخت کرده انـد. امروزه نیز مردم مؤمن، هر سال، وجوه شرعی شان را به مرجع تقلید خود می پردازند و همین طور زکات غلات و موارد دیگر را ادا می کنند. شاید برخی افراد جاهـل یا مال دوست و بی اعتنا به مسائل دینی، به این مسائل چنـدان اهمیتی ندهنـد و با سـهل انگاری برخورد کننـد، ولی این رفتـار به ضـرر دنیـا و آخرت آنها تمام می شود. اگر همه مردم و افراد دارای شـرایط ادای واجبات مالی به وظیفه خود، عمل و هر سـال، وجـوه را به موقع پرداخت کننـد، همـان گونه که احـادیث بیـان کرده و بـا تجربه هم ثـابت شـده است، قطعاً فقیر و نیازمندی در جوامع اسلامی باقی نخواهد ماند.

ص:۱۷۴

۱- تفسیر المیزان، ج ۹، ص۵۱۲.

۲- تفسیر نمونه، ج ۸، ص۱۱۸.

۳- نک: رساله های عملیه، بخش زکات.

به هر صورت، پرداخت حقوق مالی در جامعه اسلامی، یکی از شاخص های تربیت جهاد اقتصادی است و بدون آن نمی توان به رشد معنوی و پیشرفت علمی و تکنولوژی رسید. صدا و سیما می تواند با تهیه برنامه هایی در زمینه حساب رسی و داشتن خرج سال و شیوه پرداخت و مصرف وجوه برای نیازمندان و مستحقان واقعی، نقش خوبی در ترویج خمس و زکات ایفا کند.

۸. انفاق و ایثار

۸. انفاق و ایثار

واژه «انفاق» از ماده «نَفَقَ» در لغت، به معنای اخراج و خارج کردن چیزی آمده است. نَفَقَ الشَّیءُ، یعنی شیء رفت و تمام شد.(۱) درباره انفاق مال، «أَنفَقَ مالَهُ» به کسی گفته می شود که مال خویش را از ملکش، بیرون و به کسی واگذار کرده باشد.(۲) در نتیجه، انفاق یعنی خرج کردن و دادن مال در راه خدا، اعم از واجب و مستحب که قرآن و روایات درباره آن بسیار تشویق کرده اند. قرآن کریم، رسیدن به نیکی و خوبی را به انفاق از بهترین اموال خود وابسته می داند: «لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتّی تُنْفِقُوا مِمّا تُحِبُّونَ؛ هرگز به [حقیقت] نیکوکاری نمی رسید، مگر اینکه از آنچه دوست می دارید، [در راه خدا] انفاق کنید.» (آل عمران:۹۲) بِرّ و نیکی که بر انفاق مترتب شده است، معنایی وسیع دارد و به تمام نیکی ها اعم از باورهای قلبی، مانند ایمان و رفتار ظاهری و اعمال جسمی نظیر اخلاق حسنه و کردار پاک و شایسته گفته می شود. از برخی آیات قرآن(۳) استفاده می شود که ایمان به خدا، روز جزا و پیامبران، کمک به

۱- المفردات فی غریب القرآن، ص۸۱۹.

۲- قاموس قرآن، ج ۷، ص۹۷.

۳- «لَیسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلائِکَهِ وَ الْکِتابِ وَ النَّبِیِّینَ وَ آتَی الْمالَ عَلی حُبِّهِ ذَوِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینَ وَ ابْنَ السَّبِیلِ وَ السَّائِلِینَ وَ فِی الرِّقابِ وَ أَقامَ الصَّلاهَ وَ آتَی الزَّکاهَ وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا وَ الصَّابِرِینَ فِی الْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِینَ الْبَأْسِ أُولئِکَ الَّذِینَ صَدَقُوا وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید (و تمام گفت و گوی شما، درباره قبله و تغییر آن باشد و همه وقت خود را مصروف آن سازید) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده و مال (خود) را، با همه علاقه ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می کند. نماز را برپا می دارد و زکات را می پردازد و (همچنین) کسانی که به عهد خود ـ به هنگامی که عهد بستند ـ وفا می کنند و در برابر محرومیت ها و بیماری ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می دهند اینها کسانی هستند که راست می گویند و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و اینها هستند پرهیزکاران!» (بقره: ۱۷۷)

نیازمندان، نماز و روزه، وفای به عهد و پیمان، استقامت در برابر مشکلات و حوادث و امثال آن، همه از مصادیق «برّ» و «نیکی» به شمار می آیند.(۱)

بنابراین، رسیدن به مقام نیکوکاران واقعی، شرایط زیادی دارد که مهم ترین آنها، انفاق کردن از اموال مورد علاقه در راه خداست؛ زیرا عشق و علاقه واقعی به خدا و احترام به اصول انسانیت و اخلاق وقتی روشن می شود که انسان بر سر دوراهی قرار گیرد؛ یک طرف، مال و ثروت یا مقام و منصب که مورد علاقه شدید اوست؛ طرف دیگر، خدا و حقیقت و عواطف انسانیت و نیکوکاری. اگر از مال و منصب به خاطر خدا صرف نظر کرد، معلوم می شود که در عشق و علاقه خود، صادق است، وگرنه تنها در زبان، خدایی است، نه در عمل. بر این اساس، مقیاس سنجش ایمان و شخصیت معنوی انسان، انفاق و گذشت از مال و ثروت در راه خدا و کمک به نیازمندان است؛(۲) چراکه انفاق، افزون بر پرداخت حقوق واجب مالی، اعطای بخشی از دارایی خود به مستمندان است تا نیازهای آنان تأمین شود. این کار، راهی برای فقرزدایی از جامعه اسلامی و از شاخص های تربیت قرآنی در

۱- تفسیر نمونه، ج ۳، ص۳.

۲- همان.

زمینه جهاد اقتصادی است که در آیات و روایات مختلف به آن بسیار سفارش شده است.

انفاق در راه خدا و کمک به نیازمندان از امور ارزشمندی است که در سیره معصومین علیهم السلام فراوان وجود داشته است و آن بزرگواران تا آنجا که ممکن بود، به دوست و دشمن کمک های مالی داشتند. کمک به مستمندان و تأمین نیازهای آنان، از آغاز بعثت، در صدر برنامه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار داشت و آن حضرت تا آخرین روزهای زندگی نیز بدان عمل کرد و آن را به مسلمانان نیز توصیه فرمود. نقل شده است که «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیراهنی از دکان پارچه فروشی به چهار درهم خرید و از آنجا بیرون رفت. مردی از انصار عرض کرد: یا رسول الله، پیراهنی به من بده. خدا تو را از لباس های بهشتی بپوشاند. حضرت بلافاصله پیراهن را بیرون آورد و به او داد. سپس پیراهن دیگری خرید و دو درهم باقی ماند. ناگاه کنیزی در راه گریه می کرد که دو درهم مولایم داده بود تا آرد بخرم، ولی گم شده است. حضرت دو درهم را به او داد و چون ترس داشت که آقایش او را کتک بزنند، همراه او رفت. سه بار سلام کرد و بار سوم اهل خانه جواب سلام حضرت را دادند. وقتی علت را پرسید، گفتند: علاقه داشتیم سلام شما را بیشتر بشنویم و کنیز را به برکت قدوم پیامبر آزاد کردند. حضرت به آنها بشارت خیر و بهشت داد و خدا را شکر کرد».(۱)

سفیان بن عیینه می گوید:

زُهری در شبی سرد و بارانی، حضرت سجاد علیه السلام را دید که کیسه آردی را بر دوش داشت و به راهی می رفت. پرسید: ای فرزند رسول

۱- قبسات من سیره القاده الهداه، ج۱، ص۵۵.

خدا علیه السلام ! این چیست و قصد کجا دارید؟ فرمود: سفری در پیش دارم که توشه آن را به جای امنی می برم. زهری گفت: خدمت کار من حاضر است به شما کمک کند. امام قبول نکرد. زهری گفت: اجازه دهید خودم کیسه شما را بردارم و به مقصد برسانم. امام فرمود: من خویشتن را از کاری که مایه نجاتم در این سفر است، کنار نمی کشم. تو را به خدا مرا بگذار و در پی کار خود رو.

چند روزی از این جریان گذشت که زهری امام سجاد علیه السلام را ملاقات کرد و با تعجب به او گفت: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله ، از آن سفری که آن شب فرمودی، هیچ خبری نیست؟ حضرت فرمود: «ای زهری! منظورم آن نبود که تو گمان کردی، بلکه مقصودم از سفر، سفر آخرت بود و من برای آن آماده می شوم و این کار، انسان را از حرام دور می کند و به خیر می رساند.(۱)

در مبارزه اقتصادی با دشمنان اسلام در جهت تقویت عدالت اجتماعی و رفع محرومیت از نیازمندان در عصر حاضر، انفاق و ایثار مالی لازم است. انفاق و ایثار، به هم نزدیک هستند، ولی تفاوت هایی نیز با هم دارند؛ چراکه ایثار به معنای خاصی از انفاق است و به کسی می توان ایثارگر گفت که در عین نیاز داشتن، از مال و دارایی خود بگذرد و به نیازمند ببخشد. خداوند درباره ایثار می فرماید: «وَ یُؤْثِرُونَ عَلی أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ کانَ بِهِمْ خَصاصَهٌ؛ و آنها را بر خود مقدّم می دارند، هرچند خودشان بسیار نیازمند باشند». (حشر: ۹)

کلمه «ایثار» به معنای اختیار و انتخاب چیزی بر غیر آن و «خصاصه» به معنای فقر و نیاز است؛(۲) یعنی دیگران را درباره نیازمندی خود و آنان، بر خود ترجیح دهد و آنچه دارد، به آنها بدهند، چنان که امام علی علیه السلام و حضرت

۱- بحار الانوار، ج۴۶، ص۶۵.
۲- تفسیر المیزان، ج۱۹، ص۳۵۷.

فاطمه علیها السلام این کار را کردند. آن بزرگواران سه شب متوالی، در حالی که روزه بودند، افطاری خود را هنگام افطار به مسکین، یتیم و اسیر بخشیدند.(۱) اگر خانواده ها و همه جهادگران اقتصادی این گونه باشند و از فضیلت انفاق و ایثار برخوردار و به نیازمندان کمک کنند، به تدریج اختلاف طبقاتی از بین می رود و عدالت اقتصادی حاکم خواهد شد. اگر در هر جامعه ای، جهادی و فعالیتی در زمینه اقتصاد صورت گیرد، مهم ترین شاخص آن، انفاق و ایثار در راه خداست.

۹. الگوگیری از سیره معصومین علیهم السلام

۹. الگوگیری از سیره معصومین علیهم السلام

انعطاف پذیری، یکی از ویژگی های روحی و روانی انسان است؛ بدین معنا که هر فردی ذاتاً و فطرتاً تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار می گیرد. انعطاف پذیری او در دوره کودکی و بعد از آن، ادامه دارد و نسبت به گذشته، منظم تر و سامان یافته تر می شود. روی آوردن انسان به الگوها و همانندسازی با آنان از دوره کودکی آغاز می شود و در دوره نوجوانی و جوانی به بالاترین سطح خود می رسد. الگوگیری از دیگران در همه ابعاد زندگی، اعم از اخلاقی و اقتصادی و غیر آن نمود پیدا می کند. نقش الگوها در تربیت انسان نقش اساسی است. یک الگوی جامع و همه جانبه می تواند اندیشه های فرد را دگرگون سازد و رفتار او را در مسیر صحیح هدایت کند. طبیعی است که انسان از عوامل حسی بیشتر متأثر می شود تا عوامل غیرحسی و معنوی. الگو نیز امری حسی و نمونه عینی است که

۱- «وَ یُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلی حُبِّهِ مِسْکِیناً وَ یَتِیماً وَ أَسِیراً، إِنَّما نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللّهِ لا نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزاءً وَ لا شُکُوراً؛ و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می دهند. (و می گویند:) ما شما را به خاطر خدا اطعام می کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم!» (انسان: ۸ و ۹)

الگوپـذیر می توانـد آن را ببینـد و رفتـارش را مشاهـده کنـد و خود را بـا آن منطبق سازد. ازاین رو، با فرآینـد همانـنـدسازی و الگوبرداری، با اندک تأملی در رفتار، الگوی مورد نظر شکل می گیرد.

طبعاً انسان در جست وجوی الگوهای کامل و جامع است و همواره می خواهـد شخصـی آرمانی و ایـدئالی را سـرمشق زندگی خویش قرار دهـد و از رفتار او پیروی کند. آنچه در این زمینه، مهم است، انتخاب آگاهانه و عالمانه الگوست؛ یعنی انسان باید الگویی را در زنـدگی برگزیند که پیروی از او مایه عزت و سربلندی وی در دنیا و آخرت باشد. چنین الگوی کامل و ایدئالی را نمی توان یـافت، مگر بـا مراجعه به قرآن و احـادیث و سـیره معصومین علیهم السـلام ؛ چراکه آنهـا راهنمـای بشـریتند. قرآن کریم از این نـوع الگـو به «اسوه حسـنه» یـاد کرده است؛ یعنی الگوی نیکو در تمـام شـئون زنـدگی اعم از فردی و اجتمـاعی و اقتصادی. خدای متعال دو شخصـیت بزرگ را به عنوان اسوه حسـنه در قرآن به مردم معرفی کرده است: یکی، حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام ؛(۱) دوم، حضـرت محمد صلی الله علیه و آله ؛(۲) زیرا پیروی از رفتار رهبران الهی و اقتـدا به آنان، انسان را به خدا نزدیک می سازد و از هرگونه انحراف فکری و اخلاقی دور می دارد.

امام علی علیه السلام در سراسر نهج البلاغه، مردم را به پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرا خوانده است. ایشان در این باره می فرماید: «واقتدوا بهدی نبیکم فانه افضل الهدی واستنّوا بسـنّته فانّها اهدی السنن؛ از راه و رسم پیامبرتان پیروی کنید که بهترین

۱- «قَدْ كانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْراهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ؛ برای شـما سـرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند، وجود داشت». (ممتحنه: ۴)

۲- «لَقَدْ كـانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيراً؛ مسـلّماً برای شـما در زنـدگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند». (احزاب: ۲۱)

راهنمای هـدایت است. رفتارتان را با روش پیامبر صـلی الله علیه و آله تطبیق دهیـد که هـدایت کننده ترین هدایت هاست.»(۱)
در جـای دیگری می فرمایـد: «ولقـد کـان فی رسول الله صـلی الله علیه و آله کافٍ لکَ فی الاسوه و دلیلٌ لک علی ذمِّ الـدنیا و عیبها وکثره مخازیها و مساویها؛ برای تو کافی است که از سـیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اطاعت کنی تا راهنمای خوبی در شـناخت بـدی هـا و عیب هـای دنیـا و رسوایی هـا و زشتی های آن برای تو باشـد.»(۲) در ادامه می فرمایـد: «فتـأس بنبیک الاطیب الاطهر فـإن فیـه أسوه لمـن تأسـی؛ پس بـه پیـامبر پـاکیزه و بـابرکت اقتـدا کن؛ که راه و رسم او، الگـویی است برای جویندگان راه حق و حقیقت».(۳)

روشن است که در الگو بودن، هیـچ تفـاوتی میان پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السـلام آن حضـرت وجود ندارد. همان گونه که رسول خدا صـلی الله علیه و آله ، اسوه حسـنه است، اهل بیت علیهم السـلام ایشان نیز الگوهای شایسته و کامـل هسـتند. پیـامبر دراین بـاره فرمود: «إنِّی و اهـل بیتی مطهرون فلاـ تسـبقوهم فتضـلوا و لاـ تتخّلفوا عنهم فتزلوا و لا تخالفوا فتجهلوا؛ من و اهل بیتم از هرگونه بدی و زشتی پاک و منزه هستیم. پس، از اهل بیت علیهم السـلام پیشی نگیرید؛ چون گمراه می شوید و باز نمانید؛ که منحرف می شوید و با آنها مخالفت نورزید؛ که جاهل و نادان می مانید».(۴)

سیره پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در همه عرصه های زندگی، مخصوصاً در بُعد اقتصادی، اعم از تولیـد، توزیع و مصـرف الگوی کامل و قابل توجهی است که بایـد از آن پیروی کرد. این الگوها، در بخش تولید، انسان را به تلاش، جدیت، برنامه ریزی و جهاد مسـتمر دعوت می کنند تا جامعه بر اثر صـنعت و نوآوری و فن آوری تولیدی، به استقلال و خودکفایی

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

۲- همان، خطبه ۱۶۰.

۳- همان، خطبه ۱۶۰.

۴- بحارالانوار، ج۴۳، ص ۱۳۰.

اقتصادی برسد.

امام علی علیه السلام در زمینه کار و فعالیت می فرماید: «من وجد ماءً وتراباً ثم افتقر فابعده الله؛ هرکه آب و خاکی بیابد و باز هم فقیر باشد، خدا او را از رحمت خود دور سازد.»(۱) آب و خاک، منبع کسب و درآمد و فعالیت اقتصادی است و هر کس که مقدار زمینی در اختیار دارد، باید روی آن کار، کشت و زراعت کند تا محصول به دست آمده را در رفع نیازهای زندگی هزینه سازد. همان گونه که آن حضرت با جدیت در نخلستان های مدینه کار می کرد و دست مزدش را خرج خانواده و کمک به فقیران می کرد. همچنین در توزیع عادلانه ثروت به معصومین علیهم السلام باید تأسی کرد. چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام بارها در تقسیم غنایم جنگی، به توزیع عادلانه آن می پرداخت و آنها را بدون تبعیض به مهاجر و انصار می داد. انفاق ها و امدادهای اهل بیت علیهم السلام به فقرا، نیز برای رسیدگی به محرومان و برقراری عدالت اجتماعی بود. سیره آن بزرگواران در حوزه مصرف، تعلیم چگونگی صرف و خرج و دوری از اسراف و بخل ورزی است. در مجموع، تأسی به اهل بیت علیهم السلام در زمینه جهاد اقتصادی، بسیار روشن و اثرگذار است و اگر بخواهیم به رشد عادلانه اقتصادی دست یابیم، باید در همه فرآیند اقتصاد از سیره و گفتار آن اولیای الهی پیروی کنیم. این کار، شاخص مهم تربیتی است و همه مردم باید زندگی خود را از نظر اقتصادی، با آنان منطبق سازند، تا نه بخلی در رفتار آنها باشد و نه اسراف و تبذیری.

۱۰. کار و تلاش برای خودکفایی

۱۰. کار و تلاش برای خودکفایی

تردیدی نیست که بدون داشتن پول و ثروت، به اندازه تأمین نیازهای

۱- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۴.

ضروری فردی، خـانوادگی و اجتمـاعی، نمی توان در جهـان امروز زنـدگی کرد. هزینه اهل و عیال از قبیل نفقه خوراک، تهیه مسـکن، آمـاده سـازی لبـاس و پوشـاک، خرج سـفرهای تفریحی و گشت و گـذار سـالم یـا زیارت و امثال آن، برای زنـدگی مشترک خانوادگی لازم است. اگر بخواهیم هم زیستی مسالمت آمیز در سـطح فرد و خانواده و جامعه داشـته باشـیم، ناگزیر از تهیه مایحتاج لازم برای این هم زیستی هستیم. بحث خودکفایی اقتصادی، ابعاد گوناگونی دارد و در همه ابعاد آن بایـد تلاش کرد تـا به اسـتقلال و خودکفایی همه جانبه دست یافت؛ چرا که با وجود فقر و نیاز اقتصادی در سـطح خرد و کلان، نمی توان به اهداف اسلامی رسید.

بیشتر آسـیب هایی که به کشورهای اسـلامی وارد می شود، از ناحیه ضعف اقتصادی است. قدرت های بزرگ و سرمایه داران جهان با استعمار اقتصادی، جوامع مسلمان را به بند کشیده و آنها را اسیر خود ساخته اند. ازاین رو، تلاش در جهت خودکفایی و اسـتقلال اقتصـادی از شـاخص هـای مهم تربیتی جهـاد اقتصـادی است. بحث تلاش برای خودکفایی، در همه فرآینـد اقتصاد جریان دارد، ولی این موضوع در مقام عمل، بیشتر مربوط به حوزه تولیـد است، چنان که خداونـد می فرمایـد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّه؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشـمنان] آماده سازید.» (انفال: ۶۰) «کلمه «قوه» مفهوم عام دارد و هرگونه آمـادگی را که در حفظ جامعه اسـلامی و مقابله با دشـمن لازم باشـد، اعم از رزمی، سیاسـی و اقتصادی شامل است. این موضوع اختصاص به زمان خاصـی ندارد، بلکه در هر عصری که جوامع مسلمان را خطری تهدید کند، این آمادگی را باید داشته باشند».(۱)

ص:۱۸۳

۱- تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۲۲.

آمادگی اقتصادی نیز مشمول آیه قرار می گیرد و بنا بر این فرمان عمومی خداوند، باید با برنامه ریزی های درست به فعالیت های مولّد و مؤثر اقتصادی اقدام کرد تا از بسیاری از مشکلات سیاسی و اجتماعی کنونی که دامن گیر جوامع اسلامی شده است، رهایی یابیم.

روایات و سیره معصومین علیهم السلام خودکفایی اقتصادی را تشویق می کند و را ه کارهای اجرای آن را هم به خوبی نشان می دهد. امام صادق علیه السلام فرمود: «إنَّ رأسَ معاشِ الانسان و حیاتُه الخبزُ و الماءُ؛ مهم ترین نیاز زندگی و حیات انسان، نان و آب است.»(۱) آن حضرت رمز خودکفایی را در کشاورزی می داند و می فرماید: «الکمیاءُ الاکبرُ الزّراعهُ؛ بزرگ ترین کیمیا زراعت و کشاورزی است.»(۲) بدین معنا که با تقویت کشاورزی و برداشت محصول کافی، یک ملت می تواند به استقلال و خودکفایی برسد. البته از منظر معصومین علیهم السلام تنها کسب مادیات، ره گشا نیست، بلکه فعالیت اقتصادی همراه با توجه به معنویت و رشد معنوی، نجات بخش است. ازاین رو، امام کاظم علیه السلام در سخنانی به یکی از اصحابش، موسی بن بکیر فرمود: «من طلب هذا الرزق من حله لیعود به علی نفسه و عیاله کان کالمجاهد فی سبیل الله؛ هر کس این روزی (شبانه روز) را از حلال کسب کند تا اینکه [نتیجه آن] به خود عیالش باز گردد، مانند مجاهدی است که در راه خدا جهاد کرده است.»(۳) پس تلاش در راه خودکفایی و تأمین نیازهای اقتصادی، در صورتی انسان را به کمال مادی و معنوی و استقلال واقعی می رساند که با قصد و نیت خدایی همراه باشد.

رهبر معظم انقلاب در سخنانی بر رشد علمی و فن آوری تأکید می کند و

۱- بحارالانوار، ج۳، ص۸۷.

۲- فروع کافی، ج۵، ص۲۶۱.

۳- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۱۱.

می فرماید:

امروز همه همت مـا این است که نه فقـط علم را، بلکه فرآورده هـای علمی و تکنولوژی را از آنها یاد بگیریم و آن را در اینجا تقلیـد کنیم. این کاری نیست که یک ملت بایـد به آن همت گمارد، اما باید راه نو و فکر نو و بن بست شـکنی را وجهه همت خود قرار دهد.(۱)

این همه سـفارش به نوآوری و همت و تلاش برای آن است که جامعه به خودکفایی برسـد. مقام معظم رهبری در جایی دیگر فرموده است:

امروز اقتصـاد مبتنی بر علم، سـیاست مبتنی بر علم و جـامعه عمل محور، جزو شـعارهای امروز دنیاست. ما اگر بخواهیم از قافله حرکت جهـانی عقب نمـانیم و فراتر از آن، اگر بخواهیم نقش تعیین کننـده و پیش برنـده ایفا کنیم، چاره ای نـداریم جز اینکه نگاه بنیانی و اساسی به آموزش و پرورش بیندازیم.(۲)

این قبیـل توصـیه هـا در سـخنان مقام معظم رهبری فراوان است و همه ما را به این امر رهنمون می سازنـد که جامعه اسـلامی و انقلابی باید به استقلال علمی و اقتصادی برسد.

ائمه اطهار علیهم السـلام در عین حالی که دستورات مکرر به کار و تلاش و کسب درآمد حلال داده است، خود نیز در مزرعه به کـار و تلاـش می پرداختنـد. امـام صادق علیه السلام نقل می کنـد که: امیرالمؤمنین علی علیه السـلام از خانه خارج شـد در حـالی که دانه هـایی از هسـته خرما را با خود داشت، شخصـی از امام پرسـید: چه چیز همراه داری؟ فرمود: «نخلٌ إن شاءالله؛ به خواست خدا، درخت خرماست.» امام صادق علیه السلام می افزاید: حضرت علی علیه السلام همه آنها را کاشت و هیچ یک

ص:۱۸۵

۱- رهبر و استعدادهای درخشان، ص۱۵۵.

۲- همان، ص۲۳۱.

فاسد نشد.(۱) آن بزرگواران مردم را به کار و تلاش در کسب حلال دعوت نموده از آنان تجلیل می کردند. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از جنگ تبوک برگشت، سعد انصاری به استقبال آن حضرت رفت، پیامبر با او مصافحه کرد، سپس فرمود: چه چیز دست هایت را سفت کرده است؟ عرض کرد: ای پیامبر! من برای تأمین نیاز خانواده ام، با بیل و طناب کار می کنم. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله دستش را بوسید و فرمود: «هذه یدٌ لاتَمَسُّها النّار؛ این دستی است که آتش (جهنم) به آن نمی رسد».(۲)

عبدالاعلی یکی از یاران می گوید: در یکی از راه های مدینه با امام صادق علیه السلام روبه رو شدم، آن روز هوا خیلی گرم بود و دیدم که حضرت مشغول کار است. عرض کردم: قربانت شوم تو که در محضر خداوند موقعیت خوبی داری و فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله هستی با این حال در چنین روزی تلاش می کنی و خود را به زحمت اندازی؟ آن حضرت فرمود: «یا عبدالاعلی خرجتُ فی طلب الرزق لأستغنی عن مثلك؛(۳) ای عبدالاعلی! من برای کسب روزی بیرون آمدم تا اینکه با کسب روزی حلال از افرادی مثل تو بی نیاز گردم.» امام صادق علیه السلام در توصیه ای فرمود: «لاتسکلوا فی طلب معایشکم فإن آبائَنا قد کانوا یرکُضون فیها و یطلُبونها؛ در به دست آوردن معیشت زندگی تا سستی نکنید، همانا پدران ما در پی آن می دویدند و آن را به دست می آورند.(۴) به هر حال، تلاش در جهت خود کفایی و استقلال اقتصادی شاخص مهم تربیتی در فرایند جهاد

۱- بحار، ج ۴۱، ص ۵۸.

۲- اسد الغابه، اسلامیه، ج ۲، ص ۲۶۹.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۰.

۴- من لایحضر الفقیه، بیروت، ج ۳، ص ۹۵.

اقتصادی است و باید همه مردم به آن شاخص توجه داشته و خود را به آن متصف سازند.

۱۱. تدبیر درست زندگی

۱۱. تدبیر درست زندگی

تدبیر معیشت و مدیریت صحیح امور اقتصادی، امری لازم در اداره زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی است که تأثیر بسزایی دارد. تـدبیر یـا مـدیریت، فرآینـدی منظم و هـدف منـد است که پس از بررسـی علمی و دقیـق موضـوع مورد مطـالعه و هـدف گـذاری، تخصـیص منابع و امکانات لازم، تصـمیم گیری مناسب و اقـدامات عملی در جهت تحقق هدف تعیین شده انجام می گیرد.(۱) در حوزه اقتصاد نیز همین تعریف از تـدبیر و مـدیریت منظور است و اینکه فعالان اقتصادی به ویژه خانواده ها و توده مردم، نسبت به قلمرو معیشتی خود، برنـامه ریزی درست و منـاسب داشـته باشـند تـا ضـمن اسـتفاده بهینه از دارایی و امکانات خـویش، از ریخت وپـاش امـوال نیز جلوگیری به عمـل آورنـد. تـدبیر زنـدگی به این معنـا و مـدیریت درست امور معیشـتی از شـاخص های برجسـته جهاد اقتصادی است و بـدون آن نمی توان به تکامل مادی و معنوی دست یافت. این تـدبیر بایـد ارزش محور باشد و بر اساس نظام ارزشی اسلام که محور اصلی آن، خدای متعال و توحید ربوبی است، باید طراحی و اجرا شود.(۲)

در قرآن کریم در باب مـدیریت اقتصادی چیزی نیامـده است، ولی از دسـتورهای عام و کلی در زمینه خوردن و آشامیدن و به طور مطلق

۱- نک: علی علاقه بند، مقدمات مدیریت آموزش، صص۱۴ و ۱۵.

۲- محمـدتقی مصـباح یزدی، مشـکات (مجمـوعه آثـار)، پیش نیـاز مـدیریت اسـلامی، نگـارش: غلامـ رضـا متقی فر، صص ۲۵۰_۲۶۲.

وقت شناسی می توان به برنامه ریزی اقتصادی دست یافت؛ چراکه قرآن درباره معیشت و استفاده حلال از مادیات می فرماید: «وَ کُلُوا مِمَّا رَزَقَکُمُ اللَّهُ حَلالًا طَیِّباً؛ و از نعمت های حلال و پاکیزه ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید.» (مائده: ۸۸) در جای دیگری می فرماید: «یا بَنِی آدَمَ خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ؛ ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید و [از نعمت های الهی] بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد.» (اعراف: ۳۱) خداوند در این آیات، به خوردن روزی حلال و پاک و نیز استفاده از زینت و زیورآلات در مکان های عبادی دستور داده و از اسراف و زیاده روی در بهره مندی از نعمت منع کرده است. روشن است که این کار دقیق و مهم، به تدبیر، مدیریت و برنامه ریزی صحیح نیاز دارد تا انسان بتواند از جنبه مثبت دارایی، استفاده و از بعد منفی آن دوری کند.

معصومین علیهم السلام نیز مؤمنان را به برنامه ریزی علمی و دقیق مالی راهنمایی و هدایت می کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «من أحسن تدبیر معیشته، رزقه الله تبارک و تعالی؛ هر کس برای گذران زندگانی خویش، به درستی برنامه ریزی کند، خدای ــ تبارک و تعالی ــ روزی اش می بخشد.»(۱) امام علی علیه السلام نیز می فرماید: «لا فقر مع حسن التدبیر؛ با برنامه ریزی صحیح، فقر پدید نمی آید.»(۲) همچنین آن حضرت فرمود: «قوامُ العیش حسن التقدیر و ملاکه حسن التدبیر؛ نشانه سیاست درست، برنامه ریزی صحیح و پرهیز از ریخت وپاش است.»(۳) امام باقر علیه السلام در سخنی جامع

۱- اصلاح الگوی مصرف، ص۱۷۶.

۲- همان.

۳- همان.

می فرمایـد: «الکمال کل الکمال: التفقه فی الـدین و الصبر علی النائبه و تقدیر المعیشه؛ سراسـر کمال در اینهاست: ژرف کاوی در دین، صبر بر بلای سخت، اندازه نگه داری در گذران زندگی».(۱)

همه این روایـات، انسـان را به تـدبیر درست در امـور زنـدگی فرا می خواننـد و از مجموع آنهـا به دست می آیـد که مـدیریت صحیـح در معیشت فردی و خـانوادگی برای او سـرنوشت سـاز است. تکیه این احادیث بر حوزه مصـرف است که ناظر به امور معیشتی خانواده هاست و باید سرپرسـتان و مدیران داخلی محیط خانواده، برنامه ریزی مناسب در دخل و خرج داشته باشند. بر این اساس، تـدبیر درست زنـدگی، شاخصـی مربوط به همین حوزه است و باید مصـرف کنندگان در هر قشـری و در هر زمینه ای، نسبت به امور مصـرفی، مدیریت صـحیح اعمال کنند. به فرموده امام باقر علیه السلام ، همه کمال در گرو مدیریت مناسب هماهنـگ با شـرایط زنـدگی و منطبق با زمان و مکان است و اگر خانواده ای برنامه ریزی مطلوب در امور معیشتی خود داشـته باشـد، به کمال و بی نیازی دست یافته است. امام علی علیه السـلام می فرمایـد: «لاغنیً مع سوءِ تـدبیرٍ؛ با برنامه ریزی نادرست، توانگری حاصـل نمی شود.»(۲) بنـابراین، حسن تـدبیر، سـرمایه بزرگی است که بـا عقلانـیت، درایت و ژرف نگری تنظیم می شود. شایـد به همین علت، پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله نسـبت به بی تـدبیری امتش احساس خطر می کرد و می فرمود: «ما أخافُ علی اُمَّتی الفقرَ و لکن أخافُ علیهم سوءَ التَّدبیرِ؛ بر امت خویش، نه از فقر، بلکه از برنامه ریزی نادرست بیم دارم».(۳)

ص:۱۸۹

۱- همان.

۲- همان، ص۱۷۸.

۳- همان.

نظر به سخنان معصومین علیهم السلام و تأکید آن بزرگواران در زمینه تدبیر معیشت و مدیریت درست زندگی و نقش آن در رشد اقتصادی و کمال معنوی آدمیان، به این نتیجه رهنمون می شویم که مدیریت درست زندگی، یکی از شاخص های مهم تربیتی در عرصه جهاد اقتصادی است. تا زمانی که انسان، برنامه ریزی صحیح و مطابق با شرایط زیست محیطی خود نداشته باشد، نمی تواند به اهداف مادی و معنوی مورد نظر خویش برسد. در صورت نبود برنامه ای درست در زندگی، هرج و مرج در رفتار فردی و اجتماعی فرد حاکم می شود و در حقیقت نمی داند چه کار کند. به همین دلیل، به همه جهادگران اقتصادی سفارش می شود که تدبیر معیشت داشته باشند و زندگی خود را از هرج و مرج نجات دهند و به آن نظم مطلوبی ببخشند.

۱۲. نظم و انضباط اقتصادی

۱۲. نظم و انضباط اقتصادی

نظم و انضباط از نظر لفظ و معنا، دو واژه نزدیک به هم هستند و مفهوم واحدی را می رسانند. نظم به معنای به رشته واحد درآوردن و امور جزئی را بر نسق و نهج یکسان و مرتبی قرار دادن است.(۱) در کتاب العین و لسان العرب، نزدیک به تعریف یادشده آمده است که به تألیف و تنظیم کردن دانه های لؤلؤ و چیزهایی نظیر آن را به یکدیگر منضم ساختن و در یک نخ قرار دادن، نظم گویند.(۲) مثلاً ـ اگر دانه های تسبیح را در نخی به صورت مرتب درآورند و در سلکی قرار دهند، گفته می شود به آنها نظام بخشیده شده است. «انضباط بر هیئت انفعال از ریشه «ضبط» به معنای حفظ کردن،

۱- مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۷۶.

۲- کتاب العین، ج ۸، ص ۱۶۵؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۷۸.

ثبت نمودن و به حبس درآوردن چیزی و مطلبی که در حقیقت همان نگه داری به سبک و سلک خاصی و نزدیک به نظم دادن است.»(۱) در نتیجه، نظم و انضباط به معانی مرتب کردن، منظم بودن، سر و صورت دادن، به نظام درآوردن، نظام یافتن و امثال آن به کار رفته است.(۲) منظور از نظم و انضباط اقتصادی، امور معیشتی و زندگی را سامان بخشیدن و نظام دادن به تولید، توزیع و مصرف است.

نظم و انضباط در باب اقتصاد شامل همه مراحل آن اعم از تولید و توزیع و مصرف است. در حوزه تولید باید کارگاه تولیدی از نظم و انضباط کاری و تولیدی مناسب برخوردار باشد تا خلل و وقفه ای در فرآیند تولید ایجاد نشود. اگر کارخانه های تولیدی دارای نظم و سامان دهی درست و نیروی انسانی شاغل در آن نیز منظم و منضبط و قانون مند باشند، همواره روند تولید، روش مند و رو به رشد خواهد بود. در توزیع کالا و خدمات هم باید نظم و برنامه ریزی درستی حاکم باشد تا خدمت رسانی به موقع صورت بگیرد و مشکلی برای جامعه و بازار مصرف پیش نیاید. این دو مرحله، به مدیریت علمی و دقیق و تهیه امکانات لازم نیاز دارد تا با به کارگیری آنها فرآیند تولید و توزیع به خوبی انجام گیرد. حوزه مصرف هم نیازمند برنامه ریزی است، ولی متعلق به خود مصرف کنندگان است و باید استفاده بهینه از امکانات به عمل آید.

نظم و انضباط در هر کاری، عامل رشد و پیشرفت در آن کار است و هر کس در زندگی فردی و اجتماعی اش از نظم لازم برخوردار باشد، به موفقیت بیشتری می رسد. در مجموعه دستورهای دینی، نظم خاصی حاکم است. برای نمونه، نمازهای یومیه در طول شبانه روز، زمان و ترتیب خاصی دارند و اگر

۱- کتاب العین، ج ۷، ص۲۳؛ مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۶۰؛ لسان العرب، ج ۷، ص ۳۴۰.
۲- فرهنگ معاصر (عربی ـ فارسی)، صص ۳۷۹ و ۶۹۹.

در همان زمان و به همان ترتیب خوانده نشوند، بر اساس فتوای همه فقها، باطل است و انسان باید دوباره به جا آورد یا آن را قضا کند. همچنین روزه ماه رمضان، از زمان معینی شروع می شود و در زمان مشخصی پایان می یابد و در غیر آن، کافی نیست و چه بسا تکلیفی مانند قضا و کفاره بر انسان واجب شود. به هر صورت، نظم و انضباط در همه احکام و ارزش های اسلامی حاکم است و باید بر اساس آن فرمول معیّن اجرا شود.

نظم بخشی به این معنا، در سیره معصومین علیهم السلام فراوان است، هم در زندگی فردی و خصوصی و هم در زندگی اجتماعی و سیاسی آنان. امام علی علیه السلام ، همان گونه که در همه امور نظم را رعایت می کرد، به حاکمان و پیروان خود نیز عمل به آن را توصیه می کرد. آن حضرت در عهدنامه مالك اشتر، خطاب به وی می گوید:

وایاك والعجله بالامور قبل اوقاتها او التسقط فیها عند امکانها او اللجاجه فیها اذا تنکرت او الوهن عنها اذا استوحشت فضع کل امرٍ موضعه و اوضع کل امرٍ موقعه.(۱)

مبادا هرگز در کاری که وقت آن نرسیده، شتاب کنی یا کاری که وقت آن رسیده، سستی ورزی یا در چیزی که روشن نیست، ستیزه جویی کنی یا در کارهای روشن کوتاهی کنی. تلاش کن تا هر کاری را در جای خود و در زمان مخصوص به خود انجام دهی.

همچنین آن حضرت در وصیت به امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام ، در آخرین لحظات زندگی خویش می فرماید: «اوصیکما و جمیع وُلدی و اهلی و من بلغه کتابی، بتقوی الله و نظم امرکم؛ شما را و تمام فرزندان و خاندانم و کسانی را که این

۱- دانش نامه علوی، ج ۱۰، ص۵۹ ؛ نهج البلاغه، نامه۵۳.

وصیت به آنها می رسد، به ترس از خدا و نظم در امور زندگی سفارش می کنم».(1)

نظم و انضباط از شاخص های مهم تربیتی در فعالیت اقتصادی است و در همه فرآیند تولید، توزیع و مصرف باید رعایت شود و جهادگران خود را با صفت نظم و انضباط آرایش دهند و به انجام مسئولیت خویش بپردازند. در این صورت، واقعاً به رشد اقتصادی می رسند و برای مردم مشکلی پیش نمی آید.

۱۳. فرصت سازی

۱۳. فرصت سازی

فرصت در لغت به معنای نوبت، مناسب، پاره کردن جلد چیزی با آهن(2) و نیز آنچه برای انسان میسر است؛(3) مجال، موقعیت نیکو، لحظه مبارک، اتفاق و تصادف آمده است.(4) انتهزَ الفرصه، یعنی فرصت را غنیمت شمرد و از فرصت استفاده کرد و قدر آن را دانست.(5) حاصل معانی لغوی آن است که هرگاه موقعیتی برای انسان پیش بیاید که بتواند در آن موقعیت فعالیتی انجام دهد، گفته می شود فرصتی برایش پیدا شده است و باید از آن موقعیت استفاده کند و نگذارد فرصت از دست برود. البته فرصت دو نوع است: فرصت انجام کار خیر و فرصت کار نادرست که منظور در اینجا نوع اول است. هرگاه موقعیت کار نیکو و ثوابی پیش آمد، نباید آن را از دست داد، چنان که امام علی علیه السلام می فرماید: «وَالْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَانْتَهِزُوا فُرَصَ الْخَيْرِ؛ فرصت همانند ابر در حال

ص:۱۹۳

۱- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، حکمت ۴۷.

۲- کتاب العین، ج ۷، ص ۱۱۲.

۳- مجمع البحرین، ج۴، ص۱۷۷.

۴- فرهنگ معاصر (عربی ــ فارسی)، ص۵۰۲، واژه «فرص».

۵- همان، ص۷۱۸، واژه «نهز».

عبور و گذر است. پس از فرصت های خیر استفاده کنید».(۱)

در این روایت، فرصت به ابر تشبیه شده است و این تشبیه، بیانگر آن است که ویژگی های ابر در فرصت نیز وجود دارد. یکی از خصوصیات ابر، زودگذر بودن و دیگری، ناگهانی بودن پیدایش ابر است؛ یعنی هم پیدایش ابر اتفاقی است و هم چندان دوام و ثباتی ندارد و به زودی از بین می رود. فرصت های پیش آمده نیز چنین است؛ در آمدن و ماندن، مانند ابر بهاری است. ازاین رو، هرگاه فرصتی پیش آمد، باید کمال استفاده را از آن برد، وگرنه موقعیت پیش آمده، ناپایدار است و دوامی نخواهد داشت. امام علی علیه السلام در سخن دیگری می فرماید: «الْفُرْصَهُ سَرِیعَه الْفَوْتِ، بَطِیئَهُ الْعَوْدِ؛ فرصت زود می گذرد و به کندی برمی گردد».(۲)

فرصت در امور اقتصادی نیز چنین حالتی دارد و زمانی که موقعیتی فراهم شد، بلافاصله باید از آن استفاده کرد و حداکثر بهره را برد. حوزه تولید و توزیع شاید بیشتر محل پیش آمدن فرصت باشد و مدیر و مجری خبره و آگاه می تواند به محض فراهم شدن فرصت، از آن استفاده کند؛ چراکه استفاده نکردن از آن موجب غم و غصه است. ازاین رو، امام علی علیه السلام در همین زمینه می فرماید: «إِضَاعَهُ الْفُرْصَهِ غُصَّهٌ؛ از دست دادن فرصت همراه با غصه و اندوه است.»(۳) آن حضرت در جمله ای دیگر می فرماید: «مَنْ نَاهَزَ الْفُرْصَهَ أَمِنَ الْغُصَّه؛ هر کس فرصت را غنیمت شمرد و از آن بهره ببرد، از اندوه ایمن است.»(۴) چون از موقعیت پیش آمده استفاده کرده است.

در فعالیت های اقتصادی در سطح خرد و کلان افزون بر فرصت هایی که گاه خودبه خود پیش می آید، باید فرصت سازی کرد و تهدیدها را به فرصت

۱- وسائل الشیعه، ج۱۶، باب استحباب انتهاز فرص الخیر، ص ۸۴.

۲- مستدرک الوسائل، ج۱۲، باب استحباب انتهاز فرص الخیر، ص ۱۴۲.

۳- وسائل الشیعه، ج۱۶، باب استحباب انتهاز فرص الخیر، ص۸۴

۴- مستدرک الوسائل، ج۱۲، باب استحباب انتهاز فرص الخیر، ص ۱۴۳.

اقتصادی تبدیل کرد. جمهوری اسلامی با وجود جنگ ها، تحریم ها و دشمنی هایی که استکبار جهانی داشتند، تهدیدهای آنان را در طول انقلاب به فرصت تبدیل کرد و با فعال سازی چرخه تولید و تأسیس زیرساخت های کشور به خودکفایی نزدیک می شود. فن آوری های جدید و صنعت رو به رشدی که امروزه در جمهوری اسلامی اتفاق می افتد، نشان دهنده مدیریت درست و تبدیل تهدید به فرصت و استفاده از فرصت های اقتصادی هستند. در نتیجه، فرصت سازی و استفاده از فرصت ها، یکی از شاخص های تربیتی در جهاد اقتصادی است که باید همه مردم به ویژه فعالان عرصه اقتصاد و صنعت، این شاخص را در خود و دیگران ایجاد و تثبیت کنند تا به هدف نهایی نظام و اسلام دست یابند.

۱۴. استفاده صحیح از ثروت

۱۴. استفاده صحیح از ثروت

ثروت و دارایی برای بهره بردن و به کارگیری درست در جهت منافع مادی و معنوی است که باید با شناخت کامل از روش های حلال و تهیه وسایل و ابزار مفید بتوان آن را در زمینه های صحیح به کار بست. این کار، هم نیازمند دانش دینی و هم تخصص و کاردانی حتی به صورت غیرفنی و معمولی است؛ چراکه صاحب ثروت اگر تعهد دینی و آگاهی شرعی نداشته باشد، در معاملات دچار انحراف و حرام می شود. همچنین بدون کاردانی و تخصص نمی تواند سرمایه را در راه مناسب و پردرآمد به کار گیرد. بسیاری پول و ثروت دارند و صاحب سرمایه های مادی هستند، ولی آن سرمایه بی استفاده می ماند یا در معاملات حرام به کار گرفته می شود. امروزه شرکت های ربوی در هر جامعه ای، زیاد و بازار دادوستد غیرشرعی، فراوان هستند و بسیاری از

ارباب پول و ثروت در این آشفته بازار غرق شده اند. ازاین رو، استفاده صحیح از ثروت در فرآیند تولید، توزیع و ثروت از شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی است و بدون توجه به حلال و حرام در امور مالی نمی توان به رشد مناسب مادی و معنوی دست یافت.

قرآن کریم، مردم را به استفاده صحیح از ثروت فرا می خواند و از معاملات حرام و باطل برحذر می دارد: «وَلا تَأْكُلُوا أَمْوالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْباطِلِ وَ تُدْلُوا بِها إِلَى الْحُكّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقاً مِنْ أَمْوالِ النّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و اموال خود را در بین خود به باطل مخورید و برای خوردن مال مردم قسمتی از آن را به طرف حکام به رشوه و گناه سرازیر مکنید با اینکه می دانید که این عمل، حرام است». (بقره: ۱۸۸)

علامه طباطبایی می فرماید:

منظور از اکل اموال در آیه کریمه گرفتن یا مطلق تصرف در آن است که در عرف به طور مجاز خوردن مال گفته می شود. وجه این اطلاق مجازی آن است که خوردن نزدیک ترین و قدیمی ترین عمل طبیعی است که انسان احتیاج به آن دارد. چون آدمی از نخستین روز تولد نیازی را که در خود احساس می کند و بدان مشغول می شود تغذی است. آن گاه به تدریج به حوایج دیگر طبیعی خود از قبیل لباس و مسکن و ازدواج پی می برد. بنابراین، اولین تصرفی که در مال خود احساس می کند، همان خوردن است و به همین جهت هر قسم تصرف و گرفتن و مخصوصاً تصرف در اموال را خوردن مال می نامند. این امر، اختصاص به لغت عرب ندارد، در زبان فارسی و سایر لغات نیز این اصطلاح رایج است.(۱)

در آیه یادشده، شدیداً از خوردن مال و ثروت به شیوه باطل و نامشروع نهی شده که این منع، مطلق است و هرگونه تصرف مالی باطل و حرام را

۱- تفسیر المیزان، ج ۲، ص۷۴.

ممنوع می کند؛ یعنی پیروان قرآن و معتقد به احکام الهی حق استفاده نادرست از اموال را ندارند. آنان تنها در محدوده شرع و آنچه از منظر اسلام مجاز است، باید پول و ثروت را به کار اندازند. در ذیل آیه به یک مورد از استفاده حرام مالی اشاره شده که عبارت از رشوه دادن به حاکمان برای دست یابی به اهداف نامشروع یا تسلط ناحق بر اموال مردم است. این کار از منظر قرآن، نادرست است و نباید انجام داد. قرآن، معاملات حلال را هم بیان می کند و می فرماید: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ؛ خدا خرید و فروش را حلال کرده است.» (بقره: ۲۷۵) به دنبال این حکم بلافاصله می فرماید: «وَ حَرَّمَ الرِّبا؛ و ربا را حرام کرده است»؛ زیرا میان این دو، فرق بسیار است. بر این اساس، هم راه های استفاده درست از ثروت در قرآن، بیان و هم از راه های استفاده بیان حرام منع شده است. اگر صاحب ثروت، ثروت خود را در زمینه های مشروع به کار بندد، افزون بر سود حلال و بهره مشروع، پاداش معنوی نیز به دست خواهد آورد.

به یک نمونه از سیره امام علی علیه السلام درباره استفاده نادرست از مال اشاره می کنیم که در نهج البلاغه آمده است. اشعث بن قیس، شبانه، حلوایی را به عنوان هدیه خدمت امام آورد تا نظر او را درباره نزاعی که با دیگران داشت، به خود جلب کند. امام برآشفت و او را سرزنش کرد و فرمود:

شگفت آورتر اینکه یک شب کسی ما را ملاقات کرد و ظرف سرپوشیده ای را که درونش حلوا بود، نزد من گذاشت. چنان از آن متنفر بودم، مثل آنکه با آب دهان مار خمیر شده بود. به او گفتم: آیا این هدیه است یا زکات یا صدقه است که زکات و صدقه بر ما اهل بیت علیهم السلام حرام است. گفت: صدقه و زکات نیست، بلکه هدیه است. [چون آورنده شخص منافقی بود و هدف باطلی داشت] گفتم: مادرت به عزایت

بنشیند. آیا می خواهی از طریق دین خدا مرا فریب دهی یا نمی فهمی یا دیوانه ای یا بیهوده سخن می گویی؟ به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمان هاست به من دهند تا پروردگار را نافرمانی کنم و پوست جوی را از دهان مورچه ای به ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد و دنیای شما نزد من از برگی که ملخی مشغول جویدن آن است پست تر است.

علی را با نعمتی که زایل می شود و خوشی که پایدار نیست، چه کار. به خدا پناه می بریم از خواب عقل و زشتی لغزش ها و فقط از پروردگار یاری می طلبیم.(۱)

استفاده درست از ثروت، از شاخص های مهم تربیتی جهاد اقتصادی است و باید در فرآیند اقتصاد، محور رفتار جهادگران قرار گیرد، چنان که فقهای شیعه احکام معاملات صحیح را در رساله های علمیه و غیر آن به صورت روشن و همه فهم بیان داشته اند. جهادگران باید از این منابع برای شناخت راه های به کارگیری سرمایه در مسیر درست استفاده کنند تا از آسیب های احتمالی معاملات محفوظ بمانند.

۱۵. امانت داری

۱۵. امانت داری

کلمه «امانت» از ریشه «أمن» به معانی مختلفی چون اعتبار، وفاداری، پای بندی، درست کاری، امانت سپاری، اطمینان اعتماد و قابلیت اطمینان(۲) و نیز اطمینان نفس، زوال خوف،(۳) ثبات و پایداری بر ایمان،(۴) امنیت، ضد

ص:۱۹۸

۱- «وَأَعْجَبُ مِنْ ذَلِکَ طَارِقٌ طَرَقَنَا بِمَلْفُوفَهٍ فِی وِعَائِهَا وَ مَعْجُونَهٍ شَنِئْتُهَا کَأَنَّمَا عُجِنَتْ بِرِیقِ حَیَّهٍ أَوْ قَیْئِهَا فَقُلْتُ أَصِلَهٌ أَمْ زَکَاهٌ أَمْ صَدَقَهٌ فَذَلِکَ مُحَرَّمٌ عَلَیْنَا أَهْلَ الْبَیْتِ فَقَالَ لَا ذَا وَ لَا ذَاکَ وَ لَکِنَّهَا هَدِیَّهٌ فَقُلْتُ هَبِلَتْکَ الْهَبُولُ أَعَنْ دِینِ اللَّهِ أَتَیْتَنِی لِتَخْدَعَنِی أَمُخْتَبِطٌ أَنْتَ أَمْ ذُو جِنَّهٍ أَمْ تَهْجُرُ وَ اللَّهِ لَوْ أُعْطِیتُ الْأَقَالِیمَ السَّبْعَهَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاکِهَا عَلَی أَنْ أَعْصِیَ اللَّهَ فِی نَمْلَهٍ أَسْلُبُهَا جُلْبَ شَعِیرَهٍ مَا فَعَلْتُهُ وَ إِنَّ دُنْیَاکُمْ عِنْدِی لَأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَهٍ فِی فَمِ جَرَادَهٍ تَقْضَمُهَا مَا لِعَلِیٍّ وَ لِنَعِیمٍ یَفْنَی وَ لَذَّهٍ لَا تَبْقَی نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَ قُبْحِ الزَّلَلِ وَ بِهِ نَسْتَعِینُ». (نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، خطبه ۲۲۴، ص ۳۴۷).

۲- فرهنگ معاصر (عربی- فارسی)، ص۱۸، واژه «امن».

۳- المفردات فی غریب القرآن، ص۹۰.

۴- مجمع البحرین، ص۲۰۲.

خوف، ضد خیانت،(۱) آمـده است. «اصـل ماده «أمن» به معنای امنیت، سـکون و رفع خوف، وحشت و اضـطراب است که در موارد مختلف کـاربرد متفـاوت دارد و به اعتبـار متعلق، به یکی از معناهای ذکرشـده، اسـتعمال می شود. امانت به اشـیا و اموال عینی خـارجی اطلاق می شود که به عنوان امانت در اختیار کسـی قرار می گیرد»(۲) و از نظر شـرع احکام خاص خود را دارد. امانت دار به کسی گفته می شود که اموال و اشیای امانت را به موقع به صاحبانش باز گرداند.

از منـابع لغت شناسـی به دست می آیـد که واژه امـانت به معنـای اطمینان خاطر و سـکون و آرامش قلب است و هم خانواده با کلمـات ایمـان، مؤمن، مأمون و امثال آن است که با قلب و دل آدمی ارتباط دارنـد. وقتی گوهر ایمان در دل انسان مؤمن قرار می گیرد، دیگر ترس و وحشت و اضـطراب در او وجود نـدارد. امـانت دار هم انسـان مؤمنی است که بـا سپردن مـال به عنوان امانت در دست او، قلب صاحب امانت، از حفظ آن مطمئن است و کوچک ترین نگرانی در او مشاهده نمی شود. شاید به این دلیل، امانت داری در قرآن از صـفات مؤمنان ذکر شده است. خداوند در این زمینه می فرماید: «وَالَّذِینَ هُمْ لِأَماناتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ راعُونَ؛ و آنهـا که امانت ها و عهـد خود را رعایت می کننـد.» (مؤمنون: ۸) از جمله اوصـاف اهـل ایمان این است که امانت و پیمان را به خوبی رعایت می کنند. اگر کسی در امانت خیانت کند یا عهد و پیمان را بشکند، جزو مؤمنان نیست.

امانت و امانت داری، مصادیق گوناگونی دارد و به معنوی و مادی و غیر

ص:۱۹۹

۱- لسان العرب، ج ۱۳، ص۲۱.

۲- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۴۹.

آن قابل تقسیم است. محور اصلی بحث امانت، امانت های مالی است که به اقتصاد و امور اقتصادی مربوط می شود.(۱) در قرآن کریم آیات متعددی درباره امانت و امانت داری بر لزوم رعایت آن تأکید دارند و از ویژگی های مؤمنان به شمار آمده است.(۲) قرآن در همین باره دستور صریح دارد: «فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضاً فَلْيُؤَدِّ الَّذِى اؤْتُمِنَ أَمانَتَهُ وَ لْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ؛ اگر بعضی از شما نسبت به بعضی دیگر اطمینان داشته باشد، [می تواند بدون نوشتن سند و رهن با او معامله کند و امانت خویش را به او بسپارد] در این صورت، کسی که امین شمرده شده است، باید امانت [و بدهی خود را به موقع] بپردازد و از خدایی که پروردگار اوست، بپرهیزد». (بقره: ۲۸۳)

در حقیقت، تقوای پروردگار ضامن اجرای امانت داری بیان شده است؛ یعنی امانت دار باید به اطمینان و اعتماد صاحب امانت احترام بگذارد و در امانت او خیانت نکند و تقوای الهی را پیشه خود قرار دهد.(۳)

خدا در آیه دیگری با تأکید بیشتری نسبت به ادای امانت می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها؛ خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید». (نساء: ۵۸)

امانت داری در امور مالی بسیار مهم و لازم الرعایه است و بر همه مسلمانان واجب است که امانت ها را به صاحبان آنها برگردانند و کوچک ترین خیانتی در امانت مردم، مرتکب نشوند. به ویژه در جهاد و مبارزه اقتصادی با استکبار جهانی باید بیشتر دقت کرد تا مبادا در امور مربوط به صنعت و فن آوی نوین خیانت شود و اسرار و اطلاعات محرمانه و سرّی به دشمن برسد. خداوند در این مورد می فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَماناتِكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، به خدا و پیامبر خیانت

۱- تفسیر بیان السعاده، ج ۴، ص ۱۰۹.
۲- تفسیر أحسن الحدیث، ج ۴، ص ۱۱۹.
۳- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۹۵.

نکنید و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که می دانید [این کار، گناه بزرگی است].» (انفال: ۲۷) خیانت به کشور اسلامی، مشمول این آیه است؛ چراکه خیانت به جامعه اسلامی، خیانت به خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله است. بنابراین، امانت داری در امور اقتصادی، یکی از شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی است و جهادگران باید در ادای امانت بسیار جدّی و راسخ باشند و هرگونه امانتی را که در اختیار دارند، به صاحبان آن برگردانند. در غیر این صورت، به تصریح قرآن کریم، از شمار اهل ایمان خارج خواهند شد.

۱۶. اتقان عمل

۱۶. اتقان عمل

در امر تولید دو جنبه دارای اهمیت زیاد است: یکی، جنبه کمّی؛ دوم، جنبه کیفی کالا ـ و خدمات. کمیّت تولید، ناظر به فراوانی تولید است و اینکه میزان کمّی محصول افزایش یابد. این بُعد از تولید مهم است و باید میزان تولید افزایش یابد تا کمبودی در عرضه کالا ـ پیش نیاید، اما جنبه کیفی تولید که در این نوشتار به «اتقان عمل» از آن تعبیر می شود، از اهمیت بیشتری برخوردار است. اتقان عمل عبارت از محکم کاری و توجه به کیفیت عمل است که وقتی کار به محصول و فرآورده تبدیل می شود، آن محصول دارای کیفیت و کارآیی بالایی باشد. امروزه یکی از مشکلات تولید، بی توجهی به کیفیت محصول است. بسیاری از کالاهای گران قیمت را اگر با هزینه زیاد تهیه کنی، در همان روزهای اول از کار می افتد یا کارآیی لازم و مطلوب را ندارد. این قبیل کالاها کم نیست و هر خانواده ای کم و بیش با این مشکلات روبه رو نیست.

به نظر می رسد شاخص مهم جهاد اقتصادی از نظر تربیتی، توجه به کیفیت کار و بهبود کیفیت کالای تولیدشده است، چنان که نظام هستی بر اتقان عمل و محکم کاری بنا شده است: «صُنْعَ اللَّهِ الَّذِی أَتْقَنَ کُلَّ شَیْ ءٍ؛ آفرینش

خداونـدی همه چیز را متقن آفریـده است.» (نمـل: ۸۸) معصومین علیهم السـلام هم به محکم کـاری و بهسـازی فرآورده هـای تولید دسـتور داده اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «إذا عمل احدکم عملاً فلیتقن؛(۱) هرگاه یکی از شما کاری انجام دهد، باید که [آن را] اسـتوار و محکم سازد.»(۲) همچنین آن حضـرت در سـخن دیگری فرمود: «لکنَّ الله یحبُّ عبداً إذا عمل عملاً احکمه؛(۳) خداوند بنده ای را دوست دارد که هرگاه عملی را انجام می دهد، آن را مستحکم کند».(۴)

بنابراین، اتقان عمل و توجه به کیفیت کالا، از شاخص های مهم تربیتی جهاد اقتصادی است. فعالان میدان اقتصاد در همه ابعاد به ویژه حوزه تولیـد بایـد به کیفیت محصول دقت کافی کننـد و فرآورده هایی تحویل جامعه دهنـد که توجه مشتریان را جلب کند. طبیعی است هرگاه کارخانه ای با مارک خاص خود، کالاهای باکیفیت عرضه کند، بازار مصرف را به کنترل خود درمی آورد؛ چون مردم به کیفیت و کـارآیی کالا توجه دارنـد، نه شـکل ظاهری آن. برعکس، اگر کارخانه ای محصول نامرغوب و بدون کیفیت تحویل داد، اعتبار خود را از دست می دهد و در درازمدت ورشکسته می شود. ازاین رو، اتقان عمل از نظر سود مادی و پاداش اخروی، شاخص تربیتی در باب جهاد اقتصادی است.

از مطالب این فراز روشن شـد که شاخص های مؤثر در چگونگی رفتار جهادگران اقتصادی، شانزده شاخص است و هر کـدام از آنهـا در عملکرد آنان اثر خاصـی دارنـد. این شاخص ها رفتار و برخورد فرد با مادیات، محرومان و نیازمنـدان را به روشـنی نشان می دهند که یک مجاهد عرصه اقتصاد در حوزه

۱- فروع کافی، ج۳، ص۲۶۲.

۲- اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص۹۷.

۳- محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الامالی، ص۳۸۵.

۴- اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص۹۷.

تولیـد، توزیع و مصـرف چگونه رفتار کند. در زندگی شخصـی خود چگونه از امکانات بهره ببرد و چه تدبیری در پیش بگیرد تـا از آسـیب هـای اقتصـادی مصون بمانـد. اخلاـق مـداری، تقوای مالی، عـدالت محوری، میانه روی، ساده زیستی، فقرزدایی، امـانت داری و دیگر شاخص های ارائه شـده، همه به اصـلاح رفتار در میـدان اقتصاد و فعالیت در تولیـد، توزیع و مصـرف نظر دارند و با پای بندی به آنها، آسیب پذیری در این عرصه از بین می رود یا به شدت کاهش می یابد.

در این شـاخص هـا بر اتقـان عمـل و محکم کـاری، نظم و انضـباط، کـار و تلاـش نیز تأکیـد شـده است تا فعالیت اقتصادی به محصول مفید و باکیفیتی منتهی و در نهایت، رضایت مصـرف کنندگان حاصل شود. کم کاری یا کار ضعیف در تولید کالا و لوازم زندگی، افزون بر سـلب اعتماد تولیدکنندگان، به خانواده ها که مصرف کننده کالا هستند، زیان می رساند. توجه به این شاخص ها در عرصه عمل به رشد کیفیت کالاها می انجامد.

فصل پنجم: راه کارهای تقویت شاخص ها ی تربیتی جهاد اقتصادی در رسانه ملی

اشاره

ص:۲۰۳

فصل پنجم: راه کارهای تقویت شاخص ها ی تربیتی جهاد اقتصادی در رسانه ملی

رهبر معظم انقلاب درباره نقش بصیرت دهی صدا و سیما در عرصه های مختلف می فرماید: «صدا و سیما، رایج ترین و پُربردترین وسیله برای انتقال همه چیز است.»(۱) پس در فضای جهاد اقتصادی هم می تواند نقش انتقال اطلاعات را بر عهده بگیرد.

راه کارهای تفویت شاخص ها، به حوزه خاصی از سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری مربوط است، ولی به این دلیل که دسته بندی راهکارها به این سه حوزه و تفکیک آنها، هم زمان بیشتری لازم دارد و هم حجم نوشتار افزایش می یابد، آنها را به صورت یکسان و بدون تقسیم به شناختی، عاطفی و رفتاری ارائه خواهیم دا د.

۱. بینش افزایی مخاطبان

۱. بینش افزایی مخاطبان

در این نوشتار، منظور از بینش افزایی مخاطب، تقویت شناخت مخاطبان در امور اقتصادی است؛ یعنی رسانه باید مخاطبان را، هم نسبت به مبانی و

۱- تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص۳۴۷.

اصول جهاد اقتصادی و هم به مراحل و فرآیند اجرای آن در عرصه عمل و روش ها و فنون مورد نیاز در انجام مبارزه اقتصادی آشنا سازد. این امر، در راه کاری به صورت سیستماتیک و منظم، در قالب کلاس و تدریس قابل اجراست. بدین طریق که با دعوت از کارشناسان، طبق فراخوان قبلی، هر شبانه روز در زمان معیّن به شکل سخنرانی و ارائه اطلاعات به مخاطبان، سطح آگاهی آنان را تقویت کند. رادیو معارف این کار را هر روز انجام می دهد و با دعوت از استادان و متخصصان حوزه و دانشگاه، در موضوع های دینی و اعتقادی، شناخت مخاطبان را تقویت می کند و به پرسش های مردم پاسخ می دهد. با این کار، بسیاری از شبهه های موجود در جامعه از اذهان نسل جوان زدوده می شود.

در شبکه های مختلف سیما می توان با برنامه سازی درباره جهاد اقتصادی و حوزه های گوناگون آن، سطح بینش مردم را نسبت به مبانی و اصول و بخش های فرآیندی اقتصاد افزایش داد.

ساخت فیلم و سریال های مناسب و جذاب در حوزه جهاد اقتصادی بر قوه بینایی و شنوایی بینندگان اثر می گذارد و آنان را با زوایای آشکار و نهان فرآیند تولید، توزیع و مصرف آشنا می سازد. در بعضی فیلم های کوتاه و بلند مشاهده می شود که به گوشه ای از مسائل اقتصادی می پردازند. مثلاً در فیلم حضرت یوسف علیه السلام به خشک سالی، قحطی، چگونگی ذخیره سازی گندم به خوبی اشاره گشت و روش قرآنی ذخیره سازی به کار گرفته شد. تأکید اصلی این فیلم و پی آمدهی آن بر بخش اقتصادی متمرکز نبود، ولی به این قسمت توجه شد و برای بینندگان هم جالب بود. برنامه سازان می توانند همین بخش اقتصادی را تقویت کنند و با روش های بهتری ارائه دهند. در مورد اوضاع

اقتصـادی کنونی و کارخـانه هـای تولیـدی و شـرکت های توزیع کالا و خـدمات نیز می توان طبق برنامه های سازمانی، فیلم و سریـال سـاخت و بـا کارشـناسان و اهـل خبره، جلسات پرسـش و پاسـخ ترتیب داد. بـدین طریق، می توان به مخاطبان در زمینه مسائل اقتصادی، آگاهی بخشید.

۲. تقویت مبانی اقتصاد اسلامی در مخاطبان

۲. تقویت مبانی اقتصاد اسلامی در مخاطبان

بسـیاری از مبانی و اندیشه های نظری اقتصاد اسلامی در شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی بیان شده است که تقویت آنها در جامعه و آشـناسازی بیشتر مردم با آن شاخص ها، نوعی تقویت مبانی اقتصاد اسـلامی در جامعه است. از آنجا که وظیفه اصلی رسـانه ملی، اطلاع رسانی به جامعه است، بایـد به این موضوع توجه ویژه داشت و به هر طریقی به مخاطبان بصـیرت و آگاهی داد. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید:

صـدا و سـیما، مسـئولیت آموزش عمومی و ایجـاد رشـد فرهنگی و سیاسـی و تبیین مبانی اسـلام و مقابله با توطئه های تبلیغاتی دشمن را با بهره گیری از هنر اصیل و سالم بر عهده دارد.(۱)

بر این اسـاس، اگر بخواهیم راهکاری را دنبال و برای فرآینـد جهاد اقتصادی جست وجو کنیم، بایـد قـدری در تصـحیح مبانی دینی در باب فعالیت های اقتصادی کار کنیم. منظور از تصحیح مبانی دینی این نیست که بخواهیم در دین اصیل، تغییری ایجاد کنیم، بلکه برداشت عمومی مردم از دین را که تا حدودی سطحی است و تقریباً به فرهنگ دینی جامعه تبدیل شده است و چه بسا با اسلام اصیل سازگاری ندارد، باید بازخوانی و اصلاح

۱- همان، ص ۳۴۶.

کرد. یکی از مواردی که به نظر می رسد، بنیادی است و تفکر فلسفی و نگرش بنیادین و جهان بینی مردم باید اصلاح شود تا به اصول اساسی دین و کتاب و سنت برگردد، این است که مبلغان دین، جامعه را از نظر اندیشه دینی تغذیه می کنند، ولی تعهد عملی به آن اصول، ضعیف است. ازاین رو، وظیفه رسانه ملی است که با استفاده از راه کارهای مناسب و مؤثر، تعهد عملی و رفتار اخلاقی مردم را در زمینه های گوناگون به ویژه امور اقتصادی اصلاح کند. در مقابل، اندیشه های وارداتی دیگری هم در جامعه وجود دارند که ممکن است با اندیشه های دینی درآمیزند. رسانه باید این افکار غیراسلامی را نیز بزداید. رسانه، عمومی ترین وسیله ارتباط جمعی است که به صورت مستقیم با افراد، خانواده ها و عموم مردم گفت وگو دارد و هر ساعت با پخش برنامه بر فکر و ذهن مردم اثر می گذارد.

۳. برنامه ریزی درست اقتصادی

۳. برنامه ریزی درست اقتصادی

تردیدی نیست که اقتصاد و مسائل مربوط به آن، بیشترین نقش را در حیات انسان دارد. به همین علت، افراد سالم و فعال جامعه در شبانه روز، بیشترین زمان خود را به کسب و کار و تهیه مایحتاج زندگی خود و اهل و عیال خویش می پردازند؛ چراکه برای عموم مردم چاره ای جز این نیست و باید هزینه نفقه خانواده را تأمین کنند، وگرنه نظام زندگی فرو می ریزد. معمولاً فقر و نیاز خانواده، نقطه آغاز نارضایتی و اختلاف خانوادگی را تشکیل می دهد. با مطالعه میدانی در وضعیت معیشتی خویشاوندان نشان می دهد بیشتر آنها با تلاش و زحمت، درآمد مناسبی دارند، ولی روش زندگی و اداره خانواده را نمی دانند. این گونه خانواده ها به الگوی درست اقتصادی نیاز دارند تا بر اساس آن، الگوی زندگی خود را تنظیم کنند و از بحران های موجود رهایی یابند.

ص:۲۰۸

رسانه ملی بایـد برنامه ریزی درست اقتصادی را در سـطوح مختلف به مردم عرضه کند. منظور از سـطوح مختلف این است که برنامه ها، هم از نظر حجم خانواده و تعـداد جمعیت خانوار متفاوت باشـند و هم از نظر سـطح درآمـد و وضـعیت معیشتی برای خانواده های ضـعیف، متوسط و مرفه، قابل تطبیق باشند. در این زمینه لازم است با مطالعه میدانی در شهرهای مختلف و اوضاع فرهنگی و اجتماعی اقشـار جـامعه و خـانواده هـا و هم خوان بـا هر قومیت فرهنگی و اجتمـاعی، الگوسـازی صـحیح اقتصـادی صورت گیرد. امام خمینی رحمه الله در تبیین وظیفه رسانه و نقش آن در اصلاح امور می فرماید:

این دسـتگا ه هـا [رادیو، تلویزیون، مطبوعـات و...]، دسـتگاه هـای تربیتی است، بایـد تمـام اقشار ملت با این دسـتگاه ها تربیت بشوند، یک دانشگاه عمومی است؛ یعنی دانشگاهی که در تمام سطح کشور گسترده است.(1)

رسـانه هـا بـا توجه به وسـعت کـاربردی و فراگیر بودن، اگر در زمینه جهـاد اقتصادی و تبیین الگوهای مناسب مصـرف و اداره زندگی به مردم، حرکتی اصلاحی از خود نشان دهند، تأثیر مثبت فراوانی بر زندگی مردم خواهند گذاشت.

۴. ترویج روحیه خودکفایی در جامعه

۴. ترویج روحیه خودکفایی در جامعه

درباره اصل خودکفایی به عنوان شاخصی تربیتی، پیش از این سخن رفت و منظور از آن در اینجا، تبیین نقش رسانه در ترویج آن در جامعه است؛ زیرا بستر رسیدن به خودکفایی، مردم و جامعه است و باید به عموم افراد و

۱- مجتبی فراهانی، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی= (تبیان، دفتر ۱۸)، ص۳۵۴.

خانوارها، اطلاع رسانی لازم در باب خودکفایی و شیوه انجام آن صورت گیرد تا مردم با نهادهای حکومتی و رسمی همراهی کنند. مردم، مصرف کننده اصلی فرآورده های تولیدی و سرمایه ملی هستند و باید در فرآیند تأمین نیازها و صرفه جویی در انرژی و اقلام مصرفی کمک کنند. رسانه باید این روحیه را در مردم به وجود آورد که می توان به خودکفایی رسید و از واردات، بی نیاز شد. ایجاد و تقویت این روحیه در همه اقشار جامعه بسیار مهم و سرنوشت ساز است که تنها از طریق رسانه امکان پذیر خواهد بود.

رهبر معظم انقلاب در سخنان نوروزی خود در زمینه مشارکت مردم در برنامه های کلان کشور فرمود:

مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم است. این نیازمند توان مند شدن است، نیازمند اطلاعات لازم است که اینها را باید مسئولین در اختیار مردم بگذارند و امیدواریم ان شاءالله این روند روزبه روز توسعه پیدا کند. البته رسانه ها نقش دارند، رادیو و تلویزیون نقش دارند، می توانند مردم را آگاه کنند؛ دولت هم باید فعال برخورد کند و بتوانند ان شاءالله مسئله اقتصادی را پیش ببرند.(۱)

در تبلیغ رسانه ای، محتوای پیام اهمیت دارد که باید با هدف دست یابی به خودکفایی منطبق باشد. بسیاری از برنامه ها ممکن است در این راستا نباشند و جهت گیری خاصی داشته باشند که باید هم سو با این هدف تنظیم شود. حتی میان برنامه هایی که هنگام پخش سریال نشان داده می شوند، در مخاطبان اثر دارند. اگر این برنامه های کوتاه با جهت گیری کلی هماهنگ نباشند، گاهی

۱- سخنرانی در حرم رضوی، ۱/۱/۱۳۹۰.

در فکر بینندگان اختلال ایجاد می کنند.(۱) چه بسا انگیزه افراد از مشارکت در امور اقتصادی را تضعیف می سازند و آنها را از انجام فعالیت های بلندمدت در راستای خودکفایی منصرف می کنند.

۵. تقویت روحیه قناعت در جامعه

۵. تقویت روحیه قناعت در جامعه

ایجاد روحیه قناعت در برابر روحیه آزمندی، در اقتصاد خرد و کلان جامعه نقش اساسی دارد و در کاهش و افزایش تقاضای کالا ـ و خدمات از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا حالت روانی و گاه تقاضاهای کاذب مردم که بر اثر موج تبلیغاتی نادرست پدید می آید، در افزایش و کاهش قیمت ها و ایجاد تورم اثرگذار است. رسانه ها بهترین وسیله در ایجاد روحیه قناعت عمومی در مردم هستند و با طراحی برنامه های سودمند باید به این کار اقدام کنند. اطلاع رسانی در زمینه پروژه های بزرگ اقتصادی، ساخت و ساز امور زیربنایی، تولید مایحتاج عمومی، میزان رشد فرآورد ه های کشاورزی و دام داری و امثال آن که نیازهای اولیه خانواده ها را فراهم می سازند، در ایجاد روحیه قناعت مؤثر هستند.

باید این کارها را به صورت مستند و در قالب مصاحبه با مجریان، گفت وگوی مستقیم با حاضران و بهره برداری طرح ها به مردم نشان داد. در برابر آن، از پخش برنامه های یأس آور و بزرگ جلوه دادن کمبودها و ایجاد تشویش اذهان عمومی نسبت به مسائل اقتصادی پرهیز کرد. رهبر انقلاب با اشاره به این نکته می فرماید:

ص:۲۱۱

۱- نک: دانیل استوت، برگزیده دانش نامه دین، ارتباطات و رسانه، به کوشش: سید حمیدرضا قادری و گروه مترجمان، صص۳۱۲_۳۱۴.

یکی از نقشه های بزرگ دشمنان ملت ایران، ایجاد تفرقه و شکاف در داخل بوده است؛ به بهانه قومیت، به بهانه مذهب، به بهانه گرایش های سیاسی، به بهانه جناح بندی ها، به بهانه های گوناگون.(۱)

در مورد اقتصاد کشور نیز این تهدید وجود دارد، چراکه همواره استکبار جهانی به ایجاد اختلاف بین مسئولان و ناامیدسازی مردم نسبت به آینده پرداخته است تا روحیه صبر و قناعت را از جامعه بزداید. رسانه ها باید برای مقابله با این اختلاف انگیزی دشمن برخیزند و برنامه های مناسبی تدارک ببینند.

۶. تشویق جامعه به فقرزدایی

۶. تشویق جامعه به فقرزدایی

در بیان شاخص ها گفته شد که فقرزدایی از مهم ترین شاخص های تربیتی در زمینه جهاد اقتصادی است. طبیعی است شاخص بودن فقرزدایی در قالب نظری، کفایت نمی کند و در عرصه های گوناگون اقتصادی باید اجرا شود. اندیشه فقرزدایی باید در ذهن و فکر همه مردم رشد کند و هر کس به اندازه توان خود به آن جامه عمل بپوشاند. حتی کمک های اندک مردم به صندوق های صدقه کنار خیابان، در روند فقرزدایی از جامعه کارساز است و به نیازمندان یاری می رساند. بر اساس گزارش مسئولان کمیته امداد امام خمینی رحمه الله از این صندوق ها، پول قابل توجهی جمع آوری می شود. ازاین رو، رسانه با ارائه گزارش ها و برنامه های مناسب می تواند میزان مشارکت مردم را افزایش بدهد.

امام خمینی رحمه الله درباره فقرزدایی و یاری رسانی به محرومان می فرماید:

۱- سخنرانی در حرم رضوی، ۱/۱/۱۳۹۰.

همه ما بایـد برای خـدمت به توده هایی که در طول تاریـخ همیشه محروم بوده انـد، کوشـش کنیم و دولت بایـد آنها را مقـدّم بـدارد و مغزهایی را که مشـغول به کارنـد، تشویق بکنـد. دولت بایـد این فرصت را که در این کشور افرادی پیدا می شوند که خودشـان می تواننـد کارهـا را انجـام بدهنـد، غنیمت بشـمارد و به تدریـج إن شـاءالله به آنجـایی برسـند که مـا دیگر به خارج احتیاجی نداشته باشیم.(۱)

این سـخنان به فقرزدایی و خودکفـایی که نتیجه فقرزدایی است، اشـاره دارد. از منظر ایشان، وظیفه اصـلی دولت، رسـیدگی به امور نیازمندان و قشـر آسیب پذیر جامعه است. البته روشن است که دولت به تنهایی قادر به رفع فقر از جامعه نیست و این مهم با مشارکت فعال مردم و به ویژه توان گران و نیکوکاران امکان پـذیر است. رسانه بایـد با تشویق مردم به این کار خیر، آنان را برای ریشه کنی محرومیت از کشور اسلامی، آماده سازد.

۷. دعوت مردم به میانه روی در امور مالی

۷. دعوت مردم به میانه روی در امور مالی

رسانه، وسـیله مهمی برای خبررسانی عمومی و اطلاع رسانی است. مردم نیز تقریباً به این کار عادت کرده اند و همیشه به اخبار و برنامه هایی گوش می دهند که صدا و سـیما پخش می کند. با اعتمادی که مردم به رسانه ملی دارند و خبرهای آن را با دید مثبت می نگرند، گرایش آنان روز به روز به رسانه افزایش می یابد. حتی کودکان که فارغ از جنجال های سیاسـی و اجتماعی زنـدگی می کنند، به رسانه وابسـته هسـتند و برنامه هایی را که برای آنان ساخته شده است و جنبه تفریحی و شادابی دارند، به دقت پی گیری می کنند. طبیعی است افراط و تفریط هایی در رفتار مردم وجود دارد که گاه

۱- تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی= (تبیان، دفتر ۱۸)، صص۲۸۷ و ۲۸۸.

جنبه ملی و اجتماعی به خود می گیرد؛ یعنی فراتر از خانواده ها به جامعه سرایت می کند. رسانه، مناسب ترین وسیله برای تشویق مردم به میانه روی در زندگی، هزینه سازی، رفتار با نزدیکان و همسایگان، امور معیشتی و استفاده از منابع طبیعی و انرژی های موجود است. اصحاب رسانه باید مردم را به اعتدال اقتصادی دعوت کنند و آنها را به این کار عادت دهند. لازمه این کار، دوری دست اندرکاران رسانه از زیاده روی در امور زندگی و قناعت و صرفه جویی است. اگر اصحاب رسانه بخواهند تبلیغ رسانه درباره صرفه جویی و دوری از افراط مؤثر باشد، باید از پخش فیلم ها و برنامه های اسراف گرا دوری کنند؛ چراکه این گونه برنامه ها آسیب زا هستند و مردم را به شدت به افراط و اسراف گرایی سوق می دهند. به برنامه سازان و مجریان سفارش می شود وقتی برنامه ای از نظر دینی، فرهنگی و اقتصادی، مفید است و از شبکه های مختلف سیما به اجرا درمی آید، برنامه منافی با آن را پخش نکنند، وگرنه اثر کار قبلی را از بین می برد.

امام خمینی رحمه الله در توصیه ای به رسانه ها و ارشاد آنها، مردم را به امور خیر و فعالیت های سازنده اجتماعی و اقتصادی فرا می خواند و می فرماید:

تلویزیون باید ارشاد بکند، رادیو باید ارشاد بکند، روزنامه ها باید ارشاد بکنند. روزنامه ها نباید یک چیزهایی را که موجب تهییج مردم است و موجب انحراف مردم است، در آنجا بنویسند. رادیو نباید این کار را بکند، باید ارشاد بکنند.(۱)

بنابراین، وظیفه رسانه ملی، اطلاع رسانی و ارشاد مردم به راه درست زندگی است که در سطح وسیعی باید انجام گیرد. صاحبان رسانه در این

ص:۲۱۴

۱- همان، ص۳۵۸.

زمینه باید با برنامه سازی، استفاده از روش های جدید اطلاع رسانی و فعالیت هماهنگ در همه شبکه های رادیویی و تلویزیونی، مردم را به میانه روی و پرهیز از اسراف تشویق کنند.

۸. دعوت مردم به مشارکت در امور معنوی

۸. دعوت مردم به مشارکت در امور معنوی

گذشته از امور مادی و آشناسازی مردم با شیوه های زندگی و فعالیت های اقتصادی، رسانه ملی باید مردم را در مشارکت به امور معنوی و انجام مراسم مذهبی تشویق کند؛ چراکه جامعه، افزون بر نیازهای مادی، به معنویت و دیانت و پرورش روحی نیاز دارد. در حقیقت، نیاز معنوی جامعه، مهم تر از نیازهای مادی است، ولی مردم از آن درک و فهم درست و سریع ندارند و آن را همانند نیاز مادی به آسانی احساس نمی کنند. مردم با مادیات سروکار دارند و شبانه روز با امور معیشتی دست و پنجه نرم می کنند و همواره در تأمین زندگی می کوشند و همه برنامه ریزی ها و فعالیت های آنان رنگ مادی دارد. امور مادی، حسی هستند و پیرامون انسان را احاطه کرده اند و بدین جهت بیشتر جلب نظر می کنند. تنها افراد محدودی که از قید و بند ماده و مادیات تا حدی رهیده اند، به نیازهای معنوی اهتمام می ورزند. رسانه ملی وظیفه دارد نیاز معنوی جامعه را برای مردم برجسته سازد و آن را مانند نیازهای مادی و معیشتی در نظر آنان، مهم جلوه دهد. ازاین رو، اساسی ترین وظیفه رسانه ملی، هدایت معنوی و پرورش روحی و مذهبی مردم به ویژه نسل جوان است. مقام معظم رهبری در سخنرانی نوروز سال ۱۳۹۰ در حرم رضوی بر این امر تأکید کرد و فرمود:

ساده اندیشی است که برخی صرفاً در میان آمارها و داده های اقتصادی

ص:۲۱۵

غرق شده اند و حرکت های این آمارها را شرح و بسط می دهند، اما برای رشد مکارم اخلاقی و معنویت شاخص سازی نکرده اند و همچنان خلأ- این محور اصلی اقتصاد اسلامی نادیده گرفته شده است. به عنوان مثال، ستانده های اجرای نهاد زکات در جامعه، صرفاً آثار توزیعی و عدالت گستری آن نیست، بلکه مهم تر از این متغیرها، تحقق تزکیه و رضایت خدا و رسول صلی الله علیه و آله اوست که به صلوات الرسول منتهی می شود. بنابراین، در حرکت های مبتنی بر اقتصاد اسلامی علاوه بر رشد شاخص های اقتصادی، سرمایه های معنوی اجتماعی نیز تکاثر می یابد. جهاد اقتصادی زمانی در مسیر صحیح خود قرار می گیرد که عملکرد نهادهای اقتصادی از انباشت ثروت در دست عده ای محدود جلوگیری کند و دسترسی امکانات تولید و رشد اقتصادی را برای همه میسر سازد و درآمدها و برخورداری ها را بر اساس سعی و تلاش هر یک از عوامل تولید ارزش گذاری کند. همین امر اگر محور حرکت جهادی در اقتصاد قرار گیرد، می توان برای آن شاخص سازی کمّی و معیارهای ارزیابی تعریف کرد.(۱)

۹. تشویق مخاطبان به کسب حلال

۹. تشویق مخاطبان به کسب حلال

یکی از شاخص های جهاد اقتصادی، این است که خداوند، روزی آدمی را به حدّ نیاز او می رساند. حتی حشرات از روزی الهی برخوردارند و از نظر رازق بصیر و آگاه به احوال آفریدگان به دور نمانده اند و از نفقه لازم بهره مندند. باید این شاخص برای مردم تفهیم و روشن شود که خداوند، رازق مطلق است و او روزی همگان را می رساند. رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرییل امین خبر داد و فرمود:

ص:۲۱۶

۱- ۱.www. khamenei.ir.

همانـا روح الامین جبرییـل از جـانب پروردگـار به من خبر داد که هیـچ کس نمی میرد، مگر اینکه روزی اش تمـام شود. پس تقوای الهی را پیشه کنید و بدانید که روزی دو قسم است: آن روزی که به سراغ شما می آید و آن روزی که شما به سراغ آن می رویـد. بایـد از طریـق حلال طلب روزی کنیـد تـا حلال بخوریـد و اگر از راه حلال طلب روزی نکردیـد، حرام خـواهید خورد.(۱)

امام علی علیه السلام در وصیتی به فرزندش، محمد بن حنفیه فرمود:

فرزنـدم! روزی دو گونه است: آن روزی که طـالب آن هستی و آن روزی که به سـراغ تو می آیـد. پس نبایـد بر تـأمین هزینه سـالت بیش از شـبانه روزت همت گمـاری؛ چون هر روز، رزق تـازه ای به تو می رسـد. آن چه روزی توست، از آنِ توست و کسی به آن دست نخواهد یافت. پس نباید خود را بیش از اندازه به زحمت اندازی.(۲)

آن چه از این روایـات برمی آیـد، این است که انسان دو نوع رزق و روزی دارد و روزی را بایـد از راه های حلال جست وجو کند، نه از راه حرام، همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله به این مطلب تصریح فرموده است. رسانه ملی باید راه های کسب حلال را به

ص:۲۱۷

۱- ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مُرَازِمِ بْنِ حَکِیمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ ع عَنْ آبَائِهِ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ۹: «إِنَّ الرُّوحَ الْأَمِینَ جَبْرَئِیلَ أَخْبَرَنِی عَنْ رَبِّی تَبَارَکَ وَ تَعَالَی أَنَّهُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّی تَسْتَکْمِلَ رِزْقَهَا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَجْمِلُوا فِی الطَّلَبِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ الرِّزْقَ رِزْقَانِ فَرِزْقٌ تَطْلُبُونَهُ وَ رِزْقٌ یَطْلُبُکُمْ فَاطْلُبُوا أَرْزَاقَکُمْ مِنْ حَلَالٍ فَإِنَّکُمْ آکِلُوهَا حَلَالًا إِنْ طَلَبْتُمُوهَا مِنْ وُجُوهِهَا وَ إِنْ لَمْ تَطْلُبُوهَا مِنْ وُجُوهِهَا أَکَلْتُمُوهَا حَرَاماً وَ هِیَ أَرْزَاقُکُمْ لَا بُدَّ لَکُمْ مِنْ أَکْلِهَا.» (بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۸).

۲- «یَا بُنَیَّ الرِّزْقُ رِزْقَانِ رِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَ رِزْقٌ یَطْلُبُکَ فَإِنْ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاکَ فَلَا تَحْمِلْ هَمَّ سَنَتِکَ عَلَی هَمِّ یَوْمِکَ وَ کَفَاکَ کُلَّ یَوْمٍ مَا هُوَ فِیهِ فَإِنْ تَکُنِ السَّنَةُ مِنْ عُمُرِکَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ سَیَأْتِیکَ فِی کُلِّ غَدٍ بِجَدِیدِ مَا قَسَمَ لَکَ وَ إِنْ لَمْ تَکُنِ السَّنَةُ مِنْ عُمُرِکَ فَمَا تَصْنَعُ بِغَمٍّ وَ هَمٍّ مَا لَیْسَ لَکَ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَنْ یَسْبِقَکَ إِلَی رِزْقِکَ طَالِبٌ وَ لَنْ یَغْلِبَکَ عَلَیْهِ غَالِبٌ وَ لَنْ یَحْتَجِبَ عَنْکَ مَا قُدِّرَ لَکَ فَکَمْ رَأَیْتَ مِنْ طَالِبٍ مُتْعِبٍ .» (من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۳۸۴).

مردم نشان دهـد و آنها را از درآمـد حرام بر حـذر دارد. امروزه معاملات حرام در قالب شـرکت های هرمی به عناوین مختلف در جوامع اسـلامی رو به گسترش نهاده است. افشاگری درباره این گونه شـرکت ها و اطلاع رسانی به مردم جز از طریق رسانه هـای عمومی امکـان پـذیر نیست. تاکنون نیز در این زمینه، کارهای خوبی از رسانه ملی مشاهـده شـده و اطلاع رسانی مطلوبی صورت گرفته است. این کار باید ادامه یابد؛ چون مجریان و برنامه ریزان شرکت های هرمی بی کار نمی نشینند و ممکن است با نام های دیگر دوباره به میـدان بیایند و پول و دارایی مردم را به غارت ببرند. تشویق مردم به کسب حلال و اطلاع رسانی در این زمینه و تبلیغ پی آمـدهای منفی حرام خوری از شـاخص هـای مهم تربیتی است که در سـال جهـاد اقتصـادی، بیش از سال هـای دیگر بایـد انجام گیرد. جهادگران اقتصادی نیز بایـد با روش های کسب حلال و آثار و پی آمـدهای حرام خواری آشـنا شوند.

۱۰. ترویج امور کشاورزی

۱۰. ترویج امور کشاورزی

ترویـج کشـاورزی به عنوان کسب حلال پرمنفعت و بـابرکت در سال جهاد اقتصادی، از شاخص های تربیتی جهاد در عرصـه اقتصـاد است. کشـاورزی با گستره وسـیع آن، کاری بسـیار سودبخش و مؤثر در زمینه خودکفایی جامعه است که از دیرزمان، مورد توجه بزرگان دینی و سیاسـی بوده و امروزه نیز نقش خود را در ایجاد رفاه و استقلال جامعه حفظ کرده است. بسیاری از مایحتاج زندگی مردم، مستقیماً از

طریق محصولات کشاورزی و برداشت تولیدات زمین به دست می آیند. مانند میوه ها، سبزی ها، حبوبات و امثال آن با برداشت از باغ و مزرعه، بدون نیاز به صنعت و تکنولوژی قابل استفاده هستند و چندان به تغییر و تحول شیمیایی و فیزیکی نیاز ندارند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «أَوَ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْماءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعامُهُمْ وَ أَنْفُسُهُمْ أَ فَلا يُبْصِرُونَ؛ آیا ندیدند که ما آب را به سوی زمین های خشک می رانیم و به وسیله آن زراعت هایی می رویانیم که هم چارپایانشان از آن می خورند و هم خودشان تغذیه می کنند، آیا نمی بینند؟» (سجده: ۲۷) در این آیه، به نزول باران آسمانی و نقش آن در رویش گیاهان، میوه ها، حبوبات و رشد انسان ها و چار پایان اشاره شده است که همیشه به اراده خداوند به خوبی انجام می شود. در تفسیر نمونه، ذیل این آیه چنین آمده است:

به راستی اگر باران نمی بارید، بسیاری از زمین ها، قطره ای از آب به خود نمی دید، حتی اگر فرضاً رودخانه های پرآبی وجود داشت، بر آنها مسلط نمی شد، اما اکنون می بینیم که به برکت این رحمت الهی بر فراز بسیاری از کوه ها و دامنه های صعب العبور و تپه های مرتفع، جنگل ها و درختان فراوان و گیاهان بسیار روییده است. این قدرت آبیاری عجیب، تنها در باران است و از هیچ چیز دیگر ساخته نیست.(۱)

وسعت دامنه کشاورزی و اهمیت آن در زندگی آدمی روشن است و چیزی است که در آیات متعدد قرآن به آن اشاره شده است. خداوند در جای

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۷۵.

دیگری می فرماید: «الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ فِراشاً وَ السَّماءَ بِناءً وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَراتِ رِزْقاً لَکُمْ فَلا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْداداً وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ آن کس که زمین را بستر شما و آسمان [جوّ زمین] را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد و از آسمان، آبی فرو فرستاد و به وسیله آن، میوه ها را پرورش داد تا روزی شما باشد. بنابراین، برای خدا همتایانی قرار ندهید، در حالی که می دانید [هیچ یک از آنها، نه شما را آفریده اند، و نه شما را روزی می دهند]». (بقره: ۲۲)

در سخنان و سیره معصومین علیهم السلام نیز به اهمیت و نقش اساسی کشاورزی در تأمین معیشت جامعه بشری اشاره شده است و آن بزرگواران، به فعالیت کشاورزی می پرداختند و در مزرعه کار می کردند. امام صادق علیه السلام در این زمینه فرمود:

من در بعضی از کشتزارهایم به اندازه ای کار می کنم که عرق می ریزم، با اینکه کسانی را دارم که این کارهای مشکل را به عهده بگیرند [، ولی کارم را به آنان واگذار نمی کنم و خود به آن می پردازم] تا خدای متعال مرا در طلب روزی حلال ببیند.(۱)

بر این اساس، رسانه ها باید با تشویق مردم به امور کشاورزی مردم را با جدیدترین شیوه های کشاورزی آشنا سازند. البته رسانه ملی، کم وبیش به این موضوع توجه دارد و به تبیین آن می پردازد، ولی کافی نیست و باید در این زمینه، برنامه های منظم و مستمر ارائه دهند. حتی مناسب است، شبکه خاصی بدین منظور در نظر گرفته شود و در امور کشاورزی اطلاع رسانی علمی کند؛ چراکه فعال سازی کشاورزی، هم به خودکفایی کشور کمک می کند و هم نیروی انسانی بسیاری را به کار مشغول می سازد و هم برای

۱- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۳.

خانواده ها، برکت و سلامت به همراه دارد. از نظر روانی و سلامت و بهداشت نیز آثار مثبت فراوانی در فعالیت کشاورزی وجود دارد که پرداختن به آن، بحث مستقلی می طلبد.

۱۱. هدایت جوانان به کار و خدمت رسانی به مردم

۱۱. هدایت جوانان به کار و خدمت رسانی به مردم

جوان دارای خصوصیات جسمی، عاطفی و روحی است که هر کدام منشأ کار و فعالیت خاصی خواهند بود. جوانی، دوره رشد و شکوفایی همه استعدادها و ظرفیت های وجودی انسان است و در این مرحله از زندگی، توانایی های آدمی به رشد و بالندگی مطلوب خود می رسد. از نظر فیزیکی و جسمی، خصوصیات متفاوتی از دوره کودکی و نوجوانی در جوان مشاهده می شود که مخصوص دوره جوانی است. عضلات بدن به رشد کامل خود می رسد و ماهیچه های جسمی، محکم و قوت و قدرت فیزیکی در تمام اعضای بدن آشکار می شود. جوان با قدرت بدنی می تواند کارهای سنگین و طاقت فرسایی را انجام دهد.

اسلام، راه های درست استفاده از توان جسمی را به جوان نشان داده است. قرآن کریم علت انتخاب طالوت به فرماندهی نظامی جمعی از بنی اسراییل را توان جسمی وی معرفی می کند: «إنَّ الله أصطَفاهُ علَیکُم و زادَهُ بَسطَةً فی العِلمِ و الجِسمِ؛ خداوند، او را بر شما برگزیده و بر دانش و [توان مندی] جسم او افزوده است». (بقره: ۲۴۷)

طالوت از نظر جسمی، مردی بلندقامت و تنومند و خوش اندام بود و بدن محکم و نیرومندی داشت و از نظر قوای روحی نیز بسیار زیرک و دانشمند

و باتدبیر بود.(۱) همین توان جسمی و قدرت روحی طالوت، علت انتخاب او به فرماندهی بنی اسراییل بود که در مدت کوتاهی، شایستگی خود را در میدان جنگ و مبارزه با دشمن نشان داد.(۲)

امام علی علیه السلام از خداوند طلب نیرو و توان جسمی می کند تا در راه خدمت به خدا و خلق خدا قدم بردارد. ایشان در دعای کمیل عرض می کند: «یا رَبِّ یا رَبِّ! قَوِّ عَلَی خِدمَتِکَ جَوارِحِی و اشدُد عَلَی العَزِیمَهِ جَوانِحِی؛ پروردگارا، پروردگارا! اندام مرا بر خدمت گزاری ات توان مند ساز و درونم را در تصمیم گیری قوی دار». (۳)

کلمه «جوارحی» در کلام امام علی علیه السلام در قدرت جسمی صراحت دارد که حضرت از خدا خواسته است. بر این اساس، تقویت جسمی و توانایی های بدنی، از راه های مشروع مانند ورزش، تفریح، پیاده روی، شنا، اسب سواری و امثال آن، طبق راهنمایی های معصومین علیهم السلام مجاز و مورد تأکید آنان بوده است. منتهی آن توان را باید در راه اسلام و قرآن هزینه کرد و برای نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و ترویج اخلاق اسلامی و در مسیر رشد و خودکفایی جامعه به کار بست.

از منظر اسلام، پاداش های بزرگی برای گره گشایی از کار مردم وعده داده شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره خدمت رسانی به خلق خدا می فرماید: «احبُّ الاعمالِ الی اللهِ من أطعَمَ مِن جُوعٍ او أدفَعَ عَنهُ مَغرَماً او کَشَفَ عَنهُ کَرباً؛ دوست داشتنی ترین کار نزد خدا آن است که گرسنه ای را سیر کنند یا وامش را

۱- تفسیر نمونه، ج۲، ص۱۶۷.

۲- همان، ص۱۶۸.

۳- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، صص۱۰۱-۱۱۰.

بپردازند یا رنجی از او بردارند.»(۱) به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله ، اطعام گرسنه، پرداخت بدهی فقیر و برطرف ساختن رنج و ناراحتی از مسلمان، کاری پسندیده است که خداوند آن را دوست دارد و به صاحبش اجر مادی و معنوی عنایت می کند. ایشان در حدیث دیگری می فرماید: «کانَ عَلَی الطَّرِیقِ غُصنُ شَجَرَهٍ یؤذِی النّاسَ فَأماطَها رجُلٌ فُأدخِلَ الجَنَهَ؛ شاخه درختی در راه مردمان بود که رهگذران را می آزرد. مردی آن را از میان برداشت و به وسیله آن کار بهشتی شد.»(۲) همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله در دستور همگانی به همه مسلمانان می فرماید: «نَحِّ الأذی عَن طَرِیقِ المسلِمِین؛ آنچه به مسلمانان آزار می رساند، از سر راه بردار».(۳)

بنابراین، یکی از برترین کارها، کمک رسانی به مردم و همکاری با نیازمندان است که در فرهنگ دینی و اسلامی ارزش والایی دارد. سیره معصومین علیهم السلام نیز بیانگر اهمیت آن است و هر یک از آن بزرگواران در طول زندگی شان تا آن اندازه که ممکن بود، به مردم کمک می کردند. داستان های فراوانی از خدمت رسانی معصومین علیهم السلام در منابع روایی و تاریخی وجود دارد که به ذکر آنها نیازی نیست. آنچه مهم است، توجه جوانان به سیره آنان است تا دوره جوانی را در راه خدا و خدمت به خلق خدا سپری کنند؛ چراکه جوان از هر جهت قدرت خدمت رسانی دارد و می تواند به اندازه توان خود، مشکل دیگران را برطرف سازد و درمانده ای را کمک کند.

«روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اصحابش نشسته بود. چشمش به جوان چابک و

۱- نهج الفصاحه، ترجمه: ابراهیم احمدیان، ص۲۲۴.

۲- همان، ص۲۲۵.

۳- همان.

نیرومنـدی افتـاد که بـا شـتاب از دیگران سـبقت می گرفت. اصـحاب گفتنـد: وای بر این جـوان چقـدر خوب بود که جوانی و چابکی وی در راه خدا می بود. پیامبر فرمود: «این حرف را نزنید؛ زیرا اگر او برای خودش می کوشد تا خود را از درخواسـت از مردم بـاز دارد و از مردم بی نیاز کنـد، در حقیقت، در راه خـداست و اگر برای پـدر و مادر ناتوان یا فرزنـدان خود که توان کار ندارند، تلاش می کند تا آنها را بی نیاز سازد و کفایت کند، به حق در راه خداست».(۱)

رسـانه هـا براسـاس وظیفه ای که دارنـد، بایـد به تبلیغ و ترویـج فرهنگ کار بپردازنـد و نسل جوان را به کار و فعالیت در همه عرصه ها به ویژه عرصه اقتصادی هدایت و تشویق کنند تا زندگی سالمی داشته باشند و به جامعه و نیازمندان یاری برسانند.

۱۲. مبارزه با گدایی و گداپروری

۱۲. مبارزه با گدایی و گداپروری

درخواست مالی از دیگران به وسیله افرادی که به صورت حرفه ای وارد این کار می شوند، از امور ناپسندی است که با تفاوت های فرهنگی و اجتماعی در همه جوامع، اعم از اسـلامی و غیراسـلامی، کم وبیش وجود دارد. گدایی جنبه اجتماعی و دینی و مذهبی دارد و از هر زاویه به این پدیده بنگریم، امری ناپسـند و ناخوشایند است. از نظر اجتماعی، در صورت افزایش گدایی و شمار گـدایان در بازار و خیابان، چهره شـهر زشت می شود و احساس ناخوشاینـدی از مشاهـده آنان به انسان دست می دهـد؛ چراکه معمولاً گدایان برای جلب توجه مردم و تحریک عواطف

۱- ملامحسن فیض کاشانی، ترجمه محجه البیضاء، تصحیح: علی اکبر غفاری، ج۳، ص۱۶۵.

آنـان، بـا لبـاس هـای آلوده و چرکین و بـا حـالت رقت بـار در جـامعه حضور می یابنـد که دیـدن آنهـا برای هر کس، موجب ناراحتی روحی و روانی می شود. گـدایان در تبلیغات خود برای تحت تأثیر قرار دادن مردم، جملات مهیـج را با صدای بلند به زبان می آورند و معمولاً این کلمات سبب ناراحتی شنوندگان می شود.

درخواست کمک مالی و گدایی در فرهنگ اسـلام، ناپسـند است؛ چون این کار سـبب تضعیف عزت نفس و شخصیت او می شود و اسـلام چنین اجـازه ای نمی دهـد. قرآن کریم به این موضوع اشـاره می کنـد و می فرمایـد: «لا ـ یَسْ ـئَلُونَ النَّاسَ إِلْحافاً؛ و [نیازمندان مؤمن و باشخصـیت] هرگز با اصـرار چیزی از مردم نمی خواهند.» (بقره: ۲۷۳) نیازمنـدان واقعی و کسانی که در راه خدا جهاد می کنند و مشغول کار خیر هستند، هرچند نیازمندند، ولی چیزی از مردم نمی خواهند. البته اگر چیزی به آنها انفاق شود، خداونـد از آن آگاه است و به آن پاداش می دهد.(۱) از این آیه به دست می آید که درخواست مالی از مردم و اصـرار بر آن پسندیده نیست و نباید به آن عادت کرد.

در روایات هم از سؤال ذلت آمیز و درخواست پول از مردم، به صورتی که با عزت نفس، ناسازگار باشـد، به شـدت منع شـده است. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله به ابـاذر فرمود: «یا اباذر! إیّاک والسُّؤال فإنَّه ذُلٌ حاضـرٌ و فَقرٌ تَتَعجِّلُهُ و فیه حسابٌ طویلٌ یومَ القیامه»؛ ای اباذر، از درخواست کمک مالی از مردم بپرهیز؛ زیرا این کار

۱- «وَما تُنْفِقُوا مِنْ خَیْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِیمٌ؛ و هر چیز خوبی در راه خدا انفاق کنید خداوند از آن آگاه است». (بقره: ۲۷۳)

اولاً ـ ذلت و خواری است. ثانیاً فقری است که تو آن را خواستی و در آن حساب درازی در قیامت است.»(۱) همچنین آن حضرت در سخن دیگری فرمود: «مامن عبدٍ فَتحَ علی نفسِهِ باباً من المسألهِ إلا فَتحَ اللهُ علیه سَبعینَ باباً من الفَقرِ؛ هر کس درِ سؤال را بر خود بگشاید، خداوند هفتاد درِ فقر را متوجه او سازد.»(۲) در روایت دیگری نیز از آن حضرت آمده است: «مَن سألنا أعطیناهُ و مَن استغنی أغناهُ اللهُ؛ هر کس از ما درخواست کند، به او می بخشیم و هر کس بی نیازی پیشه کند، خداوند، او را بی نیاز می سازد».(۳)

همه مردم وظیفه دارند که از گداپروری دوری کنند و به هر کسی پول ندهند. اگر مردم آگاه شوند و به جنبه های منفی گداپروری پی ببرند، در جهت کاهش شمار گدایان می کوشند. بیشتر گدایان کنار خیابان، نیازمندان واقعی نیستند، بلکه گدایان حرفه ای هستند که به این کار عادت کرده اند و اگر جایی برای نگه داری و تأمین معیشت آنها آماده شود، حاضر به زندگی در آنجا نخواهند بود. تجربه نشان داده است که از برخی گدایان خواسته شده است تا در جای معیّنی با تأمین هزینه، زندگی کنند که نپذیرفتند. حتی دیده شده است بعضی از آنها که مکان های مخصوصی دارند، گاه آن مکان ها را به دیگری اجاره داده اند. به هر صورت، گدایی با شأن جامعه اسلامی و عزت نفس تضاد دارد و با پی آمدهای منفی اجتماعی و اقتصادی همراه است. پس باید با این پدیده مبارزه شود و یکی از راه های مبارزه با آن به کارگیری توان وسایل ارتباط جمعی است.

۱- منتخب میزان الحکمه، ص۲۴۲، واژه «سؤال».

۲- همان.

۳- همان.

بـد نیست بدانیـد که امـام حسـین علیه السـلام ، روش حفـظ عزت نفس در سؤال کردن را به مردی از انصار آموخت که برای همگـان آموزنـده است. مردی از انصار خواست از حضـرت سیدالشـهدا علیه السـلام حاجتی بطلبـد. حضـرت به او فرمود: «ای برادر انصـار! آبرویت را از خواهش کردن حضوری نگه دار و نیـاز خود را کتبی اظهـار کن تـا به خواست خـدا، تو را خشـنود سازم.» او هم در نامه ای نوشت: «ای ابوعبـدالله علیه السـلام ! کسـی پانصد دینار از من طلب کار است و مرا زیر فشار گذاشـته است. از شـما خواهش می کنم با او سـخن بگوییـد تا به من مهلت دهد.» وقتی امام نامه او را خواند، وارد منزل شد و کیسه ای [هزار دیناری] به او داد و فرمود: «با پانصد دینار آن وام خویش را بپرداز و بقیه را خرج زندگی کن».(۱)

راه کارهـای عرضه شـده در این فصـل، ضـمن اینکه به آخرین بخش از سؤال هـای پژوهش در ارتبـاط بـا راهکارهای تقویت شاخص ها به وسـیله رسانه پاسـخ می گویند، شـیوه های تقویت شاخص ها در بخش های گذشـته را از طریق رسانه در اختیار برنامه سازان و دست اندرکاران صدا و سیما قرار می دهند. همان گونه که شاخص ها ناظر به سه حوزه تولید، توزیع و مصرف و در ارتبـاط با حیطه های شـناختی، عاطفی و رفتاری ارائه شـد، راهکارها هم این سه جنبه را دارنـد؛ یعنی هم باور جهادگران تقویت می شود، هم گرایش آنها خدایی می شود و هم رفتارشان، اخلاقی و مبتنی بر ارزش های اسلام خواهد

۱- جـاء رجل من الانصار یریـد أن یسأله ــ الحسـین بن علی۷ ــ حاجةً، فقال۷: «یـا اخا الانصار صُن وجهک عن بـذله المسأله وارفع حاجتـک فی رقعهٍ فـإنی آتٍ فیهـا ماسارَّک إن شاءالله،» فکتب: یا اباعبـدالله إن لفلان علی خمس مائه دینارٍ وقـد ألـحَّ بی فکلمه ینظرنی إلی میسرهٍ فلما قرأ الحسین۷ الرقعهَ دخل إلی منزله فاخرج صُرَّهً فیها إلف دینارٍ و قال۷ له: «أما خمس مائهٍ فاقض بهـا دَینـک و أمـا خمس مـائهٍ فاسـتعی بهـا علی دهرک ولاترفع حاجتک إلا إلی احـد ثلاثه: إلی ذی دینٍ، او مُرُوَّهٍ، او حسبٍ.» (تحف العقول، ترجمه: احمد جنتی، ص ۳۹۰).

شـد. به طور کلی، راهکارهـا را بایـد در جنبه های شـناختی، عاطفی و رفتاری به کار بست تا این سه جهت را در مردم به ویژه جهادگران اقتصادی تقویت کند و پرورش دهد.

کتاب نامه

ص:۲۲۸

کتاب نامه

* قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی.

* نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه: محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین۷، ۱۳۷۸.

آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر (عربی ـ فارسی)، تهران، نی، ۱۳۷۹.

ابراهیمی، محمدحسن، اقتصاد در قرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ه . ق.

ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الامالی، تهران، کتاب خانه اسلامیه، ۱۳۶۲.

ـــــــــــــــــــــــ، الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ه . ق.

ابن شعبه حرانی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ه . ق.

ـــــــــــــــــــــــ، تحف العقول، ترجمه: احمد جنتی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.

ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابی طالب، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹.

ابن مسکویه، احمد، تهذیب الاخلاق، بیروت، مکتبه الحیاه، بی تا.

ابن منظور، محمد بن مکرم ، لسان العرب، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.

ابو زهره، محمد، خاتم النبیین، بیروت، مکتبه العصریه، بی تا.

اخلاق کارگزاران در بیانات مقام معظم رهبری، تهران، سازمان امور اداری و استخدامی کشور، ۱۳۷۸.

اداره کل مطالعات اجتماعی (وابسته به نیروی انتظامی)، چکیده تحقیقات و مطالعات اجتماعی، تهران، آشنایی، ۱۳۸۴.

استوت، دانیل، برگزیده دانش نامه دین، ارتباطات و رسانه، به کوشش: سید حمیدرضا قادری و گروه مترجمان، قم، دفتر عقل، ۱۳۸۸.

اعرافی، علی رضا، فقه تربیتی، تحقیق: سید تقی موسوی و همکاران، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.

انیس، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، بیروت، چاپ دوم، بی تا.

ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، مشهد، دانشگاه علوم رضوی، ۱۳۸۴.

باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، مدرسه، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

ببی، ارل، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: رضا فاضل، تهران، سمت، ۱۳۸۱.

بحرانی، تحف العقول، ترجمه: احمد جنتی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.

براندن، ناتانیل، روان شناسی عزت نفس، ترجمه: مهدی قراچه داغی، تهران، نخستین، ۱۳۸۰.

بلاغی نجفی، محمدجواد، آلاء الرحمان فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ه . ق.

ص:۲۳۱

بندر ریگی، محمد، المنجد (عربی _ فارسی)، تهران، ایران، بی تا.

بیات زنجانی، بیت الله، فقرستیزی، قم، شکوری، ۱۳۷۳.

پاپی نژاد، شـهربانو و سیده فاطمه محبی، شاخص های سنجش وضعیت زنان و خانواده، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۹.

تبریزی، شیخ جواد، سیری کامل در خارج فقه معاصر، تهیه و تنظیم: محمد دادستان، قم، فیضیه، ۱۳۸۲.

تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، قم، مرکز مطالعات تربیت اسلامی، ۱۳۸۰.

تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.

تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵.

جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، تحقیق: احمد واعظی، قم، اسرا، ۱۳۷۶.

حجتی، محمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.

حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

حسن زاده، رمضان، انگیزش و هیجان، تهران، ارسباران، ۱۳۸۶.

حسین زاده، علی، همسران سازگار، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی=، ۱۳۸۶.

حسینی اصفهانی، سید مرتضی، اسلام و راهکار فاصله طبقاتی، قم، فرهنگ قرآن، ۱۳۸۰.

حسینی تهرانی، محمدحسین، رساله لب اللباب، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی، ۱۴۱۹ه . ق.

حسینی، سعید، آینده بشریت در اندیشه شهید مطهری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی=، ۱۳۸۸.

حسینی، سید مصطفی، معارف معاریف، مؤسسه فرهنگی آرایه، صدر، ۱۳۷۶.

حلی، حسن بن یوسف، الباب الحادی عشر، قم، قدس، ۱۳۶۳.

خادمی کوشا، محمدعلی، جوان در پرتو اهل بیت:، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

خلیلیان، محمدجمال، شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی=، ۱۳۸۴.

خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، تهران، علمیه اسلامیه، بی تا.

______________ ، اوصاف الاشراف، تصحیح: نجیب مایل هروی، مشهد، زوار، بی تا.

__________________ ، رساله آداب المتعلمین، ترجمه: باقر غیاثی، تهران، کوکب، ۱۳۶۲.

خورشیدی، عباس، روش ها و فنون تدریس، تهران، یسطرون، ۱۳۸۱.

دادگر، یدالله و تیمور رحمانی، مبانی و اصول علم اقتصاد.

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، بی تا.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.

دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب، بی جا، شریف رضی، ۱۴۱۲ه . ق.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ه .ق.

__________________ ، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، قم، طلیعه نور، ۱۴۲۶ه . ق.

ص:۲۳۳

رحیمیان، محمدحسین و محمدتقی رهبر، آیین تزکیه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰.

رشاد، علی اکبر، دانش نامه علوی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.

روحانی، حسن، امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۹.

سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰.

سبزواری نجفی، محمد، إرشاد الأذهان إلی تفسیر القرآن، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ه . ق.

ستوده، هدایت الله، آسیب شناسی انحرافات اجتماعی، تهران، آوای نور، ۱۳۸۵.

سعادتمند، رسول، درس هایی از امام (عدالت خواهی)، قم، تسنیم، ۱۳۸۹.

______________ ، درس هایی از قناعت و ساده زیستی امام خمینی=، قم، تسنیم، ۱۳۸۹.

شاه آبادی، محمدعلی، تجمل و اسراف، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰.

شبانیا، قاسم، آثار جهاد در روابط بین الملل، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی=، ۱۳۸۶.

شجاعی، محمدصادق، دیدگا ه های روان شناختی مصباح یزدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی=، ۱۳۸۵.

شیخ صدوق، محمد، عیون اخبار الرضا، بی جا، جهان، ۱۳۷۸ه . ق.

________________ ، من لا یحضره الفقیه، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم، ۱۴۱۳ه . ق.

ص:۲۳۴

صانعی، مهدی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، سناباد، ۱۳۷۸.

صدرالدین شیرازی، محمد، شرح اصول کافی، ترجمه: محمد خواجوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶.

صدیق سروستانی، رحمت الله، آسیب شناسی اجتماعی، تهران، سمت، ۱۳۸۸.

صفی علی شاه، حسن، تفسیر صفی، تهران، منوچهری، ۱۳۸۷.

طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.

_______________، خلاصه تعالیم اسلام، به کوشش داوود الهامی، تهران، کعبه، بی تا.

_______________، سنن النبی، ترجمه: لطیف راشدی، قم، همگرا، چاپ نهم، ۱۳۸۲.

_______________، سنن النبی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۶۲.

_______________، مجموعه مقالات، به کوشش: هادی خسروشاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.

طباطبایی، علی، اخلاق اقتصادی، قم، مطبوعات دینی، ۱۳۸۴.

طبرسی، رضی الدین، مکارم الاخلاق، بیروت، منشورات الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۲ه . ق.

_______________، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه: گروه مترجمان، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰.

طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.

طیب، عبدالحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸.

عروسی حویزی، عبد علی، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ه . ق.

علاقه بند، علی، مقدمات مدیریت آموزش، تهران، بعثت، ۱۳۷۳.

فراهانی، مجتبی، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی= (تبیان، دفتر ۱۸)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی=، ۱۳۷۸.

فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت ، ۱۴۱۰ه . ق.

فرمهینی فراهانی، محسن، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران، اسرار دانش، ۱۳۷۸.

فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی جوان، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۴.

فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر صافی، تهران، صدر، ۱۴۱۵ه . ق.

__________________________، اخلاق حسنه، ترجمه محمدباقر ساعدی، قم، پیام آزادی، ۱۳۶۲.

__________________________، محجه البیضاء، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.

قبسات من السیره قاده الهداه، وحده التألیف الکتب الدراسیه، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۴۲۴ه . ق.

قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی تفسیری از قرآن، ۱۳۸۳.

قریشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.

__________________________، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.

قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه: موسوی دامغانی، قم، فیض کاشانی، ۱۳۷۱.

کلمز، هریس و امنه کلارک و رینولد بین، روش های تقویت عزت نفس در نوجوانان، ترجمه: پروین علی پور، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.

ص:۲۳۶

کلینی، محمد، اصول کافی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ه . ق.

______________ ، فروع کافی، بیروت، دارالاضواء،۱۴۱۳ه . ق.

گلی زواره، غلام رضا، جرعه های جان بخش، قم، حضور، ۱۳۷۵.

گنابادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ه . ق.

مارتین، سلگمن، کودک خوش بین، ترجمه: فروزنده داورپناه، تهران، رشد، ۱۳۸۳.

مبانی اقتصاد توحیدی بر اساس اقوال ائمه طاهرین:، تهران، آیت، بی تا.

متقی هندی، علاءالدین، کنزالعمّال، بیروت، مؤسسه رسالت، ۱۴۰۹ه . ق.

مجتبوی نایینی، مهدی، فرهنگ اصطلاحات کار و تأمین اجتماعی، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۷۲.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ه . ق.

مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی=، ۱۳۸۸.

محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه جوان، ترجمه: مهدی مهریزی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵.

________________ ، الگوی مصرف از دیدگاه قرآن و سنت، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۸.

________________ ، حکمت نامه کودک، ترجمه: عباس پسندیده، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵.

________________ ، خردگرایی در قرآن و حدیث، ترجمه: محمد مهریزی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۸.

______________ ، منتخب میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰.

______________ ، میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵.

محمدی، محمدرضا، قناعت و سلامت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی=، ۱۳۸۶.

محمود، علی عبدالحمید، التربیه العقلیه، مصر، قاهره، ۱۴۱۷ه . ق.

مدرسی، محمد، سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

مراغی، احمد بن المصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

مرسی، محمدسعید، فن تربیه الاولاد فی الاسلام، مصر، قاهره، دارالتوزیع و النشر الاسلامیه، ۱۴۲۵ه . ق.

______________ ، فی التعامل مع الاخرین فی الاسلام، طنطا، دارالبشیر للثقافه و العلوم،۱۴۲۱ه . ق.

مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژهشی امام خمینی=، ۱۳۷۶.

______________ ، مشکات (مجموعه آثار)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی=، ۱۳۸۸.

______________ ، مشکات (مجموعه آثار)، پیش نیاز مدیریت اسلامی، نگارش: غلام رضا متقی فر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی=، ۱۳۸۵.

مصطفوی ، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۶۰.

ص:۲۳۸

______________ ، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰.

مطهری، مرتضی، جهاد، تهران، صدرا، بی تا.

______________ ، مجموعه آثار، تهران، صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ .

______________ ، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.

معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰.

مغنیه، محمدجواد، فلسفه اخلاق اسلامی، ترجمه: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، قم، نشر کوکب،۱۳۶۱.

______________ ، تفسیر کاشف، قم، بنیاد بعثت، ۱۳۸۷.

مک کی ماتیو و پاتریک فنینک، رشد و افزایش عزت نفس، ترجمه: مهرناز شهرآرای، تهران، آسیم، ۱۳۸۷.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، الامثل فی تفسیر الکتاب المنزل، قم، مدرسه امیرالمؤمنین۷، ۱۴۲۱ه . ق.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ یازدهم، ۱۳۷۳.

موسوی خمینی، سید روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی=، ۱۳۸۲.

______________ ، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی (عربی ـ فارسی)، بی جا، بی نا، بی تا.

میرکمالی، سید محمد، رهبری و مدیریت آموزشی، تهران، یسطرون، ۱۳۷۸.

میرمعزی، سید حسین، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.

نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، قم، هجرت، ۱۳۸۱.

نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، قم، دارالتفسیر،۱۳۸۱.

________________ ، جامع السعادات، نجف، مطبعه الزهرا، چاپ سوم، ۱۳۸۳ه . ق.

________________ ، معراج السعاده، قم، کشف الغطا، ۱۳۸۲.نظری، حسن آقا، نظریه پردازی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۸۵.

نگارش، حمید و علی باقر نصرآبادی، رمز موفقیت علامه طباطبایی، قم، مؤسسه انتشاراتی ولی عصر، ۱۳۸۸.

نوری، حسین، جهاد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۸.

________________ ، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ه . ق.

نهج الفصاحه، ترجمه: ابراهیم احمدیان، قم، گلستان ادب، ۱۳۸۵.

وزارت بازرگانی، رهنمودهای اقتصادی امام خمینی=، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۶۶.

همپتن، الوود، نگرش مثبت، ترجمه: فهیمه نظری، تهران، استیوایزایران، ۱۳۸۰.

یوسفیان، حسن و احمد حسین شریفی، عقل و وحی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳.

.www. khamenei.ir.

.www.mydocuments.ir

ص:

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹